

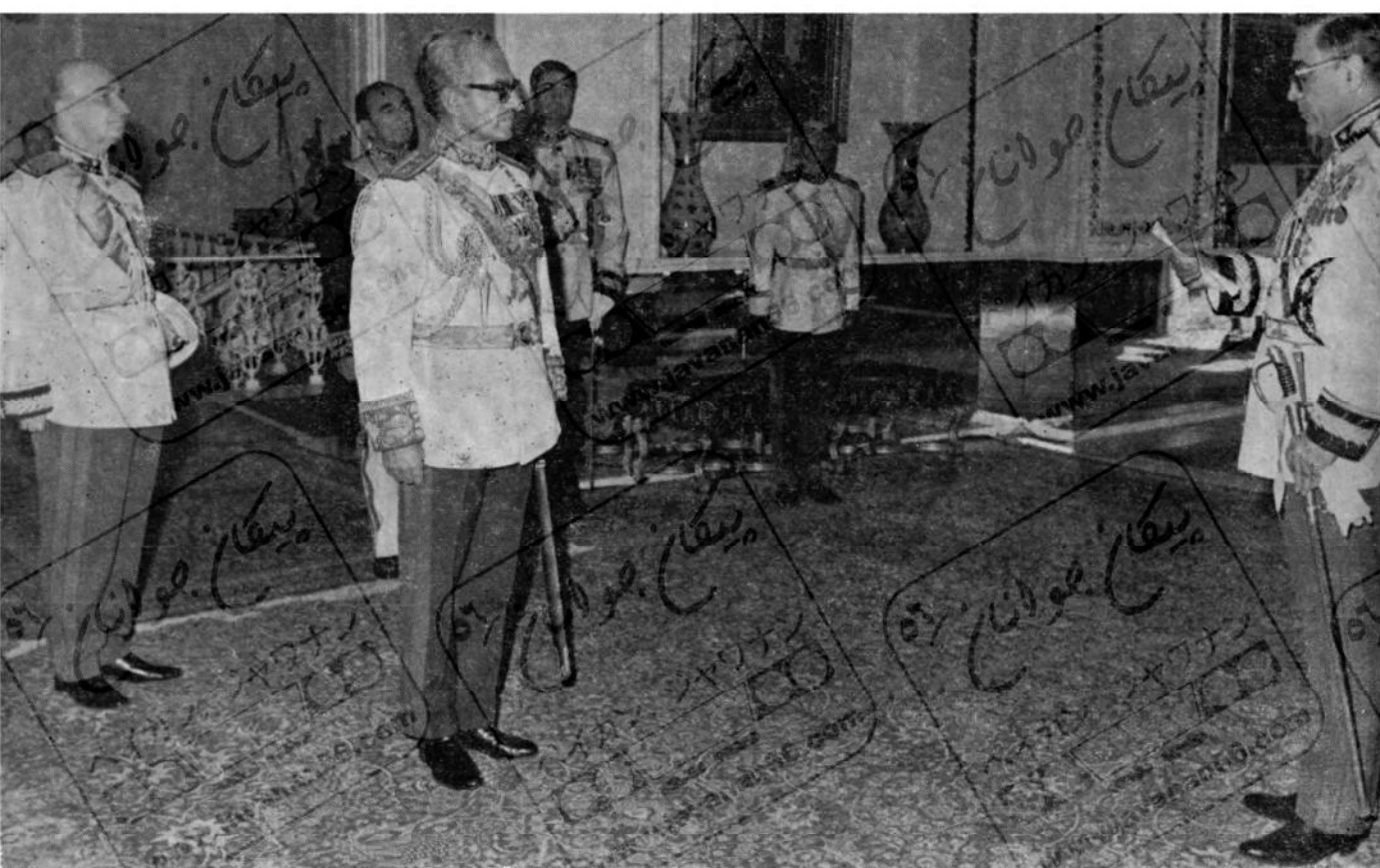


صفحه

۳

صفحه

۴



مراسم سلام عید مبعث

در پیشگاه خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

سربازان و کارمندان ارتش شاهنشاهی-ژاندارمری-شهربانی و نیروی پایداری عید سعید مبعث را که بزرگترین اعیاد اسلامی است همراه با گرمترین درودها و آرزوهای سربازان شاهنشاه به پیشگاه مبارک و لینعت مفخم شادباش عرض نموده و از درگاه خداوند توانا مسئلت کنم که ما سربازان را در سایه عنایات خود توفیق مرحمت فرماید که شایسته خدمتگذاری فرماندهی تاجدار و عظیم الشان خود باشیم . جاوید شاهنشاه . پاینده ایران .

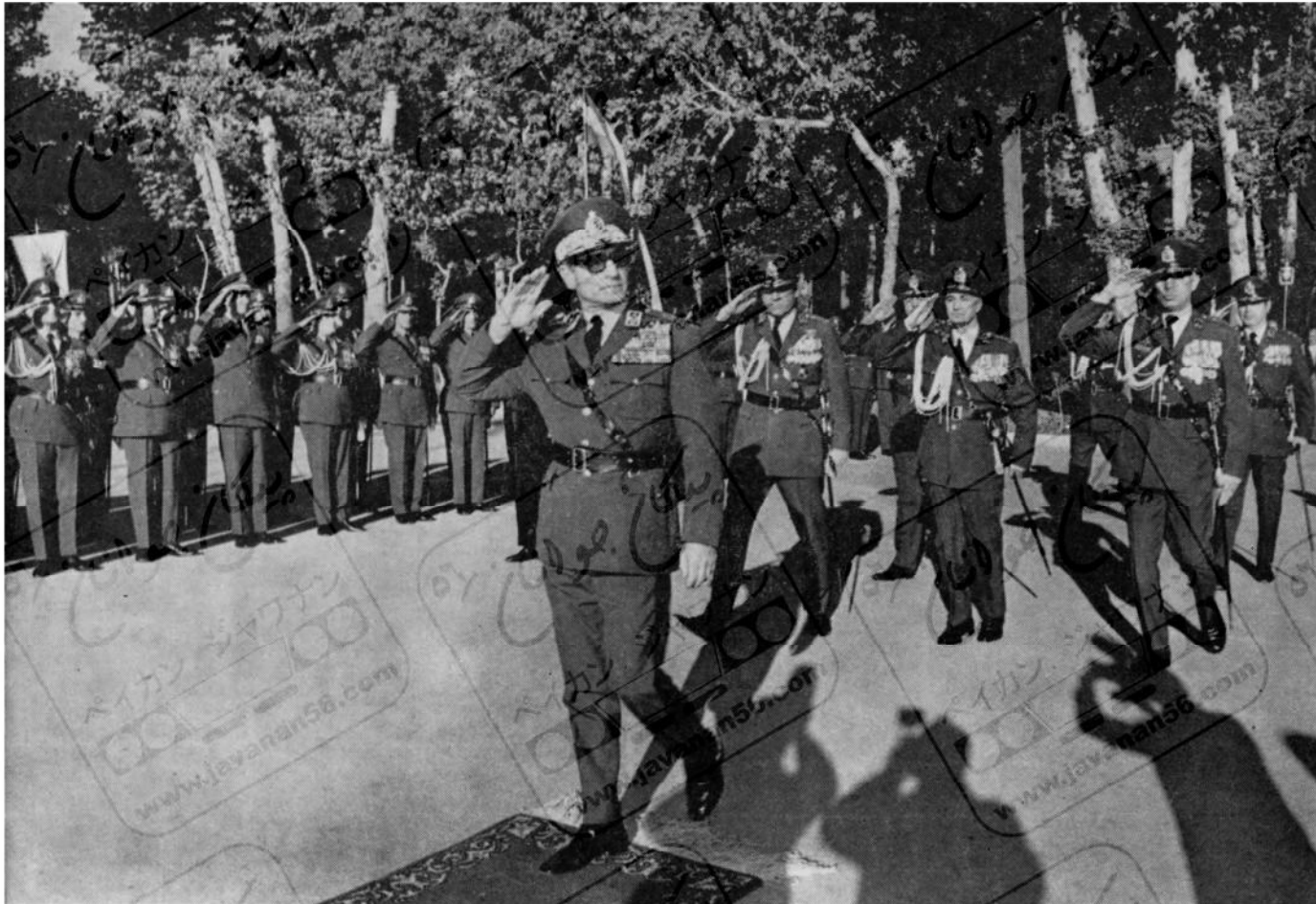
مطبوعات - نمایندگان اصناف و انجمن های محلی و کارگران - امرای ارتش شاهنشاهی-بعضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران شرفیاب شدند و عید مبعث حضرت ختمی مرتبت را تبریک عرض کردند .

**شادباش تیمسار ارتشبد
فریدون جم رئیس ستاد
بزرگ ارتشتاران**

شاهنشاه - جان نثار افتخار
دارد از سوی افسران-درجه داران-

از ساعت نه بامداد هفتم مهرماه مراسم سلام عید سعید مبعث حضرت رسول اکرم در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در کاخ گلستان آغاز شد و این مراسم تا ساعت ۱۲½ ادامه یافت .

در طول این مدت علماء و روحانیون - آقای نخست وزیر - نمایندگان مجلس سنا و شورایملی- وزیران - استانداران - سفرا - وزرای مختار سابق - هیئت دولت با اتفاق قضات و روسای ادارات دولتی- استادان دانشگاه - روسای بنگاه های ملی و بازرگانی و مدیران



آئین پایان تحصیلی دانشجویان دانشکده فرماندهی و ستاد

در پیشگاه خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

در ساعت ۱۶۲۵ روز ۸/۷/۴۹ خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران بمناسبت آئین پایان تحصیلی دانشجویان دانشکده فرماندهی و ستاد بدانشکده فرماندهی و ستاد تشریف فرما شدند .

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی - روسای مجلسین - وزیر دربار شاهنشاهی - گروهی از وزراء و نمایندگان مجلسین - رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ژنرال آجودان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و فرماندهان

نیروهای مسلح شاهنشاهی و گروهی از مدیران جراید و امراء نیروهای مسلح شاهنشاهی دراین آئین حضور داشتند .

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران پس از اعطاء نشان دانشجویان رتبه اول و استادان خطاب بدانشجویان فارغالتحصیل دانشکده فرماندهی و ستاد بیانات مبسوطی ایراد فرمودند و در ساعت ۱۷۴۵ دانشکده فرماندهی و ستاد راترك فرمودند .

فرمایشات خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران درآئین پایان آموزش بیست و سومین دوره دانشکده فرماندهی و ستاد در روز هشتم مهرماه ۱۳۴۹

طی موفقیت آمیز دوره بیست و سوم و گرفتن گواهینامه خاتمه تحصیل را به فارغالتحصیلان تبریک میگویم . اینك عده بیشتری ازافسران تحصیل کرده ارتش به زمره کسانی که قبلا دوره های فرماندهی و ستاد را دیده اند اضافه میشود و اگر بشود گفت که هر دورهای نسبت بدوره پیش مزیتی از لحاظ تکمیل دروس و تطبیق دادن آن با واقعیات و احتیاجات کشور میباشد در ضمن چه درجین عمل وجه باجریانانیکه فعلا از لطفا ورق بزنید



لحظ بالا بردن سطح معلومات عوامی در ارتش ما جریان دارد گلشنگان نیز فرصت اینکار را خواهند داشت که خود را با آخرین سیستم های جدید آشنا بکنند و تسهیلی که برقرار شده است تاحدی بدین منظور است.

میدانم که خیلی از اوقات مختصر فراغتیکه برای افسران مابقی هست چه افسران جزء چه ارشد چه حتی امرا فعلا بهرور و مراجعه بکتاب و جزوات و مطالبی که در سابق درس گرفته اند می باشد. این یکی دوسال اول این زحمات را باید تحمل کرد برای اینکه بدینتهای

مطلوب برسیم. ارتش شاهنشاهی ایران در مملکت ما فعلا نمونه سطح بالای دانش و آموزش بالا ترین نمونه وظیفه شناسی و پرکارترین طبقه شاید مملکت باشد. بکرات در سابق گفته ام که اگر صنعت مابه پایه صنایع مهتک خیلی مقتدر و پیشرفته جهان نرسیده است و حتی مقدرات مالی ما اجازه نمیدهد که یابترین سلاحها گویانکه شاید بهترین سلاحهای غیر اتمی مثل آن که ما الان دارا هستیم و یا بمقدار فراوانیکه بتناسب جمعیت مملکت میباشد دسترسی نداریم لاقلا باید کادر فرماندهی از پائین ترین تا بالاترینش از لحاظ دانش نظامی به بالاترین سطحی که ممکن است و باز تکرار میکنم با تطبیق با واقعیات و شرایط جغرافی و آب و هوا و امکانات لوژیستیک این مملکت مجوز باشد و همان افسر و ابرار چه آن ماسعی میکنم بهترین سلاح امروزه دنیا را بغیر از سلاح اتمی در اختیارشان بگذاریم میدانم که مایکی از اولین اعضاء کنندگان قرارداد یا تصمیم غیر اتمی کردن دنیا بودیم و در این راه پافشاری داریم و پافشاری داریم

که بلکه ذخائر اتمیک جهان نیز از بین برود و در راههای مسالمت آمیز و صلحجویانه مورد استفاده قرار گیرد. برای نیل بیک خلع سلاح عوامی کنترل شده نیز میکوشیم متاسفانه حرفه ایانیکه در همین چند سال اخیر در همین محل تذکر داده ام به مرحله حقیقت و واقع بینی نزدیک بوده است و آن اینک ملت که دارای تشکیلات دفاعی نباشد در دنیای امروز ما از یکطرف متاسفانه مقابل ما یک سازمان ملل ضعیف و بی اختیار از طرف دیگر نظام چند و یاحس عدم مسئولیت بعضی ها وضعی را پیش آورده است که ولو آن مملکتی که قادر بدفاع از خویش نباشد دارای تمام حقوق قانونی و شناخته شده بین المللی باشد باز بجه هوی و هوس دیگران و عملیات تجاوز کارانه و ظالمانه دیگران واقع میشود.

یکمرتبه در جنگ اول در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۸ مملکت ایران روی ضعف و نداشتن حکومت مرکزی قوی و نداشتن هیچگونه ارتش منظم و منسجل مورد تاخت و تاز و احیاناً تفرجگاه دیگران واقع شده بود و میدانم که بعد از جنگ درمعه و رسای کسی شاید حتی حاضر نبود نه فقط بدطالب ماعتنائی بکند حتی به آنها گوش بدهد و جنگ بین الملل دوم نیز با وجودیکه عمیقانه مابسیاست بیطرفی و کناره گیری از اجرا چون و مخصصات بودیم احتیاجات آنروز کسانی را بمملکت ما آورد که آنها انیکه سشنان میرسد شاهد بودند که اشغال مملکت بجه قیمت طاقت فرسانی برای ما تمام شد برخلاف مثل معروف این دو، سه نخواهد شد مگر از روی بدتهای بی جان نیرو های مسلح این مملکت از روی اجساد بلکه عموم بگذرند چرا چون امروز در مملکت ایران هر

فرد ایرانی در بقای این مملکت هم مسئولیتی دارد و هم سهمی دارد از زارع و برزگر گرفته تا کارگر و غیره هر کسی در این مملکت هم مقامی دارد هم سهمی دارد هم مسئولیتی، طبیعی است که هیچکس حاضر نخواهد بود این موقعیت را از دست بدهد چون چه چیزی ممکن است از لحاظ معنوی جای وطن را برای او بگیرد و چه چیزی میتواند بهتر از این مگر دوام همین وضع و تکامل همین وضع زندگی مادی او را تامین بکند. پس برای ملامت روز جنگ، جنگ میبانی است و اگر اتفاقی بیفتد این مملکت باید قادر باشد به تنهایی از عهده هر اتفاق منطقه ای بر بیاید با وجود تمام دوستیها و هم پیمانیها انیکه احیاناً ما با ممالک دیگر داریم برای این قبیل اتفاقات صرفاً روی قدرت خود حساب میکنیم و این شرط عقل است.

اگر بعضی ها فکر بکنند که دوستانی داریم پس هر وقت خطری این مملکت را تهدید کرد یک تلگراف بفرستید بدوستانتان که خواهش میکنیم بکمال مایانید مردمان کوتاه فکری هستند یا کسانی هستند که بتاریخ کوچترین مراجعه ای نمیکنند. ما میدانیم سرنوشت این قبیل ممالک ممالک خوش باور یا زمامداران لاابالی چیست. اگر خارجی بکمال آن، آن مملکت بیاید دیگر آن کشور نه قدر و نه منزلتی دارد و نه در زمره ممالک زنده باقی میماند بلکه مبدل به روسی میشود که بایست باصطلاح آزاد کنندگان یا حامیان خود میچرخد یا احیاناً مورد معامله سیاسی قرار میگیرد پس همانطور که گفتیم از لحاظ مادی ما و سائلی را بشما ارتش شاهنشاهی و نیروهای مسلح ایران خواهیم داد که قادر بحفظ این مملکت در هر اتفاق منطقه ای بیفتد و برای استفاده از این وسائل که متاسفانه مفت بدست نمی آید و بقیعت بسیار گران برای ما تمام میشود و شاید هر کدام از آنها قیمتش مساوی با یک مرخصخانه یا چند دیستان و دبیرستان است که مملکت بدان احتیاج دارد با وجود این برای اینکه آن دبیرستانها آن دبستانها آن بیمارستانها مادر آینده بتوانیم بسازیم باید مملکتی باقی باشد و موقعی باقی خواهد بود این مملکت که این فلان کاریهای فعلی را برای تجهیز نیروهای مسلح بتوانند بودین جهت شما افسران باید شایسته حفظ نگهداری خدای تکرده اگر روزی اتفاقی بیفتد استعمال و حداکثر استفاده از این سلاحها را داشته باشید.

مطمئن هستم که ارتش ما با اضافه شدن شما فارغ التحصیلان و افراد خدمت گزار دیگر خود دارای ثروت معنوی و اخلاقی و علم بیشتری خواهد شد و همگی با شایستگی موفق بانجام وظایف خود خواهید بود.



رپورتر ، ستوانیکم ایرج یزدانی

عکس‌ها از آژانس عکس خبری ایران

مانور مشترك صحرا

آريامهر بزرگ ارتشتاران در علي آباد قم انجام گرديد .
 شياطين سرخ تيب SAS ارتش پادشاهي انگلستان است و چون دو تيب ايران و انگلستان بنوعي باهم نزديكي ماموريت و وظائف

نيرو هاي ويژه هوايبرد ارتش انگلستان (شياطين سرخ) بنام مانور مشترك صحرا ب مدت هفت هفته در ايران انجام ميگردد كه در تاريخ ۴۹/۷/۱۲ اولين برنامه اين تمرين در پيشگاه مبارك اعليحضرت همايون شاهنشاه

بنابتصويب اعليحضرت همايون شاهنشاه آريامهر بزرگ ارتشتاران و هستند بپيشنهاد نيروي زميني شاهنشاهي- مانور مشترك صحرا- بين نيروهاي ويژه هوايبرد ارتش شاهنشاهي (كله سبزها) و تيب

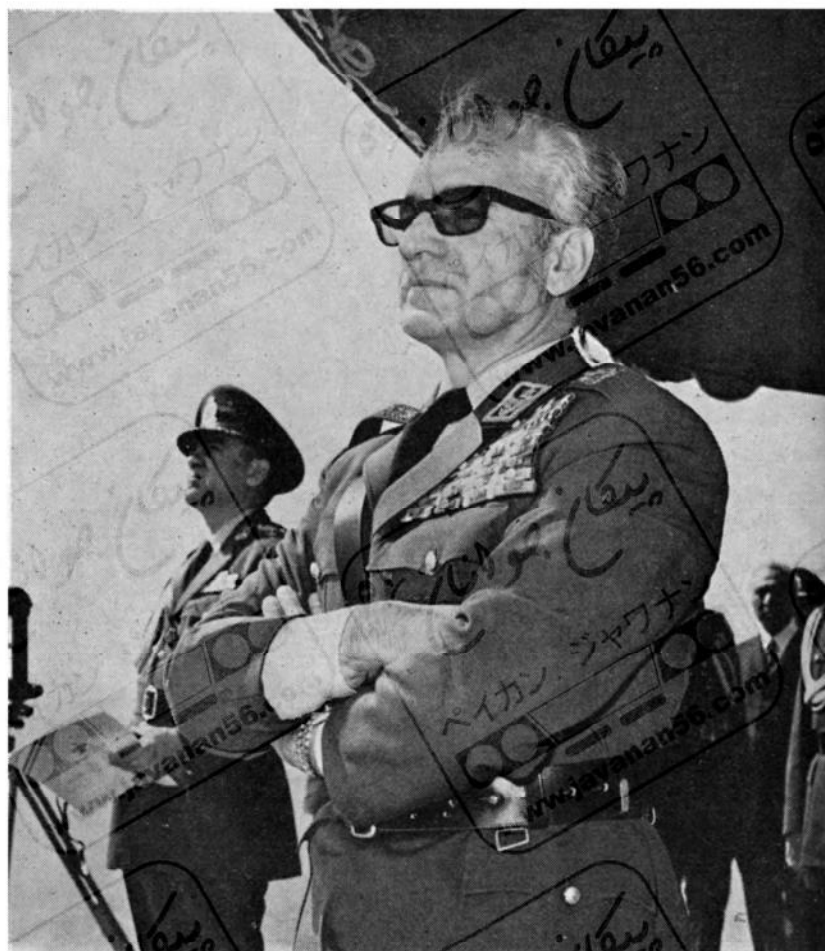
تو اما طی کردند و امسال يك گردان
کامل با وسایل سازمانی برای کار
های عملی بیشتر به مبنای آشنائی
و آموزشهای دو سال گذشته بایران
آمدند .

مراحل مانور

نظر بشرايط خاص جغرافيايی
کشور شاهنشاهی ایران و کشور
پادشاهی انگلستان و تجربياتی که
دو يگان در زمینه های مختلف دارا
هستند بنوع شايسته ای دو يگان
تجارب خود را مبادله کردند و برنامه
های مانور ذيل را اجرا نمودند .

— برنامه توجیهي و آشنائی —
تیراندازی های مختلف سلاح های
دو يگان با گلوله و مهمات حقیقی .

لطفاً ورق بزنیید



دارند تصمیم گرفته شد بمنظور
مبادله تجارب آموزشی نظامی و
اصولا آشنائی به تکنیک و تاکتیک
طرفینی که هر روز بنا بموقعیت
های مختلف ممکن است تغییر کند
مانور مشترکی انجام گردد .

سابقه

در سال ۱۳۴۷ تعدادی از
پرسنل نیروهای ویژه هواپرد(کلاه
سبز های ایران) بانگلستان عزیمت
نمودند و تحت آموزش تیپ SAS
انگلستان قرار گرفتند و سپس در
سال ۱۳۴۸ عده ای از تیپ SAS
انگلستان بایران آمدند و آموزش
هائی در زمینه سقوط آزاد رزمی
تخریب در سطح بالا و تخصص
و آموزش های جنگل و غیره را

– عملیات آب خاکی – عملیات آب خاکی با يك گروه رزمی از تیپ نیرو های ویژه هوابرد و يك تیم SAS انگلستان که دوناو نیروی دریائی شاهنشاهی ایران آنها را پشتیبانی میکردند انجام شد .

این عملیات با اجرای يك پرش دستجمعی در آب در سواحل بندر عباس از هواپیماهای نیروی هوائی شاهنشاهی ایران آغاز گردید .

بلافاصله پس از عملیات پرش در آب قایق های مامور جمع آوری نفرات را بداخل دوناو از نیروی دریائی شاهنشاهی ایران هدایت نمودند .

این عملیات که از بندر عباس تا دهانه ناو انجام گردید ، عده ها با پشتیبانی آتش توانستند بطور شایسته ای عملیات دستبرد را در ساحل با استفاده از وسایل وقایق های ابتکاری انجام دهند. این مانور که بمدت ۲۲ روز انجام شد دو تیم بصورت يك یگان مستقل شرکت داشتند این مانور از نظر نوع عملیات و سرعت عمل و ورزیدگی هر دو تیم ارزش فراوانی برای هر دو یگان بوجود آورد .

سقوط آزاد رزمی

در این مانور دو تیم نیرو های ویژه و هوابرد و SAS انگلستان با تجهیزات و سلاح سازمانی انواع عملیات دستبرد را از راه هوا و بوسیله سقوط آزاد انجام دادند. در طی این عملیات دو تیم مشترکاً روی هدفهای مشخص و مختلفی پیاده شدند و هدف های خود را احاطه کردند و توانستند هدف های خود را بوسیله سلاح های سازمانی و مواد منفجره جهت تخریب تاسیساتی که بعنوان هدف تعیین شده بود اشغال نمایند این عملیات

در منطقه فارس انجام گردید و همزمان با عملیات آب خاکی و در همان مدت ادامه داشت . در این عملیات هر دو تیم بنحو بارزی درخشیدند و توانستند ماموریت مربوطه را بنحو شایسته ای انجام دهند .

عملیات در مناطق جنگلی و کوهستان

در این مرحله عده های ایرانی و انگلیسی در منطقه سد امیرکبیر عملیات مشترکاً انجام دادند در این مانور طی عملیاتی طرز استفاده از پناهگاههای جنگلی و کمپ های چریکی و همچنین زندگی در شرایط سخت بمرحله اجرا درآمد و عده ها مانور هائی در جنگل و کوهستان انجام دادند و هدف های خود را سمت یابی و مشخص نمودند این مانور نیز همزمان با مانور های دیگر انجام و ۲۲ روز طول کشید.

عملیات در کویر

تاکنون طی کردن مسافتی تا این حد طولانی و عمیق در کویر برای تیپ نیرو های ویژه هوابرد تازگی داشت و هیچ تیمی تاکنون نتوانسته است مسافتی را باین حد طی نماید . در کویر تپه ماهور هائی بارتفاع ۱۰۰ تا ۱۲۰ متر وجود داشت. شن های بسیار نرم – شرایط جوی – شبهای بسیار سرد و روز های بسیار گرم طاقت پرسنل نیرو های ویژه هوابرد را آزمود و در طی مانور های متعدد در کویر افراد هر دو تیم آزمایش بسیار خوبی را گذراندند و بنحو بارزی ماموریت محوله را انجام دادند این مانور همزمان با دیگر مانور ها ۲۲ روز بطول انجامید.

تخریب

در خلال این مدت يك تیم مرکب ایرانی و انگلیسی عملیات تخریب

ابتکاری انجام دادند که بنحوبسیار شایسته ای توانستند بوسیله مواد منفجره که نفرات بصورت ابتکاری و جدید از وسایل موجود بوجود می آوردند مواد منفجره مورد لزوم را تهیه و مورد استفاده قرار دهند.

امکانات مخابراتی

در این مانور ها که تهیه برنامه آن حدود ۵ ماه بطول انجامید امکانات مخابراتی تیپ نیرو های ویژه هوابرد بنوع بارزی مورد ارزیابی قرار گرفت و امکانات مخابراتی تیپ در برد های خیلی بلند بمیزان عالی مورد تأیید قرار گرفت .

جانبازی در راه انجام وظیفه

در خلال این مانور یکی از پرسنل تیپ نیرو های ویژه هوابرد بنام گروهان یکم قاسم محمودی که یکی از درجه داران بسیار ورزیده و ممتاز این تیپ بود بعلت شجاعت و بی باکی زیاد که برای بدست آوردن و اشغال هدف ابراز نمود چون با گلوله های حقیقی بطرف



هدف تیراندازی میشد مورد اصابت گلوله واقع شده و بافتخار شهادت نائل آمد .





اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ
ارتشتاران به معاون اداری دانشکده افسری
نشان دانش اعطا میفرمایند .



آئین جشن پایان تحصیلی دانشجویان دانشکده افسری

در ساعت ۱۶۰۰ - ۴۹۷۱۵ در پیشگاه
خدا یگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران
آئین جشن پایان تحصیلی دانشجویان
دانشکده افسری و ژاندارمری کل کشور
دانشکده خلبانی نیروی هوایی شاهنشاهی و دانشکده
پلیس و آئین سوگند و اعطاء سردوشی
دانشجویان دانشکده افسری برگزار گردید.
در این آئین آقای نخست وزیر - روسای
دومجلس - چندتن از وزیران - رئیس ستاد
بزرگ ارتشتاران - ژنرال آجودان اعلیحضرت
همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران -
فرماندهان نیروهای مسلح شاهنشاهی -
روسای تشریفات دربار شاهنشاهی - نمایندگان
مجلسین - گروهی از شخصیت‌های برجسته
کشوری و گروهی از ازمراء نیروهای مسلح
شاهنشاهی و وابستگان نظامی - مدیران و
خبرنگاران جراید - استادان دانشکده افسری

و عده‌ای از خانواده‌های افسران و دانشجویان
دانشکده افسری حضور داشتند.
ابتدا گزارش نظامی وسیله فرمانده
دانشکده افسری به عرض رسید و سپس
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ
ارتشتاران از یگانها سان دیدند پس از آن
جوایز رتبه‌های اول و سردوشی نماینده
دانشجویان جدید را مرحمت فرمودند در این
هنگام رژه افسران فارغ التحصیل و دانشجویان
دانشکده افسری از پیشگاه مبارک شاهانه
آغاز گردید پس از آن شاهنشاه آریامهر از
میدان ورزش تابستانی دانشکده افسری و
عملیات ورزشی دانشجویان دیدن فرمودند
و این آئین در ساعت ۱۷۲۰ پایان پذیرفت و
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ
ارتشتاران محوطه دانشکده افسری را ترک
فرمودند.



آئین سالروز نیروی هوایی شاهنشاهی

در پیشگاه خدایگان شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشتاران

در ساعت ۱۰۰۰ بامداد ۴۹۷۲۵ آئین سالروز نیروی هوایی شاهنشاهی در پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران و والاحضرت همایون ولایتعهد و علیاحضرت شهبانو بانسکوه و جلال خاصی در گوشه نصرت کیلومتر ۱۰۰ تهران - قم برگزار گردید.

تیم آکروجت (تاج طلانی) و خلبانان هواپیماهای فانتوم که آخرین پدیده هوایی

جهان امروز است آنچنان ارزندگی از خود نشان دادند که باعث حیرت بینندگان شد. در این آئین چندتن از خاندان جلیل سلطنت آقای نخست وزیر، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، جمعی از وزیران، رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ژنرال آجودان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران، فرمانده نیروی

هوایی، فرمانده نیروی دریایی شاهنشاهی، جمعی از نمایندگان دومجلس، گروهی از اعضاء ارتش شاهنشاهی، وابسته های نظامی خارجی در ایران و شخصیت های برجسته کشوری، جمعی از مدیران و سردبیران مطبوعات و چندین هزار تماشاچی حضور داشتند. این آئین در ساعت ۱۱۳۰ پایان یافت و اعلیحضرتین ساعت ۱۱۵۵ منطقه عملیات را ترک فرمودند.

طراحان جنگهای نامنظم، استراتژی- هائی مانند استراتژی طولانی نمودن جنگ، جنگ مردم، ارباب و وحشت، وحدت تلاش و جنبه متشکل که زیرکانه با نکات روانی درهم بافته شده اند اتخاذ کرده اند. در حالیکه در اصل روبرو شدن با این استراتژی- ها مشکل است، لیکن میتوان راه روبرو شدن با آنها را اندیشید. گروهی از سیاستمداران و روشن فکران آمریکائی در باره ویت نام میگویند: «ما در جنگی شرکت کرده ایم که هرگز پیروز

اقدامات ممانعتی سنتی و کلاسیک خود را درگیر نبردی طولانی مینمایند و در حقیقت بازیچه او قرار میگیرند. این کشورها در نتیجه با مسائل واقعی دست و پنجه نرم نمی کنند و با دنبال کردن استانداردهای جنگ معمولی که تصور میکنند جنگ را خواهند برد، شکست خود را تضمین می نمایند.

لازمه پیروزی در هر نبردی شناخت استراتژی های حریف در مراحل نخستین نبرد و اتخاذ

هستیم... هرچه بیشتر ما بجنگیم، مردم بیشتر با هم همدست میشوند و جنبش دمکراتیک جهانی از بیرون بیشتر ما را پشتیبانی خواهد کرد. از سوی دیگر، هر چقدر دشمن بیشتر بجنگد، جنبشهای ضد جنگ بیشتر در کشورش متشکل میشود و دست و پاگیرش میشود، جنبش- های انقلابی در مستعمرات، نیروهای دشمن را تقسیم مینمایند و در عرصه بین الملل، حریف خود را تنها احساس میکند. برای اینکه

آیا پیروزی در جنگهای نامنظم ممکن است؟

بتوان بهمه این نتایج رسید، جنگ باید طولانی شود...

ترونک چین، پیروزی جنگهای انقلابی را با استراتژی طولانی کردن جنگ در چین درك کرده بود. مائوتسه تونگ در سال ۱۹۳۸ به پیروان خود گفته است: «ارزیابی منطقی و صحیح شرایط و مقدرات دشمن و خود ما روشن میسازد که تنها راه رسیدن به پیروزی نهائی این است که از نظر استراتژیکی جنگ را طولانی تر میسازیم».

احتیاج به گفتن نیست که استراتژی طولانی کردن جنگ برای مائو و ترونک چین هر دو سود بخش بود و خوب کار کرد.

دنباله روهای مائو و ترونک چین، هنوز هم از استراتژی طولانی کردن جنگ، برای هدایت جنگهای شورشی در سراسر جهان استفاده مینمایند.

ژنرال ونجین جیاپ وزیر دفاع ویت نام شمالی و مغز متفکر و طراح اصلی ویت کنگها اخیرا گفته

تدابیر مناسب برای روبرو شدن با آنها میباشد، شناخت استراتژی- های حریف در جنگهای نامنظم بسیار پیچیده و مشکل است زیرا او زیرکانه آنها را استتار مینماید و خطر آنها را کمتر از آنچه هست وانمود میکند. لیکن تجربه نشان داده که اگر بتوان ماهیت استراتژی حریف را بمردم شناساند، اتخاذ راههای مناسب برای مقابله با آنها و بگونه ای که مغایر با سنن و آداب و کیفیت حکومتی نیز نباشند ممکن میگردد. ترونک چین دبیر کل حزب کمونیست ویت نام در سال ۱۹۴۷ در باره استراتژی انقلاب چین مینویسد: «کلید پیروزی، طولانی نمودن جنگ است. چرا جنگ را باید طولانی کرد؟ زیرا اگر ما نیروهای خود را با آنچه حریف در اختیار دارد مقایسه کنیم، می بینیم که دشمن هنوز نیرومند است و ما هنوز ضعیف

نخواهیم شد.» اگر این گفته حقیقت داشته باشد، جهان آزاد با شکل بدی از جنگ روبروست، خطر چنین وضعیتی آشکار است. زیرا کشورهای حریف، هر موقع که مقتضی بدانند میتوانند دست به چنین نبردی بزنند.

در حقیقت آنها که جنگهای انقلابی را پایه ریزی کرده اند، آنها بگونه ای با مهارت و زرنگی طرح ریزی کرده اند که کشورهای باختری برای روبرو شدن با آن مشکلات بزرگی را در برابر خود به بینید. در پاره ای موارد، اتخاذ تدابیر مناسب برای روبرو شدن با استراتژی حریف مغایر سیستم- های سنتی و کیفیت حکومتی کشورهای باختری میباشد.

گروهی از مردم این تناقض را درك نمینمایند و معتقدند که حکومت نمیتواند با نیمیخواهد بگونه مناسب وقایعی با این استراتژی ها روبرو شود.

بدون درك و شناخت استراتژی حریف، کشورهای هدف، با اتخاذ

است : « امپریالیست های ایالات متحده که میخواستند يك جنگ برق آسا را اجرا کنند، اینك مجبور شده اند كه در يك جنگ طولانی شركت نمایند. در حقیقت، اینكه امپریالیست های ایالات متحده مجبور شده اند تا در يك جنگ طولانی شركت نمایند، شكست بزرگی برای آنها میباشد. »

خلاصه، شورشیان نبردی دراز و طولانی را كه بعنوان حقیقت زندگی بدانها تحمیل شده است در پیش گرفته اند و آنرا بشكلی استراتژی كه بسیار بنفع آنها و زیان حریفشان هست درآورده اند.

اگر تاریخ را دقیقاً بررسی نمایم می بینیم كه استراتژیستین های جنگهای شورشی بدرستی ومنطقی حكومت ها را ارزیابی کرده اند و نگذاشته اند این حكومت ها از پشتیبانی كامل مردم برخوردار باشند. این مسئله بویژه در مورد دولتهائی كه با شورشیان در خارج از سرزمین كشور خود روبرو بوده اند صادق میباشد.

مردم حكومتهای ملی، معمولاً در آغاز باشوق و علاقه به پشتیبانی از حكومت خود برمیخیزند، لیكن انتظار دارند كه با استفاده از تكنولوژی و انبوه سلاح در کوتاهترین مدت بجنگ پایان داده شود و پیروزی نصیب آنها بشود.

همانطور كه جنگ طولانی میشود و هزینه آن از نظر مادی و شماره تلفات نیروی انسانی بالا میرود، این مردم بخشم درمی آیند و علاقه آنها بادامه جنگ كاهش می یابد.

تسرس از اینکه ممكن است جنگ گسترش یابد، مخالفت دیگر كشور ها با ادامه چنین جنگی آغاز میشود. برای اینکه به احساسات مردم و اجتماعات بین المللی احترام گذارده شود، این حكومتها سست میشوند و اجازه میدهند تا شورشی ها پیروز شوند. ما با شواهد

بیشماری از چنین پایان هائی آشنا هستیم. انقلاب آمریکا، انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، الجزایر، هندوچین، قبرس مثالهای بارزی میباشد. با استناد به گفته های جیپ امید شورشیان در ویت نام این است كه آمریکا نیز در این كشور به چنین سرنوشتی دچار شود.

چگونه میتوان با استراتژی طولانی كردن جنگ روبرو شد؟ بدون شك با آنچه جیپ جنگ برق آسا اصطلاح کرده است ممكن نیست. پیروزی در جنگهای شورشی احتیاج به پشتیبانی عموم دارد. قلبها و افكار مردم مانند بدنهای آنها بسادگی تسخیر نمیگردند. كسب این پشتیبانی نیاز به ثبات حكومتی و ایجاد احساس امنیت و آرامش دارد.

بدون شك اگر اقدامات سریع وفوری ومنطقی بعمل آید، ابتكار عمل از دست شورشیان خارج خواهد شد و نبرد کوتاه تر میشود. لیكن اجرای این اقدامات، بویژه وقتی عناصر شورشی وانقلابی مجهز، سازمان یافته و با هوش باشند احتیاج بزمان دارد. بنابر این، این حكومتها باید خود را آماده برای اجرای يك نبرد طولانی بنمایند.

برای هدایت چنین جنگی، باید بمردم فهماند كه هزینه مادی و تلفات نیروی انسانی نسبتاً سنگین است و دورنمای پیروزی برای مدتی دراز تیره و مبهم خواهد بود. آنها باید خود را برای نبرد با حریفی سرسخت و بردبار آماده سازند.

رسیدن به چنین عزم وتصمیمی تنها میتواند مبتنی بر پذیرش هدف جنگ توسط عموم وفهم كامل استراتژی جنگهای انقلابی و شورشی باشد. در تجزیه وتحلیل

نهایی، در يك جنگ شورشی طولانی، این مردم هستند كه بر روی پیروزی یا شكست تصمیم میگیرند.

تكیه ترونك چین، بر روی « استراتژیكي جنگ مردم » نظر مائوتسه تونگ را كه گفته است: « غنی ترین منبع قدرت شكرف جنگ از توده های مردم ناشی میشود » تأیید مینماید ومیگوید: « این جنگ مردم خیلی سخت و طولانی است. برای پیروز شدن همه مردم باید درآن شركت جویند، مسئولیت آنرا بدوش كشتند، شجاع باشند و قربانی بدهند. از این روی همه مردم باید بسیج شوند. »

آشكاراست، آنچه را كه رهبران جنگهای شورشی میگویند اینست كه نبرد باید درمیان مردم، با مردم و برای پشتیبانی از آنها هدایت گردد. لیكن استراتژی خود بیش از این معنی میدهد. معنی استراتژی اینست كه مردم بسیج شوند، بسیجی كه در سرتاسر تاریخ چنین جنگهایی به چشم میخورد. معنی استراتژی جنگ مردم نه تنها ارائه صحیح تبلیغ را لازم مینماید، بلكه سازمان دادن و هدایت مردم را بگونه ای كه ابزار نیرومندی برای اجرای هدفهای انقلابی گردند نیز ضروری میسازد.

از این روی، انقلابیون تلاش فراوانی را برای سازمان دادن و هدایت مردم مبذول میدارند. ژنرال جیپ در كتاب خود «جنگ مردم، ارتش مردم» مینویسد: « برای تهیه خوب به منظور يك قیام مسلحانه مهمترین و ضروری ترین كار تبلیغ در میان توده های مردم، سازمان دادن، توسعه و تركيب این سازمانها برای نجات ورهائی ملی است. تنها با اتكاء بسازمانهای

سیاسی نیرومند می‌توان سازمانهای نیمه مسلح، گروههای چریکی و یکانهای چریکی را سازمان داد که ارتباط نزدیکی باتوده‌های انقلابی داشته باشند تا بتوان بندریج آنها را توسعه داد و تکمیل نمود. نویسندگان فرانسوی، بدرستی این ترکیب سازمانی انقلابی را بعنوان سلسله مراتب‌های موازی تعریف کرده‌اند. تحت لجام آهنین آن، انقلابیون می‌توانند مردم را اندیشمندانه بکار ببرند و از آنها بهره‌برداری نمایند.

این لجام است که حکومت‌های هدف بسختی توانسته‌اند آنرا پاره کنند و بشکنند. در اشاره بمردم در جنگ انقلابی، تئوریسین فرانسوی سرهنگ (لاشروی) یکبار نوشت: «اگر ظرف راز است و محکم نگه‌دارید، هرچه بخواهید می‌توانید در آن جای دهید». در حالیکه این یک تصویر روشن و آشکاری از شیوه انقلابی بسیج توده‌ها می‌باشد، مغایر ارزشهای انسانی اجتماعات نیز هست. اجتماعات آزاد معمولاً مبارزه برای جلب پشتیبانی مردم را در یک میدان بازو آزاد می‌پسندند. در این مسابقه پیروزی نصیب گروهی میشود که اقداماتشان منطقی‌تر و بیشتر با حقیقت همراه باشد. لزومی بذکر این مطلب نیست که شکاف عمیقی میان جلب پشتیبانی مردم و استراتژی انقلابی بسیج مردم وجود دارد.

بهر حال شکاف بین این دو استراتژی نه تنها از نظر وسعت مهم است، بلکه این شکاف در برابر جلب پشتیبانی مردم سدی برای بسیج مردم بوجود می‌آورد. ارائه خوب، اقدامات منطقی و صداقت تنها در یک محیط باز و آزاد می‌توانند مؤثر باشند. استراتژی انقلابی محیط مسدود و محدودی را می‌آفریند. بنابر این

در برابر اقدامات اصلاحی و منطقی حکومت نمیتوانند پشتیبانی مؤثر مردم را بدست آورند. از آنجا که گمان نمی‌رود، هدایت کنندگان جنگهای شورشی و انقلابی، در استراتژی موفقیت‌آمیز جنگ مردم تغییری بدهند، تنها راه برای روبرو شدن با چنین وضعیتی این است که باید استراتژی مناسب باتدبیر حریف اتخاذ گردد، توسعه داده شود و بکار رود. در اتخاذ چنین استراتژی متقابلی باید پشتیبانی مردم را بدست آورد و بندهای سلسله مراتب موازی انقلابی را ازدست و پای مردم باز کرد و حکومت اثر وجودی خود را نشان دهد و اقدامات تأمینی و سازمانی مؤثری را اعمال نماید.

گروهی ممکن است چنین تعبیر نمایند که اتخاذ چنین استراتژی خود محیط مسدود و محدودی را بوجود می‌آورد.

احتمالاً ممکن است چنین باشد، لیکن اجتماعات آزاد بکرات و در موارد غیر عادی واضطراری بویژه جنگ آزادی عمل را محدود کرده‌اند تا سرزمین خود را علیه متجاوزین حفظ نمایند.

نکته مهم دیگر در لزوم این محدودیت اینست که در شرایط غیر عادی، مردم خود پهنه نبرد میشوند و نیاز به محافظت پیدا میکنند. آیا وجدان یک اجتماع آزاد میتواند این محدودیت را بپذیرد، سمثالی است که پاسخ آنرا باید خود مردم بدهند.

رهبر انقلابی الجزایر بلقاسم کریم استراتژی دیگر جنگهای شورشی را چنین خلاصه می‌نماید: «نخست من سعی کردم که از اعمال استراتژی ارباب و وحشت دوری گزینم زیرا این استراتژی مؤثر نیست، نمیتوان مردم را با فشار و تهدید نگه‌داشت. ما به پشتیبانی مردم نیاز داریم.

لیکن ما در میان خود خائنین داریم و ما باید با اقدامات مانع قتل عام‌ها و بمباران‌ها پاسخ بگوئیم. این جنگ سختی است و احتمالاً چیز خوبی هم هست».

بلقاسم کریم گر چه بعداً استراتژی ارباب و وحشت را رد کرد، لیکن مائوتسه‌تونگ در سال ۱۹۲۷ گفت: «بطور خلاصه لازم بود که یک لجام وحشت مختصری در اطراف هر منطقه غیر شهری کشیده شود، در غیر این صورت، هرگز نمیتوان مانع اقدامات ضد شورشی در مراکز روستائی شد و سقوط مقامات حکومتی را ممکن ساخت».

بطور کلی، ارباب و وحشت، بخصوص ایجاد ترور و وحشت یک استراتژی است که هدایت کنندگان جنگهای شورشی مکرر از آن استفاده کرده ولی بعقل سیاسی کمتر درباره آن حرف زده‌اند. ایجاد ترور و وحشت، شکل اصلی نبرد در بسیاری از جنگهای شورشی مثلاً در مالایا، الجزایر، کنیا Kenya فلسطین و قبرس بوده است. بعنوان مثال در سال ۱۹۶۷، اعمال ترور و وحشت در ویتنام بحدی رسیده بود که تروریست‌های ویت‌کنگ دست کم در هر روز ده نفر غیر نظامی را می‌کشتند و ۱۵ رومی دزدیدند.

ایجاد محیط وحشت و ارباب، چه سودی میتواند برای عناصر شورشی داشته باشد؟ در پاسخ بدین پرسش، سرهنگ (مک کوون) مدیر بررسی‌های پدافند داخلی در دانشگاه جنگ نیروی زمینی آمریکا میگوید:

«ارباب و وحشت زندگی را برای مردم غیر قابل تحمل می‌سازد، اعتبار حکومت را پائین می‌آورد، باعث سقوط رهبران مخالف میشود، مردم را مجبور می‌سازد تا به کنترل بقیه در صفحه ۹۱



در عملیات تهاجمی دور، رس مورد بررسی قرار دهند.

دیگر آنکه در همین زمان دریافته اند که صنعت شوروی هنوز نمی تواند پاسخگوی نیاز یگانهای بزرگ زرهی باشد.

در نتیجه در سال ۱۹۴۰ ستاد ارتش شوروی به نظریه «زرهی بمنزله یک سلاح پشتیبانی برای پیاده» بازگشت و تشکیل تیپ های پیاده و مکانیزه و تانک شکل اصلی سازمانی نیروی زرهی گردید.

ارتش سرخ در نخستین ماههای جنگ بعلت خورد کردن یگانهای بزرگ باتلفات سنگین وسایل بویژه تانکها روبرو شد.

افزایش محصول

در سال ۱۹۴۲ وضع روبه بهبودی نهاد صنایع تانک سازی که بسوی سرزمین های شرق اورال تخلیه شده بود بکار ساختن تانک تعداد زیاد پرداخت بطوریکه محصول تانک و توپخانه خودکشی در این سال از رقم ۲۴۶۰۰ نیز فزونی گرفت. در این زمان سرفرماندهی ارتش

در بازپسین سالهای ۳۰ (۱) سرفرماندهی ارتش شوروی تدبیر زرهی را بر پایه سازمان یگانهای بزرگ تصویب کرد و این موضوع سبب توسعه سپاه یکم مکانیزه شد که از دو لشکر تانک و یک لشکر پیاده موتوریزه ترکیب یافته بود و رویهمرفته ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰ خودروی زرهی داشت.

بنابراین نظرات ارتش شوروی درباره زرهی دنبال روی از نظریه غرب بود جز آنکه پاره ای از هواداران زرهی باور داشتند که این نیرو می تواند در عملیات مستقل نیز شرکت جوید.

اما این دکتربین تابانجا نرسید که مدعی شود که نیروی زرهی می تواند بدون پشتیبانی پیاده عمل کند. از اینرو لشکر تانک یک تیپ پیاده را برای پشتیبانی سه تیپ تانک خود نگاهداشت و همین نحو چنانکه یاد کردیم در سپاه یکم مکانیزه نیز یک لشکر پیاده موتوریزه برای پشتیبانی دولشکر تانک وجود داشت. این فکر یعنی نیاز به پیاده برای

«قدرت ضربت نیروهای زمینی ما را در گسترش پهناور این قدرت در سراسر نیروها که کاربرد تانک در آنها بعد اشباع رسیده است تضمین میکند... تانکها وسیله اصلی استفاده سریع از موفقیت هایی است که نیروهای هوایی، موشکی و توپخانه مابا ضربات سهمگین خود در عمق جبهه دشمن، بدست آورده اند...»

این سخنان نماینده نسل نسبتا جوان نظامی شوروی است که اکنون بمیان صحنه گام نهاده است. او مارشال «ایوان. ی. یاکوبوفسکی» معاون اول وزارت دفاع شوروی و فرمانده نیروهای پیمان ورشو است. از آنجا که مارشال یاکوبوفسکی بروشنی بانقش برجسته تانک روبرو شده وقت آنست که به چگونگی کاربرد نیروی زرهی ارتش شوروی در دومین جنگ جهانی تگاهی تازه افکنیم.

شورویا بتازگی خطوط اصلی و برجسته تجربیات خود را از جنگ جهانی دوم در یک رشته گفتارهایی که از سال ۱۹۳۶ در «روزنامه تاریخ نظامی» چاپ شده ترسیم کرده اند که کوتاه شده آنرا در اینجا می آوریم.

دکترین پیش از جنگ ارتش شوروی که بر پایه کاربرد تانک بشکل یگان های بزرگ قرار داشت، بعلت برداشت درست آن از امکانات این جنگ افزار نوین و تاندازه های آزمایش نشده قابل توجه بود. از اینرو در این زمان نباید از کاربرد تانکها بصورت توده در ارتش شوروی دچار شکفتی شویم.

جنگ داخلی که بدنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ رخ داد تاندازه زیادی «یک جنگ حرکت» بود که درس اسردشت های پهناور اوکراین، سیبری و آسیای میانه جریان داشت و در نتیجه بسیاری از افراد سواره نظام ارتش سرخ دوسالهای ۱۹۳۰ ادج زیادی یافته و رهبری نبرد را به عهده گرفتند. در دیده اینان زرهی مدعی طبیعی میراث دیرین سواره نظام در ارتش شوروی بود.

نظری به دکترین زرهی ارتش شوروی

در جنگ جهانی دوم و

شوروی بار دیگر به تشکیل سازمان یگان های بزرگ تانک و مکانیزه همت گماشت، نخستین یگان سپاه تانک بود که در اصل بصورت لشکر تانک در نیمه سال ۱۹۴۲ سازمان یافت و مرکب بود از

سه تیپ تانک و یک تیپ موتوریزه پیاده و همچنین سپاه جدید مکانیزه با سه تیپ پیاده مکانیزه و یک تیپ تانک، که اندکی پس از آن پدید آمد.

این دوسپاه در زمان جنگ همواره در حال تغییر بودند و آخرین دگرگونیها نشان میداد که سپاه تانک لطفا ورق بزنید

پشتیبانی یگانهای بزرگ زرهی در بازپسین نبرد لشکر و ارتش زرهی نیز دنبال میشود.

نخستین دگرگونیها

با آنکه طرح سازمان یگانهای بزرگ تانک بتصویب رسیده بود اما دو نکته اساسی سبب شده که در این طرح دگرگونیهایی پدید آید. نخست آنکه آموزشهای شوروی ها در نبرد داخلی آسیایا آنانرا واداشت تا با دیگر امکانات تانک را در زمینه کاربرد آن

(۱) منظور از سالهای ۱۹۳۰ یا کوتاه شدن آن سالهای ۳۰ یا دهه ۳۰ سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ است.

نوشته:

سرهنگ چارلز فیتزجرالد

ترجمه:

سرگرد زرهی ستاد منوچهر ملک

شامل سه تیپ تانک هرکدام دارای ۵۵ تانک و یک تیپ مکانیزه پیاده با ۴۲ تانک و همچنین دارای ۶۳ توپ هجومی و رویه پرفته ۲۷۰ خودروی زرهی بود.

سپاه مکانیزه نیز شامل سه تیپ مکانیزه پیاده هرکدام دارای ۴۲ تانک و یک تیپ تانک با ۵۷ تانک بغلاوه ۶۳ توپ هجومی و رویه پرفته دارای ۲۶۴ خودروی زرهی بود.

در سال ۱۹۴۳ ستاد ارتش شوروی سازمان ارتش تانک را تصویب کرد. تعداد این ارتشها در پایان جنگ در فهرست یگانهای ارتش به شش ارتش میرسید و تمام این ارتشها در احتیاط قرارگاه کل قرار داشتند که به یگانهای جلو در جایگاه عملیات خود را روی محورهای مناسب تر و مهمتر هدایت میکردند مأمور میشدند.

ارتش تانک مأموریت های گامی را اجرا میکرد که به یگانها و یانیرو- های مرکب و اگزار میشد. این عملیات عبارت بودند از:

«رخنه»، «عملیات دورانی»، «تعاقب»، «استفاده از موفقیت» «تصرف هدفهای حیاتی»، «نیرو های پوشش»، «پیشروی برای اخذ تماس» و «پاتک های سنگین».

در جدول سازمان تجهیزات سال ۱۹۴۳ برای ارتش تانک دو سپاه تانک و یک سپاه مکانیزه و نیز یک رشته عوامل پشتیبانی شامل توپخانه، توپخانه ضد هوایی، مهندسی و یگانهای مخابرات منظور شده بود.

استعداد این ارتش عبارت بود از: ۴۷۰۰۰ مرد، ۶۲۰ تانک، ۱۸۰ توپ خودکشی و رویه پرفته ۸۰۹ خودروی زرهی.

عوامل سازمانی و پشتیبانی توپخانه شامل ۶۰۰ خمپاره و توپخانه کشتی با کالیبر بیشتر از ۷۶ میلیمتر بود.

(۱) در این ترجمه من یگانها را که از افراد و وسایل تشکیل میشود جاندار انگاشته ام و از اینرو در جمع فعل را با فاعل تطبیق داده ام. مترجم

از اینرو این ارتش می توانست جدا از نیروهای مرکب و یا ارتش پیاده در عملیات مستقل شرکت جوید. همچنین در یک لحظه دو ارتش تانک می توانستند بهم پیوند و نیروی ضربت سهمگینی را پدید آورند.

تا نیمه سال ۱۹۴۴ ارتش های تانک بعلت شرکت در نبردهای پی در پی و با وقفه های کوتاه با استعدادی کمتر از حد مجاز خود می جنگیدند ولی با اینهمه تجمع دو ارتش تانک روی یک محور پیشروی دست کم ۱۰۰۰ تانک در اختیار فرماندهی جلو قرار میداده تا آنها را بمنزله نیروی «استفاده از موفقیت» بکار برد.

عملیات «ویستول - ادر»

عملیات «ویستول ادر» مثال برجسته ایست که کاربرد انبوه تانکها را در چنین آرایشهایی بغوی نشان میدهد.

این عملیات در دو جبهه اجرا گردید یکی در جبهه Belorussian بفرماندهی مارشال «گورگی . ل. ژوکف» و دیگری در جبهه «اوکرائین» بفرماندهی مارشال «ایوان . س . کونو»

میان این دو جبهه بیش از ۶۰۰۰ خودروی زرهی مسترده بود که بوسیله فرماندهان هر دو جبهه کنترل میشد و با آنها توانستند در هر مایل از منطقه جلو - در جایکه باید رخنه ایجاد شود - بیش از صد تانک و توپخانه خودکشی متمرکز سازند.

جبهه ژوکف دارای دو ارتش تانک، دو سپاه جداگانه تانک، ۵ تیپ جداگانه تانک، ۳۵ هنگ توپخانه خودکشی و تانک (هر هنگ با ۱۶ خودروی زرهی) ۱۳ گردان توپخانه خودکشی (هر گردان با ۱۲ توپ) و رویه پرفته ۳۲۲۰ خودروی زرهی بود.

ژوکف دو ارتش تانک را که نیمه از خودروهای زرهی او را در برداشت برای نیروی استفاده از موفقیت نگاهداشت و دو سپاه تانک را بهر یک

از دو ارتش مرکب که رویه نیروی حمله اصلی را تشکیل میدادند مأمور کرد و سپس تمام یگانهای کوچک زرهی را در پشتیبانی مستقیم لشکر های پیاده رده یکم گذاشت.

«حلقه اتصال»

پس از آنکه دفاع دشمن در هم شکست، ارتشهای تانک در دومین روز نبرد درگیر عملیات «استفاده از موفقیت» شدند و بهنگامی که این ارتشها در میان دو شکاف ایجاد شده در پهلوی مواضع پدافندی آلمانیها به پیش میروانند، ژوکف فرمان داد که لشکرهای پیاده تمام یگانهای زرهی پشتیبانی مستقیم خود را رها سازند تا در جلو در کنترل ارتشهای تانک قرار گیرند.

این یگانها با یکدیگر تانک تشکیل «گروههای موقت تعاقب» را دادند که چون یک «حلقه اتصال» بین ارتشهای تانک - که به تندی پیش میرفتند - و یگانهای پیاده - که به کندی می آمدند - در عملیات شرکت جستند.

در نتیجه «بکار بردن توده» جبهه Belorussian از «ویستول» تا ادر «را» (۳۷۵ تا ۴۳۵ مایل) ۱۶ روزه (از ۱۶ ژانویه تا ۱ فوریه ۱۹۴۵) پیمود.

میانگین پیشروی روزانه ۲۵ تا ۳۰ مایل بود.

اما چند روزی ارتش های تانک روزانه تا ۴۵ مایل هم پیش میرفتند. جدول صفحه مقابل بر پایه میزان پیشروی ارتش های تانک ارتش شوروی در عملیات «استفاده از موفقیت» در جنگ دوم تنظیم شده است.

هرچه بنا بدترین زرهی ارتش شوروی کاربرد یگانهای بزرگ زرهی ویژه عملیات «استفاده از موفقیت» بود، اما گاهی وضعیت ایجاب میکرد که ارتش تانک بطور مستقل و یا به همراه ارتش مرکب بعملیات «رخنه» بپردازد.

کمبود توپخانه و یگانهای زرهی

پشتیبانی مستقیم برخی از عواملی بود که از کاربرد ارتشهای پیاده در عملیات «رخنه سریع» که برای درگیری بعدی ارتش تانک در نقش نیروی «استفاده از موفقیت» مورد نیاز بود جلوگیری میکرد.

ارتش تانک چه در نقش «نیروی رخنه» و چه در نقش «نیروی استفاده از موفقیت» هرگاه وضعیت اجازه میداد در نخستین روز نبرد درگیر عملیات میشد.

این درگیری در عملیات «استفاده از موفقیت» هنگامی اجرا میشد که ارتش مرکب از ۱ تا ۳ مایل در ژرفای «خط اصلی مقاومت» دشمن رخنه کرده بود.

در بیشتر عملیات در غروب نخستین روز نبرد ارتش های تانک «رخنه» را انجام داده و تا ۱۲ مایل پیش رفتند.

این پیشروی در آخرین مرحله نبرد گاهی در همان روز یکم تا ۲۵ مایل نیز میرسید.

سازمان برای رزم

ارتش تانک هنگام «پیشروی برای اخذ تماس» چهار مسیر برای راهپیمایی خود برمیگزید (دو مسیر برای هریک از سپاههای رده یکم و بدینسان دو تیپ پیشرو هر سپاه هرکدام دارای مسیر جداگانه ای برای پیشروی بود).

پسهای گسترش ارتش تانک در عملیات پیشروی برای اخذ تماس به ۲۰ تا ۲۵ مایل میرسید.

ارتش تانک بنابه مأموریت خود یعنی «رخنه»، «استفاده از موفقیت» و «تعاقب» برای رزم سازمان مییافت. در بیشتر موارد فرمانده ارتش تانک دو سپاه ارتش خود را در یک رده سازمان میداد و در همان حال یک تیپ تقویت شده تانک را در احتیاط ارتش نگاه میداشت.

ارتش تانک استاندارد که سه سپاه داشت بطور معمول در دوره با دو سپاه تانک در خط و سپاه مکانیزه در رده دوم سازمان داده میشد.

لطفاً ورق بزنید

میزان پیشروی ارتش های تانک ارتش شوروی

نام عملیات	تاریخ	نام یگان	زمان استفاده از موفقیت (به روز)	مقدار کل پیشروی (به مایل)	میانگین پیشروی روزانه (به مایل)
Belorussian	جون تا جولای ۱۹۴۴	ارتش دوم تانک	۴	۹۵-۱۰۰	۲۰-۲۵
		گارد پنجم ارتش تانک	۱۳	۲۴۰	۱۸
Yassyk, ishinev	اگوست تا سپتامبر ۱۹۴۴	جبهه دوم اوکرائین	۵	۱۲۰	۲۵
		جبهه سوم اوکرائین	۵	۱۰۵	۲۱
East-Prussian	ژانویه تا آوریل ۱۹۴۵	جبهه دوم بلژیک - روسیه ؟	۶	۱۰۵-۱۵۰	۱۸-۲۵
		جبهه سوم بلژیک - روسیه ؟	۸	۶۰-۷۵	۷-۹
Manchurian	اگوست ۱۹۴۵	گارد ششم ارتش تانک	۱۰	۵۱۰	۵۱

روشی که بکار برده میشد همیشه عملیات پیشروی خود را در دومحور مجزا بصورت عملیات « دورانی- مضاعف » اجرا میکرد و هدف آن بوده که ارتباط یگانهای احاطه شده را با نیروهای همسایه و یگانهای عملیاتی احتیاط قطع کند. نیروی « گروه متحرک » آنقدر « جبهه های داخلی را خالی » خود را نگاه میداشت تا یگانهای مختلف ارتش بتوانند به تشکیل سدمحصره پرداخته و یگانهای احاطه شده را درهم شکنند.

ژرفای احاطه یبلوهای دشمن به ترکیب، گسترش ورده بندی نیرو- های اوونیز به دسترسی اش به یگان های عملیاتی احتیاط بستگی داشت. هدف عملیات « دورانی مضاعف » همیشه محاصره تمام گروه دشمن بود .

در دوسال آخر جنگ « گروههای متحرک » عملیات « دورانی مضاعف » رادر ۳ تا ۵ روز تمام میکردند. جز در عملیات بوداپست در دسامبر ۱۹۴۴ و عملیات برلین که اولی شش روز و دومی ۸ روز برای تکمیل عملیات دورانی نیاز داشت.

دستور العمل مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۴۲ وزارت دفاع شوروی مقرر داشت که سپاه تانک در عملیات « تعاقب » در « محور تلاش اصلی » بکار رود. اما همینکه ارتشهای تانک در سال ۱۹۴۳ پدید آمدند، این ارتشها نیروهای تعاقب فرمانده جلو را تشکیل داده و مأموریتهای زیرین را به عهده گرفتند:

تصرف کدراها و کدرتنها و محل تقاطع راههای حیاتی و همچنین آماده نمودن زمینه برای درهم شکستن نیروی دشمن در عقب نشینی. عوامل حیاتی (عواملی که در تعیین سر نوشت قاطعیت دارند)

چگونگی دفاع دشمن، گسترش نیروهای اصلی و احتیاط او، نسبت نیروها در امتداد محور تلاش اصلی بقیه در صفحه ۹۹

شد که نه تنها نیروی شوروی بر نیروی آلمان چندان برتر نبود بلکه ارتش آلمان نیروی بزرگی در احتیاط داشت که می توانست به راهی نیروی احاطه شده کمک کند. از اینرو برای آنکه « جبهه داخلی » بتواند پیش از متوقف شدن مانور بوسیله احتیاط دشمن، عملیات احاطه را تکمیل کند به برتری نیرو نیاز داشت.

احاطه مضاعف

همچنانکه توازن نیروها در سراسر جبهه « آلمان شوروی » در سال های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ بسود شوروی تغییر میکرد، شیوه تشکیل « جبهه های داخلی و خارجی » بطور همزمان بیشتر بکار میرفت با اینهمه در آخرین مرحله عملیات برلین با آنکه برتری نیروهای زرهی ارتش شوروی بچهار برابر میرسید باز نخستین روش بکار برده شد.

بهر سان « گروه متحرک » در هر

و « احاطه » بکار برده میشد « گروههای متحرک » نام داشت . فرمانده ارتش پیاده یک سپاه تانک یا مکانیزه و فرمانده ارتش تانک یک سپاه تانک را در این نقش بکار می بردند. اما بهر سان مأموریت این یگانها در نقش گروه متحرک گسترش « جبهه های داخلی و خارجی » احاطه بمنزله مانور مقدماتی بود. برای گسترش این جبهه ها دوروش بکار میرفت .

یکی آنکه نخست بگسترش جبهه داخلی و سپس بگسترش جبهه خارجی پردازند و دیگر آنکه دوجبهه را بطور همزمان در دومحور پیشروی جداگانه تشکیل دهند.

کاربرد هر یک از این روشها بستگی داشت به تدبیر کلی عملیات و همچنین به نسبت نیروها و ترکیب و اندازه یگانهای زرهی، که در دسترس فرماندهی ارتش شوروی بود.

نخستین روش هنگامی بکار برده

اما هنگام اجرای عملیات رخنه سپاه مکانیزه پیاده در رده یکم قرار میگرفت و یکی از دو سپاه تانک را تعویض میکرد . سپاه تانک نیز بنوبه خود در دورده سازمان می یافت بدینسان که دو تیپ تانک رده یکم، و تیپ سوم به همراه تیپ پیاده موتوریزه رده دوم را تشکیل میداد .

ارتش هوایی با ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ هواپیما به جلو و در پشتیبانی مستقیم ارتش تانک مأمور میشد .

مأموریت اولیه ارتش هوایی پشتیبانی عمومی یگانهای جلو در اجرای عملیات « رخنه سریع » بود تا آنکه ارتش تانک بتواند در نخستین روز نبرد درگیر عملیات شود .

ارتش هوایی سپس تلاش اصلی خود را تغییر میداد تا پیروزی ارتش تانک را در عملیات « استفاده از موفقیت » تضمین کند .

گروههای متحرک

آرایش هایی که در عملیات « دورانی »

نبرد علیه جنگ افزارهای ضدتانک

تانک ، يك دسته تانك يا توپهای خودكششی ، يك دسته يا يك آتشبار توپ ضد تانك (درنظر گرفته شوند .

معمولا با آتش مستقیم به هدفهای نقطه‌ای تانك میشود و بعلا نیار کمتر به مهمات این نوع آتش از نظر اقتصادی با صرفه‌تر است . این وظیفه به‌پده توپهای گردان توپخانه و توپخانه زرهی ، توپهای خودكششی ، تانکها ، و جنگ افزار های پرتاب موشك هدایت شونده ضد تانك واگذار میشود .

هدفهای منطقه‌ای که در خارج از نقاط مستحکم قرار دارند از مواضع پوشیده و بوسیله دسته ها ، آتشبارها و گردان ها مضروب میشوند . عملیات توپخانه بر علیه جنگ افزارهای ضدتانك دشمن نیز شامل خنثی کردن آتشبارهای توپخانه دشمن میباشد . دل مهمی که در مجموعه پدافند ضد تانك به آتشبارهای توپخانه مستقر در مواضع پوشیده واگذار میشود بخوبی روشن است این آتشبارها قادر هستند که تانکهای دشمن را که در گمگاه ها (مناطق تجمع) ، در حال پیشروی به سوی کبه جلوی منطقه نبرد (لجمن) ، در حال آرایش یافتن برای نبرد و یادرجال اجرای تانك هستند متهدم سازند .

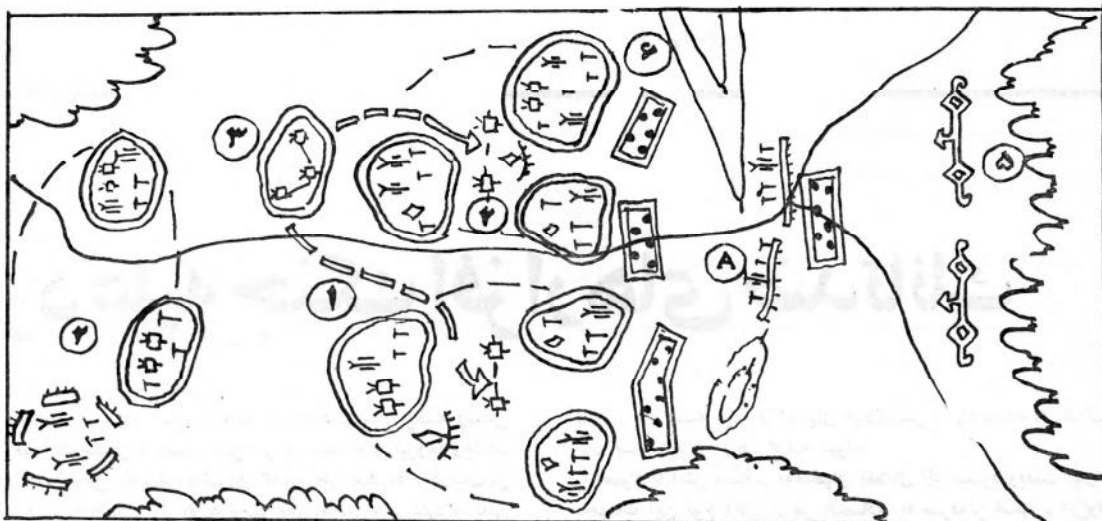
لطفا ورق بزنید

در جنگهای امروزی ، یکی از مهمترین اقدامات نبرد بر علیه وسائل وادوات ضدتانك دشمن میباشد . این امر بوسیله کلیه نیروها و جنگ افزارهای در دسترس یگانهای پیشروی کننده اجرا میگردد . در میان این نیروها و جنگ افزارها ، دل اولیه و مهم به توپخانه تعلق دارد که باین ترتیب در سرتاسر مدت نبرد تلاش برای متهدم ساختن وسائل ضد تانك دشمن از وظایف اولیه این رسته است .

قبل از هر چیز ، آتش توپخانه برای انهدام نقاط مستحکم گروهان ورسته در منطقه پدافند دشمن و جنگ افزارهای ضدتانك وی که در داخل وفواصل نقاط مستحکم قرار داده شده‌اند هدایت میگردد . نوع اصلی آتش توپخانه برای خنثی کردن نقاط مستحکم ، آتش تمرکزی گردان (آتشبار) است که از مواضع پوشیده اجراء گردیده و این آتش با آتش مستقیم بر روی هدفهای مجزی تکمیل میگردد .

جنگ افزارهای ضدتانك که در خارج از نقاط مستحکم مستقر گردیده میتواند یا بعنوان هدفهای نقطه‌ای (مثل يك وسیله پرتاب موشك هدایت شونده ، يك تانك یا توپ خودكششی در پناهگاه ، و يك توپ ضدتانك) بوده و یا هدفهای منطقه‌ای (مثل يك آتشبار موشك هدایت شونده ضد





شمای ماموریت‌های توپخانه در نبرد برعلیه جنگ‌افزارهای ضدتانک

- ۱- یگانهای پیشروی کننده ۲- آتشبارهای خمپاره ۳- گردان توپخانه ۴- توپها و تانک‌ها ، وسائل یرتاب اتمی که آتش مستقیم اجرا مینمایند . ۵- نقاط مستحکم ۶- آتشبار توپخانه.

میشود. برای خنثی نمودن تانکها، پرسنل نفربرهای زرهی و جنگ‌افزارهای ضد تانک گلوله‌های منفجره شدید بکار برده میشود. چون معمولاً این قبیل هدفها از پستهای دیدبانی زمینی قابل رویت نیستند، برای تنظیم آتش از هلیکوپتر، هواپیمای شناسائی استفاده میگردد.

بایستی بغاظر داشت که در یک نبرد آتشی، امکانات آتش توپخانه برعلیه وسائل ضد تانک تا اندازه‌ای افزایش می‌یابد. این امر باین حقیقت بستگی دارد که تانک‌های پیشروی کننده و پیاده‌موتوریزه بیشتر اوقات در عمق پدافند به جنگ‌افزارهای دشمن که در صحنه نبرد مانور نموده و یا پاتک‌ها را دفع میکنند آتش مینمایند. در این حالت برای خنثی نمودن جنگ‌افزارهای ضد تانک بدون پوشش دشمن و یا انهدام دید آنها توپخانه اجرای آتش مینماید، و این امر دیدبانی و شناسائی و صرفه‌جویی در مهمات را تسهیل مینماید.

علاوه بر ماموریت‌های ذکر شده در بالا، توپخانه برای بازگرداندن درمیدانهای مین ضد تانک نیز آتش اجرا مینماید. بعنوان یک قاعده، هرگاه وسائل و تجهیزات مهندسی و تخریبات ویژه بدلانلی بانجم این ماموریت قادر نباشد از آتش توپخانه استفاده میشود.

در شکل بالا ماموریت توپخانه در نبرد برعلیه جنگ‌افزارهای ضدتانک نشان داده شده است.

عملیات «لوو - ساندو» که در جولای ۱۹۴۴ بوسیله ارتش شوروی اجرا گردید می‌تواند یک مثال آموزنده از سازمان دادن نبرد برعلیه جنگ‌افزارهای ضد تانک دشمن باشد. مثال دیگر، رخنه در پدافند دشمن در سمت «اوا - روسکا» نزدیک شهر «گروخوف» است که با یک شناسائی قبلی سیستم پدافندی ضد تانک دشمن را کشف و معلوم نمود که دشمن در منطقه مواضع دوم، خط پدافندی ضد تانک سنگینی مستقر نموده است. در این نبرد، در طول بهار اولیه یگانهای توپخانه با همکاری با نیروی هوایی بطور مطمئن کلیه هدفهای موجود خنثی گردید. در شروع عملیات، با شروع پیشروی تانک‌ها از خط عزیمت، در طول

بقیه در صفحه ۸۳

باین علت، و بعنوان یک قاعده و برای تضمین موفقیت در خنثی نمودن آتشبارهای توپخانه تفوق بیشتری از نظر وسائل و جنگ‌افزار بدست می‌آید. آتشبارهای توپخانه دشمن در مقابل یگانهای توپخانه که با هواپیمائی همکاری میکنند قرار میگیرند. در طرحریزی برای خنثی کردن آتشبارهای توپخانه دشمن بایستی در مورد هر آتشبار ضد هوایی که کشف شود و ممکن است در طول رخنه در عمق در مقابل تانک‌های تانکور قرار گیرند حساب نمود. خنثی کردن بموقع این جنگ‌افزارها به تانک یگانهای پیشروی کننده اجازه میدهد که بطور موفقیت آمیزتری بر پدافند دشمن غلبه نموده و برای یگانهای هوایی که تانک‌ها و پیاده‌ها را پشتیبانی میکنند تامین بیشتری فراهم نماید.

بمنظور مختل نمودن سیستم کنترل جنگ‌افزارهای ضدتانک و کاهش اثرات استفاده آتش توپخانه آنها بایستی پاسگاههای فرماندهی دشمن، رادارها، وادوات دیدبانی در شب را غیر فعال و یا منهدم نمود. این عمل بوسیله آتشبارهای توپخانه که در مواضع پوشیده قرار دارند و نیز با اجرای آتش مستقیم توپها عملی میگردد. بغیر از خنثی نمودن و آتش انهدامی، کور نمودن پستهای دیدبانی، وسائل شناسائی دشمن و آتش جنگ‌افزارهای ضد تانک ممکن است گلوله‌های دودانگیز مخصوص بکار برده شوند آتش برای کور نمودن دشمن بوسیله یک توپ، دسته یا آتشبار با توجه به اهمیت و وسعت هدف اجرا میگردد.

طرحریزی مشروح آتش توپخانه برای اجرای آتش برعلیه تانکهای رده دوم دشمن و احتیاط وی در گمگاه و بصورت متحرک، و همچنین برعلیه یگانهای ضد تانک که احتیاطهای ضد تانک را تشکیل میدهند بیشه‌ای اهمیت دارد. خنثی نمودن این هدفها بطور قابل توجهی مانور دشمن را که بوسیله جنگ‌افزارهای ضد تانک و در خطوط مورد تهدید پیشروی اجرا میشود محدود یا خنثی و از آن جلوگیری مینماید و با این ترتیب بطور کلی پدافند ضد تانک دشمن را ضعیف مینماید.

برای اجرای آتش بر روی مناطقی که تانکها متحرک شده و با احتیاط ضد تانک قرار دارند، آتش برد بلند توپخانه از مواضع پوشیده بکار برده

اندزهای ناپلئون

این که رسیدن و اشغال خطوط تهیه شده برای او میسر یا برای حمله بدشمن که میخواهد بمحل و پادگان محاصره شده برسد آماده باشد ولی اگر نیروی مراقبت و نیروی مامور محاصره جمعاً مساوی با نیروی آزاد تقویت کننده دشمن باشد باید هر دو قسمت درخود خطوط دفاعی تهیه شده یا در نزدیکی آن باقی بمانند و با حداکثر جدیت و تلاش عملیات محاصره ادامه دهند .

بغیر از مسافتات تعیین شده در این اندرز که با وضع و زمان فعلی قابل تطبیق نیست این اندرز جدا باید مورد توجه و نظر قرار گیرد و برای محاصره یک محل دنیرو معمولاً مورد ضرورت است یکی برای محاصره و مسدود نمودن راههای محل محاصره شده و یکی دیگر در مسافت مناسب برای جنگیدن با قوای که تلاش برای رسیدن و تقویت قوای محاصره کننده را مینماید .

نیرویی که مامور محاصره محل و پادگانست باید خیلی قویتر از قوای که محاصره شده باشد زیرا نیرویی که در محاصره است ممکن است تمام عده های خود را جمع و متمرکز نموده و در هر سمتی که بخواهد و مفید بداند برای رهائی و نجات خود اقدام و تعرض نماید و چون فرمانده نیروی محاصره کننده نمیتواند بطور قطع پیش بینی نماید که نیروی محصور چه قصد و نیت و منظوری دارد و به کدام نقطه و محل دایره فشار می آورد بنا بر این ضروری و لازمست که نیروی محاصره کننده در تمام نقاط محیط دایره محاصره قوی باشد و قدرت متوقف کردن دشمن را در تمام قسمتها داشته باشد و ترال گزانت در فوریه ۱۸۶۲ در فورت دونلسون در یک ساعتی که هیچ انتظار نداشت و کاملاً بی اطلاع از نیت و قصد دشمن بود بوسیله پادگان متفقین که ماموریت داشت از گوشه جنوبی این دژ رخنه برای نجات خود ایجاد کند کاملاً غافلگیر شد این تلاش بعلت ضعف و بی تجربگی

بقیه در صفحه ۶۶

حفظ واحدی که مامور مراقبت محل محاصره شده میباشد تهیه نماید برای انجام این عمل حداکثر استفاده را از منابع و عوارض زمین از قبیل جنگلها ، باطلای آب برآمدگیها و فرو رفتگیها مینماید در مورد تهیه تدارکات در راه حل دوم قوای محاصره کننده نباید احتیاج مبرم و فوری با مرکز تدارکاتی اصلی داشته باشد و هدف و توجه اصلی او این باشد که مراقبت کامل از نیروی دشمن بنماید .

برای این منظور باید تشکیل یک واحد قوی مراقبتی داده که این واحد در تماس با نیروی آزاد دشمن باشد این واحد رزمی علاوه بر آنکه راههای مواصلاتی را مسدود میکند باید وقت کافی برای رسیدن پسرلو و عقب دشمن را داشته باشد دشمن و نیروی آزاد حریف ممکن است محرمانه و مخفیانه بمنظور کمک پادگانی محاصره شده حرکت و راه پیمانی انجام دهد بنا بر این با استفاده از خطوط مانع و سنگر های آماده شده قبلی با یکده از نیروی مراقبت جلوی حرکات و نیروی تقویتی را گرفته و با آنها درگیر شود لذا برای محاصره کردن یک محل در مقابل نیروی آزاد و تقویتی دشمن ضرورت دارد که اطراف آن محل با تهیه خطوط دفاعی و سنگرها پوشانده شود .

اگر نیروی محاصره کننده باندازه کافی قویست که بعد از برداشتن قسمتی از آن از اطراف محل محاصره شده یعنی نیروی باندازه چهار برابر پادگان محل محاصره شده و از نقطه نظر استعداد و تعداد از نیروی تقویت کننده دشمن بیشتر باشد نیروی مراقبتی میتواند باندازه یکروز راه پیمانی خود را از خط محاصره محل دور نگاهدارد اگر این نیرو محاصره کننده کمتر وضعیتر باشد بعد از مجزا کردن یک قسمت از خودش برای مقابله با نیروی آزاد دشمن باید در محلی که کمتر از یک روز راه پیمانی است قرار گیرد (از محل محاصره شده) بمنظور

در راه برای محاصره یک محل بطور موثر وجود دارد یک راه این است که نیروی اکتشافی دشمن را تحت فشار قرار داده و او را از میدان عملیات بعقب رانند و او را کرد پشت موانع از قبیل کوه و رودخانه بزرگ پناه ببرند وقتی که این عملیات انجام گرفت و باین هدف رسیدیم یک واحد بزرگ برای مراقبت در مقابل این دشمن و در نزدیکی این موانع باید قرارداد شده شود تا کار محاصره بوسیله واحدهای دیگر خاتمه پیدا کرده و محل مورد نظر بوسیله نیروی خودی اشغال و بتصرف درآید .

راه دوم وقتی مناسب و مطلوب است که فرمانده تمایل دارد که محلی را در مقابل یک واحد تقویتی دشمن بدون درگیری در رزم مبعی اشغال نماید برای عملی نمودن این منظور باید یک خط تدارکاتی مطمئن را آماده کند و مهمات و تدارکات لازم را برای تمام مدت احتمالی محاصره ، محاسبه و خطوط دفاعی و سنگر های لازمه را برای حفظ اردوگاه و همچنین خطی که شامل سنگر ها باشد در اطراف محل محاصره شده برای



از : مجله آرمی کواوترولی

ترجمه :

ستوان دوم کامبیز رنجبران

لجستیک

شاہرک عملیات ضد چریکی

مقدمه :

است. هر ارتشی که تجربه چنین امر خطیری را در برنامه عملیات خود قرار داده باشد بخوبی واقف است که انجام اینکار با چه اشکالات

بعد از پایان جنگ دوم جهانی عملیات ضد چریکی در بسیاری از ارتشهای دنیا انجام شده و نتایج بسیار سودمندی از آن عاید گردیده



عظیمی همراه است بطوریکه هیچیک از آنانرا در آغاز کار نمی توان پیش بینی نمود. علت بروز این مشکلات بنابه چند دلیل است . مهمترین آنها این است که سربازان حرفه ای به عملیات ضد چریکی بدیده تحقیر آمیز می نگرند و آنرا جزو فعالیت های اصلی خود بحساب نمی آورند.

دلیل دیگر آنست که قدرت و قابلیت چریکهارا بمقدار معتنا بهی کمتر ازمیزان واقعی آن ارزیابی میکنند. ونیروهای بالقوه آنان را تاحد زیادی ندیده میگیرند. برای روشن کردن مطلب مثالی می آوریم. عبارات واصطلاحاتی که بچریکها منتسب میکنند وآنهارا باین صفات متصف می نمایند و بدین نامها میخوانند روشنگر این حقیقت میباشد و نظر واقعی سربازان ارتشهای منظم رانسبت به چریکها آشکار میگردد.

اصطلاحاتی چون «کوتوله های پیژامه پوش» ، «یاغیان جنگلی» ، «جنگجویان نامنظم» وبسیاری دیگر از این نوع همه حاکی از نظر تحقیر آمیزی است که سربازان ارتشهای منظم نسبت به چریکها دارند .

سلاهاست که سوء تفاهات خطرناکی در مورد چریکها شده است که از سالی به سال دیگر همچنان تکرار میگردد . سلاها بود چریکها را بعلت آنکه مقر ثابتی برای مبارزه نداشتند وبقصد جنگ مردانه درجای خود ایستادگی نمیکردند ، موجوداتی جیون و ترسو قلمداد می نمودند واین عمل ایشان را دال بر فقدان عزم راسخ وایمان کافی به مبارزه شان می پنداشتند .

تنها در سالهای اخیر بوده است که دریافته اند چریکها تعمداً از اشغال منطقه ای بطور دائم خودداری میکنند . بآنها دستور داده شده است از موقعیتهای وخیم وشرايط خطرناك احتراز نمایند، نه بخاطر اینکه واقعا برای نجات جان خود گریخته باشند بلکه از آن موقعیتها بهره زنند فقط باین قصد که برای

ستیز دیگری در يك موقعیت بهتر جان خود را نجات بدهند .

عقاید نادرست مشابیهی نیز نسبت به سیستم لجستیکی چریکها در اذهان متخصصین نظامی وجود دارد . عباراتی چون «بدون دنباله های اداری امور» ، «ادامه حیات روی عرصه ای بعرض يك بند کفش» «تغذیه روزانه با يك مشت برنج» عباراتی میباشد که هر روزه از دهان مردم میشنوند . در این گفته ها نکته ایست که باید بآن توجه نمود و آن اینست که در اثر تلقین و تکرار این گفته ها چنین نتیجه گرفته میشود که شکستن سیستم تدارکاتی چریکها چندان ضروری نیست شکی نیست که هیچ یانی تا این حد دور از حقیقت نمیتواند باشد .

هدف

هدف از نوشتن این مقاله تجزیه و تحلیل و ارزشیابی سیستم تدارکات سازمانهای چریکی با عطف توجه مخصوص به سیستم تدارکاتی ویت مین در جنگهای ۵۴ - ۱۹۶۶ هندوچین میباشد.

سابقه

مهمترین پایگاه ویت مین در «ویت بك» واقع در کوهستانها و نواحی پوشیده از جنگل «تونگ کینگ» شمالی قرار داشت . این ناحیه قبل از اینکه نیروهای فرانسوی در اواخر سال ۱۹۴۵ به آنجا بازگردند توسط افراد ویت مین اشغال شده بود باین دلیل فرانسویان هرگز نتوانستند کنترل کامل و مؤثر سابق خود را در آنجا برقرار سازند . ویت بك ماوای نیروهای منظم ضربت جیاپ بود این ناحیه کوهستانی يك مزیت تمام بوسایر مناطق داشت و آن داشتن مرز مشترك با چین بود ، عاملی که در دسامبر ۱۹۴۹ هنگامیکه ارتش چین به پشت مرز آن رسید اهمیت خود را بثبوت رسانید .

جیاپ در نقشه خود CHU LUC برای تحقق مرحله سوم پیکارش اختصاص داده بود و در اجرای این نقشه بعد از مبارزه ای سخت موفقیت تام بدست آورد . افراد محلی او هر يك در ناحیه مسكونی خود در حمایت از منطقه چولوك با اصول جنگهای چریکی چون کمین کردن ، حملات ایدائی و پشتیبانی آشنا شده بودند .

بطور کلی از چولوك در دو نقش متفاوت ولی اصلی استفاده میشد. نخستین نقش اصلی آن جهت حملات بمقیاس بسیار بزرگ بود . مورد استفاده دیگری که از آن بعمل میآمد جهت عملیات دوربرد بود که بیشتر برای گمراه کردن فرماندهی عالی فرانسه صورت میگرفت .

هر دو نوع عملیات مستلزم بکار گیری و حرکت نیروهای بسیار عظیمی بود . در مسافات بالنسبه بعید و صعب العبور ، چنین نیرو هائی با استفاده از جنگ افزارهای مدرن معمولاً قادر بفراهم نمودن آذوقه خارج از منطقه عملیات نیستند . بعلاوه با جزئی وسائل و جیره ای که افراد نظامی بدوش حمل میکنند قادر به ادامه حیات نمی باشند . امور لجستیکی آنان بایستی مطابق با امور لجستیکی هر ارتش مدرن امروزی صورت گیرد بطوری که سیستم لجستیکی نیروها بتواند تدارکات لازم را در يك خط مخابراتی منتقل نماید .

سازمان و تشکیلات چولوك

در نیمه سال ۱۹۵۰ چولوك از پنج لشکر پیاده تشکیل میشد. هر گردان متشکل از ۷۰۰ سرباز وهر لشکر از ۱۰۰۰۰ نفر سازمان یافته بود. علاوه بر افراد ذخیره و تدارکات دستگاه لجستیکی ویت مین ملزم به تدارك نود تا صد هزار افراد صفوف منظم ارتش بود .

برای ارتشی که پیرو سنت های دیرین و تاکتیک های نظامی قدیمی لطفاً ورق بزیند



قطعات یدکی

این چریکها علاوه بر تجهیزات مذکور در بالا دارای رادیوهای بودند که احتیاج به باطری و قطعات یدکی داشت. صرفنظر از اینکه به قطعات یدکی مختلف احتیاج مبرمی وجود داشت به وسایل و دستگاههای تعمیر تجهیزات خودکار و برقی نیز نیازمند بودند.

وسایل طبی

طی نخستین سالهای عملیات چریکی ستاد عالی فرماندهی آنها احتیاجات طبی و درمانی رانده میگرد. اما بنا بر ضرورت ودلائل اخلاقی دریافتند که فراهم نمودن اینگونه وسایل و تسهیلات برای نقل وانتقال افراد و مداوای زخمیان

امری اجتناب ناپذیر است. آنها همواره دچار کمبود پزشك، پزشکیار ورزیده، دارو و وسائل ضروری جراحی بودند.

تعداد قلیلی بیمارستان در ویت بك احداث گردید لیکن هیچگاه این تعداد انگشت شمار بیمارستانها نتوانست تکافوی احتیاجات آنان را بنماید. احداث اینگونه بیمارستانها بمنزله آن بود که زخمیها و بیماران را بایستی از عرصه عملیات خارج نموده و بعد از عبور از طول خطوط مواصلاتی به این بیمارستانها انتقال داد.

سیستم لجستیکی

سازمان

اداره خدمات لجستیکی همواره از لحاظ اهمیت در ردیف سازمان تنظیم عملیات جنگی، ستاد

فرماندهی و دفتر مرکزی سیاسی قرارداداشت و از طریق تدارك مایحتاج افراد از مدارج عالی فرماندهی آغاز گشته بارعایت سلسله مراتب به کوچکترین جزء سازمان گسترش می یافت.

اداره خدمات لجستیکی آنان برای رفع مشکلات و حوایج ضروری که با آن ها مواجه بود به پنج شاخه اصلی تقسیم میشد.

شاخه حمل و نقل ثقیل ترین و پرکارترین شاخه سازمان را تشکیل میداد. در سال ۱۹۵۱ این شاخه دارای ۶۰ کامیون فرانسوی بود در حالیکه در سال ۱۹۵۴ این تعداد به ۲۰۰۰ وسیله نقلیه افزایش یافت و مجموع کل این وسائط نقلیه ترکیبی بود از انواع ماشین های لطفاً ورق بزنید



آن بمقیاسی بسیار بزرگتر، مهمترین منبع تامین اسلحه آنها بشمار میرفت. این منبع خود از چند منبع دیگر از جمله شوروی و آمریکا سرچشمه میگرفت. سلاحهای آمریکائی که در جنگ کره بدست می آمد بلافاصله بدست افراد ویتمین میرسید. بدین ترتیب این چریکها همیشه قبل از فرانسویان که مستقیماً به آنها کمک میرسید به آخرین و مدرنترین سلاحها دست می یافتند.

شاخه مامور تهیه و تدارک اسلحه سیستم لجستیکي آنان بلافاصله از انواع سلاحهایی که بدست می آمد اطلاع حاصل مینمود و وظیفه توزیع مجدد آنها را بعده داشت بطوریکه توازن یکنواختی را همواره در بین یگانها حفظ مینمود. شعار آنها این بود «برای مسلح کردن خود از اسلحه دشمن استفاده کن» با شنیدن این شعار عده ای ممکن است تصور نمایند که تنها منبع تهیه اسلحه چریکها بقیه در صفحه ۴۵

زمین زیرپایش نا هموار و پر نشیب و فراز و سنگلاخی است و علاوه بر کلیه این ناراحتیها، آسمان فراز - سرش چهره ای تهدید آمیز داشته باشد و هر لحظه آبهستن پرواز بمب افکنی باشد چه هر لحظه ممکن بود این افراد زیر بمبارانهای مرگبار فرانسویان جان خود را از دست بدهند. باین جهت آنها عموماً روحیه خود را از دست میدادند. مجموع همه این عوامل باعث میشد که آنها از جان و دل تن به کار ندهند. کارگران عموماً برای چهارده روز احضار می - گردیدند که از این چهارده روز هفت روز را به حمل بار میپرداختند و هفت روز بقیه فرصتی بود جهت آمدن به محلی که بار در آن نقطه قرار داشت و بازگشت به خانه بعد از بمقصد رساندن بار.

شاخه کارگاهها و اکتساب اسلحه مسئول تهیه و تعمیر کلیه سلاحهای مورد استفاده در جنگ بود. در کارگاهها و کارخانه های محلی از ساختن و پرداختن سلاح - های نسبتاً ساده موفقیت چشم - گیری بدست نمی آمد و کاری ترین سلاحهایی که در عمل کار برد بسیار زیادی داشت از چهار منبع اصلی یعنی چهار کشور بزرگ بدست می آمد. در مرحله نخستین جنگ تعدادی سلاح از ژاپونیهها بغنیمت گرفته شد و بعداً با ۳۰۰۰۰ قبضه تفنگ و ۲۰۰۰۰ مسلسل سبکی که ناسیونالیستهای چینی از ژاپونیهها بدست آوردند تکمیل گردید و یکجا برای تجهیز افراد ویتمین به آنها فروخته شد.

مقدار زیادی اسلحه نیز از فرانسویان بچنگ آمد، خصوصاً از یگانهای مستقر در منطقه هندو چین. با اینهمه همسایه شمالی

ساخت شوروی، فرانسه و آمریکا، با این وجود این تسهیلات بهیچ روی تکافوی احتیاجات سازمان را نمیکرد و عامل و وسیله حائز اهمیت در امر حمل و نقل هنوز نیروی انسانی بود.

هر فرد وظیفه داشت صرفنظر از جیره روزانه که میبایستی همیشه همراه خود داشته باشد باری بوزن ۴۵ پوند حمل نماید. گاهی وزن این بار بعلاوه سایر مایحتاج روزانه که سرباز باخود حمل میکرد به ۱۵۰ پوند میرسید که در این صورت بایک دو چرخه حمل میشد. البته از دو چرخه زمانی استفاده میشد که زمین خشک و نسبتاً هموار بود.

جای تعجب است که چرا آنها نسبت به استفاده از قاطر و حیوانات بارکش دیگر بی اعتنا بودند. دستوری که سرفرماندهی آنها بسال ۱۹۵۱ صادر نمود بدین قرار بود که هر دهقان بایستی سالیانه سه ماه از وقت خود را در اختیار اداره خدمات لجستیکي بگذارد البته انجام و نظارت این طرح کار چندان ساده ای نبود. مشکل ترین مانعی که در پیش پای تشکیلات شعبه حمل و نقل قرار داشت انتقال کارگران از دهکده های مسکونیشان به محل کار و اطمینان از باقی ماندن آنان در آن نقطه تا خاتمه کاری که در دست انجام داشتند، بود.

هیچکس نیست که مانند چهار پای بارکش بار بگرده بکشد و از اینکار لذت ببرد و کشیدن باری سنگین از این نقطه به آن نقطه برایش مطبوع باشد در حالیکه

اقتصاد

دراستراتژی

وامنیت ملی

از: سرهنگ ستاد تقی لطیفی

بررسی اصول و تجزیه و تحلیل منطقی و معقول قدرت اقتصادی دراستراتژی وامنیت ملی ایجاب مینماید که مفاهیم اساسی زیر را اجمالاً مورد توجه قرار دهیم:

۱- استراتژی ملی را میتوان گفت عبارت است از فن و علم بسط و استعمال:

- قدرت سیاسی

- قدرت اقتصادی

- قدرت فرهنگی (اجتماعی)

- وقدیرت نظامی، ملتی در زمان صلح و جنگ بمنظور پیشرفت مصالح ملی و تامین هدفهای ملی جهت پیروزی و تقلیل احتمال شکست.

۲- امنیت ملی عبارتست از وجود شرایط حاصله در نتیجه انجام اقدامات حمایتی و وسیله قدرت های چهارگانه ملی و استمرار و مداومت آن که کشور را از اعمال نفوذ بیگانگان مصون نگاهداشته و حفاظت سرزمین را با توجه بمبانی حقوقی در برابر هرگونه تجاوز و تهدید به تجاوز اعم از تجاوز سیاسی -

اقتصادی- فرهنگی (اجتماعی) و نظامی با تاکید در اینکه سرزمین شامل جوبالای زمین و زیر زمین میباشد تامین نماید.

باین منظور گرفتن تعاریف فوق. توجه به مسائل مهم اقتصادی (الف- چه کالائی و بچه مقدار ب- چگونه و با چه وسایلی -ج- برای چه کسانی باید تهیه شود) که جوامع مختلف با آن مواجه بوده و بایستی بطریقی آنرا حل نمایند.

نحوه حل این مسائل در سیستم اقتصاد کاپیتالیستی از طریق عرضه و تقاضا و تعیین قیمت در بازار و پیروی از تئوری اصالت فرد و احترام بحق حاکمیت و تعلق وسایل تولید بسرمایه داران، چگونگی حل مسائل مذکور در سیستم اقتصاد سوسیالیستی که روش انحصاری را پذیرفته و صرف درآمد ملی را در جهت تامین امنیت ملی موجب رفاه و سعادت مندی جامعه تصور کرده و از تئوری اصالت جمع پیروی میکند و وسایل تولید را متعلق بعموم میدانند.

طرز عمل سیستم اقتصاد تعاونی یا دموکراتیک که بارعایت نهضت های تعاونی و کوشش و تلاش همه جانبه دستجمعی را در

رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی در حل مسائل اقتصادی کشورهای مختلف جهان در تحت حکومت سیستمهای مختلف اقتصادی، تشخیص موقعیت اقتصادی کشوری که تحقیق در قدرت اقتصادی آن در قالب استراتژی ملی مورد نظر میباشد.

در صورتیکه نتیجه این پژوهش ها با ملاحظه معیارها و ضوابط معین نشان دهد که کشور مورد نظر باتوجه به تقسیم بندی کشورهای جهان به:

الف- توسعه یافته صنعتی

ب- در حال توسعه

در ردیف کشورهای گروه ب قرار دارد آنوقت ضروری است که بررسی شود برای بسط و توسعه قدرت اقتصادی و بکار بردن آن در چهارچوب استراتژی ملی چه فعالیت هایی بایستی صورت گیرد تا این قدرت در زمان صلح قادر بتأمین رفاه عمومی و ایجاد جامعه ای مرفه بوده و در زمان جنگ احتمالی نیل به پیروزی را با پشتیبانی از سایر قدرت ها تامین نماید.

برای انجام این منظور چهار موضوع اساسی ذیل در کشور بایستی مشخص گردد:

۱- هدف اقتصادی یا هدف قدرت اقتصادی دراستراتژی وامنیت ملی

۲- سیستم اقتصادی

۳- سیاست اقتصادی

۴- راه و روشی که در اجرای سیاست متخذه در زمینه سیستم اقتصادی برای نیل به هدف اقتصادی باید پیروی شود.

اینک با فرض اینکه کشور در حال توسعه مورد مثال ماکشور شاهنشاهی ایران باشد ضمن توضیح مختصر موضوع از لحاظ آکادمیکی و تحقیق در جنبه های تطبیقی آن با اوضاع و موقعیت اقتصادی کشور سعی میشود راه حل اصولی و نمونه در تعیین موارد چهارگانه فوق ارائه شود در عین حال تاکید میشود که این يك راه کار است و احتمال بسط آن و یا ارائه طرق منطقی متعدد دیگر میسر بوده و هرگونه تحقیق و تفکری در این باره کمک مؤثری به پیشرفت تلاشهای این قدرت در وصول به هدف خواهد بود.

۱ - هدف قدرت اقتصادی در

استراتژی و امنیت ملی

باتوجه باینکه جوامع امروز جهان حداکثر قوای مادی و معنوی و منابع ارضی خود را بمنظور تولید بیشتر، توزیع عادلانه تر، سطح معیشت بالاتر، تامین آسایش و رفاه لطفا ورق بزنید

و خلاصه بیزیستی تجبیز نموده‌اند و قلبا علاقمندند که با حفظ حالت امنیت زندگانی بهتری داشته باشند دانشمندان علم اقتصاد نیل به «توسعه اقتصادی» را هدف غائی و نهائی کله کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه میدانند و روی همین اصل کشورهای مختلف جهان در راه وصول باین هدف با سرعت ممکن و استفاده از جمیع امکانات ملی در تلاش و کوشش هستند، در این مقاله قبل از بحث و تجزیه و تحلیل این هدف برای کشور های در حال توسعه، به بیان توسعه اقتصادی بمعنوی که مورد نظر است و فرق آن با رشد اقتصادی مبادرت میشود .

توسعه اقتصادی

از توسعه اقتصادی تعاریف مختلفی شده که که بحث و نقد هریک از آن در این مقال موجب اطاله کلام خواهد شد لذا فقط بذکر آنچه که دانشمند مشهور فرانسوی (فرانسوا پرو) بیان داشته اکتفا میشود این دانشمند توسعه اقتصادی را ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی ملت یا جماعتی میدانند که آن ملت یا جماعت باتوجه باین تغییرات روحی و اجتماعی بتواند محصول حقیقی ناشی از اقتصاد تولیدیش را بطور جمعی، پیوسته، و مداوم افزایش دهد.

یعنی دستگاه اقتصادی کشور وضعی داشته باشد که فعل و انفعالات داخلی سیستم و یا عوامل خارجی بآنند تحول و تغییری موجب تقلیل درآمد نگر دیده و افزایش تولید بصورت جمعی در بخشهای مختلف اقتصادی، هم آهنگ و متوازن و پیوسته باهم برای مدت طولانی و با مداومت لازم تامین گردد . و با تقسیم در آمد خالص ملی بجموع افراد کشور درآمد سرانه سالانه سیر صعودی داشته و اگر از دیاد درآمد سرانه را با توجه به جلوگیری از افزایش قیمت ها موجب رفاه بلدانیم درآمد سرانه ملت در طول مدت نسبتا طولانی بطور متوالی در افزایش باشد و این حالت وقتی ایجاد خواهد شد که کشور در صف کشورهای توسعه یافته صنعتی قرار گیرد زیرا فقط افزایش درآمد سرانه معرف رفاه و توسعه یافتگی نخواهد بود بلکه ضوابط و معیارهای متعددی لازم است تا بتوان به کشوری توسعه یافته صنعتی اطلاق نمود . برای اینکه معلوم گردد فرق توسعه اقتصادی با رشد اقتصادی چیست باید مفهوم رشد مورد توجه واقع شود.

رشد اقتصادی

رشد اقتصادی حکایت از ترقی سرانه تولید میکند و ممکن است چه در گذشته، چه در حال و چه در آینده موقتا ایجاد گردد، رشد اقتصادی بموازات توسعه اقتصادی صورت

میگیرد ولی رشد اقتصادی توسعه اقتصادی نیست زیرا مدل رشد بر پایه ترقی سرانه تولید و در نتیجه افزایش درآمد سرانه در زمان های متناوب قرارداد نه متوالی و این نشان میدهد که کشور در حال رشد از نظر اقتصادی آنچنان موقعیتی را احراز نموده است که بتواند تولیدات ملی را بطور متوالی، پیوسته و جمعی و برای سالیان مداوم افزایش دهد بلکه در تحت تاثیر عوامل خارجی و داخلی سیستم ممکن است سالی با افزایش تولید و سال دیگر بانقصان آن مواجه گردد و در نتیجه درآمد سرانه مسیرهای صعودی و نزولی را طی سالیان متوالی طی نماید. پروفیسور (روسو) دانشمند آمریکایی جوامع را از لحاظ مراحل رشد اقتصادی به پنج طبقه تقسیم نمود:

۱- جامعه ابتدائی

۲- مرحله ماقبل خیز اقتصادی

۳- مرحله خیز اقتصادی

۴- مرحله بلوغ اقتصادی

۵- مرحله مصرف زیاد

و برای اینکه کشور در حال توسعه بتواند در ردیف کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان قرار گیرد باید این مراحل را با موفقیت پشت سر گذاشته و با صنعتی نمودن کشور مقام توسعه یافتگی را احراز نماید. تکن این هدف (توسعه اقتصادی) برای کلیه کشورهای در حال توسعه منجمله کشور عزیز ما ایران هدفی است دور برد و نیل به هدف دور برد محتاج به تنظیم برنامه و تعیین هدف های واسطه و مقدماتی دیگری است که باید بصورت «اقتصاد برنامه ای» اجرا گردیده و هدف های برنامه توسعه اقتصادی که ما آنرا خطوط اصلی استراتژی می نامیم روشن گردد .

نمونه ای از این هدف های برنامه توسعه اقتصادی عبارتند از:

- ۱- افزایش سریع درآمد سالانه و بالا بردن سطح زندگی مردم
- ۲- بالا بردن سطح اشتغال
- ۳- ثبات نسبی سطح قیمت ها
- ۴- توازن در تراز پرداخت های خارجی کشور
- ۵- کاهش عدم تساوی در توزیع درآمد و تعدیل توزیع درآمد
- ۶- جلوگیری از نابرابری های شدید در میزان توسعه و رشد اقتصادی مناطق و نواحی مختلف کشور .
- ۷- ایجاد یک سیستم اقتصادی متعادل که در آن تعادل لازم بین توسعه رشته های

مختلف در بخش های صنایع و کشاورزی و خدمات حفظ شده باشد .

تعیین تقدم این هدف ها برای هر کشوری مربوط بشرايط خاص آن کشور می باشد لکن افزایش درآمد سرانه باید هدف اصلی برنامه توسعه اقتصادی قرار گیرد زیرا بالا بردن سطح زندگی و تامین رفاه مردم مستلزم ازدیاد میزان تولید در رشته های مختلف است بطور کلی برای نیل بهدف های مذکور بایستی از کلیه امکانات و وسایل ممکنه استفاده به عمل آید ولی انتخاب تدابیر و سیاست های لازم و حدود شمول هریک ضمن تنظیم برنامه جامع توسعه اقتصادی صورت میگیرد و بدین جهت لازم است که در مرحله اول هدف یا هدف های خاص برنامه توسعه اقتصادی کشور و تدابیر و سیاست های مطلوب برای تحقق یافتن آنها انتخاب گردد.

با توضیحات مختصر در خصوص هدف اقتصادی معلوم گردید که نیل به توسعه اقتصادی به معنوی که در بالا تشریح گردید میتواند بعنوان هدف همه قدرتهای اقتصادی کشور شاهنشاهی ایران در چهار چوب استراتژی ملی شناخته شود لکن این هدف برای ماهدی است دور برد که وصول به آن با اجرای اقتصاد برنامه ای و تعیین هدف های برنامه توسعه اقتصادی با رعایت آنچه که بیان گردید میسر خواهد بود و در راه همین هدف است که پس از اجرای برنامه های عمرانی ۱-۲ و ۳ در حال اجرای برنامه چهارم عمرانی کشور میباشیم که توضیح هدف های برنامه چهارم یاسیر برنامه ریزی در ایران خود ببحث مفصل و جداگانه ای احتیاج دارد.

۲- سیستم اقتصادی

برای اتخاذ سیستم اقتصادی مناسب جهت امکان نیل بهدف های اقتصادی کشور (توسعه اقتصادی) و در عین حال متناسب با سیاست مستقل ملی که برهبری شاهنشاه آریامهر در کشور شاهنشاهی ایران بمرحله اجرا در آمده نظر اجمالی در خصائص سیستم های اقتصادی مهم زیر ضروری است تا بتوانیم با انتخاب و قبول اختصا صات پسندیده هریک از سیستم ها که منطبق با اوضاع اقتصادی و اجتماعی، میباشد در پذیرش معقول سیستم اقتصادی مناسب دچار تردید نشویم .

الف- سیستم اقتصاد کاپیتالیستی

ب- سیستم اقتصاد سوسیالیستی
پ- سیستم اقتصاد تعاونی یا دموکراتیک
الف - سیستم اقتصاد کاپیتالیستی که در آن نظریه تجارت آزاد پذیرفته شده و محرک اصلی در این سیستم سود جوئی و نفع شخصی بوده و حامیان کاپیتالیسم ادعا میکنند که انگیزه سود عامه را وادار بفعالیت در

زمینه‌های وسیع تولید مینماید و وسایل و عوامل تولید در دست سرمایه داران بزرگ میباشد واصل تمرکز در آن تاکید میشود و ارائه کنندگان تئوریهای این سیستم و طرفدارانشان معتقد بوده‌اند :

« جامعه‌های بشری مانند يك هيئت واحد و تمام افراد ملل عضو يك جامعه بزرگ هستند كه در آن جنگ و دورویی وجود ندارد بنابراین در چنین جامعه‌ایكه افراد آن جداگانه زیست میکنند و همگی منافع مشترك دارند هیچگونه مانع و سدی برای تجارت آزاد مبادلات نباید وجود داشته باشد» و با اینکه گفته‌اند «نوع بشر منافع مشتركی دارند و باید مانند كارگران يك موسسه بزرگ با يكديگر همکاری و در روابط اجتماعی و اقتصادی باهم تشریک مساعی کنند» و حمایت اقتصادی را خیانت بزرگی ناشی از تعصب ملی شمرده‌اند مردود شناخته شده و عاملین اجرای این سیستم شكی در نقص رقابت آزاد كه از شرایط این سیستم بوده ندارند و برای حفظ و برپاداشتن آن در مقابل انحصارات مبادرت به تنظیم قانون ضد تراست و كارتل نموده‌اند از طرف دیگر حقایق و واقعیات اینست كه بین بشر و بشریت مورد ادعای عنوان کنندگان سیستم اقتصاد كاپیتالیستی ملت و ملیت قرار گرفته و پذیرفتن هر فرمی از تجارت آزاد از طرف كشورهای در حال توسعه بزیان آنان بوده و با فروش كالاهای خود بصورت مواد خام و به قیمتی بسیار ناچیز و در عوض وارد كردن كالاهای مختلفه صنعتی كه خود مواد اولیه آنها تامین نموده‌اند با بهائی گزاف نه تنها قادر به طی فاصله عقب ماندگی نخواهند بود بلكه این فاصله را زیادتى نموده و در مرحله‌ای از عقب ماندگی قرار خواهند گرفت كه غیر قابل تصور بود، و نتیجه آن از دست دادن هرگونه استقلال اعم از سیاسی و اقتصادی خواهد بود لکن در این سیستم محترم شهردن اصل مالكیت بر مبنای تئوری اصالت فرد از اصولی است كه قبول و استقرار آن علاوه بر اینکه بر طبق حقوق و قوانین بین المللی مورد توجه و استناد ملتها است انگیزه مناسبی برای فعالیتهای اقتصادی در بین ملل در حال توسعه بوده و این ملتها میتوانند با پذیرش سیاست اقتصاد ملی و حفظ استقلال سیاسی و قائل بودن به تفكيك سیاست اقتصادی زمان حال با سیاست اقتصادی در زمان آینده پس از حمایت اقتصادی لازم از صنایع داخلی و رسیدن به مرحله‌ای كه بتوانند با توجه به بهای تمام شده واحد کالا در بازارهای بین المللی در تحصیل سود عادلانه خود ضمن برخورداری از امكانات ملی موجود و همچنین رعایت این امكان برای ملل دیگر توفیق یابند در تقلیل اقدامات حمایتی قدم برداشته و مناسبات تجاری را

شامل كالاهای صنعتی و غیر صنعتی مبتنی بر امكانات ملی و ارزش واحد کالا با ملتها بر اساس منافع طرفین برقرار نمایند .

ب - سیستم اقتصاد سوسیالیستی : سوسیالیست ها كه سیستم اشتراکی و انحصاری را پذیرفته و سعادت و ترقی جامعه را در صرف درآمد ملی در جهت امنیت ملی میدانند روش خود را با رعایت تئوری اصالت جمع بر این اصل مبتنی ساخته‌اند كه دولت باید وسایل تولیدی را خود بدست گیرد و صاحب کلیه سرمایه ها و منابع طبیعی كشور گردد و افراد جامعه نیز بایستی متناسب با شایستگی و لیاقتی كه دارند برای اجتماع كار كنند و متقابلاً از حداقل نیازمندی برخوردار شوند در واقع محرك و انگیزه اشخاص در انجام فعالیتهای اقتصادی بجای نفع شخصی (در سیستم اقتصاد كاپیتالیستی) در این سیستم فقط استبداد میتواند باشد و كارگری ها با شعارهایی در باب لزوم كوشش در راه میهن یا در راه برادری بكار بیشتر ترغیب میشوند و به همین نحو تصاحب منابع تولیدی نیز بدون استبداد میسر نخواهد بود و از اینرو هرگاه از موفقیت های اقتصادی در سیستم اقتصاد سوسیالیستی سخن به میان آید نهایستی مسئله استبداد سیاسی را نادیده گرفت ولى تلاش برای از بین بردن اختلافات طبقاتی آنطور كه مدعیان این سیستم ارائه کنندگان نظریات سوسیالیستی عنوان کرده‌اند در صورتی كه عاملین اجرا در عمل آنها را رعایت میگردند و بمصلحت نبوت میرسانند میتواندست از جمله مواردی باشد كه با توجه باختلاف طبقاتی فاحش در کشورهای در حال توسعه در آینده از كشورها مورد عمل واقع شده و پیروی گردد لکن طبقات اجتماعی آنچنانكه ماركس و انگلس میشناختند در کشورهای سوسیالیستی وجود ندارد در این سیستم تصمیمات سیاسی تعیین میکند كه مخارج دفاعی و تشكيل سرمایه باید توسعه زیاد پیدا كند و افراد جامعه با مزدی كه در برابر كار خود دریافت میدارند رجحان مصرف كالاهای بوسیله خرج درآمد خویش عملی مینمایند و كمیابى یا فراوانى كالاهای باعث بالا رفتن یا پائین آمدن قیمت نمیشود و عرضه و تقاضا كه در بازار تعیین كننده قیمت هستند (در سیستم اقتصاد كاپیتالیستی) در این سیستم مفهومی ندارد .

دولت میتواند در مورد كالاهای سرمایه‌ی و مخارج نظامی مستقیماً اتخاذ تصمیم نموده و صنعتی شدن را با سرعت انجام دهد. اقتصاد در كشور های سوسیالیستی تا حدود زیادی برای امنیت كشور و آینده فعالیت میکند و تلاش در اینست كه اصولاً افراد جدیداً ولاده یا نسل جوان سیستم اقتصادی و اجتماعی

دیگری را جز سیستم سوسیالیستی درك نمایند .

ماركس كه با عنوان كردن كلمه تخیلی برای سوسیالیستهای قبل از خود آنها را در واقع تخطئه نموده و خود طبق ادعای سوسیالیسم علمی را بیان داشته با استفاده از نظریه ريكاردو ارزش اشیاء را ناشی از كاری دانسته است كه برای آن مصرف شده و چون كارفرما موفق میشود محصول كارخانه خود را به قیمتی بیشتر از آنچه كه برای اتمام شده بفروشد او را دریافت كننده اضافه ارزش دانسته و مدعی بوده است كه سرمایه‌دار در راه جمع‌آوری ثروت از مال كارگران دزدی میکند و آنها را استثمار مینماید و با بهره‌برداری از این استدلال از نظر اجتماعی كارگران را علیه كارفرمایان بشورش ترغیب نموده است ولى شخصاً نظریات و عقاید اقتصادی جامع و كلی برای جامعه‌ایكه بنام سوسیالیسم و كمونیسم نامیده ارائه نكرده است بطوریکه بزحمت میتوان در نوشته های ماركس لغت طرحریزی اقتصادی را پیدا كرد و به همین علت پیش‌بینی‌های ماركس با وقایع تاریخی وفق نداده است .

اما با در نظر گرفتن پیشرفت سریع روسیه شوروی كه نمونه اصلی این سیستم بشمار میرود و كشورهای در حال توسعه میتوانند برای نیل بتوسعه اقتصادی و صنعتی نمودن كشور از آن استفاده نمایند عبارتست از اهتمام این كشور در جهت صنعتی شدن بطوریکه شورویها توانستند در مدت تقریباً ۲۵ سال اقتصاد خود را از كشاورزی به صنعتی تبدیل نمایند و مطالعه این امر برای كشورهای توسعه نیافته كنونی جالب توجه میباشد هدف اصلی روسیه شوروی در برنامه‌های پنجساله پیشرفت سریع صنایع سنگین بود كه این تصمیم پس از مشاجرات تلخ در چهاردهمین كنگره حزب كمونیست شوروی در دسامبر سال ۱۹۳۵ اتخاذ گردید .

«كشور شوروی بایستی از كشاورزی به صنعتی مبدل شود و قدرت ساختن وسایل لازم را از منابع خود داشته باشد صنایع ملی شود تا كشور استقلال اقتصادی را كسب كند و قدرت دفاعی خود را افزایش بخشیده و اوضاع مطلوب را برای غلبه سوسیالیزم در اتحاد جماهیر شوروی فراهم نماید .»

اتخاذ این تصمیم و صنعتی نمودن كشور كه در تعقیب آن پیشرفتهای عظیمی نصیب كشور شوروی شد برخلاف توصیه‌هاییست كه بعضی از علمای اقتصاد بعنوان دلسوزی بکشور های در حال توسعه ابراز داشته و آنها را از دست زدن بصنایع بخصوص صنایع سنگین منع مینمایند .

لطفاً ورق بزنید

پ - سیستم اقتصاد تعاونی یادموگراتیک: حاصل فعالیت‌های دو سیستم اقتصاد کاپیتالیستی و سوسیالیستی در جهان این بوده است که دوسوم مردم دنیا دروضع بد اقتصادی بسر می‌برند و تلاش متفکران و دانشمندان این کشورها با توجه باختلاف حاصله و فاصله عقب ماندگی صرف این شده است که طرفداران نهضت تعاونی سیستم اقتصاد دموگراتیک را عنوان نموده و آنرا حد فاصله دوسیم اقتصاد فوق دانسته و معتقدند که با اتخاذ سیستم تعاونی است که بشر امروزه میتواند برمشکلات اقتصادی فوق آمده و بمقصود نهائی خود یعنی خیر و صلاح جامعه برسد و با تشکیل شرکت‌های تعاونی، سازمان‌های تعاونی، واتحادیه های تعاونی جهت رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی واجتماعی از طریق خودیاری و کمک متقابل بگویند واز آثار اجتماعی و اقتصادی آن بهره‌مند گردند .

با در نظر گرفتن نکات مختصر سیستم‌های اقتصادی فوق ، اینکه تاریخ وواقعیت بین بشر و بشریت ملت وملت را قرار داده ، سیاست استقلال اقتصادی برای کشورهای درحال توسعه بمنظور تقویت بنیه اقتصادی با بهره‌برداری از جمع امکانات ملی توسط دانشمندان توصیه شده ، سیاست مستقل ملی کشور شاهنشاهی ایران باوجود عوامل تولید بمقدار کافی ، بنظر میرسد سیستم اقتصادی متناسبی که میتواند مورد عمل واقع شود سیستمی است که حداقل دو سیستم اقتصاد کاپیتالیستی و سوسیالیستی بوده و بعنوان سیستم اقتصاد تعاونی معروف گردیده است منتها با وضع خاصی که منطبق با اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور باشد همچنین با قبول اصولی از سیستم‌های کاپیتالیستی و سوسیالیستی که در نتیجه تجزیه و تحلیل لازم مناسب تشخیص داده شوند از قبیل احترام بحق مالکیت شخصی جهت حفظ محرک و انگیزه افراد کشور در فعالیت‌های اقتصادی بدون توسل باستبداد و مخصوصا توجه عمیق باینکه مسئله تقسیم اراضی و اصلاحات ارضی که در اجرای اصول انقلاب شاه و ملت انجام گرفته تعمیم مالکیت است نه حذف مالکیت آنچنانکه در سیستم سوسیالیستی انجام گرفته است .

در مورد پذیرش سیستم اقتصاد تعاونی ضمن توأم نمودن آن با سیاست استقلال اقتصادی و اتخاذ اصول مناسبی از سیستم اقتصاد کاپیتالیستی و سوسیالیستی تحت عنوان سیستم اقتصاد مستقل ملی یا هر عنوان مناسب دیگری به پیروی از سیاست مستقل ملی بفرمایشات خدایگان شاهنشاه آریامهر استناد میشود که فرمودند :

« ما شرکت‌های تعاونی را بعنوان عامل پیشبرد برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی خود پذیرفته‌ایم »
۳ - سیاست اقتصادی :
 فردریک لیست دانشمند علم اقتصاد آلمان در کتاب خود بیان داشته است که « ... هر ملتی باید مانند یک فرد احتیاجات خود را با ارزان ترین قیمت بدست آورد و باید محصولاتی تهیه کند که نیاز به آنها بیشتر است و صنعت ملی جز با سرمایه کافی پیشرفت و ترقی نخواهد کرد . »

فردریک لیست عقیده داشت که ملت ها برای تکامل و گامیابی اقتصادی بایستی از مراحل عبور کنند و اساسا طی مراحل زیر را سرلوحه سیاست ملی قرار دهند .
 دوره درندگی - دوره چوپانی - مرحله کشاورزی - مرحله کشاورزی و صنعتی - دوره کشاورزی و بازرگانی .
 در این نظریات لیست دو فکر مهم وجود دارد که در آثار دانشمندان پیش از او دیده نمیشود یکی اندیشه ملی (ناسیونالیسم) در مقابل اندیشه بین‌المللی (انترناسیونالیسم) است که پیروان آن خواستار تجارت و رقابت آزاد بین ملل بودند .

و دیگر قوه مولد ملی یا (نیروی اقتصاد ملی) است در مقابل ارزش و اهمیت مبادلات بین‌المللی هیچ ملتی برای رسیدن به آخرین مرحله تکامل اقتصادی که بنظر لیست دوره کشاورزی و صنعتی و بازرگانی است نباید از هیچگونه فداکاری و کوششی خودداری نمایند زیرا بواسطه مزایای برجسته این مراحل است که یک ملت میتواند بمیزان ثروت ملی بیفزاید و در چنین حالتی برای یک دولت ممکن است که وسایل زندگی و آسایش کامل افراد ملت خود را فراهم و اساس استقلال و بی‌نیازی کشور خویش را استوار کند .
 ثروتمند شدن و توانگری یک ملت نباید فقط برای زمان حال در نظر گرفته شود و کار افراد و فعالیت نباید تنها منافع کنونی ملی را تامین نماید بلکه باید وسایل ترقیات آینده آن با اطمینان کامل فراهم شود زیرا تولید ثروت همیشگی و دائمی بیشتر از اهمیت خود ثروت مورد توجه است هرملتی باید برای زیاد نمودن نیروی اقتصادی کشور و بکار انداختن قوای مولده ثروت ملی خود کار و فعالیت نماید و پس از این به توسعه و ترقی اوضاع اقتصادی داخلی برای پیشرفت مبادلات بین‌المللی و تجارت آزاد با سایر ملل همکاری کند .

لذا می‌بینیم فردریک لیست بین سیاست اقتصادی که یک ملت باید برای زمان کنونی خود اتخاذ نماید با سیاستی که برای آینده خود بایستی برگزیند فرق میگذارد چنانکه

گفته است: « هر ملتی برای تحصیل قدرت اجتماعی و فکری باید در مقابل بعضی پیش آمد ها و سختی های مالی فداکاری نماید و منافع حاضر را در راه مصالح آینده فدا سازد با رعایت نکات بالا و انطباق آن با وضع اقتصادی کشور شاهنشاهی ایران چنین بنظر میرسد که سیاست اقتصادی ایران در قالب سیستم فوق جهت نیل بسهدف اقتصادی بایستی مبتنی باصول ذیل باشد :

الف - تلاش کامل و جدی درمکانیزه نمودن کشاورزی و افزایش قدرت تولید در این بخش و کمک و همکاری صمیمانه بخش عمومی در این مورد به بخش خصوصی جهت آزمایش نوع خالک - تعیین نوع محصولی که هر زمین استعداد آنرا دارد - تهیه آب لازم و کافی - تهیه و پرداختن گذاردن کود - تهیه ماشین آلات لازم آموزش کافی برای استفاده از ماشین ها با ایجاد تعمیرگاههای ضروری ایجاد تسهیلات حمل و نقل کالاهای تولیدی - تهیه بازار مناسب در خارج از کشور برای صدور مازاد - باال بردن رشد فکری کشاورزان بمنظور پذیرش و اجرای سیستم کشاورزی مکانیزه - و مطالب متعددی دیگر که در این زمینه طبق نظر کارشناسان ضروری تشخیص داده میشود .

ب - کوشش کامل در صنعتی نمودن کشور با قبول حق تقدم در این مورد و تبدیل صنایع مونتاژ بسازنده بطوریکه بتدریج کشور قادر به ساختن کارخانه سازنده گردد و در ردیف کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان قرار گیرد و برای توفیق در این امر با توجه بوجود نیروی انسانی - منابع طبیعی - سرمایه و خلاصه عوامل تولید بایستی با تحقیق کافی از تجارب کشورهای که نظیر زاین در این راه با اراده راسخ قدم نهاده و موفق شده‌اند استفاده نمود زیرا بقول جواهر لعل نهرو نخست وزیر فقید هندوستان « پیشرفت اقتصادی الزما متکی به صنعتی شدن میباشد » در غیر اینصورت کشوری که استقلال اقتصادی نداشته و در تقلیل وابستگی های اقتصادی همت نگمارد استقلال سیاسی خود را نیز دستخوش حوادث خواهد نمود .
 پ - حمایت از صنایع داخلی باوضع و اجرای مقررات گمرکی مناسب و رعایت کلیه جنبه هایی که در این مورد بر طبق تشخیص متخصصان ضروری است و انجام مبادلات بازرگانی با در نظر گرفتن بهای واحد کالا و صرفه و صلاح کشور .

بدیهی است همانطوریکه فردریک لیست بیان داشته و در فوق تشریح شد پس از قرار گرفتن در صف کشورهای توسعه یافته جهان تجدید نظر در سیاست اقتصادی کشور ضروری خواهد بود .

۴- راه وروشی که در اجرای سیاست اقتصادی بایستی عملی شود اینست که مهمتر از وضع قوانین خوب و استفاده از تجارب دیگران که سالها و شاید قرن‌ها قبل از مادرجاده ترقی و تمدن امروزی قدم گذارده‌اند نحوه اجرای صحیح و اصولی قوانین و مقررات میباشد مخصوصا برای کشورهای در حال توسعه و از آنجمله کشور ما ایران که برای صنعتی شدن علاوه بر تخصص، نیروی انسانی و وجود منابع احتیاج شدید سرمایه دارد و طرق تحصیل سرمایه کافی منابع خارجی و داخلی است، قبول سرمایه های خارجی عمومی در جهان امروز که اکثر اجنبه های سیاسی در پی دارد نمیتواند مطلوب باشد، جلب سرمایه های خارجی خصوصی هم با تعوق لازم باید صورت گیرد، فقط سرمایه های خارجی از سازمانهای بین المللی است که در صورت امکان تحصیل و استفاده صحیح از آن مفید خواهد بود تکن درواگذاری این اعتبارات نیز محدودیتهایی وجود دارد. اما تحصیل سرمایه از داخل از طریق وضع و اجرای قوانین مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم محدود کردن مصرف تا حدود رفع حداقل نیازمندیها تا زمانی معین و افزایش تمایل به پس انداز در مردم و تشویق سرمایه داران سرمایه گذاری در امور صنعتی و غیره از جمله نکاتی هستند که در صورت بدر بستن میتوانند ما را از درگیری در دایره معیوب رهایی بخشیده و در صف کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان قرار دهد تا بدین ترتیب قدرت اقتصادی در چهار چوب استراتژی و امنیت ملی بتواند در تامین رفاه عمومی و امنیت ملی در مواقع صلح و جنگ موفق گردد. حال که از دایره معیوب اسم برده شد برای تکمیل مباحث مطرح به تشریح مختصر آن نیز مبادرت میشود.

دایره معیوب :

یا (دایره بسته - خبیثه - فقر - و دایره آرزوها) چیست و راه نجات و رهایی از معیوس شدن در این دایره چگونه است و چطور میتوان آنرا شکست ؟

در کشور های توسعه نیافته مردم فقیر که بعلم ناچیز بودن درآمد سرانه در وضعیتی حتی پایین تر از حداقل معیشت زندگی میکنند نمیتوانند ذخیره کنند زیرا فقر احتیاج بوجود می آورد و احتیاج ذخیره را نابود میسازد بسبب نبودن ذخیره پس انداز سرمایه گذاری مقدور نمیکرد بدون سرمایه گذاری و ترکیب متناسب آن با منابع طبیعی و فعالیت نیروی انسانی تولید و توسعه میسر نیست فقدان تولید فقر بوجود می آورد با ادامه این وضع دایره ای که از فقر شروع شده و بفقر منتهی میگردد تشکیل میشود که بوسیله اقتصاددانان

متعدد با سامی مختلف مذکور در فوق نامیده شده است برای روشن تر شدن چگونگی با تشریح مختصر ذیل دایره معیوب را با شکل مشخص میکنیم .

هر یک از افراد در جوامع مختلف مقداری از درآمد خود را برای رفع حوائج کوناگون زندگی مصرف و مبلغی هم بصورت ذخیره پس انداز مینمایند البته مقدار مصرف و ذخیره با توجه به میل نهائی به مصرف و میل نهائی به پس انداز تعیین میگردد. در کشورهای توسعه نیافته چون درآمد کم و ناچیز است لذا برای امکان ادامه زندگی بناچار جهت رفع نیازمندیها بمصرف میرسد و احتمالا در طبقات مختلف مبالغ ناچیزی ذخیره میشود که مجموع این ذخائر پس انداز ملی را جهت سرمایه گذاری تشکیل میدهد، پس انداز ملی ناچیز معرف فقر ملی است این ذخیره غیر کافی مردم فقیر بایستی بعنوان سرمایه بابر خورداری از منابع طبیعی و نیروی انسانی فعال ترکیب گردیده و تولید ملی را نتیجه دهد بدیهی است در چنین وضعی تولیدات ملی قابل اهمیت نخواهد بود و محاسبه مجموعه تولیدات اعم از کالاها و خدمات بیول که درآمد ملی را تشکیل میدهد بقدری قلیل است که ۱۹۵۱م این حالت جامعه را کماکان در حال فقر و عقب افتادگی نگه داشته و در دایره بسته معیوس خواهد نمود.

شکستن دایره معیوب و طرق نجات از آن:

هدف از شکستن دایره معیوب تهیه تولیدات پیشرو، درآمد ملی قابل توجه و افزایش درآمد سرانه است تا ضمن تامین رفاه عمومی بیشتر

برای افراد از طریق توزیع عادلانه درآمد و رفع حوائج زندگی مقدار پس انداز فردی در نتیجه مبالغ لازم و کافی برای سرمایه گذاری های ملی بالا رفته و با استفاده از عامل انسانی و منابع طبیعی و ترکیب متناسب آنها مجددا بسط تولیدات بالاتری برسند پس هراین راه سه عامل سرمایه - نیروی انسانی یا کار یا تکنولوژی پیشرفته - و منابع طبیعی دخالت تمام دارند راه موفقیت برای کشور - های توسعه نیافته و خروج از دایره بسته فقر در بررسی هر یک از سه عامل فوق نهفته است.

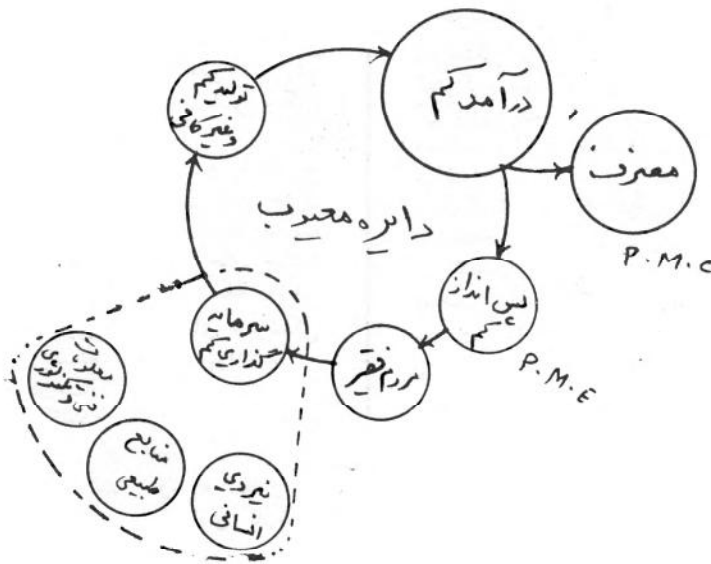
۱- منابع طبیعی :

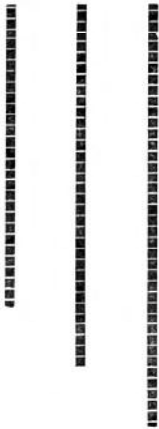
در اکثر کشورهای در حال توسعه منابع طبیعی وزیر زمینی با توجه به موقعیت های خاص این قبیل ممانک بقدر کافی موجود است که قسمتی مورد بهره برداری آنها بشکل ناقص واقع شده و بقیه بصورت دست نخورده موجود میباشد و در واقع از این نظر با مقایسه با ملل مختلف محدودیتی در بین نخواهد بود.

۲ - نیروی انسانی :

از جمله اشکالات مهم کشورهای توسعه نیافته مسئله تخصص نیروی انسانی و مهارت پرسنل و تکنولوژی مدرن میباشد که بایستی در این راه بمرور زمان کوششهای فراوانی را متحمل شوند تا بتوانند در راه نیل به هدف توفیق یابند .

۳- سرمایه : که بود سرمایه از عوامل اصلی و از درهای عظیم کشورهای در حال توسعه است که باید از طریق محدود کردن مخارج - ازدیاد پس انداز - اتخاذ سیستم های صحیح مالیاتی - اوراق قرضه داخلی و غیره در داخل کشور جلب سرمایه های بقیه در صفحه ۴۷





جنگ افزار موشکی

برای ناوچه‌های

گشتی تندرو

سالهاست که اژدر بعنوان جنگ افزار تهاجمی اصلی ناوچه های گشتی تندرو محسوب میشود. این سلاح دارای قابلیت ایجاد خسارات سنگین در قسمت زیرآبی کشتیهای جنگی و تجارتي میباشد. اما این اصل که حمله توسط این جنگ افزار بایستی از فاصله نزدیک انجام شود همواره نقطه ضعفی بزرگ برای آن محسوب میشده . بعلاوه سرعت نسبتاً کم آن نیز باعث میشده که برای حصول اطمینان از برخورد اژدر به هدف ناگزیر شویم بیش از يك اژدر بسوی هدف آتش نمائیم تا جبران تغییر جهت و یا سرعت هدف را در مدت زمانی که اژدر مسافت تا هدف را طی میکند بنماید .

با وجود این بامقایسه با هزینه جنگ افزارهای مدرن اژدر هنوز میتواند بعنوان يك وسیله نسبتاً ارزان و قابل اطمینان جای خود را حتی در ناوگانهای مدرن حفظ نماید. با تکمیل سیستمهای موشکی سطح بسطح و سطح بهوای سبک وزن در حال حاضر ناوچه های گشتی تندرو میتوانند بیک سلاح بسیار مؤثر تر مجهز شوند .

با تکمیل سه ناوچه تندرو در کارگاههای گشتی سازی کارخانه واسپرتورنی کرافت

(Vosper — Tornycraft)

واقع در پرتس موث انگلستان نیروی دریائی لیبی يك نیروی پدافند کرانه ای مؤثر که دارای ناوچه های با سرعت ۵۰ گره دریائی و جنگ افزار موشکی شامل موشکهای SS 11 و SS 12 ساخت کارخانه نورد اویاسیون (Nord Aviation) میباشد مجهز گردید .

هر دوی این موشکها نوع دریائی موشکهای است که در عملیات زمینی مورد استفاده موفقیت آمیز زمین بزمین و هوا بزمین قرار گرفته اند .

موشك SS 12 دارای يك سرچنگی بوزن ۶۳ پوند (۲۸٫۶) کیلوگرم میباشد که قدرت تخریبی آن برابر يك گلوله توپ ۴/۵ اینچ میباشد . این موشك قابلیت نابود ساختن ناوچه گشتی را دارد .

در آزمایشاتی که انجام شد این موشك خسارات زیادی به ناوشکنها و کشتیهای بزرگتری که بعنوان هدف انتخاب شدند وارد آورد .

موشك SS 11 کوچکتر و کم خرج تر از SS 12 است و برای مقابله با هدفهای کوچک بکار میرود .

سکوی پرتاب موشك SS 12 (M) قادر به پرتاب پی در پی ۸ موشك که قبلاً آماده شده اند میباشد. خدمه پرتاب موشك دو نفرند یکی

افسر کنترل آتش و دیگری هدف گیر موشك که محل کار هر دوی آنها اطاق عملیات است جایی که در آن کلیه وسائل برای هدف یابی ، شناسائی هدف ، نشانه روی و شلیك موشك در اختیار آنها میباشد .

بودن در اطاق عملیات این مزیت را نیز دارد که ساختمان ناو بمنزله حفاظتی برای خدمه موشك محسوب میشود .

بعلاوه خدمه نزدیک بفرمانده ناو هستند و بهتر میتوانند دستورات فرماندهی را در مورد انتخاب هدف نظم آتش و جهت و فاصله هدف بکار بندند .

موشکها که تعداد آنها ۸ عدد است در دو گروه چهار تائی در دو طرف پل فرماندهی بر روی سکو های پرتاب ضد نفوذ آب و مقاوم در مقابل آتش نصب شده اند .

بمنظور تمرین و آموزش میتوان تجهیزات پرتاب موشك SS 12 را برای موشك SS 11 بکار برد فقط لازم است که بجای سکوی پرتاب SS 12 سکوی SS 11 را نصب نمود .

ناوچه های تندرو بعلت سرعت زیاد و تکانهای شدید در یاسکوهای نامناسبی برای نصب جنگ افزار های توپخانه میباشد .

بعلاوه مسئله جا ، نگهداری ،

محدودیت خدمه در ناوچه‌ها سبب شده است که برای اینگونه یگان‌ها جنگ‌افزارهای دقیق و محکمی لازم شود که بتواند برای مدت‌های طولانی در محیط نامساعد نگهداری شده و با کمبود وسائل نگهداری کارآئی خود را از دست ندهند.

علیه‌ذا طرح ساختمان موشک SS 12 طوری در نظر گرفته شده که حداکثر قدرت آتش را با حداقل وزن، سرعت، آمادگی جهت عملیات، سادگی، احتیاج به خدمه کم و همچنین بهای کمتر را داشته باشد. بعلاوه در این سیستم جنگ‌افزار احتیاج به آزمایشات پیچیده و تخصصی

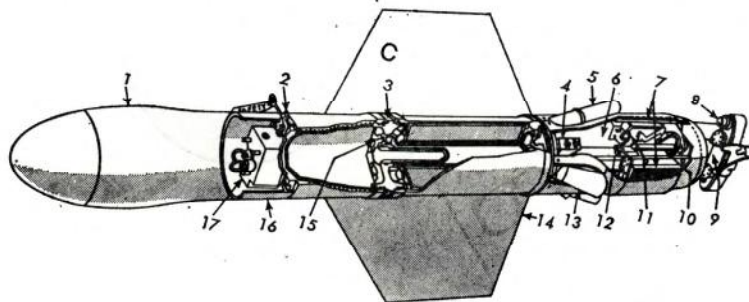
از احتیاج به نصب و آماده کردن موشک تازه در روی سکو در حین عملیات که کاری بسیار دشوار می باشد بمقدار زیاد میکاهد.

تجهیزات پرتاب بسیار ساده و سبک میباشد که باعث میشود از وزن اضافی در روی عرشه کاسته و بعلاوه جای کمتری را اشغال نموده و هزینه کمتری نیز در بر داشته باشد.

احتیاجات نگهداری و خدمه را

نیز میتوان به حداقل رساند.

موشک SS 12 جنگ‌افزاری است با کارآئی بسیار زیاد که دقت عمل



مقطع موشک

- ۱- سر جنگی
- ۲- محل اتصال جلویی
- ۳- موتور موشک
- ۴- دریچه های آزمایش
- ۵- شعله های دنبال کننده
- ۶- هواکش
- ۷- قرقره سیم
- ۸- محل اتصال سیم
- ۹- جعبه اتصال
- ۱۰- دریافت کننده علامت
- ۱۱- تقسیم کننده جابجایی
- ۱۲- محل خروج گاز
- ۱۳- روشن کننده ساینتر
- ۱۴- ماسوره مکانیکی
- ۱۵- حلقه اتصال سر جنگی
- ۱۶- محل اتصال استارت موتور
- ۱۷- بالها (۴ عدد)

آن بستگی کامل به مهارت هدف گیر و شرایط دید دارد.

در شرایط مناسب دید یک هدف گیر آزموده قادر خواهد بود که در ۶۰۰۰ یاردی دایره اشتباه هدف گیری را به ۶ پا محدود کند. چنانچه شرایط دید تغییر یابد دقت هدف گیری نیز کم خواهد شد.

در ناوچه ها معمولاً شرایط دید بسیار نامناسب میباشد بدین جهت برای اینکه هدف گیر از حداکثر دید برخوردار شود در سه ناوچه نیروی دریائی لیبی صندلی مخصوصی که در مقابل ضربه مقاوم میباشد کار گذاشته اند همچنین دوربین هدف

نیست و بهترین شرایط دید را برای هدف گیر که موفقیت حمله با موشک صد درصد با بستگی دارد فراهم مینماید.

سکوهای پرتاب مستقر در سینه ناوچه کاملاً مناسب این نوع یگان میباشد زیرا با در نظر گرفتن سرعت زیاد و قابلیت مانور فراوان میتوان از ناوچه برای هدف گیری استفاده نمود و با قرار دادن سرنواچه در جهت هدف آتش را بطرف آن هدایت نمود.

در این نوع سیستم جنگ‌افزار تعداد زیادی موشک در روی سکو آماده پرتاب میباشد و بدین ترتیب

گیری آنها دارای شعاع عمل زیاد بوده و میدان دید آنها نیز متعادل شده میباشد.

در مرحله پرتاب موشک، ناوچه بایستی در راه ثابت حرکت نماید اما بمحض اینکه هدف گیر موشک را در میدان دید خود آورد فرمانده ناو آزاد است که هر نوع مانوری را که لازم می بیند بنماید.

متعادل ساختن داخلی دوربین (Internal Stabilisation) بدلیل فنی به (بعلاوه و منهای ۲۵ درجه) از مبدأ دوربین محدود شده بدین جهت برای اینکه فرمانده ناوچه آزادی کامل در تغییر راه بمقدار زیاد در مرحله هدایت یک موشک داشته باشد وسائلی در برج هدف یابی تعبیه شده که آنرا معادل ولی مختلف الجبهت با جهت چرخش ناوچه میچرخاند و بدین ترتیب برج هدف یابی همواره در یک جهت ثابت میماند و هدف را گم نمیکند. این چرخش توسط دسته ای که در تابلوی افسر کنترل آتش قرار دارد انجام میشود و میتواند برای هدایت هدف گیر بیک سمت اولیه نیز بکار رود یکی از خصوصیات پرتاب موشک این است که موشک در حین ترک کردن سکوی پرتاب با مانعی از قبیل خود سکوی پرتاب و یا موشک های مجاور و یا بدنه ناو برخورد نکند.

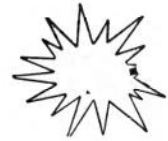
مرحله ابتدائی یا مرحله ای که در آن موشک هدایت نمی شود (Unguided) باید طوری عمل شود که هدف گیر بتواند همیشه موشک را در میدان دید دوربین خود داشته باشد بطوریکه در موقع لزوم قادر به کنترل و هدایت آن بشود.

موشک SS 12 (M) از یک سکوی ثابت با سرعت اولیه ۹ پرتاب می شود و در ثانیه های اول قابل کنترل و هدایت نمیشد.

در ابتدا موشک یک منحنی پرتابی را که از قبل با تنظیم جهت و ارتفاع سکوی پرتاب ایجاد شده طی میکند.

سمت و ارتفاع سکوی پرتاب مرتباً در اثر حرکات طولی و عرضی لطفاً ورق بزنید

از : سرهنگ مرتضی طلوعی



اکنون در محافل علمی و تکنولوژی جهان صحبت از نوعی سلاح آسیب ناپذیر و دارای قابلیت انتقال آبی است که هیچ سلاحی با هر قدرت و سرعت که باشد مصنوع از گزندش نمانده و در قبال پرتومرگبارش در امان نخواهد بود، سلاحی که قادر است با سرعتی معادل سیصد هزار کیلومتر در ثانیه یعنی با حداکثر سرعتی که در طبیعت و جهان آفرینش میتوان سراغ داشت همه چیز را بر سر راهش از بین ببرد و در یک چشم برهم زدن همچون بلای ناگهانی و غیر منتظره کلیه عوامل دفاعی و تهاجمی ثابت و متحرک طرف را نابود سازد و بلافاصله از کار و حیرانتفاخ بیاندازد .

این میوه تلخ درخت علم و تکنیک جدید « اشعه مرگ » نام دارد که گویا سلاح قاطع و نهائی و بی رقیب برای مخاصمات احتمالی آینده و یاشاید هم دارنده نقش اصلی و مسلم در حفظ صلح بایدار جهان فرداست ، یعنی در آن وجود این تیغ دولبه یا افراد بشر راه ناصواب تجاوز را پیش گرفته و بجان هم خواهند افتاد و در طریق کسب قدرت و تحمیل اراده به هموعان خویش تر و خشک را در

لطفا ورق بزنید

اشعه مرگ یا سلاح قاطع و نهائی جنگ

کنار هم به آتش کشیده و خود نیز همراه حریفان سوخته و بورطه نابودی و اضمحلال سوق داده خواهند شد و یا بالعکس، بر مبنای احساس مسئولیت انسانی و درك عظمت خطر و ترس از گسترش غیر قابل اجتناب شعله‌های سرکش و کنترل ناپذیر و خاموش نشدنی آن، دست از پا خطانکرده و صرفه را درگذشت و بردباری و زندگی مسالمت آمیز تشخیص داده و از جنگ و ستیز برحذر خواهند بود، کما اینکه در حال حاضر فی الواقع وجود سلاحهای اتمی و وسائل پرتاب آنها و توجه به این حقیقت که هیچیک از طرفین جنگ تکنولوژی امروز برنده نخواهد بود - مانع درگیری يك جنگ عالم گیر میباشد.

اما ببینیم داستان «اشعه مرک» چیست و این جاشنی افسانه های علمی نویسندگان خیالی قرون اخیر در عصر طلایی ماتاچه حد صورت واقعی بخود گرفته است. مقدمتاً باید دانست که افسانه استفاده جنگی از اشعه مرک مربوط بزمان های بسیار قدیم است: در حدود دوهزارسال پیش رومیها یونانیا را در شهر سیراکوس محاصره کرده بودند، در بین محاصره شدگان ارشمیدس عالم بزرگ آن عصر نیز بود که برای نجات شهر خود وسیله پرتاب سنگهای عظیم را اختراع کرد و بوسیله آن بسیاری از کشتیهای رومیها را غرق ساخت و نیز حکایتی نقل میکنند که ارشمیدس بوسیله عدسی اشعه آفتاب را متمرکز کرده و کشتیهای دشمن را آتش میزد ولی کاملاً معلوم است که این قضیه صحت ندارد زیرا برای آتش زدن يك کشتی که در حدود فقط ۱۵ متر از منبع نور فاصله داشته باشد يك عدسی لازم است که قطر آن تقریباً هفت متر باشد و میدانیم که ساختن چنین عدسی در آن عصر غیر ممکن بود و حتی امروز هم ساختن آن خالی از اشکال نیست. ولی بفرض اینکه چنین وسیله ای هم در آن زمان اختراع شده بود عملاً نتیجه ای نبخشیده است. زیرا همانطور که میدانیم بالاخره رومیها سیراکوس

را اشغال کردند و ارشمیدس را هم بقتل رساندند.

ولی «اشعه مرک» بمفهوم کنونی تا آنجا که معلوم است بوسیله نویسنده انگلیسی «ولز» در قرن نوزدهم در عالم خیال اختراع شده و در کتابهایش آمده است. ولز در کتاب «جنگ دودنیا» مینویسد که متجاسرین کره مریخ بقصد نابود کردن چند شهر انگلیس واز بین بردن ارتش این کشور اشعه ای را مورد استفاده قرار میدهند که نامرئی است و بوسیله نورافکن روانه میشود و شدت حرارت اشعه مزبور بقدری زیاد است که بمحض اصابت به اشیاء آنها را میسوزاند و آهن و فولاد را در مدت چند ثانیه ذوب کرده و تبدیل به بخار مینماید. ولز در همان کتاب میافزاید که متجاسرین مریخی گلوله هائیرا مورد استفاده قرار دادند که بعد از ترکیدن گاز سمی منتشر میکرده البته در این مورد افکار ولز از نظر پیش بینی علمی صحیح بوده زیرا چنین گلوله هائی بعد ها اختراع شد ولی در مورد اشعه مرک آقای ولز زیاده روی کرده بدلیل اینکه اشعه نامرئی حرارتی مورد بحث آقای ولز ظاهراً قبل از همه نورافکن یعنی منبع انتشار خود را نه تنها ذوب میکند بلکه در يك لحظه تبدیل به بخار مینماید.

در زمانیکه آقای ولز کتاب «جنگ دو دنیا» را نوشت انواع اشعه نامرئی توسط علمای فیزیک کشف شده بود. (اشعه مادون قرمز و اشعه ماوراء بنفش و اشعه ایکس و همچنین امواج رادیویی که میتوان آنها را در ردیف اشعه محسوب داشت).

اشعه ماوراء بنفش آثار شیمیائی از خود باقی میگذارد و اگر باشد نسبتاً زیادتری بتابد پوست بدن را میسوزاند و موجب کوری میشود اشعه ایکس همانطور که بعضی از امراض را شفا میبخشد باعث مرگ نیز میشود. يك عده از پزشکان که در ابتدای کار باین اشعه کار میکردند و هنوز وسائل حفاظت فنی مورد استفاده قرار نمیگرفت قربانی شدند و مرگ آنها هم خیلی سخت و دردناک بود یعنی اول

پوست بدنشان صدمه میدید و بعد این زخمها شدت و وسعت پیدا کرده و گاهی تبدیل بسرطان میشد و بالاخره پس از سالها رنج و مشقت مرگشان فرا میرسد.

باوجود این باید توجه داشت که این نوع اشعه با چنین اثری اگر هم بفرض بنحوی بتوان آنرا بر علیه دشمن مورد استفاده قرارداد بعنوان يك سلاح جنگی قاطع بدرد نمیخورد چون اسلحه جنگی باید اثر سریع و تقریباً فوری داشته باشد هیچ ارتشی برای اینکه افراد آن پس از مثلا چندین سال با وضع سختی جان خواهند سپرد دست از جنگ برنمیدارد و تسلیم حریف نمیشود بلکه جنگ را ادامه خواهد داد و پس از غلبه انتقام چنین اقدام غیر انسانی را خواهد گرفت.

انواع امواج رادیویی (بلند - کوتاه - متوسط) برای بدن بدون ضرر میباشند و اگر امواج نیرومند بسیار کوتاه رادیویی از بدن عبور کند خاصیت گرم کننده دارد ولی خطرناک نیست. اشعه مادون قرمز خاصیت و آثار حرارتی دارد واز وجود این اشعه امروزه استفاده های زیادی میبرند باین ترتیب که چون تمام اشیاء در هر درجه حرارتی که باشند (مگر در صفر مطلق یعنی ۲۷۳ درجه سانتیگراد زیر صفر که معمولا در روی زمین غیر قابل وصول است) از خود مقداری اشعه مادون قرمز بیرون میفرستند پس اگر دستگاه های حساسی وجود داشته باشند که در برابر این نوع اشعه متاثر شوند میتوان از این اشعه بجای اشعه نورانی بهره گرفت خوشبختانه چنین دستگاه هائی اختراع شده است مثلاً دوربین های ساخته اند که در تاریکی عکسبرداری می کنند (دوربین های که در اقمار مصنوعی جهت عکس برداری نصب میشود اغلب از این نوعند) یا رادار هائی که قادرند حتی جنس اجزاء متشکله هواپیما های دشمن و یا اشیاء دور دیگر را تشخیص بدهند یا چشم های مصنوعی که برای دیدن اشیاء احتیاج بنور ندارند و بکمک آنها نابینایان را میتوان هدایت کرد و بسیاری اختراعات دیگر - از لحاظ

نظامی در این زمینه از همه مهمتر هدایت موشکها با استفاده از وجود اشعه مادون قرمز است دستگاهی که روی این نوع موشکها نصب میشود پس از پرتاب بخودی خود موشک را بسوی منبع حرارت (که هرچه شدیدتر باشد بالطبع اشعه مادون قرمز بیشتری هم ساطع می کند) میکشاند مثلاً اگر چنین موشکی بسوی هواپیما هائی که در حال پرواز است پرتاب شود چون موتور یا موتور های هواپیما گرمترین قسمت آن است بنابراین هواپیما هرگونه مانوری نکند آنرا تعقیب کرده و سرانجام به گرمترین نقطه آن اصابت خواهد کرد . بدیهی است که چنین اشعه ای بخودی خود نمیتواند اشعه مرک باشد ولی وسیله ایست برای تهیه سلاحهای مرگبار .

بنابر این از آنچه که ذکر شد فقط اشعه ماوراء بنفش و اشعه ایکس بطور مستقیم خطرناک هستند . در باره اشعه ایکس اظهار عقیده کردیم حال ببینیم اشعه ماوراء بنفش چه نقش جنگی میتواند داشته باشد . اول باید توجه داشت که آثار خطرناک حاصله از تابش اشعه ماوراء بنفش سریعتر و در مدت کوتاهتر از اثرات زیان بخش اشعه ایکس ظاهر می شود و زودتر موجب مرگ می گردد ولی خوشبختانه هوا عایق خوبی در برابر این نوع اشعه است اگر چنین نبود اشعه ماوراء بنفشی که همراه نور خورشید بزمین میتابد زندگی را در روی این کره غیر ممکن میساخت در حال حاضر مقدار عمده اشعه ماوراء بنفش که از خورشید به محیط زمین میتابد در طبقات فوقانی جو زمین صرف یونیزه کردن ذرات هوا میشود و فقط مقدار بسیار کمی از آن بروی زمین میرسد که البته این مقدار جزئی مفید است و اگر آن هم نمیرسید روی زمین پر میشد از میکروب ها که مجال زندگی برای بشر باقی نمیگذاشتند یکی از مشکلات پرواز های فضائی و یا مسافرت به کره ماه (که فاقد هوا است) خطرات ناشی از وجود این اشعه است بطوری که اگر در لباس

مخصوص فضانوردان و یامسافرین کره ماه پیش بینی های لازم برای خنثی کردن اثرات زیان بخش اشعه ماوراء بنفش نشود در مدت کوتاهی بطور وحشتناکی پوست بدنشان تاول زده و چشمهایشان کور شده و مرگشان فرا خواهد رسید اینکه اگر هم وسیله ای تهیه شود که اشعه ماوراء بنفش خیلی قوی و متراکم منتشر کند پس از چند صد متر عبور از درون هوا بی خطر خواهد شد . فعلاً از این اشعه برای کشتن میکروب ها و ضد عفونی کردن استفاده می کنند . اما اشعه خطرناکی که بعضی از انواع آن در اواخر قرن ۱۹ کشف شد و پس از انفجار اتمی عملاً بشریت را مورد تهدید قرار داد تشعشعات اتمی است این اشعه یا ذرات بمقدار کم چندان زیانی ندارد ولی وقتی که مقدار آن از حد معین بیشتر شد بسیار خطرناک و کشنده است .

از یک انفجار اتمی ذرات یا اشعه زیر ساطع میشود :

اول اشعه یا ذرات نامرئی آلفا که نمیتواند در پوست بدن نفوذ کند ولی اگر مواد رادیو آکتیو بوسیله خوراک و مشروبات و غیره وارد بدن شود اشعه آلفا که از خود بیرون میدهد صدماتی بوجود می آورد اشعه آلفا بیش از چند سانتی متر نمیتواند در هوا پیش برود و بوسیله یک برگ کاغذ میتوان جلو آنرا گرفت .

دوم ذرات نامرئی بتا که از الکترون های سریع السیر تشکیل شده و از بعضی اتمهای رادیو آکتیو بیرون می آید این اشعه میتواند چند متر در هوا پیش برود ولی باتخته ای بضخامت ۲۵ سانتی متر میتوان جلو آنرا گرفت این اشعه در حدود ۸۵۰ میلیمتر در پوست و گوشت بدن نفوذ و تولید سوختگی های شدید میکند .

اشعه گاما که بسیار نافذ و خطرناک است و فقط بوسیله دیوار های ضخیم بتونی یا سربی میتوان راه را بر آن بست .

اشعه نوترونی یا نوترون ها که با نهایت سهولت از بدن عبور می کنند و بسیار خطرناکند و برای محافظت بدن از خطرات آن هم

باید از دیوار های ضخیم بتونی یا سربی استفاده کرد .

اگر سلاح هائی اختراع شود که مثلاً اشعه گاما یا نوترونها را با شدت زیاد حتی از فواصل نسبتاً دور روی انسان بتابانند بلاشک خطرات مرگباری خواهد داشت ولی بهر حال خطر مرگ فوری و آنی در بین نخواهد بود بلکه بتدریج و با زجر و شکنجه نوبت مرگ فرا خواهد رسید .

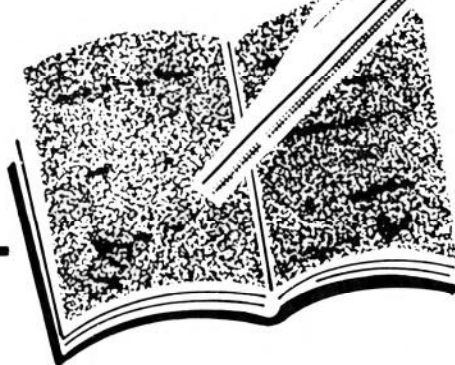
البته ادعا های زیادی در مورد اشعه مرگ و یا اشعه ای که مثلاً از فواصل دور کارموتور ها و دستگاه های مکانیکی را متوقف میسازد شده است : در سال ۱۹۱۵ یک مخترع انگلیسی مدعی شد که چنین اشعه ای را تهیه کرده است و اثر آنرا روی یک گوسفند به معرض نمایش گذاشت البته این گوسفند کشته شد و دولت وقت در صدد خریدن اختراع وی برآمد ولی قبلاً بفکر معاینه گوسفند افتاد و در نتیجه معلوم شد که گوسفند در اثر یک سم عادی کشته شده و ادعای مخترع ترویجی بیش نبوده است .

همچنین چند سال پیش مخترع دیگری ادعا نمود که اشعه اختراعی وی از فاصله دور موتور ها را از کار باز میدارد در آزمایشیکه بعمل آورد جلو چشم مردم چندین اتومبیل که از محل عبور میکردند متوقف شدند اما یک اتومبیل دولتی تصادفاً در آن موقع از آنجا گذشت و بدون اینکه زیر تاثیر آقای مخترع قرارگیرد براه خود ادامه داد و تحقیقات معلوم کرد که قضیه زدونندی بیش نبوده است و رانندگان کلیه اتومبیلها یک موتورهایشان از کار افتاد از آشنایان و همکاران آقای مخترع بوده اند .

خلاصه اینکه کشف اشعه ای بمفهوم افسانه های علمی که بتواند از فواصل دور موجب مرگ آنی گردد و یا صرفاً بعلت نابیدن روی موتور ها یا دستگاههای مکانیکی آنها را از کار باز دارد هنوز مرحله نهائی نرسیده است . معبداً هم اکنون محافل علمی و بقیه در صفحه ۵۸

نوشته : : سرلشگر ضیاء فرسیو

لزوم تغییر قوانین موضوعه



اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی برای بهبود وضع دستگاه قضائی ارتش شاهنشاهی دائماً در تلاش و کوشش بوده و از نظر بالا بردن سطح دانش پرسنل، تأمین وسائل و لوازم کادر و تهیه قوانین مفید برای جلوگیری از جرائم در نقاط مختلف کشور اقداماتی انجام داده که بعضی بمرحله اجرا درآمده و برخی در جریان اقدام است یکی از کارهای لازم و ضروری تجدید نظر در قانون دادرسی و کیفر ارتش بود که اخیراً لایحه قانونی آن تنظیم و بهیئت دولت تقدیم گردیده است برای اینکه علل و موجبات این تجدید نظر روشن شود باید انگیزه تغییر قوانین مشخص و معلوم گردد و بطوریکه خوانندگان محترم اطلاع دارند در وزارت دادگستری نیز کمیسیون مامور تهیه لایحه قانونی آئین دادرسی کیفری و قانون کیفر همگانی کارهای مقدماتی

عدم وجود خودروهای مختلف سواری، باربری، اتوبوس و غیره مسئله عبور و مرور خودروها و راهنمایی رانندگان موضوعی نبود که نیازی به قوانین، مقررات و آئین نامه های خاصی باشد و بهمین دلیل مشکلات ناشی از خودروهای موتورلی نیز ناچیز بود در صورتیکه امروزه آمار تصادف خودروها که اغلب منجر بمړه عده ای از افراد میشود وحشتناک است.

بنابر این لازم و ضروری است که برای رعایت نظم عمومی و حفظ جان مردم باتصویب قانون خاص رانندگان را موظف بر رعایت مقررات رانندگی نموده و متخلفین را نیز شدیداً بکیفر برسانند تا موجب عبرت سایر رانندگان شود بهمین دلیل در سال ۱۳۲۸ قانون

خود را انجام داده و بزودی لایحه مربوطه به مجلسین تقدیم خواهد شد البته در سایر وزارتخانه ها هم بنابه احتیاجات مربوطه کم و بیش در این مورد اقداماتی انجام شده است حال به بینیم چرا قوانینی که باصرف وقت زیاد علما و کارشناسان فن تهیه و تدوین میشود باید تغییر یابد. قانون زائیده نیازمندیهای اجتماعی است و چون در هر اجتماع احتیاجات متغیر و دائماً روبتزايد میباشد لذا قوانین موضوعه هم نمیتوانند لایتغیر و ثابت باشند و حتماً باید بازمان و مکان تطبیق داده شوند تا جوابگوی جامعه بشری باشند اگر به پنجاه سال قبل نظر کنیم می بینیم در شهر تهران پرجمعیت امروزی علاوه براینکه از لحاظ وسائل و موتورلی تراکمی وجود نداشت اصولاً به علت

تشدید مجازات رانندگان به تصویب رسید و اجرا گردید موارد زیادی وجود دارد که شاهد مثال است مانند خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در بیست سال پیش در کشور ما اغلب از اشخاص معتاد به تریاک میتوانستند تریاک مورد نیاز خود را آزادانه از مغازه ها خریداری و در منزل و یا در اماکن عمومی بمصرف برسانند و حتی مسافری در طول راه می-توانستند در قهوه خانه ها تقاضای منقل و وافور نموده و رفع نیاز بنمایند ، ولی با توجه به عواقب وخیم ناشی از استعمال مواد مخدر دولت مبادرت به تهیه لایحه قانونی منع کشت خشکاش و تقدیم آن به مجلس نمود که جلوی این بلای خانمانسوز را گرفته و جوانان و نسل آینده را از این سم مهلك نجات دهد قانون مزبور در سال ۱۳۳۴ و قانون اصلاحی آن در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید و با شدت بسورد اجرا گذارده شد و چون اغلب از معتادین حاضر به ترك آن نشده و در خفا باستعمال تریاک و مرفین و سایر مشتقات آن ادامه میدادند در تیر ماه سال ۱۳۴۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی قانون اصلاحی منع کشت خشکاش به تصویب مجلسین رسید که علاوه بر تشدید کیفر صلاحیت رسیدگی بانتهام قاچاقچیان اینگونه مواد در اختیار دادگاه های نظامی قرار داده شد که با سرعت و شدت از قاچاق مواد مذکور که کلا سم کشنده میباشد جلوگیری بعمل آید مورد دیگر که مسئله روز است یکی از بی سابقه ترین پدیده های قرن بیستم ایجاد جبهه آزادی بخش در ایالات متحده آمریکا می-باشد که در سراسر آمریکا از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام تظاهرات عظیمی بر پا گردیده است زنان کار منزل و نگهداری کودکان را رها کرده و در خیابان برژه پرداخته اند . در سیراکوس زنان شال گردن ، کرسن ، بیگودی و لوازم آرایش خود را در صندوق های خاکروب ریخته و آنها را جزئی از وسائل بدبختی زنان نامیده اند. در شهر واشنگتن که پایتخت

ایالات متحده آمریکا است تظاهرات عظیمی در میدان لافایت برپا شد و کلیه زنان در آنجا اجتماع کرده و تلگرام های تبریک برای هشتاد تن از یکصد نفر سناتور که طرفدار تساوی حقوق زنان هستند مخابره کردند این تظاهرات و جنبش های اجتماعی جنس لطیف که معتقدند هنوز دارای حقوق مساوی با مردان نیستند برای نشان دادن اهمیت وجودی خود به مردان وادار کردن آنها بقبول حقوق اجتماعی کامل می باشد در کشور مجارستان بموجب قانون اساسی زن و مرد بطور یکسان از حقوق اجتماعی برخوردارند زن مجارستانی حق دارد عهده دار همان کاری شود که مرد انجام میدهد و برابر مرد مزد دریافت کند ولی وقتی بخانه باز میگردد مسئول امور خانه و کشیدن این بار سنگین نباشد در پنجاه سال پیش در کشور ما زن از کلیه حقوق اجتماعی محروم بوده و فقط در منزل با امور خانه داری می پرداخت و حتی مردان با استفاده از تعدد زوجات اغلب دارای چند همسر عقدی و صیغه بودند و با تامین هزینه خوراك و پوشاك و زیست آنها وظائف شوهری خود را انجام داده و زن در مقابل مرد جز اطاعت و انجام اوامر او راه دیگری در پیش نداشت پس از انقلاب سفید شاه و مردم در بهمن ماه سال ۱۳۴۱ زنان نیز از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلسین شورای ملی و سنا و همچنین شرکت در انجمن های استان و شهرستان و شهرداری و غیره نیز برخوردار گردیدند و اغلب از زنان تحصیل کرده در وزارتخانه ها در مشاغل مختلف (که سابقا فقط بماشین نویسی ختم میشد) مشغول انجام وظیفه هستند و مسلماً در آینده استفاده از حقوق اجتماعی بصورت تساوی حقوق زن و مرد گسترش خواهد یافت البته شاید ادامه این حق به جنس زن موجب شود که امور داخلی خانواده ها مختل شده و آنطور که باید و شاید آموزش و پرورش کودکان در محیط منزل انجام نشود و اعضاء خانواده از رفاه وآسایش

و آرامش فکری برخوردار نگردند ولی آنچه که مسلم و محرز است محیط اجتماعی امروزه دنیا در کشور های مختلف ایجاب می - نماید که توده عظیم افراد بشر بنام جنس زن در فعالیت های اجتماعی سهیم و شریک شده و بنوبه خود عناصر مؤثر و عوامل انجام دهنده کار باشند تا بهتر بتوانند جوابگوی نیازمندی های فردی و اجتماعی باشند اگر ما معتقد باشیم که استقلال زن در کار موجب عدم اطاعت او در خانواده شده و نتیجه آن جدائی از شوهر و گسیختگی امر خانوادگی خواهد بود باید قبول کنیم در هر امری معایب و محاسن وجود دارد و باید هر دو با هم سنجیده شده و پس از ارزشیابی جمع جبری آنها توجه و چنانچه محاسن بیش از معایب بود آن طرح را بمرحله اجرا درآورد و مسلماً شرکت زنان در اجتماع و امور مختلفه دارای محاسن زیادی بوده و امروزه با گسترش نیازمندی ها در رشته های مختلف نمیتوان به طبقه مردان قناعت نمود باید از استعداد زنان در موردی که قابل استفاده میباشند بهره برداری نموده و بنفع اجتماع (نه فقط به نفع فرد و یا افراد بخصوص مانند شوهر ، برادر ، پدر و مادر) از این طبقه استفاده کرد البته در این راه باید مستند قانونی وجود داشته باشد که در هر کشوری بنا به مقتضیات و مصالح عمومی قوانینی تهیه و تنظیم خواهد شد بحث ما در این است که هر چند علمای کشور ها و مسئولین امور در تنظیم قوانین و تصویب آن بوسیله قوه مقننه اقدام نمایند معبداً بعلت ازدیاد نیازمندی ها و تغییرات آن ایجاب می کند که ماده واحده یا مواد خاصی تنظیم و خارج از قانون موجود در آن رشته بخصوص بتصویب رسیده و برای اجرا به دولت ابلاغ شود اگر بقوانین مختلف مصوبه کشور خود از تاریخ مشروطیت الی حال که بیش از ۶۴ سال از عمر آن نمی گذرد توجه کنیم می بینیم که اغلب پس از تصویب قانونی خاصی به کرات بقیه در صفحه ۸۴

اهمیت آموزش در ارتش و اثر آن در قدرت رزمی

از: سرهنگ ۲ ستاد محمدهادی رضائی



اجرای آموزش صحیح و مداوم یکی از عوامل مهم افزایش قدرت رزمی ارتش است. در زمان های بسیار گذشته که قدرت های نظامی بوجود آمدند و برای مقابله با دشمن و حفظ و حراست سرزمین خود هسته مرکزی نیرو های رزمی را تشکیل میدادند بدین اصل واقف بودند که این قدرت انسانی موقعی بر علیه متجاوز مؤثر و برنده است که آموزش صحیح و مطابق با خواسته های زمان داشته باشد مثلاً در کشور ما ایران ارتش های بزرگی که پادشاهان هخامنشی و ساسانی بنیان گذار آنها بودند سربازان در حرفه سوارکاری و تیراندازی و شمشیرزنی بحد مهارت رسیده و نیز از نظر قدرت جسمانی و جسارت سرآمد همگان بودند و این قدرت رزمی بدست نمی آمد مگر با برنامه آموزشی صحیح و مربیان کارآزموده و رعایت تکنیک ها و فنون مربوط باین آموزش در آن زمان چه بسیارند شواهد تاریخی که تعداد خیلی سربازان از جان گذشته با ایمانی راسخ و آموزشی کافی توانسته اند ارتشهای بزرگی را بزانو درآورند و حماسه هایی جاویدان از خود

بیادگار گذارند این قدرت و توانایی در پرتو فاکتور و عوامل مهمی بدست می آید و آنهم با اجرای صحیح و منظم آموزشی است از آنجمله. نیروکشی خشایار شاه به یونان و یا اردوکشی نادر شاه افشار به هندوستان یا حملات دامنه دار و پی گیر فنلاندی ها در جنگ اول بر علیه نیرو های روسی و شکست روسها در نبرد سوآموسالی. امروز اداره کنندگان نیروها بدین نتیجه رسیده اند که سلاح و وسائل جنگی هر چند که گران قیمت باشد در اثر رشد اقتصادی کشور و در دست داشتن پول میتوان خرید و از خارج تامین نمود تنها عاملی که در جنگ نمیتوان خرید و با پول تهیه نمود همانا سرباز آموزش یافته و ورزیده است. هیچگاه ارتش های بزرگ روی کمیت یعنی فقط از نظر تعداد پایه گذاری نمیشوند بلکه کیفیت و ارزش رزمی سرباز و درجه دار و افسر مطرح است. انبوه سربازان آموزش نیافته فاقد هر گونه ارزش رزمی است و بعکس تعداد سرباز با آموزش کافی و با ورزیدگی کافی لازم از هر جهت بر آن دسته ارجح اند. بی گمان سربازان ورزیده و

آشنا بفنون جنگ را هر کشور در زمان صلح باید با در اختیار گذاردن وسائل لازم و مربیان کارآزموده و برنامه های صحیح و پی گیری برابر شرایط واقعی رزم برای روزیکه نیاز بدانها دارند تهیه و آماده نماید و اگر این سه عوامل و سایر عوامل مؤثری که در امر آموزش و فراگیری پرسنل ارتش خاصه سربازان و درجه داران تاثیر بسزائی دارند مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند اشکالات موجود تاحدودی روشن شده و میتوان به علل پیشرفت مطلوب آموزش در ارتش پی برد بنابراین مطالبی که در این مبحث مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت عبارتند از:

- ۱- مراحل و برنامه های آموزش پرسنل نظامی از نظر آموزش های انفرادی و یگانی
- ۲- وضع پرسنل نظامی در بدو استخدام و میزان شایستگی و فراگیری آنان از نظر تحصیلی و دانش لازم جهت فراگیری و خصائل روحی و قدرت جسمانی
- ۳- نقش اساسی درجه داران در شئون ارتش خاصه رهبری رده

برای هر يك از مراحل آموزش برنامه هائی درطول خدمت بمنظور اجرا در اختیار یگانها قرار دارد كه یگانها بر مبنای آن بایستی برنامه های آموزشی خود را منظم و هم آهنگ نموده و ضمن هدایت و رهبری توسط فرماندهان مربوطه وسیله فرماندهان بالاتر نظارت كامل بعمل بیاید بطور كلی میتوان مراحل آموزش را بدو مرحله تقسیم كرد .

الف - آموزش مقدماتی نظامی
هدف از آموزش مقدماتی نظامی و اصول مقدماتی رزم با افراد آماده نمودن آنها جهت طی مراحل بعدی آموزش بوده و افراد نظامی را آماده میسازد كه در مراحل بعدی با سرعت و تمایل زیاد و علاقه مندی بیشتر خود را آماده فراگرفتن آموزشهای بعدی بنمایند . در این مرحله است كه يك فرد نظامی از يك محیط غیرنظامی كه هیچگونه قید و بندی در آن وجود نداشته خود را در يك محیط كاملاً نظامی كه دارای برنامه منظم و حساب شده میباشد می بیند كه تمام مدت ۲۴ ساعت او از روی يك برنامه صحیح و دقیق تنظیم شده است این امر بقیه در صفحه ۵۱



با توجه بمراحل نه گانه مذکور كه هر يك از آنها بحثی طولانی دارد حال ببینیم مراحل و برنامه های آموزشی پرسنل ارتش از نظر آموزشهای انفرادی و یگانی چگونه است .

های پائین و اجرای پایه گذاری آموزش و یا اینکه در وضع فعلی درجه داران قادرند كه این وظیفه حساس و مهم را انجام دهند و فعالیت های آنان جوابگوی خواسته های ارتش خواهد بود ؟

۴ - چگونه آموزش تیراندازی در یگانها .

۵ - وضع آموزش رزم شبانه و اثر این آموزش در افزایش قدرت رزمی یگانهای ارتش

۶ - مراجعه و بررسی مدارك و آئین نامه ها و بهره برداری از آنها و تطبیق با وضع موجود .

۷ - نقش تمرینات صحرائی در بالا بردن قابلیت رزمی یگانها و بررسی وضع موجود زمینی و عملیات و ارزیابی صحیح از قدرت رزمی یگان در تمرینات صحرائی .

۸ - طرز استفاده از وسائل كمك آموزشی

۹ - عوامل مهمی كه در میزان بالا بردن روحیه و انضباط و ایمان افراد ارتش مؤثرند چیست و چه نكاتی باید در این زمینه رعایت شود تا بعد اعلای این سه عامل در هر فردی از افراد ارتش بوجود آید و نقشی كه این سه عامل در قابلیت رزمی ارتش دارد چیست.



اقتصاد و استراتژیکی و امنیت ملی

مانده از صفحه ۳۱

خارجی خصوصی و استفاده از سازمان های بین المللی نظیر بانک ترمیم و توسعه و صندوق بین المللی پول از خارج تامین شود و در عین حال از روشی کشورهایی که در این راه اقدام نموده و توفیق یافته اند بصورت معقول و منطبق با اوضاع خاص کشور مورد نظر تقلید و پیروی گردد کشور ژاپن - آلمان - و روسیه در این مورد سرمشق خوبی میتوانند برای کشور های در حال توسعه باشند .

ژاپن : در اواخر قرن نوزدهم دانشجویانی برای تحصیل در رشته های مخصوص طبیح طرح های لازم بخارج (کشورهای اروپائی) فرستاد و شروع به تقلید روشهای فنی غرب کرد و باین ترتیب در آماده نمودن نیروی انسانی و متخصصین بعد لازم برای مراحل اولیه توفیق یافت .

دولت ژاپن در تسریع رشد اقتصادی نقشی فعال و خلاق بعهده گرفت درساختمان راه آهن و سایر تاسیسات فوائد عامه کوشید . مالیات سنگینی بر اضافه ارزش اراضی زراعی وضع کرد بچند خانواده تروتمند وکی فعال اجازه داد امپراطوری وسیع صنعتی دایر کنند .

در عین حال مردم بطور کلی مکلف بودند برای تامین معاش هرچه بیشتر کار کنند و زحمت بکشند و بدین نحو بدون اتکاء بورادات سرمایه از خارج ژاپن در طول چند دهه خود

را بصفت مقدم کشورهای صنعتی جهان رسانید . آلمان : بعد از ۱۸۴۸ اقدام به تسریع در صنعتی شدن نمود در اثر کمک دولت آلمان به دانشگاهها دانشمندان آلمانی در ریاضیات - فیزیک - شیمی و مهندسی مقام ممتاز بدست آوردند . پنجاه سال بعد بیشتر استادان آمریکائی در موضوعات مزبور برای بدست آوردن دکترا به آلمان میرفتند . تخصص و مهارت آلمان در شیمی آلی - نور - شیشه سازی و لوازم الکتریکی از همه جلوتر بود و با اینکه در دو جنگ جهانی اول و دوم وضع اقتصاد آلمان دچار رکود گردید معذالک امروز در نتیجه فعالیت نیروی انسانی و تکنولوژی عالی برقیب میباشد .

کشور روسیه شوروی : نیز مثال دیگری از امکان توسعه سریع از طریق تقلید فنی است در زمان حکومت تزار روسیه در حال توسعه اقتصادی سریع بود بانکهای فرانسه به تشویق دولت مبالغ هنگفتی اوراق قرضه دولت تزار را با افراد فرانسوی فروختند قسمتی از این وجه بصرف ساختمان راه آهن و سایر کارخانجات در روسیه رسید و کمبود سرمایه را در آن کشور تا حدی جبران نمود ولی انقلاب بلشویکی روسیه بعد از جنگ بین الملل اول وشکست از آلمان سبب شد که اتحاد جماهیر شوروی بتواند از سرمایه خارجی استفاده کند . لذا روسیه برای

افزایش سرعت صنعتی شدن مصرف جاری را بیرحمانه در برنامه های اقتصادی پنجساله بعد از ۱۹۲۸ محدود ساخت در ابتدا تعداد زیادی مهندس خارجی استخدام کرد ولی از آن بعد دانشمندان روسی علاقه زیادی به نوشته های فنی که در خارج منتشر میشد نشان دادند و از معلومات فنی که در مجلات انتشار می یافت بهره برداری نمودند و باین طریق با تامین مهارت نیروی انسانی و سرمایه کافی بدرجهای از توسعه اقتصادی و صنعتی رسیده اند که امروز در صف مقدم کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان قرار گرفته و تنها رقیب پیشرفته ترین کشور توسعه یافته صنعتی دنیا یعنی امریکا میباشد . کشور شاهنشاهی ایران با توجه به هدف ها و فعالیت هایی که بر طبق برنامه های چهارگانه عمرانی کشور در زمینه حداکثر استفاده از عوامل تولید و نیل به توسعه اقتصادی و تسریع در این امر بمرحله عمل در آورده بطور قطع و یقین در نتیجه رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر موفق خواهد شد در آینده نزدیک در صف کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان قرار گیرد و بر عهده ملت نجیب ایران است که برای احراز مقام اقتصادی خود از هیچگونه فداکاری و تلاش دریغ ننماید .

خواهد بود که از دو جهت مخالف با سرعت زیاد در حرکت بوده و با یکدیگر برخورد نمایند . طبیعی است که در مورد دوم شدت تصادم ویدایش نیروهای تخریبی به مراتب بیشتر از دومورد اول خواهد بود .

اندازه گیری حلقه های مغناطیسی

دانشمندان آلمانی توانسته اند برای نخستین بار یک حلقه از امواج الکترو مغناطیسی را درصنوده کیلو متری مدار زمین دقیقاً اندازه گیری کنند .

اقدام یاد شده بوسیله انستیتوی آلمانی ماکس پلانک بوسیله یرتاب چهار موشک در هندوستان بارفعات ۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتری انجام گرفته است .

موشکها در ارتفاعات مذکور ابری از قطعات فلزی بئازکی مومحتوی ایون پخش نمودند و بدینوسیله حلقه ای الکترو مغناطیسی پدیدار گردید .

انستیتوی نامبرده همچنین درصنوده دو موشک تحقیقاتی برای اندازه گیری جریان های انوار شمالی بغضا پرتاب نموده که نتایج آن هنوز اعلام نشده است .

مطبوعات جهان

ساختمان است .

طرز عمل دستگاه مزبور چنین است : الکترونها و یوزیترونها، که در دو جهت مخالف قرارداد میشوند باسه میلارد ولت الکترونی انباشته گشته و سپس به برخورد با یکدیگر هدایت خواهند شد . در این دو تصادم یکدیگر را نابود خواهند کرد و در نتیجه آن تشعشع انهدامی بوقوع خواهد پیوست که یادارای اشعه بانیروهای بسیار قوی و یایک تشعشع جزئی خواهد بود .

در دو فاصله بین برخورد و انهدام منطقه دگرگونی پیدا میشود که موجد نیرو های هسته ایست و ذرات آنها تا حدود زیادی هنوز نا مکشوف مانده است . ولی بکمک دستگاه جدید دانشمندان کاملاً قادر به تشخیص حدود منطقه دگرگونی خواهند بود و میتوان انتظار کشفیات نوینی را در این زمینه داشت . در دستگاههای موجود کنونی اجزاء اتم نیز با نیروهای بزرگ انباشته میشوند ولی این الکترونها بر علیه هدفهای متوقف هدایت میشوند . در واقع میتوان روش کنونی را با روش جدید اینگونه تشبیه کرد : عمل در دستگاههای جدید مانند برخورد دو اتومبیل

عظیم ترین رادیو تلسکوپ

بزرگترین رادیو تلسکوپ جهان اکنون در کارخانجات کروب در آلمان فدرال در دست ساختمان است . این رادیو تلسکوپ میتواند تا طول موج ۲۵ سانتیمتر مورد بهره برداری قرار گیرد و قدرت برداشتن مطابق با هشت میلارد سال نوربست (یکسال نوری برابر است با مساحتی که نور با سرعتی در حدود سیصد هزار کیلومتر در ساعت در مدت یکسال طی نماید . یعنی تقریباً ۹٫۴۶۱ میلیارد کیلومتر)

با این رادیو تلسکوپ عظیم گام مهم نوینی در راه ارتباط با کائنات برداشته میشود .

یک خبر علمی تازه

در صورت برخورد الکترونها ی منفی با الکترونها ی مثبت موسوم به (یوزیترونها) چه پیش خواهد آمد . دانشمندان جهان در انتظار پاسخی هستند ، که دستگاه تازه موسوم به حلقه ذخیره الکترون . یوزیترون ، طی سالیان آینده عمل خواهد داد . این دستگاه اکنون با صرف هزینه ای ببلع صد میلیون مارک (۲۵۰ میلیون دلار) در آلمان فدرال در دست

- مریخ مهديك تمدن درخشان باستانی است .
- دو سفینه عظیم کیهانی که دانشمندان مریخ
میلیونها سال پیش پرتاب کرده اند هنوز در
فضای پیرامون این کره در گردش هستند.



يك دانشمند نجومی مشهور شوروی
موسوم به دکتر شكولوفسكى
چندى پیش نظریه بدیعی اعلام
داشت که در جهان سروصدای
زیادی بوجود آورد . قبل از بحث
در باره نظریه دانشمند مزبور
توجه خوانندگان گرامی را باین
موضوع جلب میکنیم که در سال
۱۸۷۷ میلادی پروفیسور آرافهال
در رصدخانه واشنگتن کشف مهمی
کرد که در دنیای نجوم ارزش
فراوانی داشت . نامبرده اعلام
نمود که دو قمر بدور کره مریخ در
حال گردشند که قطر تقریبی یکی
از آن دو ۱۶ کیلومتر و قطر دیگری
در حدود ۸ کیلومتر است و نام
بزرگتر را «فوبوس» بمعنی ترس
واسم کوچکتر را «دیموس» بمعنی
دهشت گذاشت .

فوبوس که از مغرب آسمان
مریخ طلوع و در مشرق آن غروب
میکند بعلت نزدیکی غیر عادی
(که در حدود ۳۷۰۰ میل از سطح
مریخ است) دارای سرعت سرسام
آوری است و در هر روز مریخی
۳ بار این کره را دور میزند .
دیموس که در مقایسه با اقمار
سیارات دیگر منظومه شمسی از
همه کوچکتر و از این حیث بسیار
عجیب میباشد در فاصله تقریباً
۱۴۶۰۰ میلی مریخ و در هر روز
مریخی ۴ بار بدور این کره طواف
میکند . در مقایسه با فاصله ماه
بزمین که بطور متوسط در حدود
۲۴۰ هزار میل است نزدیکی غیر
عادی اقمار مریخ باین کره معلوم
میشود .

کوچکی و نزدیکی و خلاصه وضع
غیر معمولی این دو قمر مریخ از
ابتدای کشف آنها مورد بحث هیئت
دانان بوده و تاچندی پیش هیچگونه
توضیح علمی قانع کننده ای پیدا
نشده و وضع عجیب این اقمار
همچنان در پرده ابهام باقی مانده
بود بخصوص اینکه رصدهای اخیر
نشان داد که فوبوس تدریجاً بمریخ
نزدیکتر میشود و بهمین مناسبت
سرعت آن افزایش می یابد بطوریکه
از موقع کشف این قمر تاکنون
در حدود ۲ درجه نسبت بموقعیت
پیش بینی شده در روی مدارش

از : سرهنگ مرتضی طلوعی

يك كشف انقلابی

پیشی گرفته است و طبق محاسبات
دقیق اگر تقرب آن بهمین منوال
ادامه پیدا کند تقریباً پس از ۱۵
میلیون سال دیگر بروی مریخ
سقوط خواهد کرد .

موضوع نزدیک شدن تدریجی فوبوس
بمریخ مسئله بغرنج تر و مشکلترازه ای
را پیش آورده و آن اینکه چه
نیروئی میتواند در برابر حرکت
این قمر مقاومت کرده و موجب
سقوط تدریجی آن گردد .

ابتدا جواب این مسئله ساده
بنظر میرسید باین ترتیب که ممکن
است سقوط فوبوس را مربوط
بمقاومت ذرات اتمسفر محیط مریخ
بدانیم بهمان نحو که در مورد اقمار
مصنوعی آمریکا و شوروی در
محیط کره زمین مشاهده میکنیم
لیکن باتوجه به حجم و در نتیجه
جرم فوبوس و اینکه ارتفاع اتمسفر
محسوس محیط مریخ از ۵۰ تا
لغاً ورق بزنید

۶۰ میل تجاوز نمیکنند (درحالیکه ارتفاع مدار فوبوس در حدود ۳۷۰۰ میل از سطح مریخ است) قبول اینکه فوبوس در اثر مقاومت ناچیزی که اتمسفر مریخ در ارتفاع مدار این قمر دارد بتدریج سقوط میکند غیر منطقی است. اگر جرم قمر مزبور خیلی کمتر از مقداری بود که بطور تقریب نسبت به جرمش محاسبه میشود توضیح این موضوع اشکالی نداشت زیرا تأثیر ترمز کننده مقاومت هر سیالی مانند اتمسفر، روی جسمی که درون آن حرکت میکند با مقدار جرم آن جسم نسبت معکوس دارد.

اصولا این اصل در مورد هراتر ترمز کننده ای صادق است. مطلب را با مثال ساده ترمز اتومبیل هم میتوان روشن ساخت.

همه میدانیم که حرکت دواتومبیل را که دارای وزنهای مختلف ولی سرعتهای مساوی هستند با صرف نیروهای مختلفی میتوان ترمز کرد یعنی برای متوقف کردن اتومبیلی که دارای وزن و یا جرم بیشتری است نیروی بیشتری باید مصرف شود.

اگر فوبوس (قمر مریخ) هم مانند سایر اجرام سماوی به نسبت جرمش دارای جرم بود طبق محاسبه این جرم بقدری میشد که نیروی مقاومت ناچیزیکه اتمسفر مریخ در ارتفاع مدار فوبوس در برابر حرکت آن تحمیل میکند قادر نمیشد موجب نزدیک شدن مریخ گردد.

بنابراین برای توضیح منطقی نزدیک شدن تدریجی فوبوس به سیاره مریخ هیچ راهی وجود ندارد مگر اینکه قبول کنیم که این قمر دارای جرم کمتری میباشد یعنی توخالی است و یا در داخل آن اطاقها و دالانهای مجوفی وجود دارد و باتوجه باینکه هیچیک از کرات و یا اجرام آسمانی طبیعی ممکن نیست که توخالی باشد (بلکه بالعکس هرچه بمراکز این کرات یا اجرام نزدیکتر شویم متراکمتر هستند) لذا چاره ای نیست جز اینکه قبول کنیم که فوبوس یک قمر مصنوعی است. و آنگه محاسبات مبتنی بر تغییرات مدار فوبوس نشان میدهد که این

قمر خیلی جوانتر از مریخ است، بعبارت دیگر فوبوس میلیونها سال پس از اینکه مریخ سرد شده و سطح آنرا قشرهای جامد پوشانیده در عرصه کائنات بوجود آمده و این موضوع هم دلیل دیگر است بر اینکه قمر مزبور وسیله ساکنین باهوش و متمدن اعصار گذشته مریخ پرتاب شده زیرا اگر مانند ماه زمین و یا اقمار سیارات دیگر طبیعی بود بایستی در زمانی بوجود آمده باشد که مریخ یعنی سیاره «مادر» آن در حالت گاز و یا مذاب بوده است.

در اینجا يك سؤال ممکن است پیش آید و آن اینکه بدون شك فوبوس با وجود کوچکی اش نسبت باقمار سیارات دیگر منظومه شمسی و با وجود توخالی بودن آن باز هم چند میلیون تن جرم دارد و دانشمندان عصر درخشان مریخ چگونه موفق شده اند چنین جرمی را پرتاب کرده و بدور مریخ بطواب وادارند؟

پاسخ باین پرسش چندان مشکل نیست اولاً همانطور که در مورد ایجاد ایستگاهها و یا پایگاههای فضائی بدور کره زمین در نظر گرفته شده قطعات مجزای این نوع اقمار عظیم را میتوان بتدریج بمدار معین فرستاد و در همانجا بکمک کارگران فضائی بهم متصل کرد و این عمل ممکن است در چندین هزار مرحله انجام گیرد و اهمیت همه جانبه و علمی اقمار عظیم مصنوعی که در حقیقت بازمایشگاههای فضائی مجهز و حتی شهرهای کوچک باصدها سرنشین بتوانند مبدل گردند دیگر مانند گذشته خواب و خیال تلقی نمیشود. حل اینگونه مسائل و عملی کردن چنین طرحائی اگر هم در سطح تکنولوژی کنونی کمی دشوار باشد پیش بینی میشود که فرزندان ما شاهد چنین موفقیتتهائی خواهند بود.

موضوع دیگری که کار ایجاد اقمار مصنوعی را برای دانشمندان اعصار تمدن مریخ آسانتر کرده بود کم بودن قوه جاذبه مریخ نسبت بجاذبه زمین است. غلبه بر جاذبه سطح زمین با سرعت ۱۱/۲ کیلومتر در ثانیه میسر است درحالیکه با سرعت تقریباً ۵

کیلومتر در ثانیه میتوان در جاذبه سطح مریخ غلبه کرد. بنابر این برای پرتاب اقمار مصنوعی با جرم معین دانشمندان مریخ کمتر از نصف انرژی مصرفی دانشمندان زمینی را لازم داشته اند. بعلاوه اتمسفر مریخ بسیار رقیقتر و کم ضخامتتر از اتمسفر کره زمین میباشد و این موضوع کمک بسزائی بسهولت پرتاب اقمار مصنوعی و مسافرتهای فضائی ساکنین مریخ نموده است.

بدیهی است که مطالب مورد بحث فعلاً در مرحله تئوری بوده و اثبات قطعی آن بعهده تحقیقات بعدی میباشد. بلافاصله پس از اعلام نظر از طرف دکتر شکولوفسکی عده ای از هیئت دانان بعقیده او خرده گرفتند ولی دکتر شکولوفسکی با اعتماد زیاد بصحت تحقیقات و عقاید خود مصمم گردید که در مجمع بین المللی دانشمندان از نظرات خود دفاع کند و درباره دلایل خود توضیحات کافی بدهد.

طبیعی است که در صورت اثبات مصنوعی بودن فوبوس اثبات مصنوعی بودن دیموس (قمر کوچکتر و دورتر مریخ) آسان خواهد بود. و رویهمرفته نظریه انقلابی بزرگی در علم نجوم بشمار رفته و دریچه تازه ای بروی دانش بشر گشوده خواهد شد.

عکسبرداری از سطح مریخ که بوسیله ماینرهای آمریکا انجام گرفته این احتمال را که در حال حاضر روی کره مذکور موجودات زنده ای وجود دارد یا خیر نه نفی میکند و نه اثبات، ولی قدر مسلم این است که شرایط فعلی مریخ با آنچه که میلیونها سال پیش دارا بوده و احیاناً میتواند مسکن موجودات زنده ذیشعور و متریقی و مستعد برای پرتاب اقمار مصنوعی عظیم و ایجاد ایستگاههای فضائی باشد بسیار متفاوت است. برای کشف حقایق مربوط به مریخ و اثبات و یارده نظریه انقلابی دکتر شکولوفسکی و بسیاری نظرات دیگر باید در انتظار پیاده شدن يك آزمایشگاه خودکار روی مریخ و بدنبال آن رسیدن پای انسان بسطح آن کره بود.

کمین کردن در مخفی گاهها برای یورشهای ناگهانی جهت بغنیمت گرفتن اسلحه میباشد در صورتیکه حقیقت امر غیر از این است .
تعداد سلاحهای که چریکهای ویتنام طی سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ بدست آوردند و از دست دادند در مقایسه با تعداد سلاح هائی که چریکهای مالایا طی سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۳ بغنیمت گرفتند و دوباره از دست دادند بشرح زیر است :

کننده اسلحه را در خارج از کشور جهت ورود اسلحه به کشور بسیج نمایند .

«شاخه تهیه مهمات» با شاخه تهیه سلاح کاملاً از هم مجزا بودند . وظیفه این شاخه از سازمان توزیع مهمات وارد شده به کشور بود . این شاخه وظیفه ساختن نارنجك و مین را نیز بعهده داشت . علاوه بر آن دارای ماشینها و وسائلی بود که میتراست پوکة فشنگها را دوباره

تنها در اواخر جنگ بود که این شاخه توانست اهمیتی را که شایسته احراز آن بود کسب نماید و از مزایای تسهیلات و وسایل کافی و مدرن برخوردار گردد .

اداره خدمات لجستیکی در مرحله

عمل

عمل

طی پنج روز آغاز عملیات جنگی اداره خدمات لجستیکی موفق شد

سلاحهای از دست رفته

۴۹۲۳

۵۳۷۶

۶۵۰

۱۱۳۹

سلاحهای بدست آمده

۸۴۸۵

۱۴۰۳۷

۵۵۱

۱۵۹

سال

۱۹۶۳

۱۹۶۴

۱۹۵۰

۱۹۵۳

کشور

ویتنام

ویتنام

مالایا

مالایا

بیش از ۱۸۰۰۰۰ باربر به عرصه نبرد بکشانند . با اینحال به علت عدم تحرك کافی نتوانست واحدهای مستقر در چولوك را بموقع تدارك نماید و این موضوع باعث توقف و برآمدگی این واحدها گردید .

نبرد هواپیم

در نوامبر ۱۹۵۱ ژنرال دولاتر - دوتاسینی بر آن شد ضربات خود را در هواپیم که مشهور به نقطه حساس سیستم لجستیک ویت مین بود فرود آورد . این محل مرکز قبیله ای بود بنام مواونك که مردم آن در وفاداری به فرانسویان مشهور بودند . فرانسویان از همان نخست در - محاسبات خود مرتکب اشتباهاتی شدند و مدتی نگذشت که دریافتند موقعیت آنان بسیار آسیب پذیر میباشد . جیاب موقع را درست دریافتند بی تامل باین نقطه ضعف فرانسویان سریعاً پی برد و لشکر های پیاده ۳۰۴ و ۳۰۸ و ۳۱۲ خود لطفاً ورق بزیند

«شاخه تهیه آذوقه» وظیفه تولید، جمع آوری و توزیع آذوقه را یکجا برعهده داشت این شاخه از سازمان مامور جیره بندی آذوقه بین واحد های نظامی و غیر نظامی بود . برای انجام اینکار در پایگاه های منطقه ای در جوار عملیات رزمی و همچنین به موازات شاهراه های ارتباطی عملیات احتمالی آینده انبار - های آذوقه برپا مینمود . چنین انبار هائی در شاهراه هاییکه بمزلا نوس متصل میشد در سال ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ ماهها قبل از آنکه خط اول جبهه به آنجا برسد ایجاد گردیده بود . باین ترتیب مسائل لجستیکی یکه در آغاز عملیات میبایستی مانع کار شود قبلاً تا آنجائی که میسر بود حل میشد .

«شاخه طبی» سازمان برای اثبات لزوم وجود خود میبایست مبارزه پی گیر و سختی را بانجام رساند . مدتی نسبتاً مدید به آن بنظر يك واحد کم اهمیت و جزء می نگرستند . ۵۰۰۰ تن مایحتاج افراد را بر پشت

با يك نگاه اجمالی باین جدول مشاهده میگردد که در ظرف يك سال مابین میزان سلاحهای که توسط جنگجویان دو کشور بدست آمده است چه اختلاف فاحشی وجود دارد . این اختلاف در سال ۱۹۶۴ حتی به ۸۶۶۱ قبضه هم رسیده است .

این مقدار اسلحه میتوانست يك پنجم احتیاجات چریکها را در سال ۱۹۵۲ تامین نماید . آنها هیچگاه این امید را نداشتند که بتوانند توپ کافی برای مسلح کردن تیپ توپخانه لشکر سنگین اسلحه ۳۱ خود فراهم نمایند .

تنها در مراحل نخستین عملیات چریکی است که چریکها می توانند بمیزان قابل ملاحظه ای روی این موضوع حساب کنند که سلاحهای نسبتاً زیادی بجنگ خواهند آورد . درست زمانیکه آنها به بسط و توسعه لشکر و سازمان لشکری خود می - پردازند بایستی عوامل خریداری چاشنی گذاری کرده پر نماید .

را که با تیپ توپخانه لشکر سنگین اسلحه ۳۱۵ پشتیبانی می‌شدند وارد کارزار نمود. در روزهای آخر ماه فوریه ۱۹۵۲ فرانسویان با تحمل تلفات و خسارات فراوان تا «خط دولتر» مجبور به عقب نشینی شدند. اداره خدمات لجستیکی میبایستی این جنبه را که بنحوی غیرمنتظره گشوده شده بود از لحاظ ساز و برگ جنگی و آذوقه تدارک نماید. لذا ۷۰۰۰ نفر را برای مدت سه ماه در اختیار گرفت. این عده میبایستی راههای تازه‌ای بگشایند و مراکزی در منطقه عملیات ایجاد نمایند. برای رسیدن باین منظور این عده کافی نبود لذا ۱۵۰۰۰ نفر دیگر برای باربری و حمل و نقل بکار گرفته شدند.

یورش نهائی

در سال ۱۹۵۳ چریکها درصدد آن شدند که حمله تعرضی همه - جانبه‌ای را به لائوس آغاز نمایند. لشکر ۳۱۲ در دین‌بین‌فو و لشکر ۳۰۸ و ۳۱۶ در مک‌شو مستقر شده بود. در نهم آوریل همان سال این سه لشکر بسمت جنوب بحرکت درآمدند و آن خطه را حول محور - های جداگانه‌ای از وجود دشمن پاک نمودند. در این زمان بی‌نظمی در سپاه فرانسویان باوج خود رسیده بود. چریک‌های لشکرهای خود را در زمانهای مختلف در جهات گوناگونی بحرکت در می‌آوردند بطوریکه فرانسویان قادر نبودند بطور قطع هدف آنها را مشخص نمایند و از آن مطمئن شوند.

در ۲۶ آوریل لشکرهای ۲۸ و ۳۱۶ دشت جار واقع در جنوب شرقی لوانگ پرابانگ را محاصره درآوردند حال آنکه هنگ ۳۱۲ پشت دروازه‌های شهر پایتخت را مورد تهدید قرار داده بود. باین ترتیب عملیات از نقطه نظر استراتژیک با موفقیت کامل خاتمه یافت. از آنجائیکه اداره خدمات

لجستیکی به اندازه کافی خود را برای این پیکار آماده و مهیا نموده بود و فرصت کافی در اختیار داشت توانست ترتیب مقدمات تدارک لازم را بنحو بایسته‌ای بدهد. مهمات جنگی بوسیله کامیون مستقیماً از چین به مک‌شو سرازیر می‌شد. سه ماه پیش از عزیمت لشکرها، برنج و سایر اقلام آذوقه در مراکز جمع‌آوری و نگهداری آذوقه در طول جاده‌هایی که برای حمله در نظر گرفته شده بود انبارگردید. عده بیشماری از باربرها برای انجام این کار در نظر گرفته شدند. علاوه بر مشکلات عادی که در پیش‌بای آنها قرار داشت مشکل دیگری هم مزید بر علت شده بود و آن نظر خصوصیت آمیز و غیردوستانه افراد قبیله «تائی» نسبت به افراد ویت مین بود.

باوجود آنکه بهنگام مراجعت از لائوس و بیرون کشیدن لشکر از خاک آن کشور اداره خدمات لجستیکی تجهیزات خرد را باز میگرداند باینحال بطور مخفی‌کانون‌هایی از خود باقی میگذاشت بامید تدارک حملات احتمالی آینده که وقوع آنها بسیار محتمل مینمود.

جنگ نهائی

بزرگترین موفقیتی که ویت مین و سازمان لجستیکی آن در طول این مدت طولانی بدست آورد در منطقه دین‌بین‌فو بود. چهار لشکر آنها در این جنگ شرکت داشتند و - توسط یک تیپ توپخانه چینی که به توپهای ضد هوایی ۳۷ میلیمتری مجهز بود حمایت میشدند.

سازمان لجستیکی طی دو ماهی که نبردا ادامه داشت آذوقه، مهمات و سایر مایحتاج ۶۰۰۰ نفر را تامین مینمود. واضح است که حمل توپهای بسیار سنگین ۱۰۵ میلی - متری توسط باربرها به مسافت بسیار بعید کاری غیرممکن بود. لیکن سازمان لجستیکی با کوشش خستگی ناپذیر خود موفق شد جاده

سراسری را از لائی‌شو تا ۱۰ میلی دین‌بین‌فو بسازد و مهمای بهره‌برداری نماید. بارانهای - سنگین و سیل آسا هم هیچگاه نتوانست لطمه‌ای به ساختمان این جاده وارد آورد و سربازان هرگز در مضیقه غذایی قرار نگرفتند و همچنین تیپ توپخانه حتی برای یک روز هم در اثر فقدان مهمات از کار باز نایستاد و لاینقطع به شلیک خود ادامه داد. جای تردید نیست که اگر سیستم لجستیکی آنان به آن دقت و سرعت وبا چنان نظمی عمل نمی‌نمود چه بسا جنگ دو یاسه سال خونین دیگر نیز به دنبال داشت.

تدارک از خارج کشور

جاده اصلی تدارکاتی در امتداد راهی بود بسیار قدیمی و صعب‌العبور که در جنوب غربی نائینگ شروع می‌شد و به شهر کوچکی در نزدیکی مرز ختم میشد. تدارک لازم یا از طریق انبارها و پایگاههای فراز تپه‌های لانگ سون صورت می‌گرفت یا از راه مرز سابق که فرانسویان سالها قبل کشیده بودند و تا «کائو - بنگ» ادامه می‌یافت جریان داشت و بالاخره به منطقه جنوبی آن یعنی بک‌کان میرسید. این جاده باظهور جاده‌های بهتری که دارای کشش و استحکام بیشتری بودند و از نائینگ تا تین تونگ و در انتها به جنوب کائوبنگ متصل میشد اهمیت سابق خود را از دست داد.

مقدار معتنا بیی از تدارکات نظامی از طریق هوکو صورت می - گرفت. در اوایل کار مایحتاج افراد از طریق راه آهن بسیار قدیمی از کومینک به هوکو میرسید. این راه آهن قادر به تحمل بارهای سنگین نبود. بعد از کوشش و

تقلای فراوان بالاخره در اواخر سال ۱۹۵۳ جاده کوکیو به هوگو گسترده شد. درست وقتی که این جاده مورد بهره برداری قرار میگرفت اداره خدمات لجستیکی دارای نه گروه حمل و نقل بود که هر یک از ۴۰-۳۵ وسیله نقلیه تشکیل میگرفتند.

وسایط نقلیه در منطقه هندوچین عموماً شبها براه می افتادند و این احتیاط بیشتر بخاطر احتراز از دید هواپیماهای فرانسوی بود. علیرغم ناهمواری جاده ها و بسیاری دشواریهای دیگر اداره خدمات لجستیکی قادر بود بهر نقطه و در هر عمقی شاخه های خود را امتداد دهد چنانچه عملاً در دین بین فو و هوا بین موفق بانجام اینکار شد.

خلاصه

اکنون با توجه به نکاتی که در بالا ذکر شد کذب تصوراتی که از نبرد چریکها در اذهان ایجاد شده است آشکار میگردد. يك چريك ساده فاقد سلیقه تجمل پرستانه و پر پیرایه يك سرباز غربی است با اینحال جیره غذائی او چیزی از جیره غذائی يك سرباز مثلاً انگلیسی کم ندارد. قدرت چریکها در جنگهای هندوچین منوط بداشستن سلاحهای سبك بود. برای تامین چنین احتیاجاتی اداره خدمات لجستیکی آنان ۱۸۰۰۰۰ باربر را مأمور حمل و نقل نموده بود. علاوه بر این عده تعداد ۲۰۰۰ کامیون نیز در طول شبکه جاده ها و کوره راهها به امر حمل و نقل اشتغال داشتند.

تجاربى در باره عملیات ضد چریكى

مقصود از مطالعه تاریخ نظامی فرا گرفتن درس هائی است از مبارزات گذشته بطوریکه بتوان آنرا در حال و آینده مورد استفاده قرار داد. علی الخصوص در این مورد چنین درسها بسیار واضح و مبرهن بنظر میرسند. روشن است که فرانسویان خطوط ارتباطی

چریکها را بارها قطع نموده اند. نیروی هوائی فرانسه لاینقطع در جستجوی خط زنجیر تدارکاتی آنها بود و در هر موقعیت مقتضی از بمباران آن فروگذار نمی نمود. از آنجائیکه عمل حمل بار توسط افراد با روحیه آنان سازگار نبود با هر حمله هوائی باربرها شانه از زیر بار خالی میکردند وعده کثیری از آنها به دهکده های خود باز می گشتند.

فرماندهان چریکها سعی بلیغ مینمودند که ضعف پوشش هوائی خود را بنحوی مستوردارند یا حد اقل خود را با محیط چنین پرمخاطره ای عادت دهند بدین ترتیب در امر پوشش و اختفا به درجه مهارت بسیار بالائی رسیدند. صرفنظر از این موارد در مواقعی که وضع هوا چندان مناسب نبود و برد دید هواپیماها بسیار محدود بود، خط زنجیر تدارکاتی هیچگاه پاره نمیشد.

فرانسویان در طول مدتی که جنگ جریان داشت سه حمله بسیار وسیع و همه جانبه به سیستم تدارکاتی چریکها بعمل آوردند. یکی از این حمله ها همان نبرد هوا بین بود که قبلاً به آن اشاره شد. دومین حمله بنام «عملیات لورن» خوانده شد. این حمله بسال ۱۹۵۲ با شرکت ۳۰۰۰۰ سرباز ورزیده فرانسوی بر علیه فودوان صورت گرفت. فرانسویان مقدار زیادی از تجهیزات و وسایل چریکها را یا از چنك آنان خارج نمودند یا نابود کردند. با اینحال چریکها قبلاً از امکان چنین حمله ای آگاه گشته بودند و در نتیجه قسمت اعظم انبارهای خود را قبل از آنکه فرانسویان سر برسند به نقطه امن دیگری انتقال داده بودند. انبار های فودوان طبیعتاً در قلب قلمرو چريك ها بر پا گردیده بود. هدف از عملیات جنگی

فرانسویان این بود که چریکها سه لشکر خود را برای محافظت انبار مهمات و آذوقه عقب بکشند. سومین یورش فرانسویان نسبتاً توأم با موفقیت بود. در «عملیات ایرونندل» يك دسته چتر باز در نزدیکی لانگسون بزمین ریخته شدند. این چتر بازها موفق شدند پنج هزار تن تجهیزات و وسایل چریکها را نابود کنند و خود را به کشتیهائی که در ساحل انتظار آنها را میکشیدند برسانند.

علیرغم موفقیت چشمگیر «عملیات ایرونندل» چنین گفته میشود که عملیات همه جانبه و وسیع به قلب قلمرو دشمن پاسخ واقعی و بجائی است به حملات متخاصم. ضعیفترین نقطه سیستم لجستیکی همان باربر ها بودند که بدون سلاح در مقابل حملات سریع یارای مقاومت نداشتند. باربری که وظیفه حمل بار را برعهده داشت یا بار را بر دوش میکشید و یا دو چرخه ای را بدنبال خود میکشید قادر به دفاع خویشتن نبود. تنها عده خیلی از آنها مسلح بودند، ضمن اینکه عده خیلی دیگری وظیفه حمایت و دفاع از آنها را برعهده داشتند. عکس العمل باربرها عموماً میبایستی بصورت تشکیل واحد های کوچک باشد که بتواند خط زنجیر خود را بنحوی سریع کنترل و حفظ نماید. چنین واحد های جزئی حتی قادر نبودند کامیونهای خود را نیز استتار نمایند.

بی نظمی ای که از چنین ضربات کاری و ناگهانی در داخل سپاه دشمن ایجاد میشود غیرقابل توصیف است. نتیجتاً فقط دو راه در مقابل آنها قرار دارد. یکی آنکه باربرها را مانند سربازان تعلیم داده فنون جنگ آوری به آنان بیاموزند. دوم آنکه سربازانی از یگانهای جنگجو مأمور حفظ جان آنان بنمایند.

قابلیت انعطاف در رهبری

جلب تمایل و همکاری افراد بمنظور پیش برد آماج و ایجاد محیط مساعد رکن اصلی رهبری میباشد آیا يك رهبر ذاتاً رهبر متولد میگردد یا برای رهبری تربیت میشود ؟

ترجمه: حسین مصری

طرح عملی بمنظور آموزش رهبری تبدیل کنیم زیرا هم اکنون در شرف ورود به يك دهه جدید هستیم که بنظر میرسد ماهیت رهبری نظامی در طول این دهه همواره در حال تکامل و تغییر باشد باید طرح عملی و هم آهنگ را طوری پیاده و بمرحله اجراء گذاشت که آموزش رهبری با پیشرفت زمان مطابقت داشته باشد. تغییر و تکامل ماهیت رهبری عملی و حتمی است زیرا مشخصات ذاتی افراد نسبت به اقتدار رهبر حائز اهمیت نیست بلکه افزایش سطح اطلاعات تکنیکی و مهارت زیردستانیکه تحت فرماندهی يك رهبر قرار میگیرند واجد نهایت توجه و اهمیت میباشد که فرماندهی بایستی متکی به آن باشد این مطلب ما را مجبور میکند که با دقت کامل و سخت گیری منطقی به روش آموزش رهبری و موادی که در آموزش مذکور تدریس میشود بذل توجه نمائیم .

در توجه به بهبود رهبری ، یکی از اولین نکاتیکه بطور نامرئی به ذهن انسان راه مییابد این سؤال است که آیا يك رهبر ذاتاً رهبر متولد میگردد یا برای رهبری تربیت میشود بعبارت دیگر رهبری يك استعداد ذاتی میباشد یا اکتسابی ؟

این موضوع سالهای زیادی است که مورد مباحثه قرار گرفته و استدلال گوناگونی در این زمینه شده است که اگر رهبران با استعداد ذاتی رهبری متولد میشوند پس دانشکده ها و دانشگاههای نظامی مانند وست پوینت تشکیلاتی زائد بوده و کار آموزشی آنها بیهوده میباشد. گزارش سرهنگ جورج ال بال به کنفرانس رهبری،

این مقاله نوشته سرتیپ برنارد اسواترمن میباشد که در حال حاضر استاد مدیریت کالج صنعتی نیروهای مسلح آمریکا است قبلاً سمت فرماندهی یکی از دانشکده های این کالج را بعهده داشته است. وی در خلال سالهای ۱۹۵۷ تا ۶۰ فرماندهی مرکز مدیریت لجستیکی راعبده دار بوده است و در جنگ جهانی دوم مشاغل و ماموریت های وی بترتیب : فرماندهی یگانهای توپخانه از رده گردان تا لشکر - فرماندهی دفاع هوایی سرزمینی و معاونت فرماندهی لجستیکی ارتش هفتم در گره بوده است ، اینک ترجمه مقاله :

وظایف و عملیات امروزه رهبری با موازین و مقررات گذشته تفاوت کلی دارد. زیرا طرز تلقی افرادی که باید تحت رهبری قرار گیرند فرق کرده است . اوضاع و تکنولوژی عصر حاضر ایجاب میکند که ما دقیقاً بررسی نموده و دریابیم که چگونه رهبران آینده را آموزش دهیم - و چه نکات و چه اطلاعاتی مورد نیاز يك رهبر خواهد بود و چگونه باید آنها را درك کند و فراگرفتن آنها چه اهمیتی دارد و بچه طریق باید درجه اهمیت آنها را برای او تفهیم نمود ؟ .

با توجه به پیشرفت آموزش رهبری نظامی چنین بنظر میرسد که وسعت میدان عملیات و فعالیتهای ما در سرزمینهای مختلف تغییر محسوسی یافته است همچنین بخوبی آشکار است که در حال حاضر امور اجرایی خدمات نظامی از حالت رکود و سستی خارج شده و پیشرفتهای چشم گیری نموده و مینماید دانشکده ها و مدارس رهبری بطور بسیار مطلوبی انگیزه های متنوع پرسنل را درك نموده و بنحو بارزی به آن توجه مینمایند. بعبارت دیگر بین طرز تلقی و انگیزه پرسنل و همچنین برنامه های آموزشی هم آهنگی و تفاهم کامل برقرار گردیده است. با وجود این ما بایستی دانش و تفاهم را به يك

سروصدای زیادی ایجاد کرد، نامبرده با دلیل ثابت نمود که نشانه‌های ویژه معینی در فرماندهان موفق یگانهای رزمی بهنگام نبرد دیده شده است که بنظر میرسد از خصائص ذاتی ولاینفك آنها باشد نه القائی. معیناً با توجه به اصول و کثرت دوره‌های مدیریت و رهبری که در ۲۰ سال گذشته جریان داشته و قدمت یافته و نظر به نتایج حاصله این عقیده قطعی نمیتواند باشد.

« آیا رهبر ذاتاً رهبر متولد میگردد یا برای رهبری تربیت میشود؟ »

اصولاً طرح این سؤال غلط است زیرا انسان در سطحی وسیع و متنوع قرار دارد. بعضی از افراد بشر استعداد رهبری ندارند و تعداد آنها هم بسیار است ولی عده‌ای ذاتاً رهبر بالقوه میباشند و هدف و منظور اساسی از آموزش تبدیل استعداد بالقوه به توانائی بالفعل است بطور حتم برای اداره يك ارتش استعداد های ذاتی و واقعی متنوع و فراوانی لازم است و برای پیداکردن و پرورش دادن استعدادهای ذاتی و فنی مورد نیاز بررسی و تلاش مداوم ضرورت دارد. بنابراین تلاش و فعالیت آموزشی برای اشخاصیکه استعداد فرماندهی و رهبری آنها در سطح پائین قرار دارد مصرف نخواهد شد برعکس این کوششها بمنظور بهبود و موفقیت رهبرانیکه دارای امکانات عالی نهادی میباشند بعمل خواهد آمد. اما صرف نظر از سودمندی و کارائی روشهای انتخاب اعلام قسمتی از درجات گوناگون استعداد نهائی واقعی و لزوم حفظ آن و سپس توسعه این استعدادهای نهائی از طریق اصول و قواعد آموزش فنی ضروری خواهد بود. وجود رهبران متولد شده خود بتنهایی کافی نبوده و جوابگوی نیازمندی نمیباشد. دانشکده افسری و ست پوینت در طول تاریخ خود واقعاً در تأمین این نیازمندیها نقش مؤثری را ایفا کرده و همواره مساعی خود را صادقانه برای پرورش استعدادهای مصرف نموده است نیرو و تلاش استادان دانشکده و ست پوینت دائماً در مدار امیدواری تا ناامیدی کامل در گردش بوده است. اکنون در نتیجه امیدواری و ایجاد محیط مساعد اجتماعی و توجه به اصول و روابط انسانی اشخاص بسیار مهمی بجامعه تحویل داده شده است دیگر ناامیدی مرده است. باید خاطر نشان نمود اشخاص متوسط که تعداد آنها خیلی زیاد است در اثر توجه به خصوصیات اخلاقی و اجتماعی و اصول آموزش آنها تبدیل به رهبرانی قادر و توانا شده‌اند که کشور را در ایام بحرانی سرپا نگاهداشته و استقلال آنها همواره پایدار نموده‌اند. تکامل استعداد نهائی مردم صلاحیتدار و بررسی و تلاش باید ادامه داشته باشد. پیشرفتهای شگرف دنیای کنونی ما را وادار و تشویق مینماید که دقیقاً دریابیم يك رهبر

امروزی بچه چیزهائی نیازمند است که بیاموزد و چگونه اهمیت آنها را بخود تفهیم کند.

بهبود اصول و قوانین رهبری در ارتش همواره با موانع و نشیب و فرازهای فراوانی روبرو بوده است در مورد تفاوت بین رهبری فرماندهی و مدیریت بحث های داغی شده و مرتباً این بحثها با شدت زیاد دنبال شده که بنظر من (نویسنده مقاله) مایه تأسف است چون ادامه چنین بحثهائی باعث میشود احساسات افراد تحریک گردد که این خود مانع رسیدن به هدف و توسعه افکار روشن خواهد شد و نمیتواند در بدست آوردن نتیجه ایده آل مؤثر واقع گردد. بدون تردید وظیفه فردی که رهبر، فرمانده و یا مدیر نامیده میشود اجرای مأموریت محوله و بدست آوردن عالیترین نتایج با استفاده از امکانات و منابع موجود (از قبیل نیروی انسانی و مواد و غیره ...) که در اختیار دارد میباشد. بمنظور پرورش عنصر مناسب مجری کار و اخذ نتیجه عالی بایستی به منابع انسانی متکی شد زیرا تنها از این راه منحصر بفرد جهت پرورش رهبر میتوان اقدام بایسته انجام داد.

در دوران جنگ دوم جهانی دانشکده و ست پوینت هدفش تاکید در توسعه تجربیات فنی از نظر استعمال جنگ افزارها برای افرادیکه بخدمت ارتش در می آیند و بهره برداری از آنها بود. در آن زمان هیچ اهمیتی به خصوصیات انسانی و طرز تلقی و انگیزه های روانی پرسنل داده نمیشد. زیرا معتقد بودند که هرگاه رهبر و طائف خود را از نقطه نظر تکنیکی بداند و توانائی جسمی و تخصصی داشته باشد میتواند رهبری مؤثر و کار آمده باشد. اصل تشویق و تصدیق هرانگیزه و استعدادی که از سوی افراد ابراز شود میتواند نقش بسیار مؤثری در پرورش و تکامل افکار آنان بازی کند. بعضی از افراد بشر مادرزاد دارای استعداد خدادادی میباشند و بایستی پذیرفت که این موهبت الهی هدیه ای است که خداوند متعال به آنها ارزانی داشته است.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم اداره روان سنجی و سنجش افکار ارتش و گردانندگان و طراحان برنامه های آموزشی دانشکده و ست پوینت دریافتند که اصول و شیوه های رهبری چیزی است مافوق تجربیات تکنیکی و بهره برداری از نفرات بالاخره درک تمایلات و رفتار بشری مبدل به یکی از ارکان مهم اصول آموزش رهبری شد. البته این بدان معنی نیست که در بین رهبران پیشین ارتش کسی به رفتار و تمایلات انسانی و خصوصیات خلقی و اجتماعی اشخاص توجهی نداشته است. عده زیادی از رهبران ما عمیقاً اهمیت و تأثیر این موضوع را درک نموده اند ولی آنها در هدایت عده ها آموزش پذیر نمیشناختند.

لطفاً ورق بزنید

بموازات توسعه پژوهشها و دانشهای مربوط به رفتار و تمایلات انسانی در صحنه کار مورد توجه ویژه قرار گرفته و بعنوان هدف اصلی اداره روان‌سنجی و رهبری ارتش با اشتاب هرچه تامتر بجلوهدایت‌میشود. کنفرانس اخیر و سست‌پوینت با شرکت تعداد زیادی از رهبران و کارشناسان امور اجتماعی و اخلاقی خودنشانه بارزی از میزان طغیان عقاید و افکار گوناگون بود.

در این پژوهش آشکار شد که وقتی دسته‌های بی‌آماج مواجه با موقعیتهای متنوع میشوند رهبران متفاوت پدیدار میگردند. دسته‌ای که يك زندان آجری را طرح‌ریزی میکنند طرزانتخابشان در مورد يك رهبر با گروهی که طرح روی صحنه آوردن يك نمایش را پی‌ریزی مینمایند متفاوت است رهبرانی که هر يك انتخاب مینماید از نظر خصائل کاملاً با هم فرق دارند. زمانی در ارتش آیه وحی منزل بود که يك مرد خرب‌میزرانه‌رکاری را انجام دهد. بنابراین يك رهبر موفق را میتوان‌مأمور اجرای هر نوع مأموریتی نمود و پیوسته شاهد موفقیت از آن او خواهد بود. این نکته مورد توجه قرار گرفته است که صفات ویژه مورد نیاز يك طرز رهبری ممکن است خیلی با خصائل مورد لزوم سبك دیگر تفاوت داشته باشد.

در امور مدیریت پرسنلی دیگر يك مرد خرب اصولاً نمیتواند کاری از پیش ببرد. دکتر «فردفیلدر» در بحث خود اظهار داشت انتخاب شغل مناسب میتواند در کیفیت رهبری بهبود زیادی بوجود آورد. او توصیه نمود که سوابق مشروح از انواع محلهای مورد نیاز و متنوع و همچنین صفات و شایستگی افسران بطور مفصل همواره نگهداری گردد. و باید خیلی بیشتر از آنچه که اکنون در مورد رفاه حال و تقویت روحیه آنها انجام میشود مراقبت و توجه ویژه مبذول داشت.

باتوجه به این نکات ممکن است پذیرفت که يك انسان فقط قادر است تنها يك شیوه رهبری را انجام دهد، در شیوه رهبری ارتشی برآستی حدودی برای انعطاف پذیری وجود دارد. تعداد زیادی از مدیران، آموزش لازم را فرا گرفته‌اند که این آموزش آنها را قادر نموده به شیوه‌های رهبری خود توجه کرده و سایر شیوه‌های رهبری موجود را نیز درك کنند اما وقتی بعداً کوشیده‌اند شیوه‌ای را که برای آنها بیگانه بوده است بکار برند به نتیجه نرسیده‌اند.

انتصاب شخص باتوجه به خصائل و صفات ویژه او و نیازمندی شغلی بطور آشکار بهترین نتایج را در رهبری ارتش در بر دارد و گاهی آنها را به رهبرانی شایسته مبدل مینماید، ما بایستی در واگذاری مأموریت‌ها از تحمیل و انعطاف ناپذیری اجتناب کنیم، معقول بنظر نمیرسد که تصور کنیم يك انسان را میتوان طوری

آموزش داد که بتواند از عهده اجرای چندین شیوه رهبری برآید. البته اگر آموزش شیوه‌های رهبری از آغاز دوره زندگی وی بمرحله اجراء گذارده شود نتیجه آن بسیار مطلوب خواهد بود. دوره‌های نظامی افسران ارتش بایستی انعطاف‌پذیری داشته باشد. بدون طی دوره‌های متنوع در موقعیتهایی که در آن مستلزم فرماندهی و رهبری باشد خیلی مشکل میتوان تصور نمود که يك افسر در دوران خدمت خود مدارج ترقی را تا درجه ژنرالی (امیری) طی نماید. در حقیقت يك فرمانده تنها ممکن است با موقعیتهای متعدد و متنوعی مواجه گردد اعم از اینکه موقعیتهای مذکور در صحنه رزمی برای وی پیش آید یا هنگام فعالیت‌های غیر نظامی به نسبت اهمیت موقعیتها و نیل به توانائی حتماً مشکل تخصص‌های عمومی متنوع بوجود می‌آید. آنچه را که امروزه تخصص مینامند چیزی است که همواره مورد نیاز ارتش بوده و برای رسیدن به آن تلاش میشود. ولی نتیج بدست آمده از تلاش مذکور بسیار اندك است و ترتیب جذب از نظر اخذ نتیجه کلی مختصر است. در اینجا قسمتی از مشکلات، مربوط به معانی است دلیلی وجود ندارد که علم لجستیک مورد توجه قرار نگیرد، و از نظر تحرك و تخصص نمیتوان بهتر از يك سرباز حرفه‌ای پیاده بود. حیطه دانش بسیار وسیع بوده و نمیتواند محدود به دواير ویژه‌ای باشد معبداً بعضی از این دانش‌ها محدود بوده و جزء تخصص‌های کم‌یاب میباشد و شانس پیشرفت و ترفیع در این قبیل تخصص‌ها محدود است.

در تجارت و صنعت تا حدود معینی هر کس در حرفه خود متخصص است معمولاً اشخاص میتوانند تقریباً تا آخرین پله ترقی بالا بروند چون به آنها موقعیت و امکانات مقتضی داده میشود تا شایستگی خود را به ثبوت برسانند و به‌عالیترین مقام برسند. گذشتن از نردبان موفقیت و ترقی ارتش بسیار سخت شده است اجرای موفقیت آمیز مأموریت‌های معینی ممکن است شرط اولیه برای رسیدن به يك درجه عالی هنگامیکه وجود دارد محسوب گردد در حالیکه واقعاً هیچ نسبتی بین آنها وجود نداشته باشد.

برای اینکه يك افسر فارغ‌التحصیل دوره ستاد یا دانشگاه جنگ فرمانده موفق باشد، آیا ضروری است که يك فرمانده برجسته گردان بوده باشد؟ پاسخ سریع تعداد زیادی از افسران «آری» خواهد بود ولی به بعضی واکنش‌ها بایستی اشاره شود که توانائی آنالیز و آموزش و وظائف فرماندهی الزماً به توانائی اجرای آنها بستگی ندارد. در این صورت پاسخ «نه» است آیا افسریکه دوره فرمانده گردانی را در سطحی کمتر از عالی گذرانده باشد، هرگز شانس رسیدن به یکی از این مقامها را دارد؟ تحت سیستم موجود ما مجدداً پاسخ منفی است. بقیه در صفحه ۷۲

اهمیت آموزش در ارتش

مانده از صفحه ۴۱

در ابتدا برای فردی که بتازگی وارد محیط سربازخانه شده است ایجاد یکتووع ناراحتی می نماید و در همین مرحله است که باید او را با آموزش و رهبری صحیح به محیط سربازخانه دلگرم ساخت تا در سایه انس و الفت با محیط سربازخانه پی ریزی يك آموزش سالم را که بروی آن بنای مستحکم آموزش های بعدی استوار میگردد نمود که بتوان در شرایط سخت تر و مشکل تری در سرمای شدید و گرمای سوزان آموزشهای بعدی را فراگرفته و قادر باشد با بالا بردن ارزش رزمی خود پاسخگوی خواسته های ارتش در هر وضعی باشد. آموزش صحیح مراحل مختلفه و علاقه مندی افراد به سرباز خانه است که از بدو ورود بخدمت مرحله بمرحله از ساده ترین آموزش بعنوان الفبای نظامی تا سخت ترین آن که تمرینات صحرایی است که در مشکل ترین شرایط زندگی او را آماده میسازد که با تمام امکانات خود آموزش لازم را فرا گرفته و تحت هر نوع شرایط سختی پاسخگوی هر ماموریت خطرناکی باشد.

مراحل مختلفه آموزش موجب میشود که از يك فرد بی اطلاع و فاقد ارزش نظامی يك سرباز با ایمان و علاقه مند و آموزش یافته تربیت کرد و او را آماده نمود که در زمان جنگ با ایمانی راسخ و آموزشی صحیح در اجرای مشکل ترین ماموریت های نظامی چون کوهی استوار به آسانی وظیفه مقدس سربازی خود را انجام دهد.

در این جا توجه خوانندگان عزیز را به بیانات پر ارزش و گرانقیمت خدایگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران که یکی از برجسته ترین راهنمای افسران و درجه داران ارتش شاهنشاهی است جلب می کنیم .

« ارتش ما باید بکوشد که از نظر معلومات علمی و عملی همراه با پیشرفته ترین ارتشهای دنیا به پیش برود البته اسلحه و مهمات خیلی سریع میتوان بدست آورد اما هیچ سلاحی بدر نمیخورد مگر وقتی که بتوان بعد اکثر از آن استفاده کرد چون عاملی که برای سرفرازی ارتش بیش از همه مؤثر است قدرت میهن پرستی افسران است توصیه میکنم از این عامل حد اکثر استفاده شود .»

با توجه بعق فرمایشات شاهانه و تسهیلات زیادی که ارتش شاهنشاهی بمنظور پیش برد آموزش فراهم ساخته است و این تسهیلات و امکانات لازم را در اختیار پرسنل ارتش شاهنشاهی قرار میدهد که با استفاده از آن سطح دانش نظامی خود را بالا برده و این اندوخته معنوی را ضمن بوجود آوردن ایمان کامل و برانگیختن احساسات شاهدوستی و وطن پرستی باو باجمعی خود و آموزش لازم نظامی بنحوشایسته ای بانجام رسانند . خوشبختانه در سایه هدایت و رهبری خردمندان شاهنشاه آریامهر ارتش شاهنشاهی همواره در پیشرفت معلومات پرسنل خود اقدامات مثبت و مؤثری بعمل آورده و امروز افسران و درجه داران ارتش با دانش نوین

نظامی دنیای امروز آشنا بوده و در تمام مدت خدمت ۲۴ ساعته ضمن انجام وظیفه مقدس سربازی در حال مطالعه و افزایش معلومات علمی و نظامی خود میباشند

از فرمایشات شاهنشاه آریامهر

در دانشکده فرماندهی و ستاد چنین مستفاد می شود که ارتش شاهنشاهی با اجرای صحیح اوامر شاهانه توانسته است رضایت خاطر خطیر معظم له را فراهم سازد . امروز پرسنل ارتش شاهنشاهی چه هنگام خدمت در سربازخانه چه در انجام تمرینات صحرایی و عملیات تاکتیکی هیچگاه از بررسی مدارک و آئین نامه ها غافل نبوده و در سخت ترین مراحل خدمتی خود رادرجریان آخرین رویدادهای نظامی قرار میدهد علاوه براینکه هر يك از پرسنل ارتش راساً در این امر کوشش می نماید از طریق مقامات عالیه ارتش نیز آزمایشات لازم بعمل می آید که در آینده پرسنلی که دارای دانش نظامی لازم و قدرت و لیاقت کافی و ارزنده باشند عهده دار مشاغلی گردند که قادر بانجام وظیفه خطیر سربازی خود باشند امروزه در ارتش شاهنشاهی اصل سپردن کار بکاردان مورد توجه میباشد و امید است بزودی در پرتو توجهات شاهنشاه آریامهر ارتش به بالاترین مدارج نظامی خود نائل آمده و با کمال قدرت و نیرومندی در حفظ و حراست و پدافند از مرزوبوم خویش وظیفه خطیر و مقدس سربازی خود را بنحو شایسته ای که خواسته های هم میهنان گرامی را فراهم سازد انجام دهند .



پارسیها بیش از مردم دیگر ،
مردان شجاع را می ستایند
اظہار نظر مورخین بیگانه درباره پارسیها

بزرگ منشی

ایرانیان از دید گاه بیگانگان

تسلیم شدند ، وفرمانده ناو دوم که (پی تس) نامداشت حاضر به تسلیم نشد وبجنگ مبادرت کرد . نبرد زیاد طول نکشید وپی تس پس ازآنکه زخمهای متعدد برداشت ازپا درآمد . بقیه ملاحان یونانی نیز تسلیم شدند .

ملاحان تسلیم شده بنابروش جنگهای وحشیانه آنزمان درآن انتظار بودند که سپاهیان دریائی ایران بی درنگ سر ازپیکر پی تس برگیرند وبنشانه پیروزی سرفرمانده آنان راکه پایداری نموده برای فرمانده خود بفرستند ولی برعکس باتعجب مشاهده کردند که کشتی مجلل وبرقدرتی سر رسید وبانواختن شیپور معلوم شد دریاسالار نیروی دریائی ایران خود را بمحل نبرد کوچک دریائی رسانیده .

دریاسالار هخامنش همینکه از ماجرای مقاومت مردانه پی تس آگاه گردید . باکشیدن شمشیر از نیام بآئین مردان بزرگ ونامی به پیکر مجروح و بی رمق آن بیگانه دشمن احترام گذارد وبیدرنگ به پزشکان ایرانی که در ناو فرماندهی بودند دستور داد بمداوی دشمن زخمی شجاع بپردازند . پزشکان در دم مرهم معروف قدیم ایران بنام (مرمکی) راکه در مداوا ومعالجه زخم اعجاز میکرد برزخمهای وی گذاردند و او را همراه ستون مامور نیروی دریائی بقرارگاه ارتش ایران برای ادامه معالجه اعزام کردند ...

درقرارگاه همه جا سخن از روش دریاسالار هخامنش نسبت بیک فرمانده شجاع دشمن ورد زبانها بود.

نوشته : سرتیپ - الوندپور

ده کشتی تندرو بفرمان دریادار پارس (هخامنش) جداگردید. فرماندهی این نیروی دریائی اکتشافی کوچک در دریای جنوب یونان بیک افسر جوان پارسی محول شد. این افسر ماموریت داشت باکشتیهای تندرو خویش در سواحل جنوبی یونان از فعالیتها ونقل وانتقالات نیروی دریائی یونان اطلاعات لازم کسب کند .

ناوهای تندرو ایران بآنکه در محیط ناشناس و ناآشنا حرکت میکردند معدک باغرور وشجاعتی درخور تحسین آبهای دریای جنوبی یونان را می شکافتند وپیش میرفتند . جزایر ساحلی جنوبی یونان را یکی پس از دیگری جا میگذازدند وپیش میرفتند که ناگهان در کرانه جزیره ای بنام (سی باتوس) سه کشتی جنگی یونان را مشاهده کردند . ناوهای یونانی بمحض مشاهده ناوهای تندرو پارسی راه فرار را پیش گرفتند.

ملاحان جسور و آزموده کشتیهای ایرانی بدون درنگ به تعقیب کشتیهای فراری یونانی پرداختند . از سه کشتی فراری فقط یکی موفق بفرار گردید و دو کشتی دیگر با ناوهای تندرو پارس روبرو شدند. یکی از دو کشتی فراری یونانی خیلی زود بتصرف ستون اکتشافی دریائی ایران درآمد و ملاحان وفرمانده آن ناو

این جریان در ستاد جنگی شاهنشاهی بعرض خشایارشا. نیز رسید. و بهنگامی این مطلب مطرح شد که در حضور شاهنشاه ایران بغیر از چند نفر از سرداران معروف ایران (دمارت) نیز حضور داشت .

دمارت از شخصیت های معروف یونان و پادشاه (لاسدمون) از توابع یونان بشمار می آمد . این مرد معروف یونان نیز مانند مردان بزرگ دیگر یونان که بهنگام خطر و برخورد با نارواییها بدربارشاهنشاهان هخامنشی پناهنده می شدند؛ چون دشمنانش درلاسدمونی قصد جانش را داشتند فرار از خود را بهپارس و بحضور شاهنشاه ایران رسانید .

فرار و پناهندگی (دمارت) در زمان داریوش بزرگ پدر خشیایارشا بوقوع پیوست و پس از مرگ داریوش، دمارت مورد احترام خشیایارشا نیز بود .

خشیایارشا طبق وصیت پدر بحیوان اهانتی که بایران شده بود تصمیم داشت بمنظور يك اردوگشی استراتژیکی بیونان برود .

از اشتباهات پاره ای از مورخین بویژه مورخین یونانی این است که موضوع را بدان گونه جلوه داده اند که خشیایارشا. در لشکرگشی بیونان در تسمخیر یونان توفیق نیافته است بهترین ومنصفانه ترین نظریه رادر این باره ، سردار بزرگ و معروف اروپا ناپلئون بناپارت داده است ، باین معناکه پس ازبررسی اردوگشی خشیایارشا بیونان در حاشیه کتاب چنین نظر داده است

مدارکی که بما میرسد یکطرفه و از طرف یونان است .

از طرف ایران مدارکی در اینمورد موجود نیست ولی آنچه که بطوروضوح بچشم میرسد این است که خشیایارشا. يك هدف استراتژیکی و آنهم تنبیه آتنیها را داشته که در انجام آن توفیق یافته و پس از این عمل بدون تصمیم بتصرف محلی بایران بازگشته است . بعدا یونانیان چند مرحله کوچک از مجموع عملیات را که توفیقهای در این عملیات داشته اند بزرگ جلوه داده اند .

واقعاً این نظربسیار منصفانه و منطقی بوده است . زیرا جنگ ترموپیل را یونانیان برای خود شاهکاری بشمار آورده اند و حال آنکه (جنگی نبوده) بلکه سیصد نفر درآنجا دریابن جنگجویان ایرانی مقاومت بخرج داده اند وبالطبع همه هم کشته شده اند و پیروزی درآن میان برای یونان نبوده و درنبردسالامین هم تعدادی ازگشتی های بزرگ ایران که قابلیت مانور در جاهای تنگ را نداشته اند در برابر ناوهای تندرو و کوچک یونان توفیق نیافته اند ! بهرحال از مطلب دور نشویم .

پس از آنکه ماجرای پی تس در حضور خشیایارشا بازگو شد . شاهنشاه هخامنشی ضمن آنکه از عمل دریاسالار ایران نسبت بیک جنگجوی شجاع و لودشمن و بیگانه ، شادمان شد خطاب به دمارت چنین گفت :

دمارت ، من بهنگام لشکرگشی بیونان از تو پرسیدم که آیا گمان داری یونانیان در صدد مقابله با ما برآیند یاخیر ، تو جواب دادی بلی من نرنجیدم و امروز تو را راستگو و صدیق دانستم . و حالا از تو سئوالی دیگر دارم آنکه بمن بگوئی عده لاسدمونی ها چقدر است ؟ و روش جنگی آنها چگونه است، وبچه ترتیب میتوان باکمترین زحمت برآنها غلبه یافت .

دمارت پاسخ داد شاها بحکم بندگی باز هم باید درست ترین وراست ترین پاسخ را بعرض برسانم . نزدیک لاسدمون جزیره ای است که آنرا (سی تر)مینامند. یکی از بزرگان اسپارت گفته است : ایکاش این جزیره برای لاسدمون نمی ماند وزیر آب میرفت ...

زیرا درطول تاریخ خود ، لاسدمون همیشه هرچه خسارت و صدمه دیده از طرف این جزیره بوده . سیصد گشتی از نیروی دریائی پارس جداکن وبطرف لاسدمون منتها از طرف این جزیره بفرست . لاسدمونیها وقتی درخانه خود مشغول جنگ شدند دیگر نمی توانند بسیار یونانیها کمک نمایند .

سخنان دمارت که تمام شد خشیایارشا روی به هخامنش دریاسالار ایران و برادر خود نمود و گفت : هخامنش نظر توچیست ؟

هخامنش که همیشه نسبت بدمارت احساس سوء ظن داشت بانظر دمارت مخالفت کرد و حتی در حضور خشیایارشا. از دمارت بدگوئی کرد.

خشیایارشا. پس از خاتمه اظهارات برادرش چنین بیان داشت :

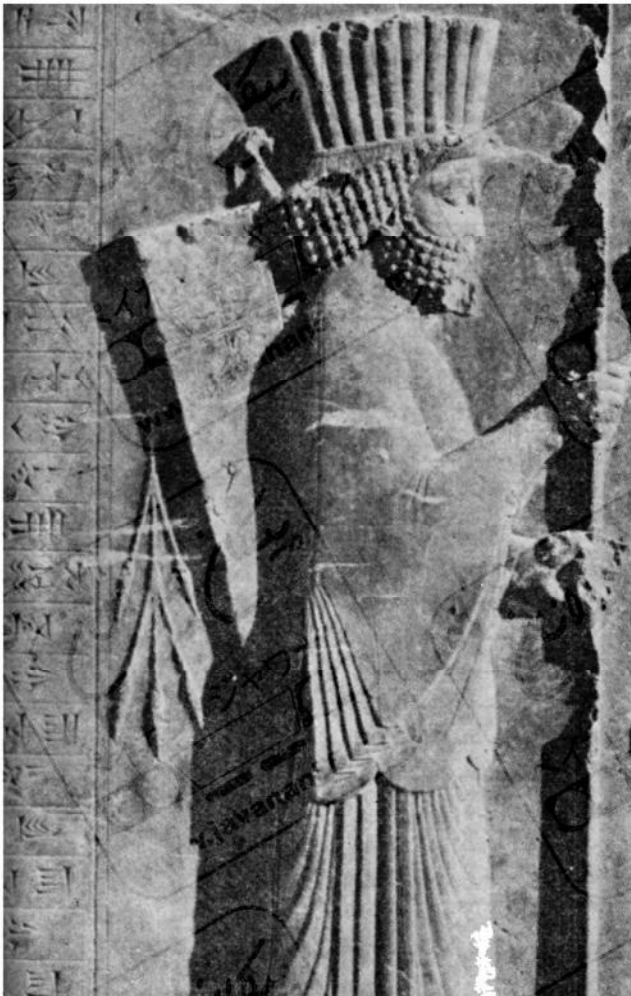
هخامنش بنظر من عقیده تو منطقی است و من چنان کنم که توگفتی ونیروی دریائی را تضعیف نخواهم کرد ولی معتقدم که دمارت بنظر خودش سودمندترین بقیه در صفحه ۱۰۶



منابع :

- ۱- تاریخ اشکانیان تألیف محمد حسن (اعتمادالسلطنه) .
 - ۲- ایران باستان تألیف حسن پیرنیا .
 - ۳- جنگهای هفتصد ساله ایران و روم تألیف غلامحسین مقتدر .
- نوشته و اقتباس : هوشنگ فرامرزی .

آخرین نبرد ایران و روم در زمان اشکانیان



پس از جلوس اردوان بتخت سلطنت در سال ۲۱۶ میلادی ، (کاراکالا) امپراطور روم سفیری بانامه و پیش کشهای فراوان بنزد وی فرستاد و درنامه خویش برای موصلت باخاندان اشکانی تقاضائی کرد . اردوان ازاین تقاضا دچار شگفتی و اندیشه شد و چون بگفته کاراکالا اعتمادی نداشت و نیز مایل به این وصلت نبود در پاسخ وی اختلاف زبان و عادات و ترادادها را عنوان کرد و خواهش او را نپذیرفت ولی کاراکالا دوباره سفیرانی از بزرگان روم برگزید و باهدیائی ارزنده و گرانبها بنزد اردوان فرستاد و برتقاضای خویش در این زمینه سخنهائی افزود و همچنین اطمینان دادکه از این وصلت و پیوستگی جزاتحاد و یگانگی واستحکام پایه های دوستی میان دولتهای ایران و روم نظر دیگری در میان نیست .

این بار اردوان برای آنکه از قصد کاراکالا آگاه شود بنمایندگان او چنین پاسخ دادکه چنانچه امپراطور براستی خواستار این پیوستگی است باید خود بایران سفرکند و چند روزی میهمان ما باشد . آنگاه در برخورد های دوستانه بیستن پیمانهای بدرخواست او پاسخ مثبت بقیه در صفحه ۹۶

سرافرازیهای

شکوهمند

تاریخ ایران

نوشته: عزت‌اله ذوالفقاری

چنانکه از بررسی منش‌های ایرانی بر می‌آید :
آئین‌جوانمردی ازدیدگاه ایرانی نشانه‌ای از ایمان بخداست ،
آنکس که جوانمرد باشد چون در زندگی راه راستی و درستی
میپیماید در عمل نیز متقی و خداپرست خواهد بود و
از آنجا که اساس جوانمردی بر آئین انسانیت و
وارستگی و فداکاری و بذل مال و جان در راه حق و
حمایت از مظلومین و بی‌پناهان استوار شده ، عمل
و پیروی از آن هم عین دینداریست .
پهلوانان و عیاران دلاور ایران همیشه در هر
دوره از تاریخ باین ویژگی و صفات اخلاقی متصف بوده
و با آئین جوانمردی جامه تقوی و فضیلت بر قامت
خویش راست کرده اند ، چه آنانکه در مقام جهانندازی
گذشته از ایران بر مردم کشورهای دور و نزدیک نیز
فرمان رانده اند ، و چه آنانکه با سرافرازی مردانه در
زادگاه خویش زندگی کرده و دلبستگی به عدالت
و یاری مظلومین داشته اند همگی بیک اندازه از خوی
و صفات عالی انسانی ایرانی برخوردار بوده اند .
ایرانی طبعاً نوع دوست و مهربان و مردم نواز و
با گذشت بوده و هست ، نیاکان ما از هزاران سال
پیش به آئین جوانمردی جهانگشائی و جهانندازی کردند
و با ملت‌های ایرانی و غیرایرانی یکسان رفتار نموده‌اند ،

لطفاً ورق بزنید



بطور کلی ایرانیان از دیرباز هرگز انسانها را با نامهای محکوم کننده برده و اسیر نمی پذیرفته اند، مثلاً سیستم بردگی که تا قرن ۱۹ بگونه وحشتناکی در غرب رواج داشته هیچگاه در تاریخ ایران بدان صورت و سابقه دیده نشده است، اگر اسیری در کشور و یا غلامی نزد کسی بوده با او با مردمی و انصاف رفتار میشد، تا آنجا که غلام در خانوادههای ایرانی مثل سایر افراد خانواده حقی داشته است.

هردوت مینوسید: اولین ملتی که با زر خرید و بندگان خود چون فرزند رفتار نمود ایرانی بود.

ایرانی از نخستین روزهای تشکیل قومیت با اینکه همواره در کمال قدرت و شجاعت زندگی میکرده بانگیزه رشد معنوی و اخلاق خویش سنگدل نبوده، و نه فقط هیچگاه هیچ انسانی را بعنوان غلام محکوم نکرده و مانند مردم برخی کشورها آنان را برای تفریح و تماشای جنگ یکدیگر وادار نساخته و بکام شیر و ببر و تمساح نیفکنده است در نتیجه رشد این دو نیروی مادی و معنوی کشور باستانی ما در آنروزگار بی همتا و یگانه دولت مقتدر دنیا بوده است، در آن زمان به تعالیم اخلاقی چنان اهمیتی داده میشد که شاید باوری آن برای مردم این روزگار دشوار باشد، برای نمونه دو مورد از خصال آنان را از زبان پلوتارک و دکتر (آدلف راپ) بازگو میکنیم.

پلوتارک مینوسید: جوانان ایرانی بواسطه راستگرذاری که در نتیجه تعالیم عالی کانون خانواده و مدرسه و جامعه این ویژگی را کسب کرده اند از هر گونه نقض اخلاقی میرا هستند.

(آدلف-راپ) در کتاب خود مرسوم به (مذهب و مراسم ایرانیان باستان) مینوسید.

چیزیکه در تاریخ ایران بیش ازهرچیز جالب توجه است و روح معنوی ایرانیان را در زندگانی اجتماعی آنان مجسم مینماید طرز تعلیم و تربیت آنهاست، این تعلیم و تربیت از کودکی در روح جوانان ایرانی منشاء احساسات نیکی گردیده و ایشان را در هر کار بشاهراه راستی و ترقی راهنمایی نموده است - تعلیم و تربیت از کودکی چنان قوای روحی و جسمی آنان را آماده کار میساخته که در آتیه به آسانی میتوانستند خدمات ارزنده ای باجتماع خود بنمایند و وظایف خود را در راه میهن و مردم کشور خود انجام دهند.

اینگونه آموزش و پرورش که در دوره مادها و زمان شاهنشاهی پارسها در پاسارگاد بر قرار بوده هیچگاه نظیرش تا آزمون دیده نشده است. شیوه تعلیم و تربیت ایرانیان بعد ها نظر یونانیان را بخود

جلب کرد، چنانکه از زمان هردوت بعد آن تعلیم و تربیت را فرا گرفتند و در کشور خود رواج دادند.

ایرانیان از پنجسالگی طبق برنامه منطقی به تعلیم و تربیت کودکان خود همت گماشته و در شش سالگی آنان را با آئین های مذهبی آشنا می نمودند. بدین ترتیب نوجوانان پیش از آنکه بمرحله زورمندی برسند بزور اخلاق و فتوت و منش های ستوده آراسته میشدند و پدران و مادران در محیط خانه بنیان سجایای عالی اخلاقی و انسانی را در روح و فکر کودکان خود پایه گذاری میکردند، و بدینسان اخلاق با روح کودکان پیوند می یافت و جزء طبیعت آنان میگشت. ادامه این روش تا پایان دوره هخامنشیان بجائی رسید که ایران از لحاظ تمدن و خدمات عمومی آنروزگار بدرخشانترین دوره کمال رسید. هخامنشیان در آئین کشور داری و امور قضائی و اداره امور کشور و ضرب سکه و ایجاد روابط سهل و تضمین امور تجاری و موارد دیگر بمقامی رسیدند که تا قرون اخیر نظیر آن در هیچ نقطه دنیا سابقه نداشته است.

ایرانیان به هنگام کشورگشائی با مردم مغلوب با خشونت رفتار نمی کردند و هرگز از شکنجه و گرسنگی دادن به آنان لذت نبرده بلکه همواره در سیر تاریخ ملیت خود مدافع مظلومان و یار اسیران و ضعیفان نیز بوده است.

ایرانی هیچگاه اسیران را با زجر و شکنجه وادار باعمال شاقه و کار اجباری و سربازی و جنگ نمی نموده و یا آنان را در طبقات پائین کشتی های جنگی بزور شلاق پیارو زدن محکوم نمیساخته بلکه هر زحمتکشی را برای کاری که میکرده دستمزد میداده و هر فردی از افراد جامعه را بخدمت سربازی میسرپرده است.

گزنفون مینوسید نخستین ملتی که اصول خدمت سربازی را معمول ساخت و مدارس مخصوص ایجاد کرد و جوانان خود را بدون رعایت اصل و نسب بطور یکسان در آنجا به تعلیم و تربیت گمارد ایرانیان دوره هخامنشی بودند.

در آزمون که در قاموس زندگی اقوام و ملل فرهنگ و اخلاق معنائی نداشت اجتماع ما پای بند اخلاق و جوانمردی و راستی عمل و اندیشه نیک بود و صمیمانه و بدرستی ازقانون (جوانمردی حاکم در اجتماع) پیروی مینمود و صاحب چنان قدرتی بود که بیشتر ملل و کشورهای جهان آنروزگار را تحت رهبری خود اداره میکرد.

نیاکان ما که میدانستند که توانائی تن وزورمندی جسم بدون پرورش نیروهای معنوی و روانی جز آنکه انسان را بجانوری همانند کند که در عین قدرت و

زورمندی مقهور قوای طبیعت و اسیر دست دیگرانش سازد نتیجه‌ای ندارد لذا پیوسته میکوشیدند با ایجاد سازمانهای اجتماعی ویژه‌ای که تاحد ممکن مبتنی به پرورش خصال عالی انسانی و اخلاق باشد مناسبات اجتماعی متعادلی بوجود آورند .

با اعتقاد باین اصول نیاکان مافروندان خود را از کودکی با پرورش اخلاق صاحب‌خصل نیکومیساختند ، بدین منظور این تربیت را نخست از کانون خانواده شروع میکردند تا ثوبت به مدرسه و جامعه برسند . هردوت مینویسد :

ایرانیان فرزندان خود را قبل از هر کار راستی و تیراندازی و اسب سواری و شناوری می‌آموختند .

گزنفون نیز در کتاب کورش نامه خود درباره تعلیم و تربیت در ایران باستان بتفصیل سخن گفته و برای آن مقامی بس پر ارج قائل شده . همچنین استرابون حتی از هردوت و گزنفون و مورخین دیگر در این باب مفصل‌تر و واقع‌بینانه‌تر ادای مطلب کرده و از روی مدارکی که در دست داشته بطور مشروح از تعلیم و تربیت در ایران باستان سخن گفته است او مینویسد ، سن مقتضی برای آغاز آموزش و پرورش در ایران از پنجسالگی بوده که دوره تربیت خانوادگی نام داشته است ، کودک تا بجوانی برسد نخست تربیت اخلاق و دوره مدرسه را میدیده و بالاخره تا سن ۲۴ سالگی در فنون اسب‌تازی و تیراندازی و نیزه بازی تکمیل میشده است . (رالینسن) مورخ انگلیسی می‌نویسد : « اولین دولتی که ثبت نام و علائم صورت و قیافه واردین و بیگانگان بکشور را مقرر داشت دولت ایران بود . همین مورخ درباره سازمانهای خدمات عمومی مانند مدرسه و کاروانسراهای مجهز و غیره مینویسد ،

اولین کشوری که به تاسیس بیمارستان عمومی پرداخته ایران دوره هخامنشی بوده است سرانجام ایران بر اثر رشد معنوی و اخلاقی و فرهنگی بپایه‌ای رسید که یونان که مادر تمدن اروپاست آنچه از هنر و آداب و دانش داشت همه را از ایران کسب کرد . دانشمند گرانمایه هندی (مولانا ابوالکلام آزاد) در کتاب خود بنام ذوالقرنین که لقب کورش بزرگ است نوشته :

محققین عصر کنونی همگی عقیده دارند که تعالیم دینی ایرانیان باستان در ترقی و پیشرفت روحی و فکری ایرانیان تأثیر شایان داشته است . ایرانیان از لحاظ اخلاق و منش‌های نیک و جوانمردی تا آن پایه بردند که در قرن‌ها پیش از میلاد مسیح یعنی از زمان پادشاهان پارس تا پایان دوره هخامنشیان بحقوق اجتماعی و کمک بهمینوع و بیکار با ظلم و ستم را در کلیه شئون زندگی اجتماعی خود توجه ویژه داشتند تا آنجا که میتوان گفت این روش و اصول همه را عملاً پاك تطهیر کرده بود .

ایرانیان از لحاظ دانش و تقوی چنان ارجی داشتند که نخست یونانیان و سپس رومیها از این حیث در مقایسه با ایرانیان در مرتبه‌های بسیار پایین‌تری قرار داشتند . هدف آئین جوانمردی در ایران باستان وادار ساختن شخص بگذشت و فداکاری و صفای ظاهر و باطن و برهیز از اعمال ناپسند و زشت بوده است . منزلت صفات اخلاقی و بزرگ‌منش ایرانیان باستان بحدی است که همه مورخین یونان باستان مانند هردوت و گزنفون و استرابون از این ویژگیها با احترام یاد کرده‌اند و حتی پرفسور (گزندی) خاورشناس نامی می‌نویسد - صفاتی که از نقطه نظر راستی و پاکی و محاسن اخلاقی در ایرانیان باستان ملاحظه میشود ، نظیر آنرا به هیچوجه در هیچیک از ملت‌های معاصر آنان نمیتوان یافت . ایرانیان باستان همچنانکه زیستن باضعف و زبونی را محکوم میداشتند ، زورمندی و توانگری و قدرت بی‌بهره از خصال معنوی و جوانمردی را نیز مذموم میشناختند . تاریخ از جوانمردی‌های بزرگ‌مردان این مرز و بوم داستانهای زیادی درسینه خود ثبت نموده که یکی از این جوانمردان بزرگمنش کورش بزرگ بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران است در پایان دوره سلطنت ماد ها که قدرت آستیاك آخرین پادشاه این سلسله روبضعف نهاده بود ، ساتراپ (استاندار) ارمنستان که او را شاه نیز میخواندند بنام (ابکار) سر به عصیان برداشت و با دشمنان ایران از در سازش وارد شد ، قلمرو خود را از شاهنشاهی ایران جدا ساخت .

کورش که در آغاز اعتلای کار خود بود با گروهی سرباز رزم آزموده به بهانه شکار به سوی سرزمینهای شمال باختری آذربایجان شتافت و وارد خاک ارمنستان شد و پس از پیمودن مسافتی ناگهان با (ابکار) پادشاه و ساتراپ ارمنستان روبرو شد و بیدرتنگ بهمراهانش فرمان داد تا او را دستگیر کنند . آنگاه در همانجا جلسه‌ای تشکیل داد و بمحاکمه وی پرداخت . در این محاکمه کورش به ابکار گفت :

آنچه از تو میپرسم باید بر راستی پاسخ دهی زیرا دروغ بزرگترین مانع بخشش است . گذشته از این اگر بدروغ سخن بر زبان رانی کسان تو و همراهانت که از همه کارهای تو آگاهند حقیقت را بمن خواهند گفت ... ابکار کرنش کرد و گفت ... شاهنشاه آنچه بر دل داری آشکار کن و از من بپرس . کورش پرسید :

آیا تو نسبت باستیاك نافرمانی نکردی و با او وارد جنگ نشدی ؟ ابکار گفت آری چنین است . کورش پرسید :

آیا پس از آنکه شکست خوردی متعبد نشدی سالیانه مبلغی خراج بدهی و در هر جنگی او را یاری کنی ؟ ابکار با سرافرازدگی پاسخ داد آری تعبد کردم ، بقیه در صفحه ۱۰۶

اشعه مرگ

تکنولوژی جهان مشغول تکمیل سلاح‌های با استفاده از نوعی اشعه بنام «لیزر» هستند که گویا در آینده جانشین کلیه سلاح‌های موجود فعلی خواهد گردید .

کشف اشعه لازر بالیزر که از يك جهت کردن امواج نورانی بوجود می‌آید انقلاب عظیمی را در علم و صنعت بوجود آورده. امروز از این اشعه معجزه‌گر در هر رشته ای از علم و صنعت استفاده میشود بطوریکه بیاری چاقو های لیزر میتوانند بدون نیاز به شکافتن سر، جراحی مغز انجام داده و زندگی انسانها را نجات دهند و هزاران مورد استفاده دیگر که در اینجا مجال بحث نیست و به مقاله مفصلی احتیاج دارد .

پرفسور آلبرت اینشتین که با کشف نظریه نسبیت خود پایه پیشرفت‌های علمی و صنعتی قرن بیستم را بنیان نهاد عقیده داشت که خداوند هیچ چیزی عجیب‌تر از

نور در جهان نیافریده و هیچ چیزی باندازه شناختن نور به آشنائی ما با رموز عالم خلقت نمیتواند یاری کند و کشفیات بعد از اینشتین حقانیت او را در ابراز این عقیده ثابت میکند .

يك دستگاه جستجوگر دستی لیزر که اخیراً بوسیله شرکت «مارتیم ماریه‌تا» تکمیل شده اجازه میدهد که شخص استفاده‌کننده از آن علائم امواج نورانی نامرئی مادون قرمز را که در تاریکی محض از فواصل دور فرستاده شوند به‌بیند مثلاً بیاری دستگاه مورد بحث خلبانان هواپیما ها و هلیکوپتر ها قادرند در تاریکی شب علائم ارسالی از نقاط دور زمین را بخوبی مشاهده نمایند .

طبق آخرین اخباریکه درباره سلاح‌های لیزری انتشار یافته هم اکنون در کشور های پیشرفته صنعتی مخصوصاً در آمریکا مشغول تکمیل نوعی سلاح لیزری ضد سلاح‌های متحرک سریع (از جمله

ضد هوایی) هستند که با توجیه اشعه لیزر مخصوص روی هواپیماها یا هر نوع اسلحه سریع‌السیر دشمن احتمالی، موجبات سقوط یا انهدام آنها را فراهم خواهد ساخت . بدون شك چنین دستگاهی را میتوان بعنوان سلاح نهائی وقاطع بر علیه هدف‌های متحرک سریع‌السیر از جمله موشک‌های قاره پیما و بمب های مداری و غیره شمرد زیرا هیچ جنبه‌ای هر قدر هم که سریع در حال حرکت باشد نمیتواند از خطر برخورد با منهدم کننده‌ای که تقریباً بطور آبی یعنی با سرعت ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر در ثانیه بروی آن تابانیده شود مصون بماند . اخیراً موضوع تکمیل ماهواره های ضد ماهواره از طرف شوروی در محافل علمی و نظامی جهان مورد بحث بسیار است ، اسرار فنی ماهواره های مذکور فاش نشده ولی با احتمال قوی شاید در سلاح مداری مزبور از اشعه لیزر استفاده شده باشد .

تغییر و تحول در امر ترابری

هشتاد تا نود درصد از سوانح رانندگی ناشی از قصور انسانی است . کارشناسان باین نتیجه رسیده اند که با تراکم روزافزون عبور و مرور در آینده فقط در پرتو افزایش خودکاری اتومبیلها میتوان از سوانح رانندگی کاست. بدین منظور یکی از کارخانجات ادوات برقی اتومبیل در آلمان فدرال اقدام به احداث يك مركز تحقیقات علمی برای آزمایش وسائط نقلیه فردا نموده است .

در اینجا در درجه اول امکانات بهره برداری از الکترونیک در اتومبیل مطرح است . جنبه محاسبه اقتصاد این مسئله مهمتر از جنبه های علمی و فنی آنست . بهر حال مسلم است که خودکاری اتومبیلها موجب افزایش ایمنی در رانندگی خواهد گردید .

از جمله ارقام برنامه تحقیقاتی نامبرده میتوان از تریق الکترونیکی بنزین به سیلندر ها، ترمز خودکار الکترونیکی ، دنده الکترونیکی ، فرمان الکترونیکی و غیره نام برد . در مرکز تحقیقاتی مذکور همچنین بررسیهای گسترده ای برای تکمیل الکتروموبیل و اتومبیل بانبروی هسته ای بعمل می‌آید . در اتومبیل‌های روزگاران آینده ، راندن اتومبیل در شاهراهها بوسیله فرمان‌های الکترونیکی انجام خواهد گرفت و رانندگی بروش کنونی منتفی خواهد شد .

برای احداث مرکز تحقیقاتی مذکور تا کنون سی و پنج میلیون مارك به مصرف رسیده است . مرکز تحقیقاتی دارای لابراتوارهایی برای انواع آزمایش های ماشینی و موتوری درست‌ترین شرایط جوی است

رویم رفته چهار ایستگاه آزمایشی تعبیه شده و میلیونها جزئیات و خصوصیات که از این آزمایشها به دست می‌آید به کمپیوترها انتقال می‌یابد و جمع‌آوری می‌شود .

تعداد سیستمها و ادوات الکترونیکی که برای اتومبیل ها طرح ریزی شده است ، متعدد و فراوان میباشد و طی سالیان آتی بمرور به تولید سریال صنایع اتومبیل سازی راه خواهد یافت . هنگامیکه همه این ادوات در اتومبیلها نصب و بکار گرفته شوند ، در حقیقت، هر اتومبیلی دارای يك کمپیوتر کوچک اختصاصی خواهد بود. *

بتازگی در دو دانشگاه در آلمان فدرال توفیق یافته‌اند که جریان غامض شنیدن را ، یعنی از لحظه دریافت امواج صدا تا درك آن در مغز انسانی بوسیلهی دستگاه الکترونیکی تجزیهی جریانهای الکتریکی مغزی ضبط نمایند .

در این بین همچنین ثابت نموده‌اند امواج صدا که حتی با وسائیل ساده به پوست انسان منتقل میگردد به مرکز سامعهی مغز میرسند . بمنظور آزمایش چند نفر را با حس سامعهی سالم در اطلاعاتی کاملاً محفوظ از صدا قرار دادند و قسمت سفلی بازوی آنانرا بروی بالشتی از مادهی مصنوعی گذاردند که با آب پر شده بود . سپس امواج اکوستیک را به آب در بالشت انتقال دادند . در ابتدا واکنش مشخصی مشهود نبود ، اما پس از چند هفته تکرار این آزمایشها دستگاه الکترونیکی مزبور آن جریانهای الکتریکی مغزی را ارائه داد که مشابه جریانهای الکتریکی مغزی در موارد شنوایی است . مطبوعات جهان

مرزهای شهامت

در شمال دریای سیاه جامعه‌ای زندگی میکرد که در هفت قرن پیش از زادروز مسیح بنام قوم سیت نامیده میشد.

سیتها مردمانی بودند بیابان گرد و در صحرا زندگی میکردند. معاش آنها از راه کشاورزی و پرورش اسب بود.

در زمان سلطنت داریوش بزرگ (۴۸۶-۵۲۱ ق. م) سیتها قدرتی بدست آورده و تمام سرزمینهای باختری دریای سیاه را تا منطقه - ایکه امروز ساحل تنگه بسفر است اشغال کردند. فرمانروایان محلی از عمده راندن سیتها برنمیآمدند و هر بار که آنها مبادرت بحمله می - کردند شهرها و آبادیها ویران میشد و اموال مردم بیگما میرفت. داریوش بزرگ دوبار نیروی امدادی برای فرمانروایان محلی فرستاد ولی آنها نتوانستند جلوی حمله سیتها را بگیرند.

توضیح اینکه در آن هنگام آسیای صغیر و دریای سیاه جزو قلمرو شاهنشاهی ایران بشمار می آمد و سیتها با استفاده از کشتی و زورقهای متعدد از راه دریا آسیای صغیر را مورد حمله قرار میدادند چند مرتبه کشتیهای جنگی ایران بفرماندهی دریاسالار (هیستاسب) از تنگه داردانل و بسفر گذشته وارد دریای سیاه شدند اما نتوانستند دریا - نوردان سیت را تادیب نمایند زیرا همینکه کشتیهای جنگی ایران پدیدار میشدند زورقهای سریع - السیر سیتها ناپدید میگردد هیستاسب پس از اینکه چند بار در صدد تنبیه دریانوردان سیت برآمد و موفق بدستگیری آنها نشد

گزارشی برای داریوش فرستاد که خلاصه آن چنین بود: « جنگ ما با راهزنان دریائی سیت جنگ شمشیر است با سپرهای سرخ که با وزش باد بهر طرف حرکت کند و هر قدر ما شمشیر میزنیم نمیتوانیم که پره‌های مرغ را از بین ببریم و راه چاره این است که مرغدان را در دست داشته باشیم تا پره‌های مرغ از آنجا خارج شود.» مدتی بود که داریوش در نظر داشت بکشور سیت حمله ور شود و آنجا را اشغال نماید تا تضمین کافی بدست بیاورد که دیگر سیتها کشورهای امپراطوری ایران را مورد حمله قرار ندهند.

داریوش برای حمله بشمال دریای سیاه میتوانست از کوههای قفقاز بگذرد و خود را بشمال دریای سیاه برساند اما سازو برك جنگی داریوش بویژه ارايه‌ها و منجیقهای او از جاده‌های باریک کوههای قفقاز نمیگذشت.

این بود که داریوش تصمیم گرفت که از راه آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان (رومانی و بلغارستان امروزی) خود را بکشور سیت برساند.

راهی که داریوش میخواست نیروی خود را از آن عبور بدهد در زمان کورش کبیر تسطیح شده و در دوره داریوش مبدل بیک جاده شوسه و یکی از شاهراههای امپراطوری ایران گردید.

در بهار سال ۵۱۰ تا ۵۰۹ پیش از میلاد داریوش يك سپاه نیرومند از سرزمین نیسا (جلگه ماهیدست کرمانشاه) براه افتاد. سپاه داریوش تشکیل میشد از نود یا یکصد هزار نفر که عده ای

از آنها پیاده بودند که همواره پیشاپیش حرکت میکردند تا اینکه از سواران عقب نمانند و عده ای دیگر سوار بودند و در آن سپاه ارايه جنگی و منجیق نیز وجود داشت. در آسیای صغیر عده ای از فرمانروایان محلی بداریوش کمک کردند و با وسریاز و ارايه دادند. کمک فنی یکی از یونانیان آسیای صغیر با سم (مندروکلس) خیلی برای داریوش مؤثر گردید.

مندروکلس از مختصات دریاهائیکه پیرامون آسیای صغیر و یونان قرار گرفته بودند اطلاع داشت داریوش وقتی با سپاه خود بکنار بندر بسفر رسید توقف نمود تا اینکه (مندروکلس) مهندس یونانی برای او روی تنگه يك پل بسازد و وی بتواند ارتش خود را از آن عبور بدهد و وارد اروپا بشود. نیروی دریائی ایران بفرماندهی دریاسالار (هیستاسب) برای ساختن آن پل خیلی به (مندروکلس) کمک کرد و تمام زورقهای بزرگ که در ساختن پل مورد استفاده قرار گرفت از طرف نیروی دریائی ایران فراهم گردید پل مزبور دوازده ذرع عرض و ۸۰۰ ذرع طول داشت هفتاد و پنج روز پس از آغاز بهار داریوش از روی پل گذشت و وارد اروپا شد وقتی داریوش وارد اروپا شد عده ای از سربازان یونانی که از آتن و اسپارت آمده بودند پس از ورود داریوش باروپا بسپاه داریوش پیوستند. در آن هنگام هنوز روابط ایران و یونان تیره نشده بود.

شهری که امروز موسوم به استانبول است در قدیم با سم (بیزان - تیوم) موسوم بود و وقتی داریوش لطفا ورق بزنید



از تنگه بسفر گذشت وجود داشت
 داریوش سپاه خود را وارد بیزان-
 تیوم نکرد بلکه دستور داد که
 بطرف شمال برود و در همان روز
 نیروی دریائی ایران وارد دریای
 سیاه گردید. نیروی دریائی پس-
 از اینکه وارد دریای سیاه شد
 دوبخش گردید يك بخش بسوی
 خاور دریای سیاه رفت تا کشتی های
 سیتها را در آن نقطه مورد تعقیب
 قرار بدهد و بخش دیگر با سپاه
 داریوش حرکت میکرد تا اینکه
 سیتها از راه دریا به سپاه ایران
 حمله ور نشوند.

داریوش پس از اینکه مقداری
 راه پیمود بمنطقه ای رسید که

امروز بنام (کرخ لاری) موسوم است
 بدستور داریوش سپاه ایران پای
 تپه ها (بین دریا و تپه های «جاور»
 قرار گرفت. داریوش و گارد جاوید
 بالای تپه ها جای گرفتند و کشتیها
 مقابل ساحل لنگر انداختند و
 در ساحل سربازان آتش افروخته
 و هر دسته از آنها مطابق رسم
 خود شروع به طبخ غذای سربازی
 نمودند پس از اینکه غذا خورده

شد و سربازان خوابیدند در حالیکه
 فرمانده اردوگاه افسری بنام (آریام
 نس) بود. ناگهان حمله سربازان
 سیت که سوار بر اسب بودند آغاز
 گردید. هیچ کس نزدیک شدن
 سواران سیت را ندید و کسی
 صدای شیهه اسبهای آنان را
 نشنید. طوری آن شیخون غیر-
 منتظره بود که آریام نس فرمانده



اردوگاه خود را باخت هزارها سوار يك مرتبه سپاه ایران را بین تپه‌ها و دریا مورد حمله قرار دادند. دو ردیف نگهبان که اطراف اردوگاه بودند در چند لحظه از پا درآمدند و سواران وارد اردوگاه شدند.

اگر در آن شب سواران سیت از چهار طرف یا لاقل از دو طرف باردوگاه داریوش حمله میکردند تمام سربازان ارتش ایران ممکن بود بقتل برسند یا اینکه سپاه متلاشی میشد ولی سواران سیت تنها از يك طرف که در امتداد شمال باشد مبادرت بحمله کردند باینهمه طوری در اردوگاه ایرانیان و لوله ایجاد کردند که آریام نس نمی-توانست یگانهای جنگی را برای دفاع آماده کند.

داریوش که دریافت سپاه او مورد شبیخون قرار گرفته گارد جاوید را که سربازانش خفتناهایی از مفرغ داشتند بیدار کرد و آنها را با نیزه های بلند بدو دسته تقسیم نمود و قسمتی را بشمال و قسمت دیگر را به جنوب اردوگاه فرستاد و گفت هر کس در هر نقطه که هست باید آنقدر پایداری نماید تا اینکه دشمن را از پا درآورد یا اینکه کشته شود سربازان گارد پیاده از تپه ها فرود آمدند و بسوی شمال و جنوب اردوگاه رفتند تا اینکه از ورود سواران سیت که از شمال می آمدند جلوگیری کنند.

آریام نس که در آن شب فرمانده اردوگاه بود سوار بر اسب بهر طرفی میتاخت و افسران را وادار میکرد که سربازان خود را بصف کنند و جلوی سواران سیت را بگیرند.

بعضی از افسران که در معرض حمله مستقیم سواران سیت نبودند توانستند که سربازان جمعی خود را گردآوری نمایند و آنها را بصف کنند تا اینکه از عبور سواران

دشمن جلوگیری نمایند. فرمانده آنقسمت از نیروی دریائی که با سپاه داریوش حرکت میکرد مردی بنام (گاوسن) بود. او در آغاز متوجه نشد که اردوگاه ایرانیان مورد شبیخون قرار گرفته اما بعد از اینکه دید مشعلها افروخته شد و غوغا بگوش رسید دانست که اردوگاه مورد حمله قرار گرفته و پیش از اینکه دستوری از داریوش برسد ملوانان را که در خواب بودند بیدار کرد و به آنها اسلحه داد و گفت بساحل بروید به سربازان کمک کنید. آن دسته از سربازان گارد جاوید که بجنوب اردوگاه رفته بودند مشاهده کردند که در آنجا افسران مشغول ایجاد صفوف سربازان هستند و هنوز سواران سیت که از شمال می آمدند بجنوب اردوگاه نرسیده بودند فرمانده سربازان گارد جاوید که بجنوب اردوگاه رفته بود بمناسبت اینکه افسری ارشد بشمار می آمد فرماندهی قسمت جنوبی اردوگاه را برعهده گرفت و گفت نباید صبر کرد تا سواران دشمن باینجا برسند بلکه باید از آنها استقبال کرد.

از روزیکه کورش پادشاه ایران قانون تاکتیک جنگ را وضع کرد هر سردار ایرانی که می خواست سربازان خود را بجنگ ببرد آن قانون را بموقع اجرا میگذاشت - قانون مزبور عبارت بود از آراستن دو جناح، يك قلب و يك نیروی ذخیره. فرمانده جنوب اردوگاه همان افسر گارد جاوید پیش از اینکه سربازان را بحرکت درآورد آنها را بدو جناح، يك قلب و يك ذخیره تقسیم کرد و آنگاه براه افتاد.

قسمتی از سربازان گارد جاوید که بسوی شمال اردوگاه رفته بودند حمله ای شدید را آغاز کردند و همینکه بسواران سیت رسیدند با نیزه های بلند شکم اسبها را

سوراخ مینمودند یا اینکه سواران را از بالای اسب بر زمین می انداختند چون سواران سیت رکاب نداشتند همینکه ضربت نیزه بر شکم یاسینه آنها اصابت میکرد از پشت بروی اسب می افتادند اما زدن نیزه بر شکم یاسینه آنها استقبال کردن از مرگ بود و نیزه دار پیش از اینکه بتواند نیزه خود را بشکم یا سینه سوار برساند ممکن بود زیر دست و پای اسب او و یا سایر اسبها از بین برود یا اینکه بر اثر ضربت نیزه و شمشیر از پای درآید.

فرمانده سرباز گارد جاوید قسمت شمال تصمیم گرفته بود که خود و سربازانش را فدا نماید تا اینکه سیل سواران قطع شود و در داخل اردوگاه صفوف متشکل گردد.

فداکاری سربازان گارد جاوید سبب شد راه عبور سواران سیت بطرف اردوگاه تنگ تر شود با اینهمه هنوز سواران سیت می-توانستند از شمال وارد اردوگاه شوند. معلوم نیست که در آن شب پادشاه سیت چند هزار سوار مأمور زدن شبیخون کرد. اما چنین مینمود که دنباله سواران قطع شدنی نیست و هر قدر از آنها کشته میشدند باز از امتداد شمال سوار می آمد.

در شمال اردوگاه لاشه اسبها و سربازان سیت و ایرانی زمین را پوشانیده بود و آن لاشه ها مانع از عبور سواران سیت نمیشد و فرمانده گارد جاوید میدید که بعضی از سواران دشمن وقتی بمانعی میرسند اسب خود را از روی آن میرانند سربازان گارد جاوید با جانبازی تمام خود را بنزدیک دریا رسانیدند یعنی توانستند که قسمت شمال اردوگاه را از مغرب تا لطفاً ورق بزنید

مشرق اشغال نمایند و مانع از عبور سواران سیت شوند .
اما سواران سیت که از عقب می آمدند باز حمله میکردند و می خواستند سد جاننداری را که ایرانیان مقابل آنها بوجود آورده بودند شکافته و از آن بگذرند .

شماره سربازان گارد جاوید که در شمال می جنگیدند سه هزار نفر بود و بقیه سربازان گارد جاوید در جنوب اردوگاه بودند هنگامیکه شمال اردوگاه طوری از طرف سربازان گارد اشغال شد که راه عبور سواران سیت مسدود گردید نزدیک بدو هزار نفر از سربازان گارد کشته شده بودند . جنوب اردوگاه برخلاف شمال در هم نریخته بود و فرمانده گارد جاوید قسمت جنوب توانست در يك جبهه نسبتاً آرام مبادرت بحمله نماید و سواران سیت را در داخل اردوگاه معدوم کند . وقتی سواران سیت مبادرت بشیخون کردند اردوگاه سپاه ایران تارک بود و وقتی فرمانده گارد جاوید حمله خود را از جنوب اردوگاه آغاز کرد آنجا بانور مشعلها روشن گردید و سربازان گارد جاوید و سایر سربازان که در جنوب اردوگاه بودند دشمن را میدیدند و مشاهده میکردند که باکی میجنگند .

سواران سیت وقتی دریافتند که از جنوب مورد حمله قرار گرفته اند کوشیدند که صفوف حمله کنندگان را بشکافند و در دو نقطه هم توانستند شکافی در صفوف ایرانیان بوجود بیاورند اما قبل از اینکه از آن شکاف خارج شوند بقتل رسیدند و سپاه ایرانیان صفوف خود را فشرده تر کردند .

وقتی سواران سیت مشاهده کردند که فشار ایرانیان از طرف جنوب زیاد شد بایک حمله سخت خواستند که سربازان پیاده ایرانی را زیر سم اسبهای خود خرد کنند و از روی اجساد آنها بگذرند اما نیزه های بلند سربازان پیاده حمله آنها را درهم شکست . فرمانده گارد بخش جنوب با فسران گفته بود که بسربازان بگوید که باید در آن شب مردانگی خود را بشبوت برسانند تا اینکه روز دیگر نزد داریوش پادشاه ایران سرافکنده نباشند .

فرمانده گارد جاوید با فسران گفت بسربازان بگویند که صفات مردانگی باید در موقع خطر آشکار شود و گرنه هنگامی که خطری وجود ندارد همه میتوانند خود را دارای صفات برجسته جلوه بدهند . اما اگر ایرانیان در آن شب عزم داشتند که مردانگی خود را نشان بدهند سواران سیت هم مصمم بودند ثابت کنند که مردانی دلیر و سرسخت میباشند و از مرگ نمیترسند . در آن شب سواران سیت تصمیم گرفته بودند که ارتش ایران را معدوم نمایند یا اینکه طوری شیرازه آن ارتش را بگسلانند که داریوش موفق نشود سربازان خود را جمع آوری نماید . سواران سیت با دلیری قابل تحسین و با حرکت سریع چهار نعل اسبهای خود را روی پیادگان می انداختند و میکشیدند و کشته میشدند .

اما چون بعد از صف اول ایرانیان يك صف دیگر وجود داشت سوارانی که از صف اول میگذاشتند بدست پیادگان صف دوم بقتل میرسیدند . سواران سیت متوجه گردیدند که راه از عقب آنها بسته شده و دیگر از آن راه به آنها كم

نمیرسد يك وقت فرمانده گارد قسمت جنوبی دید که سواران سیت عنان را برگردانده و راه بازگشت را پیش گرفتند متوجه شده که آنها قصد عقب نشینی دارند دستور داد که هر قدر ممکن است بیشتر از آنها بقتل برسانند .

سواران سیت برگشتند تا اینکه باز بین بردن سربازان گارد جاوید که از شمال اردوگاه بطور موقت راهشان را بسته بودند خود را نجات بدهند . اما آن هزار مرد مانند دو هزار سرباز دیگر که جان خود را فدا کردند تا جلوی سواران سیت را بگیرند استقامت و پایداری نمودند و پایداری آنها مراجعت سواران دشمن را متوقف کرد در حالیکه از دو سو مورد حمله سواران قرار گرفته بودند یکی از طرف شمال و دیگری از سمت جنوب آن دسته از سوارانی که میخواستند برگردند به آنها حمله مینمودند که از اردوگاه خارج شوند . معلوم است که مقاومت هزار نفر در برابر آن دونیرو که از دوسوی به آنها حمله ور میشدند چه نتیجه ای میتواند داشته باشد و آن مردان دلیر تا آخرین نفر بقتل رسیدند . اما پایداری آنها سبب شد که نیروی جنوب اردوگاه خود را بسواران سیت رسانیده و همان موقع سربازان نیروی دریائی هم باین نیرو پیوستند و در کشتن سواران سیت که میگریختند شرکت کردند و بازماندگان سواران از اردوگاه خارج شدند و به سربازان دیگر گفتند که شبیخون منتهی بعدم موفقیت شد زیرا دشمن موفق گردید که خود را جمع وجور نماید سواران سیت مراجعت کردند ولی حمله آنها برای ایرانیان کران تمام بقیه در صفحه ۷۱

وضع سازمانها و حکومت‌های محلی در زمان صفویه

منابع:

- ۱- حقوق اداری: دکتر کریم سنجابی
- ۲- تذکره الملوك
- ۳- سازمان اداری حکومت صفوی: استاد مینورسکی
- ۴- سفرنامه شاردن
- ۵- سازمانهای اداری: دکتر یوسف دانش
- ۶- ایران از نظر خاورشناسان: استاد رضا زاده شفق
- نوشته واقتباس: سروان صمدانی

نگارنده این بحث را از نقطه نظر موارد زیرین مورد

توجه قرار خواهد داد:

۱- حکام محلی و مناسبت آنها با حکومت مرکز

و با یکدیگر و بررسی مالیه دولت صفوی

۲- سیاست مدنی و شهرنشینی دوره صفویه

۳- بررسی بعضی از ولایات و شهرهای عمده

ایران در زمان صفویه

۱- حکام و مناسبات آنها با حکومت مرکز و با یکدیگر و بررسی مالیه دولت صفوی. در این جا مطلبی که بیشتر جلب توجه مینماید، ارتباط مستقیم حکام و حکومتهای محلی (بودجه و امور مالی دولت صفوی است) بنابر این بنظر نگارنده بهتر است نخست حکام و مناسبات آنها را مورد مطالعه قرار داده سپس سیر بودجه و امور مالی صفویه را از نقطه نظر حکومتهای محلی که در واقع واحد های اجرایی تامین درآمد کشور بوده اند مختصراً مرور کرد.

۱-۱- حکام و مناسبات آنها با مرکز و یکدیگر.

(۱) اداره امور شهرستانها و شهرها به اصطلاح آن زمان ممالک یا حکام بود که آنانرا بترتیب مقام و موقعیت والی، بیگلربیگی خان، سلطان، میگفتند. حکام تماماً از طرف پادشاه منصوب میشدند. و در قلمرو حکومت خود اختیارات زیاد داشتند و اداره تمام امور ازدادگستری، مالیه، امنیه و غیره با آنها بود. معمولاً اعمال حکام مالیات و جرمه دوانی شهرستانها را وصول میکردند و حاکم آنها بمصرف سازمان اداری محل و دستگاههای

۱- دکتر کریم سنجابی، حقوق اداری، چاپ تهران، ۱۳۴۵، صفحه ۳۲ - ۳۳.

حکومتی و شخصی خود میرساند و مازاد آنرا بعنوان رسومات به مرکز میفرستاد. مامورین اداری دیگر در شهرها (داروغه، محتسب، کلانتر، نایب و عسس) بودند که همه تحت نظر حاکم انجام وظیفه مینمودند. مناسبات حکام با یکدیگر، بععل کنند و سختی وسائل ارتباط آنقدرها قابل ملاحظه نبود و فقط به مناسبات محدود تجاری بین تجار خلاصه می شد.

نظارت امور استانهای مملکت در دیوان ممالک متمرکز میگردید و اگر چه در عمل نمیتوان گفت که این دیوان ممالک نظیر «وزارت کشور» مستلاً بکار میپرداخت، اما باز انتصاب مامام الامر حکام و علقه و سنگت آنان با استان تحت حکومت خویش و ترتیب کار دستگاه اداری گونه ای اعتماد و اطمینان بساکتین استانها میداد. و باید گفت که حکام خصوصاً در نواحی مجاور مرز بر فام مردم قلمرو خود که در معرض خطر بیگانه قرار داشتند ذمعه بعهده بودند (۲) ایرانیان، رجعان و امتیاز تعیین حکام خود مختار را بر حکام دیگر که آنان آنچه از عایدات جمع می آوردند در همان استان خرج میکردند، دریافته

۲- مراجعه شود به تذکره الملوك.

بودند (۳) فعالیت حکام را وزیران و نظار و واقعه نویسها که جمعا دیوان ممالک را تشکیل میدادند نظارت میکردند. (۴)

در هر ایالت با هر حاکم سه مامور خاص وجود داشت که از طرف شاه انتخاب میشدند این سه عبارت بودند از معاون حاکم، که بعنوان جانشین یا کفیل همیشه در مرکز ایالت اقامت داشت و همواره نزدیک شخص حکمران برای روشن ساختن طرز کار او حضور می یافت. دیگری وزیر یا پیشکار یا ناظر شاه، سومی يك واقعه نویس یا منشی که وظیفه اش این بود که موقوف ایالت را بدربار گزارش دهد. وجود این ماموران برای نظارت در کارهای حاکم و نیز برای مخالفت با اموری بود که خلاف مصالح دولت بود، و از حاکم سر میزد. علاوه بر مامورین عالیترتبه ایالات که همگی مستقل از یکدیگر بودند، مراکز استحکامات و شهرها حاکم خاصی داشتند موسوم به داروغه این کلمه بمعنی مدیریت و صاحب آن دارای همان شغلی بود که فرمانداران در میان رومیان داشتند و داروغه نیز معاونی داشت که مستقل از حکمرانان اختصاصی بوسیله شاه منصوب میشدند. هرگز حکومت يك شهر و استحکامات آن با هم بیک فرد واگذار نمیشد در این زمینه دور اندیشی بیشتری مراعات میگردید. وجود دو مامور شاهی در کنار حکمرانان همواره سد بزرگی برای شورش و خیانت بود. نه تنها در حکومت شهرها و ایالات از طرف شاه کارا گهان

لطفاً ورق بزنید

۳- استاد مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، چاپ تهران، صفحه ۴۱
۴- تذکره الملوك، فصل ۱۲ باب دوم، صفحه ۱۵.

وجود داشتند ، بلکه در همه ادارات و مشاغل دولتی نیز بازرسانی بکار مشغول بودند .

وزیران ، سران سپاه ، قضات برجسته و عادی هر کدام يك معاون یا ناظر از طرف شاه داشتند که بی نهایت زیرک و هوشمند و مدبر بود؛ و در هر موردی خلاف و خیانت و عدم صلاحیت حکمرانان در نظر حکومت مرکزی مشخص میساخت .

قضات شهرها به بزرگ و کوچک تقسیم میشدند ، قضات بزرگ عبارت بودند از داروغه یا حاکم ، وزیر ، ناظر یا واقعه نویس یا منشی . قضات کوچک را نماینده قانون میگفتند . رئیس یا حاکم بازرگانان را ملوکالتجار میگفتند رئیس شهر بانی نایب لقب داشت و عسس بعنوان رئیس نگهبانان بود در دهکده ها و قصبه ها ، دادرس یا حاکمی جز قاضی وجود نداشت . تقریر نویسان قاضی را میتوان برابر با مامورین ثبت اسناد زمان دانست که به کاتب موسوم بودند قضات عالی مقام را شاه همه جا میفرستاد و قضات عادی را بسرزمینهای خالصه . اما قاضیان دهات را ، صدراهمالک تعیین مینمود. رئیس یا صاحب منصبان کشوری دهکده ها و دهستانهای بزرگ نیز مستقیماً بوسیله شاه تعیین نمیشد و همه این قضات و مامورین اعم از اینکه در شهر یا دهات باشند، از حقوق مناسب و مشخص بهره مند بودند. حکمرانان شهرها نیز ماموریت نماینده قانونی و جزائی را دارا بودند و دادگاه آنها ، عدلیه اولیه شهر بوده است حکمران هر طور دلش میخواست قضاوت میکرد و تصمیم میگرفت بی آنکه به توصیه وزیر یا جانشین خود گوش دهد . در حالیکه وزیر یا جانشین نماینده شاه بوده و قدرت و اختیار زیاد داشت میتوانست بر ضد حاکم از آن استفاده کند .

حکمرانان و ناظران و وزیران قبل از اعزام بعمل ماموریت با مقررات و روش کار خود طبق دستورالعمل آشنا شده تعلیم میدادند.

يك بحث تحلیلی از حکومت های محلی زمان صفویه

اگرچه کلیه نویسندگان و متخصصین سیستم حکومت را در زمان صفویه متمرکز نام برده اند ولی با در نظر گرفتن شرایط و خصوصیات حکومت های محلی در سیستم متمرکز و حکومت های فدرال که ذیلاً از کتاب «سازمان های محلی آقای دکتر یوسف دانش نقل میگردد» ملاحظه میکنیم که حکومت های محلی در سازمان صفویه رانه میتوان بیک سیستم (متمرکز) با کلیه خصوصیاتش منطبق دانست و نه بیک

سیستم (فدرال) .. بلکه بهتر آنست که بگوئیم حکومت های محلی زمان صفوی از يك سیستم خاص و مخصوص بخود پیروی میکرده است که شاید بتوان گفت از شرایط و خصوصیات هر دو سیستم مشترکاً وجود داشته است .

برای تصریح مطلب ابتدا باین مقدمه از تقریرات آقای دکتر دانش توجه مینمائیم که:

«اجرای اصل توزیع و تقسیم بندی قوا باید یکنوع نامین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برای افراد و اجتماعات فراهم نماید. توزیع قوای حکومتی بپر ترتیب و هر شکل برای جماعات و افراد مفیدتر از موردی است که اعمال کلیه اقتدارات حکومتی در پایتخت مملکت متمرکز باشد و درجه و درجه این توزیع معرف شایستگی جوامع امروزی است.»

در کیفیت و درجه و شدت توزیع قوا دونوع عدم تمرکز ذکر شده است.

الف- تفویض و واگذاری تمام یا قسمتی از اختیارات حکومتی از یک سطح بالاتر بیک سطح پایین تر که این عدم تمرکز واقعی در اداره امور است .

ب- اعمال اختیارات يك مادون مثلاً مامورین انتصابی حکومت مرکزی از طرف يك مامور عالی رتبه بدون داشتن اختیارات مستقل که اگرچه ظاهراً عدم تمرکز در اعمال حاکمیت بنظر می آید ولی واقعا چنین نیست.

بدیهی است که بند (الف) از خصوصیات سیستم فدرال و بند (ب) از خصوصیات سیستم متمرکز است و نمودار زیر جزئیات آنرا روشن مینماید. و نشان میدهد که از حکومت مرکزی دونوع حکومت محلی ناشی میشود.

نوع تمرکز -

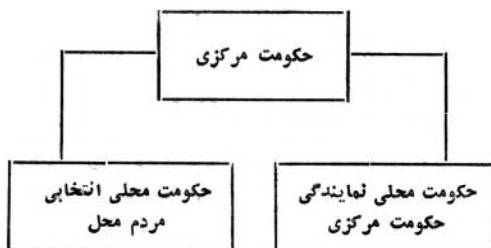
خصوصیات :

- ۱- نمایندگی حکومت مرکزی
- ۲- انتصاب از طرف حکومت مرکزی
- ۳- وظیفه اجباری طبق دستور حکومت مرکزی
- ۴- حق تعیین خط مشی ندارد.
- نوع عدم تمرکز -
- ۱- تفویض اعمال حکومتی
- ۲- انتخاب از طرف مردم
- ۳- وظائف اجباری و اختیاری
- ۴- حق تعیین خط مشی در وظائف اختیاری

اکنون با توجه به خصوصیات دو سیستم مندرج در فوق و همچنین با توجه بمطالعی که در مورد حکومت های محلی زمان صفویه ذکر شد چنین نتیجه عاید میگردد:

اولاً: موقعیت تاریخی، حکومت صفویه ، که بهداز يك دوران طولانی ملوک الطوایفی و هرج و مرج بوجود آمده، چنین بود که با آنکه مذهب جعفری بزرگترین راهنمای حکومت صفوی در رعایت روح دیموکراسی دایر بر منتهای توجه به عامه مردم بود توجه خاص آنها در ارضاء و راحتی ملت مصرف میگردد، ولی بعلمت موقعیت خاصی که ذکر آن رفتار از اصول دیموکراسی پیروی نمیشد یعنی هیچگاه به مردم اجازه انتخاب حکومت محلی را نمیدادند و حکام صرفاً از طرف حکومت مرکزی انتخاب میشدند و جنبه نمایندگی مرکز را داشتند، ولی این نمایندگی هادارای صلاحیت ذاتی در اعمال حاکمیت بوده که آنرا میتوان شبه حاکمیت نامید.

زیرا مهمترین امور مؤید اعمال حاکمیت



يك سازمان اداره امور مالی آن سازمان بدست خودش میباشد، وسازمانی که مستقلا بودجه خود را تهیه و تصویب و اجرا بنماید سازمانی است که حداقل باید گفت از يك شبه حاکمیت برخوردار است. بنا بر این می بینیم با آنکه مسئله انتصاب حاکم از طرف مرکز بريك سیستم تمرکز گواهی میدهد ولی اختیار زیاد و همه جانبه حاکم، خواص يك سیستم عدم تمرکز را نیز در خود داراست .

ثانیا : از خواص حکومت های محلی زمان صفویه میتوان موارد زیر را عنوان کرد:

- ۱- نمایندگی حکومت مرکزی
- ۲- مشاغل حاکم انتصابی
- ۳- تفویض اعمال حکومتی به حاکم
- ۴- حاکم وظائف رسیده از مرکز و وظائف اختیاری را با هم انجام میدهند. ولی آنچه که مسلم است اینست که وظائف اختیاری حاکم خیلی بیش از وظائفی است که در قبایل حکومت مرکزی دارند و چه بسا که وظائف اجباری حاکم در برابر مرکز فقط به همان ارسال رسومات یا شرکت در جنگ خلاصه میشود. و در عوض اختیارات آنها در مورد اداره ولایات و ممالک بسیار زیاد و قابل ملاحظه بود. بنا بر این اگر بخواهیم آنرا بایک سیستم فدرال مقایسه بکنیم می بینیم از لحاظ اینکه، ممالک و شهرستانها دارای حق اعمال حاکمیت قبل ملاحظه ای هستند اختیارات زیادی در این مورد دارند، میتوان نظیر يك حکومت فدرال آنها را بخساب آورد.

وضع مالیه - وضع مالیه زمان صفویه را در سه بحث مختصر زیرین مورد توجه قرار میدهیم :

الف - عواید .

ب - مخارج

ج - سازمان مالی صفویه

الف - عواید .

محل تامین درآمد ونحوه تامین آن در حکومت های محلی و حکومت های مرکزی تقریبا شبیه بوده است و درآمدها معمولا از محل های زیر تامین میگردد:

الف - مالیات یا رسومی که حاکم بزرگ به حکومت مرکزی و یا حاکم پائین تر به حاکم بزرگ در ایالات و ممالک دولتی میدادند.

ب - از محل املاك ختصه و یا تپولی که در اختیار حاکم گذاشته میشد مبالغ قابل ملاحظه ای بصورت پول و جنس عاید دولت و حاکم میگردد .

ج - علاوه بر مالیات ممالك و خالصه ، عوارض مختلفه بشرح زیر از مردم اخذ میشد :

(۱) عوارض چهارپایان

(۲) عواید ابریشم و پنبه

(۳) عواید از ضرب سکه

(۴) عواید آب

(۵) عواید ساکنان شهر

(۶) عواید پیشووران و گسبه

(۷) عوارض راهداری و گهرگی

(۸) عواید از محل انعام حاکم جدید بمناسبت احراز مشاغل و مناصب.

ب - هزینه (۱)

عواید مکتسبه معمولا در حکومت مرکزی و حکومت های محلی بترتیب زیر هزینه میشد:

- (۱) مواجب (نظامیان و غیر نظامیان و متفرقه) در حکومت .
- (۲) هزینه تهیه مسائل و تدارکات .
- (۳) مخارج دستگاه دیوانی .
- (۴) مخارج دستگاه خاصه .
- (۵) مخارج مطبخ و خانه ، و حمام های حکومتی .

ج - سازمان مالی حکومت صفوی (۲)

اگرچه وزیر اعظم از زمان صفویه شخصا وزیر دارائی بحساب می آمد ولی چون امور فنی مالی نظیر حسابداری و ممیزی بدست مستوفیان انجام میگرفت بهتر اینست که مستوفیان و رئیس آنها مستوفی الممالك را باید وزارت دارائی صفویه نامید. مستوفیان بدو قسمت میشدند و تحت ریاست عالیه مستوفی الممالك در مرکز قرار داشتند .

(۱) مستوفیان خاصه که امور مالی مربوط به ممالك خالصه را انجام میدادند .

(۲) مستوفیان ممالك که امور مالی ممالك و ایالات زیر نظر آنها انجام میشد .

۱- استاد مینورسکی . همان کتاب ، صفحه ۲۲۹ - ۲۳۱ .

۲- همان ماخذ ، صفحه ۹۸ - ۱۰۳ .

دوائر گردآوری عواید، مالیات (۳) زمان صفویه عبارت بودند از :

(۱) اوراجه و قسمت اعظم عواید در دفتر اوراجه ثبت و ضبط میشد .

(۲) خاصه ، عواید خالصه را نگهداری مینمود .

(۳) ضابطه ، عوایدی که جزو اوراجه یا خاصه نیامده بود در این دایره ثبت و نگهداری میگردد .

(۴) معادن ، عواید حاصله از مروارید ، فیروزه ، نیشابور ، کرمان و غیره را نگهداری مینمود .

(۵) ارباب ، عواید ارسالی حاکم ولایات را نگهداری میکرد .

مطلب دیگری که در این بحث حائز اهمیت است اشاره به وظائف خاص نظام است که صحت و سلامت جریان امور مالی صفویه را با نظارت های مداوم تامین مینمودند .

ناظران (۴) ایالات همساله صورت عایدی ایالت را همراه با صورت عواید هر دهکده و هر منطقه و هر نوع درآمد که بوسیله رئیس یا حاکم محل تنظیم و تعیین و بمهر حاکم و معتمدان محلی مهور شده است، به دیوان محاسبات میفرستند . صورت های هر محل و هر چیز ، خواه مربوط به شهر ها خواه مربوط بدیهکده ها، جداگانه ارسال میشود، بنوعی که در این جزئیات ملال آور گاه اتفاق می افتد که يك ناظر بیش از پنج هزار صورت که هر کدام بشکلی شایسته و خوب تنظیم یافته است ، میفرستد و باید يك نسخه کامل شبیه (المثنی) آنرا پیش خود نگهدارد ، ناظر بهنگام مقرر ، این حسابها را میفرستد و وقتی حسابها بدین ترتیب تسویه و تثبیت شد ، جزو الزامات یا بمنزله سند است در دست حامل ، و دیوان محاسبات بهرکس معادل حقوق او از این اسناد میدهد.

مطلب دیگر اینکه مامور وصول عواید دولتی را تحصیلدار میگفتند .

۳- شاردن همان کتاب جلد هشتم صفحه ۲۹۹ .

۴- شورای مالی بریاست مستوفی الممالك

فرماندهی مامور عملیات بی نتیجه ماند و با شکست مواجه شد ولی خیلی نزدیک به نتیجه موفقیت بود اگر نیروی تقویتی دشمن در خارج از محل محاصره باشد وجود یک نیروی پوششی ضرورت کامل دارد نیروی پوششی نیاز به مامور مخصوصی ندارد در تمام مدت محاصره واحه آنتورپ و سایر دژهای

بلژیک در ۱۹۱۴ نیروی پوششی آلمانها عمده قوای آن بودند که در فرانسه بامتنقین میجنگیدند. در ۱۹۴۲ در موقع محاصره دژ سواستوپل نیروی پوششی آلمانها از دو گروه ارتشها بودیکی از آنها در ماه ژانویه از دریا در شمال دژ نامبرده پیاده شده بودو بلافاصله مورد حمله قرار گرفت و بعقب رانده شد. دومی در نزدیکی کوت پیاده شد و ابتدا خط محاصره در اطراف دژ تهیه نموده که ارتش دیگر را برای تکمیل سازمان و انجام امورات دیگر حفظ نماید تا وقتی که این ارتش باندازه کافی گوی شده و قدرت از بین بردن دشمن را پیدا نماید حمله بموضع و دژ های مستحکم دشمن باید دقیقاً بررسی و طرح ریزی شود هدف و محلی که باید به آن

حمله شود باید از زمین و هواشناسائی شود بمنظور اینکه نقطه مطلوبه و یا قطعه مناسب بمنظور اینکه زودتر شانس سقوط و از بین رفتن را داشته باشد تعیین و معلوم شود دفاع از این قطعه دایره لازمست که با جزئیات و دقیق بررسی شود و افراد و تعداد توپ و مواد و وسائل لازمه محاسبه شود هر چیز مورد لزوم و نیاز قبلآ تهیه و در دسترس قرار گیرد وقتی که نیروی محاصره کننده قبول عملیات محدودی را بنماید باید با سرعت و بطور مداوم شب و روز در مراقبت دشمن اقدام نماید معمولاً توپخانه های سنگینی که بوسیله بمب افکنها تقویت میشوند برای از بین بردن و تخریب نقاط مهم در قطعه انتخابی بکار برده میشوند. ضرورت ندارد که این آتش خیلی سریع باشد معمولاً این تیرها با آهنگ ملایم و آهسته و با فاصله کوتاه اجرا میگردد. اگر شکافی در محل محاصره پیدا شد از همین شکاف حاصله میتوان استفاده نمود و تصرف و تخریب این قطعه غالباً باعث سقوط سایر قسمتهائی که مورد حمله قرار نگرفته اند خواهد شد.

در زمان ناپلئون خطوط دفاعی که بمنظور محافظت و ممانعت تهیه میشدند بهم خیلی نزدیک بود معمولاً یک میلی یا قدری بیشتر

تجاوز نمیکرد در لنین گراد در سال ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ خطوطی که تشکیل داده بودند در طول رودخانه نوا و جبهه بطرف شرق و این عده ها ماموریت داشتند که مانع از خروج نیروی روسیه متمرکز در داخل شهر بخارج باشد و خط دفاعی دیگری در کنار رودخانه ولگا جبهه آن بطرف مغرب و ماموریت داشت که مانع دخول واحدهای ارتش روس بشهر بشود این دو خط پشت پشت بیشت هم و به مسافت ۳۰ میل از هم قرار گرفته بودند مدت محاصره سیاستپول در پائیز سال ۱۹۴۲ استالین گراد بوسیله ارتش آلمان محاصره شد خط دفاعی تهیه و بوسیله عده قوای جبهه بطرف شمال شهر اشغال شده بود این خط در امتداد و کنار رودخانه دن قرار گرفته بود و ماموریت داشت که از واحد های ارتش روس برای رسیدن بشهر ممانعت بعمل آورد خط دفاعی که در اطراف شهر تهیه شده بود سعی و تلاش میکرد شهر را تصرف نماید. در این شرایط در موقع تعرض روسها عده قوای آلمان قادر بنگاهداری خط دفاعی خود نشد و روسها موفق بشکستن این خط شدند و در نتیجه محاصره استالین گراد با شکست مواجه شد.

يك نکته اقتصادی

شش بانک مهم خصوصی از جمله بانک سوئدی اسکاندیناویسکا آمادگی خود را برای سرمایه گذاری و همکاری در يك برنامه آزمایشی بمنظور توسعه کشاورزی و كمك در اجرای طرحهای سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) وابسته بسازمان ملل متحد اعلام داشتند. گزارش منتشره از مركز فائو دردم حاكي است كه این قرارداد همکاری امکان سرمایه گذاریهای جدیدی را بانكهای خصوصی میدهد و كمك و امهائی بانک جهانی و سایر سازمانهای دولتی و بین المللی است.

بانكهای خصوصی بدنبال تشكيل جلسه ای دردم برای این همکاری توافق حاصل کردند. در این جلسه پیرامون برنامه های تجربی مختلفی كه سازمان خواربار و کشاورزی در کشور های درحال توسعه در دست اجراء دارد بحث و مذاكره شد. فائو قسمت اعظم بودجه برنامه های كمكهای فنی و همکاری در سرمایه گذاری در كشورهای درحال توسعه را از برنامه عمران سازمان ملل متحد تامین مینماید. این كمكهای جهانی در سال به ۱۰۰ میلیون دلار میرسد.

نقش بانكهای خصوصی تامین امكانات مالی برای اجرای طرحها در مدتی کوتاهتر از زمانی است كه معمولاً سایر كمك دهندگان منطقه ای یا بین المللی در نظر میگیرند. طی چند سال گذشته سازمان جهانی خواربار و کشاورزی با این نوع بانكهای خصوصی روابط محكمتری را بوجود آورده است و درصدد گسترش مداوم این نوع سرمایه گذاریها بمنظور فعالیت های کشاورزی می باشد.

يكی از پروژه هایی كه سازمان در نظر دارد با كمك این بانكهای خصوصی بمرحله اجراء درآورد طرح اصلاح دام دریکی از کشورهای آفریقائی است. با توسعه صنعت فرآورده های دامداری در این کشور هم

كمك موثری بیکي از اساسی ترین مشکلات دهه سالهای ۱۹۷۰ یعنی كمبود «پروتئین» بعمل می آید و هم با صدور محصول اضافی آن درآمد بیشتری نصیب این کشور خواهد گرد.

سازمان جهانی خواربار و کشاورزی در گزارش خود پیش بینی میکند كه دامداران آفریقائی حتی پس از پرداخت بهره های تجارائی باز حداقل درآمدی معادل ۲۰ درصد كل هزینه های عمرانی داشته باشند.

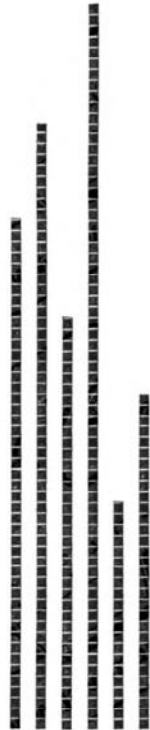
نمایندگان بانک اسکاندیناویسکا و سایر بانكهای خصوصی برای تجدیدنظر در تعیین بودجه و سرمایه گذاری طرحهای عمرانی سازمان سالی دوبار دورهم گرد خواهند آمد.

ساختمانی كه با هواپیما منتقل میشود

اخیراً يك آرشیونكت سوئدی طرح جدیدی را برای ساختمان های سبك وزن سالتنهای دائمی یا موقتی پیشنهاد کرده است. ساختمان این سالتنها بشكل چرخ و به قطر حداكثر ۱۵۰ متر است و سقف آنها پوشیده از سیمیمای فولادی است. در این طرح میتوان بنا بضرورت برای بزرگتر كردن سالن و برای استحكام بیشتر ساختمان از پایه های اضافی استفاده نمود بدون اینکه به كف سالن لطمه یا فشاری وارد شود. دیوار و سقف سالن از مصالح سبك وزن ساخته شده است. هزینه چنین ساختمانی را در حدود ۱۳۵ دلار برای هر متر مربع تخمین زده اند و برای ترمینال خطوط هواپیمائی و سالتنهای موقت در نواحی آسیب زده مناسب ترین ساختمان است. حسن دیگرش اینست كه میتوان بامعجزا كردن قسمتهای مختلف این ساختمان یا سالن را از طریق هوائیز حمل كرد. مطبوعات جهان

- ۱ - نظریه‌های اقتصادی در قرن بیستم
از دکتر منوچهر زندی حقیقی
- ۲ - اقتصاد مالیه عمومی
- ۳ - مالیه عمومی بر درجه و خزانه
اقتباس : ایران مقدم

اقتصاد در قرن بیستم



همانطوریکه قرن بیستم بقرن کشف نیروی
اتم و تصرف کرات دیگر نام یافته است
به قرن اقتصاد و ترقی علم اقتصاد نیز شهرت
یافته .

قرن بیستم قرن تحول و جهش و پیشرفت
در علوم است. بنابراین اقتصاد هم که پایه
زندگی افراد بشر و از ضروریات زندگی
اجتماعی مدرن امروزی هست پیشرفت
چشمگیری در این رشته بدست آورده است
و نظریه های قابل ذکر و ارزنده ای عرضه
شده که در بهبود وضع اقتصادی دنیا دل
موتری را بازی نموده است .

طی این مقاله بررسی نظریه های اقتصادی
در قرن بیستم که باعث تحول و پیشرفت این
رشته شده است پرداخته و آنرا مورد تجزیه
و تحلیل قرار میدهیم.

بعقیده کینز دانشمند انگلیسی تحول
نظریه های اقتصادی در قرن بیستم یک نوع
انقلاب علمی است، زیرا اصول علم اقتصاد
قرون سابق را بکلی تغییر داده و اصول
جدیدی جانشین اصول کهنه قدیم کرده
است . کینز در پیشگفتار کتاب (نظریه
عمومی اشتغال، بهره و پول) مینویسد که
مدت یک قرن علم اقتصاد در انگلستان تابع
اصول پارچائی بوده است. البته نمیتوان
ادعا کرد که علم اقتصاد دستخوش تحول و
تغییر نبوده بلکه منظور این است که اصول
پارچای علم اقتصاد که بنظر دانشمندان
این علم اصول مسلم و قطعی تلقی میشد
بیوسه در تحول نظریه های اقتصادی حکومت
داشته است، بطوریکه تحول نظریه های نظریه دیگر
تابع اصولی بوده که در قرن نوزدهم بوجود
آمده و دست بدست گشته و مدتی نیز در
انگلستان بدانشجویان اقتصاد تدریس و
تفسیر شده است .

کینز میگوید ما در انگلستان لباس کهنه
اقتصاد را بدور انداختیم و روش تازه و نو
در علم اقتصاد پایه گذاری کردیم. در ابتدای
قرن بیستم مسئله توزیع درآمد از مسائل
اصلی و اساسی علم اقتصاد بشمار میرفت،
بطوریکه توزیع ثروت منشاء اختلافات بین
لیبرالها و سوسیالیستها بود .

لیبرالها از وضع موجود دفاع میکردند و
بعکس سوسیالیستها الغای مالکیت و محدودیت
آزادی اقتصادی و رفاه سازمانهای سیاسی
را طالب بودند. در این تشتت افکار و عقاید
در ابتدای قرن بیستم دانشمندان وقت بیه
مکتب تقسیم شده بودند دسته ای در انگلستان
از افکار و عقاید آلفرد مارشال که بقول کینز

اصول مسلم و قطعی را بوجود آورده بود
پیروی میکردند . لطفاً ورق بزنید

گروهی در آمریکا تابع «ژان بیتس کلارک» بودند و بالاخره «لئون وانرس» در «لوژان ومانژرد» و «فون بوم باورک» دروین رهبری عده‌ای از دانشمندان را به‌عهده داشتند. بطوریکه ملاحظه می‌شود دانشمندان کلاسیک اوایل قرن بیستم نظیر آدام اسمیت و ژان باتیست سی وریکارو بودند و دانشمندان که در بالا نامبرده شد نظیر ژان بیتس کلارک و فون بوم باورک نیوکلاسیک بودند و در عقاید آدام اسمیت و غیره تحول بوجود آوردند. بدین ترتیب که نئوکلاسیکها یعنی کلاسیکهای جدید بودند که هدف اصلی خود را در علم اقتصاد، بدون اینکه توجه خود را بسازمانهای سیاسی و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه‌های مختلف معطوف دارند، فقط و فقط در بوجود آوردن مکانیسم علمی متوجه می‌ساختند که بتواند در هر جامعه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

هرچند در فرانسه زیر نفوذ لورابولیو هنوز افکار ژان باتیست سی وریکارو تعقیب میشد و در آلمان مکتب تاریخی طرفدارانی پیدا کرده بود.

در آمریکا ژان بیتس کلارک مکانیسم توزیع ثروت جامعه را بر اساس قوانین طبیعی تصور میکرد و بدین ترتیب با هرگونه دخالتی در جهت توزیع عادلانه ثروت، چه از طرف دولت و چه از طرف سایر سازمانها مخالفت می‌ورزید، زیرا عقیده داشت که در محیط آزادی کامل دادوستد خود بخود سهم هر کس در مکانیسم طبیعی توزیع ثروت تعیین میشود. بطوریکه ملاحظه می‌شود لیبرالیسم اقتصادی در ابتدای قرن بیستم بیش از پیش به‌محافظه کاری میگرایید، بطوریکه دانشمندان این مکتب نقص سیستم اقتصادی موجود را فقط در فقدان آزادی و رقابت کامل می‌بینند. از اینجهت نظریه‌های اقتصادی ربع اول قرن بیستم بیشتر بصورت فرضیه‌هایی درمی‌آید که به‌یچوجه نمیتواند مصداقی در دنیای اقتصادی آن زمان و واقعیت زندگی مردم آن روز پیدا نماید و از این نظر است که وقتی نظریه‌های کلاسیک قرن نوزدهم بنظریه‌های نئوکلاسیک اوایل قرن بیستم که اصول علمی آن بر اساس مطلوبیت نهایی عناصر اقتصادی استوار است تحول می‌یابد تحول در مسیری صورت می‌گیرد که در همان نیمه اول قرن بیستم این نظریه‌ها یکباره اعتبار خود را ازدست میدهند، زیرا در واقع وقتی نظریه بر اساس مطلوبیت نهایی عناصر اقتصادی استوار است و مطلوبیت نهایی عناصر اقتصادی در بازار دادوستدی که در آن رقابت کامل حکمفرماست، از طریق مقایسه مطلوبیت و

عدم مطلوبیت عناصر مورد داد و ستد تعیین میشود و بدینوسیله تعادل عرضه و تقاضا در هر یک از واحدها ورشته‌ها در جامعه بوجود می‌آید. سپس از طریق تصور ذهنی تعادل واحدها و گروههای اقتصادی، تعادل اقتصادی، در عالم ذهن بنا میشود، معلوم است که این تئوری نمیتواند در دنیایی که در آن اثری از رقابت کامل نیست مصداق پیدا کند. در حقیقت در دنیایی که بازار دادوستد کالاها و مواد و خدمات در انحصار واحدهای بزرگ اقتصادی است که بصورت کارتل و تراست، چه از نظر اقتصاد ملی و چه از نظر اقتصاد بین‌المللی کنترل بازار را در دست دارند و در دنیایی که بقول «فرانسوا پیر» دانشمند فرانسوی اصل تسلط و تفوق اقتصادی حکومت دارد و نیروهای قوی‌تر پیوسته سعی دارند نیروهای ضعیف‌تر را تحت تسلط و سیطره نفوذ اقتصادی خود درآورند. در این دنیا فرضیه‌ای ذهنی است که نمیتواند در عالم حقیقت مصداق یابد.

همانطوریکه کینز در کتاب نظریه عمومی اشاره کرده است فرضیه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک در اوایل قرن بیستم بصورت اصول مسلم و قطعی درآمده بود و هرگونه اظهار نظر مخالفی انحراف از اصول علمی تلقی میشد.

ولی در نیمه اول قرن بیستم وقایع مهمی اتفاق افتاد که اصول مسلم و یابرجای علمی نمیتوانست باین وضع ادامه یابد.

اهم این وقایع را میتوان در نیمه اول قرن بیستم، جنگ بین‌الملل اول، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ و بالاخره جنگ بین‌الملل دوم دانست. جنگ بین‌الملل اول تعادل پولی را چه از نظر اقتصاد داخلی و چه از نظر اقتصاد بین‌المللی بهم زد و در تعقیب آن تورم پول عامل اصلی در ایجاد عدم تعادل اقتصادی تلقی شد.

دانشمندان کلاسیک وقایع پولی ده‌ساله اول جنگ را حالات استثنائی اقتصاد جنگ میدانستند. ولی گرفتاریهای پولی ده‌ساله اول جنگ بپایان نرسیده بود که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ از اقتصاد آمریکا شروع شد و سپس با اقتصاد کشورهای اروپائی سرایت کرد بطوریکه از سال ۱۹۳۰ بهمد هر روز بحران بشکلی در یکی از کشورهای سرمایه‌داری ظاهر میشد. البته باین مساله باید توجه داشت که اقتصاد سرمایه‌داری در طول قرن نوزدهم اغلب با بحران مواجه بوده و عدم تعادل اقتصادی در اقتصاد قرن نوزدهم هر چند بار بشکلی ظاهر میشده است ولی

هیچوقت بحرانهای قرن نوزدهم بشکل بحران اقتصادی ۱۹۲۹ نبوده‌است زیرا بحران فوق بحرانی بود عمیق و عدم تعادل راد اقتصاد سرمایه‌داری بصورتی درآورده بود که آه این تورم بوجود می‌آمد که ممکن است اساس رژیم سرمایه‌داری درهم فرو ریزد. سالبهای پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ سالبهای رکود سخت اقتصادی است که کشورهای اروپائی غربی بخصوص کشورهای آلمان، فرانسه و انگلستان با آن مواجه بوده‌اند.

ولی دانشمندان هنوز نظریه عدم تعادل اقتصادی را تمیز بدیافتند و رکود اقتصادی را به آن شدتی که مثلاً در آلمان ۶ تا ۷ میلیون کارگر بیکار بود و از ۴۵ درصد از ظرفیت وسائل تولید ملی استفاده نمیشد و در آمریکا تعداد بیکاران به ۱۳ میلیون نفر رسیده بود و در شوروی پس از انقلاب اقتصاد با مشکلات فراوان روبرو شده بود که حاکی از بحران اقتصاد بود اما تبلیغات زیادی که برای رژیم جدید میشد بظاهر آنرا از نظرها دور میکرد.

در فرانسه پس از یک موفقیت درخشان که از سیاست اقتصادی «پوانکاره» نخست وزیر و وزیر دارائی بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ بدست آمد در سال ۱۹۳۰ اقتصاد فرانسه دچار بحران و رکود سخت اقتصادی شد «لاوال» جانشین پوانکاره با روش کلاسیک نتوانست به‌یچوجه اقتصاد در هم پاشیده فرانسه را سر و صورتی بدهد.

در آلمان کلاسیکها بسرپرستی برونینگ تا سال ۱۹۳۳ رهبری اقتصاد آلمان را به‌عهده داشتند ولی وضع اقتصادی آلمان بقدری خراب بود که اقتصاددانان کلاسیک نتوانستند کاری از پیش ببرند در نتیجه رژیم سیاسی آلمان از ترس دیکتاتوری سرخ طعنه دیکتاتوری سیاه شد و در سال ۱۹۳۳ حزب ناسیونال - سوسیالیسم قدرت را بکلی در دست گرفت و سیاست ضد کلاسیک دکتر شاخت تاشروع برنامه تجرید سلاح آلمان نه فقط وضع خراب اقتصادی آلمان را سر و صورتی داد، بلکه تا موقعی که سیاست اقتصادی آلمان را شاخت هدایت میکرد اقتصاد این کشور با وج قدرت خود رسید.

در آمریکا عدم تعادل اقتصادی در تعقیب بحران ۱۹۲۹ بشدتی رسید که حزب جمهوریخواه با آنهمه امتیازات سیاسی که رهبری «کولج» برای آن بدست آورده بود بکلی کنار رفت و در سال ۱۹۳۳ حزب دمکرات بر رهبری روزولت زمام امور را در دست گرفت. باید اشاره کرد که سیاست اقتصادی حزب

دمکرات آمریکا در سال ۱۹۳۳ فقط از افکار کینز الهام نگیرد. هر چند که کینز طی نامه‌ای برونزولت رئیس جمهور آمریکا که در مجله نیویورک تایمز در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۳ درج شد پایه و اساس سیاست اقتصادی آن روز را تشریح کرد. ولی در سیاست اقتصادی روزولت که در چهار چوب منشور «نیو دیل» اجرا میشد مساله اصلی و اساسی احیای کشاورزی آمریکا بود.

ملاحظه میشود که در رکودی که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به همراه آورده بود تئوری کلاسیک در همه جا با شکست مواجه شد. این شکست که در سالهای تاریک قبل از جنگ بین‌الملل دوم قطعی بنظر میرسید راه را برای نظریه‌های جدید هوار کرد.

«ویکسل» در اواخر قرن نوزدهم در سئو نظریه تعادل عدم تعادل اقتصادی را از طریق عدم هم‌آهنگی بهره اسمی و بهره حقیقی سرمایه بیان کرد.

کینز ابتدا در سال ۱۹۳۳ تعادل پولی را در کتاب (بحث درباره پول) بیان کرد، سپس در سال ۱۹۳۶ چنانکه اشاره کردیم کتاب (نظریه عمومی اشتغال بهره و پول) را برشته تحریر آورد.

البته در نظریه‌های جدید علم اقتصاد در سالهای قبل از جنگ بین‌الملل دوم روح بدبینی حکمفرماست زیرا این نظریه‌ها در محیط رکود اقتصادی مستقر قبل از جنگ وضع شده‌اند. تنزل شدید قیمت‌ها، عدم تعادل اقتصادی، اشتغال ناقص عناصر تولید در بدین ساختن نظریه‌های قبل از جنگ بی‌تأثیر نبوده است ولی این بدبینیها زیاد دوام نیاورد زیرا در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شد و آنگاه تعادل قیمت‌ها در جهت عکس تا متعادل شد و ترقی قیمت‌ها و تولید تورم پول باندازهای شدید شد که دانشمندان که فقط کادش مصرف و افزایش پس انداز را عامل رکود ممتد اقتصادی میدانستند در نظریه‌های خود قائل به تعدیل شدند. اشتغال نه فقط بعد کامل خود رسید بلکه در کلیه کشورها اشباع اشتغال عناصر تولید بوجود آمد.

بطوریکه ملاحظه میشود نظریه عمومی کینز که قبل از جنگ بین‌الملل دوم در مقابل نظریه کلاسیک که بقول کینز فاقد جامعیت و عمومیت بود ابراز تمسخر و تنویر بنویس از جنگ بین‌الملل دوم فاقد جامعیت و عمومیت گردید. از این نظر است که دانشمندان فرانسوی فرانسوا پرو در سال ۱۹۵۲ (کتاب تعیین نظریه عمومی کینز) را برشته تحریر درآورد. و پس از آن دانشمندان سوئدی و فرانسوی و انگلیسی نظریه‌های جدیدی در علم اقتصاد ابراز داشتند

و عرضه کردند قسمتی از این نظریه‌ها درباره ترمیم نقاط ضعف نظریه کینز است در این نظریه‌ها سعی شده است که جنبه عمومیت و جامعیت نظریه تا حدود امکان رعایت شود. در حقیقت نظریه‌های اقتصادی پس از انتشار کتاب نظریه عمومی کینز ابتدا در سوئد تحول یافت زیرا این کشور از غوغای جنگ تا حدودی دور بود و افکار دانشمندان در بررسی مسائل در آن کشور متورک نشده و در نتیجه مکتب سوئدی که بوجود آمد امروزه یکی از مکاتب علمی پرارزش علم اقتصاد بشمار میرود.

حال باید در نظر داشت که تحول اقتصادی در قرن بیستم فقط از نظر تحول ساختار و اصول فکری جدید نیست بلکه از نظر ترکیب اصول علمی نیز نظریه‌های اقتصادی قرن بیستم بر اساس اصول جدیدی که در روش تحقیق مسائل اقتصادی بکار میرود استوار است.

تحقیق در نظریه‌های جدید: روش تحقیق که در زبان فرانسوی به «متدولوژی» مصطلح است، و مسائل تحقیقات علمی را در اختیار محققان علم و دانش قرار میدهد، زیرا در تحقیقات علمی انتخاب روش علمی که به دهنای طریق منطقی استدلال بمنظور نیل بحقایق و واقعیات است، اهمیت فوق‌العاده دارد.

قرن بیستم همانطور که اشاره شد، قرن تحول نظریه‌های اقتصادی است ولی در این قرن روش تحقیق نیز بنوبه در علم اقتصاد تحولات اساسی مواجه شده است که عبارتند از روش میکرو اقتصادی، ماکرو اقتصادی، روش ریاضی در علم اقتصاد، روش استاتیک، سیستماتیک، دینامیک و روشهای استقرار و قیاس.

میکرو اقتصادی و ماکرو اقتصادی بطور خلاصه: میکرو اقتصادی عبارتست از روش بررسی در حدود فعالیت یک واحد اقتصادی. از نظر مصرف یک واحد اقتصادی یک فرد مصرف کننده است، از نظر تولید یک واحد اقتصادی یک موسسه تولید کننده است، از نظر پس انداز یا سرمایه گذار مورد بررسی قرار میگیرد. تصمیمات ناشی از یک واحد اقتصادی تصمیمات فردیست که در تئوریهای جدید بازاده فردی موسوم است

ماکرو اقتصادی - روش بررسی در حدود فعالیت مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی است این مجموعه ممکن است در حدود رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و بازرگانی مورد بررسی قرار گیرد، یا ممکن است مجموعه اقتصادی از طریق جمع‌بندی واحدهای اقتصادی در چهار چوب اقتصاد ملی جامعه مورد تحقیق واقع شود. در این صورت بررسی مصرف، تولید، پس انداز، سرمایه گذاری

و درآمد بترتیب بصورت مصرف کل، تولید کل، پس انداز کل سرمایه گذاری کل و درآمد کل آن شعبه اقتصادی مورد بررسی واقع میشود. از نظر روش شناسی، ماکرو اقتصادی روش بررسی اقتصاد کلی و جمعیست. در مقابل روش ماکرو اقتصادی روش میکرو اقتصادی عنوان میشود که بمفهوم روش بررسی از طریق یک واحد یا یک ذره اقتصادی است.

روش ماکرو اقتصادی برای اول بار توسط کینز مورد استفاده قرار گرفت. سپس دانشمندان اقتصاد جدید روش کینز را در تحقیقات اقتصادی مورد استفاده قرار دادند. روشی که قبل از کینز در مورد تحقیقات اقتصادی مورد استفاده واقع میشد روش میکرو اقتصادی بود که در کلیه تحقیقات اقتصادی در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم پایه و اساس استدلال بوده است چنانکه در سال ۱۹۰۰ مکاتب نئوکلاسیک خصوصاً مارژنالیست‌ها از جمله آلفرد مارشال استاد کینز روش میکرو اقتصادی را مورد استفاده قرار میدادند. البته امروزه روش ماکرو - اقتصادی مورد تردید بعضی از دانشمندان است. مثلاً فرانسوا پرو معتقد است که از نسبت دادن متغیرهای اقتصادی که بطور جمعی حساب شده‌اند نتایج واقعی بدست نمی‌آید. فرانسوا پرو حتی برای اثبات ادعای خود علیه کینز و نظریه او گروهیهای مختلف تحقیق رامامور کرده است که در بعضی کشورها که بعنوان نمونه انتخاب شده‌اند و میتوانند شاخص تحقیق قرار گیرند بررسی نمایند.

روش ریاضی در علم اقتصاد - ریاضیات از همان پیدایش برای حل مسائل اجتماعی بوجود آمده است چنانکه فیثاغورث فیلسوف و ریاضی دان یونانی در شش قرن قبل از میلاد مسیح هدف خویش را در مطالعات ریاضی بیشتر از نظر حل مسائل مربوط به روابط افراد با افراد و روابط افراد با اشیاء قرار داده بود و از این نظر چنانکه از مطالعات این دانشمندان استنباط میشود فیثاغورث بهمان اندازه که ریاضی دان بود بهمان اندازه نیز فیلسوف معرفی شده است. در واقع در یونان باستان ریاضیات فقط از نظر حل مسائل اجتماعی بود، چنانکه افلاطون قنن کرده بود کسانی را که فاقد اطلاعات ریاضی و هندسه‌اند در آکادمی فلسفه او راه ندهند، بدین معنی که شروط ورود به آکادمی افلاطون دانستن ریاضیات بود.

در دنیای باستان در مصر قدیم، در بابل در هند، و چین نیز ریاضیات به همین منظور تعقیب شده است حال چه شده است که در علوم اجتماعی ریاضیات یکباره فراموش شده و لطفاً ورق بزنید

پس از ۲۵ قرن دومرتبه بحالت اول رجعت کرده‌ایم و می‌خواهیم در روش تحقیق در علم اقتصاد که از علوم اجتماعیست ریاضیات را وارد کنیم جواب این مسئله را باید در روش تحقیق دانشمندان جستجو کرد ولی نباید از نظر دور داشت ریاضی گرچه حقایق را روشن می‌سازد ولی متأسفانه باید گفت همانطور نیز حقایق را می‌کند و می‌گذارد زیرا ریاضی که در علم فیزیک زبان گویا و رسائی است متأسفانه در علم اقتصاد دانش ریاضی به آن اندازه گویا و رسا نیست و نمی‌تواند در این علم مکنونات زندگی اجتماعی بشروا بیان کند. ولی این گفتار دلیل طرد ریاضی از علم اقتصاد نیست، زیرا ریاضی که امروزه زبان گویای علوم مثبت است در تحقیق مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌تواند نقش مهمی را به عهده گیرد. و دانشمندان اقتصاد معروفي نظیر والراس، بوم‌باورک، آلفرد مارشال، پارتو و کورنو نظریات اقتصادی خویش را از طریق ریاضی بیان داشتند و علیرغم مخالفت هائی که بین مکتب ریاضی و مکاتب دیگر وجود داشت توانستند نظریات خویش را تا حدود زیادی بشبوت برسانند. بالاخره عده‌ای از دانشمندان عقیده باین دارند که با دانش ریاضی باید مسائل اقتصادی را بیان داشت و حل کرد و عده‌ای دیگر را عقیده بر این است که در دنیای امروز مسائل اقتصادی بقدری پیچیده و مفصل است که از طریق هر یک از روشهای ریاضی و جامعه شناسی به تنهایی نمیتوان کلیه مسائل اقتصادی را در نظرهای کامل و جامع مورد بررسی قرار داد. از این نظر می‌توان ادعا کرد که باروشهای مختلف بهتر میتوان بحل مسائل اقتصادی نائل آمد.

چنانکه مورس‌اله در مرحله اقتصادی معاصر مینویسد که يك دهاتی ساده عقب افتاده بیان خود را با کلماتی معنود مفهوم میکند بطوریکه شاید کلمات مورد استفاده او در سخن از ۵۰۰ کلمه تجاوز نکند. در سخنوری يك شهری ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کلمه بکار میرد، در اینصورت همانطوریکه مجموعه کلمات و الفاظ يك شهری بیان او را فصیحتر میکند همانطور نیز در علم اقتصاد با ازار بهتر بطور کاملتری میتوان مسائل اقتصادی را مورد تحقیق و بررسی قرار داد.

درواقع این حقیقتیست غیر قابل انکار که اقتصاد قرن بیستم بصورت اقتصاد برنامه‌ای در اغلب کشورهای اعم از کشورهای سوسیالیست یا سرمایه داری تجلی کرده است و در اقتصاد برنامه‌ای ارتباط ارقام که نماینده تغییرات مقداری عوامل اقتصادیست در زمان حکومت دارد و در ارتباط ارقام وسیله منحصر بفرد دانش ریاضی است لذا نمیتوان از روش

ریاضی در حل مسائل اقتصادی بی‌بهره ماند، هرچند که در ماهیت ارقام روان انسان و ترکیب های اجتماعی دخالت داده شده است، ازین نظر با جامعه شناسی باید نقاط ضعف روش ریاضی را ترمیم کرد.

روش استاتیک، سینماتیک و دینامیک - واژه های استاتیک و سینماتیک و دینامیک واژه های خارجی است که متأسفانه بواژه های معادل فارسی آن اطمینان کلی نمیتوان کرد، مثلاً بجای استاتیک در بعضی کتب معنی سکون بجای استاتیک و بجای دینامیک تحرک بکار گرفته که این معانی بهیچوجه نمی‌توانند مفاهیم واقعی استاتیک و دینامیک را بیان کنند.

در اقتصاد امروز در تشکیل نظریه های اقتصادی روش دینامیک مورد استفاده دانشمندان علم اقتصاد است، در صورتیکه در تئوری کلاسیک در تشکیل نظریه روش استاتیک اغلب معمول بوده است.

البته نباید مثل ژان مورس کلاک دانشمند آمریکائی نظریه استاتیک را خالی از حقیقت واقعیت ایده آلیست و بعکس نظریه دینامیک را نظریه‌ای حقیقی و واقعی و رئالیست دانست. چنانکه در این مورد پروفیسور ساموئلسون دانشمند آمریکائی با تمسخر این عقیده وارد کرده است و در کتاب (اصول تجزیه و تحلیل اقتصادی) مینویسد که واژه استاتیک مترادف با بدو واژه دینامیک مترادف با خوب نیست.

چنانکه ملاحظه میشود این انتقاد میرساند که بیان مفهوم حقیقی واژه های استاتیک و دینامیک آسان نیست، زیرا واژه های فوق در نظریه دانشمندان علم اقتصاد بوجه مختلفی بیان شده است بطوریکه تعاریف مختلف گاه با ضد و نقیض مواجه است و زمانی از تعاریف معانی واقعی استنباط نمی‌گردد. بعضی از دانشمندان در بیان استاتیک و دینامیک فقط بحال زمان متوسل میشوند مثلاً پروفیسور هیکس در کتاب ارزش و سرمایه مینویسد که استاتیک نظریه‌ای است که در آن عامل زمان دخالت داده نشود. در دینامیک در بیان نظریه زمان در نظر گرفته میشود بدین معنی که زمان هر عاملی معلوم است و عوامل از نظر زمان طبقه بندی میشوند. بطور خلاصه دینامیک یعنی بررسی ایده های اقتصادی یا عوامل اقتصادی بشرطیکه زمان هم در آن بکار رفته باشد ولی در استاتیک زمان دخالتی ندارد سینماتیک یا استاتیک دوره‌ای متایسه دو پدیده اقتصادیست در زمانهای مختلف.

قیاس و استقراء - قیاس عبارتست از حکم دادن از اعم بخاص است. یعنی وقتی که وضع اقتصادی يك کشوری در وضع بحرانی قرار گرفت نتیجه گرفته میشود که رشته

های مختلف اقتصادی بهر کدام تنهایی نیز در حال رکود و بحران است.

استقراء عبارتست از حکم دادن از خاص بعام ولی در اقتصاد امروز از هیچیک قیاس و استقراء استفاده نمیشود بلکه ابتدا حقایق را بررسی کرده و بر اساس آن تئوری جدید ساخته میشود. مانند ضریب سرمایه‌گذاری. درواقع اگر نظریه اقتصادی را عبارت از مجموعه‌ای از روابط علمی از حقایق اقتصادی موجود بدانیم که از طریق استدلال با یکدیگر مرتبط میگردد در اینصورت نمی‌توان با روش قیاس چنانکه معمول دانشمندان کلاسیک بوده است مجموعه‌ای از اصول علمی را که ساخته و پرداخته ذهنند بر حقایق اقتصادی بصورت حکم جاری سازیم. همانطوریکه نمیتوان از طریق استقراء حقایق موجود را جمع‌آوری و از شناسائی حقایق بدون توسل بقیاس نظریه‌ای ساخت بلکه در روش علمای قرن بیستم ابتدا حقایق را بررسی و سپس بر اساس حقایق مکشوف نظریه‌ای را بوجود آورد. یعنی در روش امروز در مرحله در نظر گرفته میشود مثلاً وقتی می‌خواهیم نظریه ضریب سرمایه گذاری را بوجود آوریم ابتدا درآمد افراد را در یک کشور آمار گیری میکنیم و با احتساب درآمد دولت و حذف احتساب مضاعف درآمد ملی را اندازه گیری مینماییم. سپس سرمایه‌گذاری افراد و دولت را با توسل به آمار رقم به رقم تهیه میکنیم و پس از حذف احتساب مضاعف سرمایه گذاری ملی را حساب میکنیم.

در این مرحله عمل استقراء صورت گرفته است ولی حکم و نظریه‌ای جاری نمیشود زیرا مجموعه ارقامی که بصورت ارقام سرمایه گذاری ملی و ارقام درآمد ملی در اختیار ماست درواقع تصویری از حقایق اقتصادی موجود است و بهیچوجه ارزش تئوری و نظریه را ندارد.

ترکیب روشهای علمی در نظریه های جدید اقتصادی - نظریه در علم اقتصاد بمعنای کشف رابطه بین عوامل مختلف اقتصادیست. طرح نظریه ممکن است بمنظور ایجاد رابطه بین عوامل اقتصادی در حدود میکرو اقتصادی باشد در اینصورت نظریه میکرو - اقتصادیست یعنی نظریه فقط روابط بین ذرات اقتصادی را تعیین می‌سازد. طرح نظریه گاه بمنظور ایجاد رابطه بین عوامل اقتصادی در حدود ماکرو اقتصادی است، یعنی در نظریه روابط عواملی که مربوط باقتصاد کلی و جدیست تعیین میگردد. حال با توجه بنقش روشهای تحقیق در بیان نظریه به تعریف اجمالی معیارهای اقتصادی جهت تشکیل

نظریه میپردازیم. معیار های اندازه گیری در چهار چوب محاسبه درآمد ملی تعیین میشوند از این نظر مطالعه تعادل اقتصادی ضمن بررسی درآمد ملی و مآخذ تشکیل دهنده آن صورت میگیرد که عبارتند از درآمد ملی، ساختمان و ماهیت درآمد ملی، درآمد ملی و تعادل اقتصادی که این خلدون دانشمند اسلامی در قرن هفتم هجری یعنی چهارصد سال قبل از آدام اسمیت مسئله تعادل اقتصادی که عبارت است از تقسیم کار و تخصص حرفه هارادر جامعه مورد بررسی قرار داده و حتی در این خصوص میتوان ادعا کرد که تئوری این خلدون از چپتی بر تئوری آدام اسمیت رجحان دارد.

دوران کلاسیک - دانشمند فرانسوی

کلمان ژوکلاز اولین کسیست که بتحولات دورانی در سال ۱۸۶۰ پی برد بدین معنی که این دانشمند در مطالعات خود مشاهده کرد که حرکات اقتصادی ابتداء در مسیر خود ترقی کرده حلاکثر صعودی را طی میکند. سپس حرکات مسیر نزولی را انتخاب کرده و تنزل می یابند. مشارالیه در مطالعات خود محاسبه کرد که نقاط صعودی و نزولی حرکات در فواصل زمانی معینی پیوسته تکرار میگردند در کتاب این دانشمند که تحت عنوان (بحران های تجارتی و تکرار زمانی آنها) در سال ۱۸۶۰ انتشار یافت این مسائل بطور دقیق بررسی شده است.

از کسانیکه برای اقتصاد تئوری قابل توجهی بیان کرده نیز میتوان از پروفیسور مازوئن نام برد که در کتاب (تئوری اقتصادی

مالیه عمومی) تحول نوسانات مالی دولت را به بهترین وجهی بیان کرده است در واقع این دانشمند از سال ۱۹۲۲ الی ۱۹۳۸ که اقتصاد بلژیک دچار تحولات شدید حاصل از اوضاع و احوال اقتصادی بوده دخل و خرج دولت را در این کشور مورد بررسی قرار میدهد و در نموداری عدم توازن مثبت و عدم توازن منفی بودجه عادی دولت را از نظر اوضاع و احوال اقتصادی ترسیم میکند.

همچنین میتوان از ژان ژاک روسو، ولتر و منتسکیو نام برد مطالبی درباره تعادل مالی و تئوری کلاسیک بیان داشته اند و برای دخل و خرج و اقتصاد عمومی نظریه های قابل قبولی بیان داشته اند.

پایان

مرزهای شباهت

مانده از صفحه ۶۲

شد. در آن شب در شمال اردوگاه سه هزار تن از سربازان گارد جاوید. داریوش کشته شد و حتی یکی از آنها زنده نماند از سربازانی که از قسمت جنوب اردوگاه می- جنگیدند عده ای بقتل رسیدند

فرمانده اردوگاه ایرانیان که شبیخون سواران سیت را ناشی از بیفکری خود میدانست چنان متأثر گردید که در صدد خودکشی برآمد و شمشیر تیز و دو دم خود را در سینه فرو برد بطوریکه تیغه شمشیر از پشتش بدرآمد.

وقتی بداریوش اطلاع دادند که

فرمانده اردوگاه خودکشی کرد گفت خود او خودش را مجازات کرد و گرنه دستور کشتن او را صادر میکردم زیرا سهل انگاری فرمانده اردوگاه در آن شب سبب شد که ایرانیان غافلگیر شوند.

مدرک - سرزمین جاویدان

ترجمه منصوری

راهنما های شناور

بزودی در حدود چهارصد و پنجاه راهنمای شناور در همه دریاهای جهان بکار خواهند افتاد. راهنماهای نامبرده عبارت از ایستگاههای اندازه گیری خودکار با امکانات مخابراتی خودکار هستند و تجزیه آب دریا، اندازه گیری حرارت و فشار جریان آب و تحرك امواج و همچنین مقدار نمک و اکسیژن آب را تعیین خواهند کرد علاوه کمک موثری در تأمین امنیت راههای دریائی برای کشتی رانی تجارتی و پیشگونی هودر سطح وسیع خواهند بود.

از چندی پیش دوموسسه آلمانی راهنمای شناور نامبرده را تکمیل نموده اند که قابلیت غوص تا ۲۰۰ متر و لنگر اندازی تا عمق پنج هزار متر دارا شود. نتایج اندازه گیریها بوسیله سه ماهواره که در بلندی ۳۵۰۰ متری زمین دور میزنند، بمرکز تحقیقات علمی و مراکز هواشنجی و کشتیرانی مخابره خواهد شد.

راهنماهای شناور میتوانند دوتا چهار بار از اعماق دریا برای انجام مخابرات، بروی دریا بیایند. راهنمای مزبور دارای محفظه ای برای الکترونیک و تولید نیرو و ادوات ضروری برای بکار انداختن نیروی محرکه و تنظیم آن میباشد.

فرستنده مخابراتی و ادوات اندازه گیری بروی سطح راهنمای شناور نصب شده اند. نخستین راهنمای شناور که کارمند انسانی ندارد، بزودی در کرانه جزیره هلگولاند آزمایش خواهد شد.

یکی از دو موسسه نامبرده همچنین سرگرم تهیه طرحی برای ساختن يك بندر زیر دریائی است که قرار است برای سوپر کشتیهای بظرفیت

پانصد هزار تن ببالا در حوالی هلگولاند ساخته شود. چون سی و سه متر از بدنه کشتیها در آب است و عمق کرانه های دریای شمال کمتر از این میزان میباشد، ساختن يك بندر زیر دریائی اجتناب ناپذیر گردیده است.

عصر پیروزی ماشین بر بشر ؟

آیا عصر ما عصر پیروزی ماشین بر بشر است؟ برعکس بعقیده اولف پالمه بشر هرگز تا این حد بر محیط خود مسلط نبوده است. ولی ما مایبستی برای بشر بیشتر از ماشین آلات ارزش قائل شویم. فراهم ساختن آموزش و پرورش برای مردم بهترین سرمایه گذاری در نیروی کارگرمی است.

این کار هم سرمایه گزاریست و هم بهره برداری. عجب اینچنینست که آموزش و پرورش یکی از نیرومندترین عوامل بهم پیوستگی میان مردم فقیر و مردم غنی و میان سفید پوستان و سیاه پوستان شده است.

موقعی که در جامعه تبعیض و اختلافات طبقاتی وجود دارد نمیتوانیم از آموزشگاه های فرهنگی انتظار داشته باشیم که دموکراتیک باشند و برای برابری کوشش کنند. اگر دموکراسی را تدریجا در مدارس بوجود آوریم در سایر جاها مردم ناراضی خواهند شد که چرا در آنجا دموکراسی برقرار نیست. اگر مدارس به تربیت کودکان با استعداد بیشتر توجه کنند به اختلاف طبقاتی کمک کرده اند. ما میکوشیم به هر کودکی فرصت رشد بدهیم و به کودکان عقب افتاده مایبستی بیشتر کمک شود. جوانانی که در مدارس و منازل خود بحث کرده اند و تصمیم گرفته اند موقعی که سرکار میروند حاضر نیستند در يك سیستم استبدادی کار کنند. مردم میخواهند بدانند که حرف و نظر آنها برای سایرین اهدیت دارد.

مطبوعات جهان

درسالهای اخیر در طرز تلقی مردم نسبت به اقتدار خود تغییرات معلومی دیده میشود. کارگران خوب تعلیم دیده بیشتر در تصمیماتی که در زندگی آنها اثر میگذارد شرکت میکنند. عدم قبول اقتدار مطلق و انضباط سخت در چند سال گذشته زیاد شده است. تعداد زیادی از افراد نظامی اصرار میورزند که نوعی رهبری مقتدرانه تنها راه رسیدن به مقصود و مواجه شدن با موقعیتهای وخیم رزمی میباشد. آنها میگویند در هنگام رزم جایی برای تشکیل انجمن بحث و کنفرانس وجود ندارد معینا موفقیت در رزم، همانطوریکه در جاهای دیگر مرسوم است به ابراز شجاعت و احساسات میهن پرستی بیش از حد فرماندهان و افرادی که در عملیات رزمی نبرد میکنند بستگی دارد. رهبر بایستی بنحوی پشتیبانی و اعتماد افرادی را که او رهبری خواهد نمود قبل از صادر نمودن هر نوع دستور جلب نماید. شکی نیست که اگر باتخاذ تصمیمات غیر منطقی ادامه دهد، پشتیبانی و اعتمادی را که بدست آورده از بین خواهد برد و چنانچه دائماً دانش و تخصص فنی پرسنل زیر دست خود را نادیده بگیرد به توسعه عدم پشتیبانی و اعتماد افراد نسبت بخود کمک خواهد نمود. مذاکرات سیاسی جاری در کشورها بیشتر در اطراف «نیروی داوطلب» سیر میکند، امکان تشکیل يك نیروی داوطلب به میزان علاقه مندی نیروی انسانی آن بستگی دارد که پرسنل متخصص بخدمات نظامی علاقه مند باشند و حرفه سربازی را بعنوان شوق نهائی خود برگزینند. واکنش فوری عبارت است از کنار گذاشتن این موضوع بعنوان يك اقدام غیر ممکن، عبارت دیگر نباید اجرای این نظریه را طرحی اجرا نشدنی دانست. مردن، مجروح شدن، جدائی از خانواده و تشکیل گروههای مورد نیاز با انضباط جهت یگانهای نظامی از جمله اقداماتی است که وجود آنها غیر قابل انکار میباشد و باید همواره پایدار بماند زیرا جزء ضروریات رزم میباشد. نبرد ویتنام عاقبت پایان خواهد یافت. ولی این جنگ آزمایشی بود برای آنهایی که از خانواده های خود جدا شدند و شرکت در جنگ به آنها تحمیل گردید. باری ممکن است آشکار گردد که شرکت افرادیکه تصور میکردند رفتن آنها به این جنگ تحمیلی بوده غیر ضروری بوده است. ازسوی دیگر ممکن است ثابت شود که سخت گیری، انضباط شدید و شدت عمل يك اقدام غیر ضروری بوده و برای یگانهای نظامی شایسته نباشد. برای قبول و یا عدم پذیرش مأموریتها و کارهای نظامی دادن آزادی عمل بیشتر امکان پذیر میباشد. انعطاف پذیری بیشتر برای ورود به خدمات نظامی و خروج از آن در رده های مختلف عملی منطقی و عاقلانه است تعداد زیادی از شرکت های موفق بین رئیس و کارگران

عادی بدون سابقه کار قبلی در شرکت و یا کارخانه ها تفاوتی قائل نمیشوند این موضوع ممکن است يك عمل نامربوط تلقی شود، اما تساوی و آزادی عمل در زندگی شخصی بطور آشکار رمز جلب اشخاص به کار در شرکتها و کارخانه ها میباشد شاید در اینجا نیروی انسانی کافی و اشخاصیکه دوست دارند دیگران را عقب بزنند و یا خود اجازه میدهند توسط دیگران عقب رانده شده و نیروی داوطلب را براساس روش قدیم تشکیل دهند وجود نداشته باشد. توده های خوب تعلیم یافته همواره برتری خود را حفظ مینمایند. ممکن است مردم معدودی باشند که امکان انجام عمل اتفاقی را ازسوی یگانهای کارآمد نظامی انکار کنند، این قبیل مردم و بیشتر مؤسسات غیر نظامی ما که از يك روش انضباط رسمی استفاده نمیکند بایستی نظر دقیقی به ارتش اسرائیل بیندازند.

برای بهبود و فهم رهبری درك بعضی از اختلافات که در شیوه های رهبری ممکن است وجود داشته باشد اصول کار میباشد. عمده ترین تغییراتی که برای رهبر در جهان پیش می آید متغیر بودن مأموریت و مردم است. دکتر «رابرت بلاک» در کتاب مدیریت خود برای درك و فهم اختلافات موجود در شیوه رهبری اصولی را شرح میدهد. وی برای درك میزان متنوع و علاقه مندی رهبر نسبت به مأموریت محوله مقیاس ۱ تا ۹ را بکار برده است، و يك چنین مقیاس مشابهی را برای فهم درجه علاقه مندی رهبر نسبت به افراد یگان ابداع نموده است بنابراین يك رهبر ۹-۱ خیلی بمأموریت محوله علاقه مند است و نسبت به افرادش علاقه کمی دارد، يك رهبر ۹-۱ بسیار به افرادش علاقه و توجه دارد و نسبت به مأموریت محوله علاقه اش کم است این اختلاف علاقه رهبری در اصول رهبری نفوذ زیادی پیدا کرده است دکتر «رالف ستوگیل» با استفاده از شرایط رسیدگی و سبک بررسی نیز به آن اشاره میکند. چنین امتیازی در اصل بعنوان يك وسیله آموزش رهبری سودمند میباشد، ولی امکان دارد که ماورای اصل سادگی کار باشد.

حتی رهبری که مأموریت بوی واگذار شده و شدیداً بمأموریت خود علاقه مند میباشد کمی به شادی افراد زیر امر توجه مینماید بایستی بداند که اگر قرار است مأموریت بنحو مؤثر اجرا شود تحریک احساسات و توجه به شادی و آسایش افراد نه تنها ضروری است بلکه عامل موفقیت میباشد.

بنابراین اگر ما علاقه و توجه خود را معطوف به افراد بنمائیم و آنرا از مأموریت مجزا و منفک کنیم مأموریتی نخواهیم داشت پس باید این توجه و علاقه به هر دو موضوع معطوف گردد تا نتیجه مطلوب عاید شود.

رهبران بایستی آموزشی را فراگیرند که آنها رانسبت به نیازهای هر يك از پرسنلی که به ماموریت اوبستگی دارد حساس نماید ، بطوریکه آنها بتوانند انگیزه صحیح خود رانسبت به هر يك ازشخاص زیر امر اجراء نمایند تا بدینوسیله نه تنها شادی و آسایش آنها برآورده گردد بلکه فداکاری کامل آنها را نسبت به ماموریت یگان مربوطه تامین کنند .

موضوع دخالت واقتدار مطلق نیز در شیوه رهبری گنجانده میشود . در سالهای اخیر دخالت مدیریت مشترک در شکلهای متنوع بیش از پیش در صنعت معمولی شده است ، با توجه به رشد بنیه تکنولوژی و عدم امکان اینکه يك فرد همه چیز را بداند و تمام نکاتی را که برای اخذ تصمیمات خوب لازم است فرا گیرد ، میتوان اعتراف نمود که دخالت مذکور لااقل در عصر توسعه تکنولوژی بسیار ضروری میباشد . در حال حاضر حتی بعضی ارسازمانها توسط کمیسیونهای ویژه رهبری میشوند کمیسیون بجای يك فرد مسئول بالاترین منبع اقتدار و مسئولیت محسوب میشود .

طرز تلقی ارتش نسبت به دخالت هر نوع مدیریت مشترک اساساً منفی بوده است مفهومی قطعی در رهبری و مسئولیت پرسنلی از پذیرش مدیریت مشترک در ارتش و یا لااقل بطور شفاهی از پذیرش این قبیل عقاید جلوگیری نموده است .

معمداً رویه ستادی نظامی برای مرتب نمودن انواع مختلف تخصصهای فنی و خطمشی مربوط به هم آهنگ کردن طرحهایی که باید توسط فرمانده بمرحله اجراء گذارده شود ، ترتیب عوامل مکانیکی را فراهم نموده است ستاد هدایت کننده که در آن فرمانده اختیارات خود را در زمینه های مختلف به افسران اصلی که علاقمند به اجرای آنها میباشد واگذار میکند ، این نوع ستاد ها در ارتش خیلی عادی شده است نظریه اینست که « يك فرمانده میداند چگونه از اعضای ستاد خود بنحو بسیار مؤثری بهره برداری کند » این موضوع همیشه بعنوان نظریه تعارف آمیز فرض شده است . و باید گفت این طریقه دیگری از ادای کلمه مدیریت مشترک میباشد . یگانهای نظامی آتی بایستی قدرت مواجه شدن با دانش و اطلاعات وسیع و بیکران آینده را داشته باشند تا بتوانند وظایف خطیر خود را هم آهنگ با زمان انجام دهند . توسعه تکنولوژی ممکن است مجهز کردن يك رهبر را با افراد متخصص کافی بمنظور هدایت یگان تحت فرماندهی بطور مؤثر بدون تکیه به دانش دیگران غیر ممکن سازد . پیشرفت توانائی به منظور بدست آوردن و تعقیب نمودن اطلاعات بیشتر کار او را پیچیده خواهد نمود این مطلب میرساند که در

انتقال آموزش رهبری از يك عده محصور بغرد بسایرین باید اقدام نموده وبیشتر تاکید روی تکنیک وتوجه زیاد بعوامل انسانی باشد . البته این موضوع در ۴۰ سال گذشته به آرامی صورت گرفته و وسیله ای برای سرعت گرفتن و اخذ بعضی دانشهای جدید تر بوده است . تاکید جدید نباید منحصر آ صرف خوشحال نگاهداشتن افراد شود ، بلکه باید صرف این شود که چگونه از تخصصهای دیگران استفاده نمود و بجه طریق وسیله تشویق را فراهم کرد که بدین وسیله نسبت به آماجهای سازمان راغب شوند . یکی از قوانین اساسی فرماندهی تشخیص تخصصها و احساسات افراد و محدودیتهای مرئوسین و همچنین بکارگماردن صحیح و دادن شغل مناسب به آنها میباشد .

در حدود ۱۵ سال پیش ، یکی از امرا رامیشناسم که در گزارش بهره کار یکی از فرماندهان زیر امر خود چنین نوشت « این افسر خیلی از وقت خود را صرف مدیریت پرسنلی مینماید » این مطلب بنظر وی موهن بود ولی شاید این امیر ندانسته میگفت : « این افسر میداند گنجینه کجا مدفون است » دانشجو یا افسر جوان برای يك دوره رهبری آماده میشود وی در این دوران مواجه با موقعیتهای گیج کننده گوناگون خواهد شد ظاهراً ماموریتهای گوناگون مستلزم اتخاذ شیوه های متفاوت رهبری میباشد حتی بطورتضاعدی فرماندهان بالاتر در يك حوزه جدا مانند يك تیم رزمی به راههای مختلفی احتیاج خواهند داشت اگر خدمات ارتش قرار است مانند يك خط مشی که در آن يك جوان بعنوان فرمانده دسته آغاز بکار مینماید ادامه یابد و این فرمانده دسته جوان تا رده فرماندهی عالی پیشرفت کند ، آموزشهای اولیه او بایستی شامل بعضی نکات انعطاف پذیر در شیوه رهبری وی باشد و تجربیات آموزشی بعدی بایستی او را برای نیازمندی آتی وی در رده فرماندهی عالی مجهز کند .

سیستم آموزش مراکز تعلیماتی ما تقریباً برای این هدف طرح ریزی و در نظر گرفته شده است . همانطور که يك افسر مراحل پیشرفت آموزشی را از دانشجوئی ، دوره مقدماتی افسری رسته ای ، فرماندهی و ستاد و دانشگاه عالی فرماندهی را طی میکند ، درست وبموقع مجهز به دانشهای مورد نیاز فرماندهی میشود . بنا بر این تاکید و جدیت میشود که او را مجهز به آخرین اطلاعات و تکنولوژی عصر خود نمایند تا بتواند وسیعاً از آن بهره برداری نماید زیرا وی در مشاغل و ماموریتهای عالی به آنها نیازمند خواهد شد همچنین ما باید جدیدترین شیوه های رهبری و تازه ترین دانشهای تخصصی و حرفه ای را مخصوصاً موقعیت هایی را که او خود را خواهی نخواهی در آن خواهد یافت در اختیارش بگذاریم تا با جنک لطفاً ورق بزیند

افزار برنده ای آماده پذیرش نقش پر اهمیت رهبری گردد. ما نمیدانیم اینکار را چگونه بنحو بسیار خوبی انجام دهیم چون تحقیقات انجام شده هنوز تفاوت بین انواع شیوه های رهبری مورد نیاز را در رده های عالی فرماندهی بطور مناسبی تشخیص نداده است. مقایسه بهره تعلیمات مدیریت این تفاوتها را تعیین نموده است چنانکه در رده های آموزش «رهبری» احتمالاً اگر تفاوتها و وجود داشته آشکار گردیده است. این موضوع ما را به اصل مطلب هدایت میکند که عبارت است از نیازمندی پیشرفت کیفیت آموزش رهبری و هم آهنگ نمودن آن با تغییرات زمان، ما در حال حاضر از بعضی راههای تجربی اجدادی جلوتر هستیم. کما اینکه آنها از اسبها بیشتر از انسانها و حتی خودشان مراقبت مینمودند بمنظور شناخت این نیازمندی باید به رهبران نهائی امکان داده شود که حساسیت، طرز تلقی و انگیزه های مردم را درک کنند و به آنها توجه مبذول دارند.

ولی درعین حال ما باید مرحله دوم را که تا اندازه ای عملی میباشد بپذیریم ارتش روشهای آموزشی را بطرز باشکوهی توسعه داده است که اصول آنها عبارتند از «توضیح، اثبات، عمل» مجسم نمودن عمل طبق شرایط تخصصی کلید موفقیتهای آموزشی است. ما تصور میکنیم تعلیم تیراندازی با جنگ افزار بیک سرباز فقط از طریق توضیحات، دلائل بی معنی خواهد بود و هرگز برای او عملی نخواهد شد، بهمین دلیل است که ما از طریق آموزش رهبری اینکار را تکمیل میکنیم اگر بتوانیم روشهای آموزشی رهبری را که باعث میشود دانشجو در نقشهای شغلی قرار گیرد، و در آن نقش بایستی چیزیهای مورد نیاز رهبری را انجام دهد، بهبود دهیم کلیه نکات مبهم و بی معنی آشکار و مفهوم خواهد شد، و دانشجو خواهد آموخت هنگام روبرو شدن با مسائل واقعی چگونه آنها را انجام دهد. درمورد یاد نگرفتن شیوه های متنوع رهبری و بکار بردن سبک های متفاوت فرماندهی که مناسب موقعیت موجود باشد دلیل آشکاری وجود ندارد. حدود انعطاف پذیری خدمتی وی که ممکن است انجام دهد احتمالاً به استعداد ذاتی او مربوط خواهد بود. مردی که دارای استعداد ذاتی رهبری زیاد باشد میتواند شیوه های متعددی را برقرار کند که در نتیجه با قاطعیت کامل امور جاری خدمتی را انجام دهد. کسی که استعداد ذاتی کمتری داشته باشد ممکن است از این نظر در سطح پائین و محدودی قرار گیرد. و از این رو در دوران خدمت و مواقع مأموریت های حساس که بوی واگذار میشود در تنگنا قرار گیرد ولی هرکس که از طریق رده آموزش

رهبری بالا آمده باشد، با موفقیت کامل میداندهای کارهای معین را چگونه انجام دهد، چون در حقیقت او اینکارها را در مراحل مختلف آموزشی رهبری انجام داده است پیشگویی کردن آینده منتهای مراتب مخاطره آمیز است. تنها مطلبی که میتوان با اطمینان گفت آنست که کارها دیگر مانند گذشته نخواهد بود. سازمان، مأموریتها و فعالیت های خدمات نظامی توسط خط مشی ملی و تعهدات الزامی تعیین خواهد شد. تغییرات احتمالی در سازمان و ترکیبات آن بسیار زیاد میباشد ولی نشانه های قطعی و غیرقابل اشتباهی وجود دارد که حاکی از تغییر کار رهبری در آینده میباشد. سطح فرهنگ مردمی که افراد آن باید برای خدمت نظامی احضار گردند بطور مداوم رو بترقی و پیشرفت است و بهمان اندازه پیروی آنها از یک روش انضباطی محکم تنزل پیدا میکند. اساس دانشی که بایستی در عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرد عبارت است از رشد و پیشرفت بیش از حد معلومات هرکس.

روشهای انضباطی خشن دوران جنگ انقلاب در خدمات نظامی امروزی ما خیلی نامناسب بنظر خواهد رسید بهمین نسبت روشهای ۱۹۳۰ ما نیز نامناسب خواهد بود. پیشرفت رهبری نظامی مستلزم فرا گرفتن دانشهای متنوع بمنظور سلوک با منابع انسانی خیلی بیش از آنچه که در گذشته مرسوم بود میباشد. شناسائی محض، یا بوجود آوردن آگاهی پاسخگوی کافی برای نیازمندی ها نخواهد بود.

روشهای استوار جهت فرا گرفتن این تخصص ها از طریق تمرین تحت نظارت مربیان کارآزموده بایستی بهبود داده شود. بالاتر از همه فرماندهان عالی رتبه امروزی بایستی نظریات بسیار انعطاف پذیری نسبت به لزوم حفظ روشهای انضباطی قدیمی اتخاذ نموده و آنها را بازمان هم آهنگ نموده و توسعه دهند و همچنین یک محیط (اتمسفر) تحقیقاتی برای رسیدن به هدفها با توجه به تغییرات احتمالی ایجاد نمایند.

آموزشگاهها اکنون بایستی شدیداً فعال شوند و همراه با توسعه روشهای عملی داده شده در مورد موفقیت های رهبری در رده ای که آموزش داده میشود با شدت کار کنند. روش تحقیق از افسران ارشد و اخذ نظریات آنها درباره روشهایی که نتیجه آنها در حال حاضر و گذشته کافی بوده و خصوصیات اصلی آنها میتواند در آینده نافع باشد، بسیار کار خوبی است بهر حال، از قرار معلوم وضع فردا از هر لحاظ متفاوت خواهد بود.

اتخاذ تصمیم بر پایه دانش و خرد

از: سرهنگ ۲ ستاد هوشنگ آریابد

مقدمه

«بگذار که منطق و عقل سلیم پیش برود.»
در وضع فعلی دانش علمی و میزان تأثیری که این دانش در زندگی فرد و گروههای اجتماعی دارد، بی شبهه هرگونه مطالعه و تحقیق در زمینه سازمان اداری بایستی با این عبارت پایان پذیرد. جای تردید نیست که یک نوع تکنیک یا فن مشخص اداره کردن در حال تکامل است. در این زمان که گروه بندی های اجتماعی در نتیجه طرز تولید ماشینی بیش از پیش پیچیده و بغرنج تر میگردد، روشهاییکه صرفاً جنبه علمی دارد حاصلی نخواهد داشت.

وادر کردن عموم باینکه وجود و اعتبار فن و تکنیکی را پذیرند گاردشواری است. منطق و عقل سلیم غالباً برای پرده پوشی طرز کار معمول و یا اختفاء وسایلی که گروههای فرمانروا و طبقات حاکمه برای حفظ اقتدار خود بکار میبرند مورد استفاده قرار میگیرد.

تا زمانیکه در مورد سازمان اجتماعی دانش و معرفت دقیقی حاصل نشده است که با تسلط روزافزون انسان بر دنیای مادی، که ناشی از انقلاب صنعتی است، هم آهنگ باشد، چنان برمی آید که افراد همچنان از این تسلط بنادرستی استفاده خواهند کرد. در گاه جهد شود که در امور اجتماعی هم ببدان اندازه در مورد حل مشکلات اداری دقت نظر و منطق و روش علمی بکار گرفته

شود، میزان نادرستی کاربرد این تسلط کاهش خواهد یافت. (۱)

بهر حال، هرکس در مقام مدیریت به مشکلاتی برخورد میکند که ناچار است راه حلی برای رفع مشکل پیدا نماید و چون مشکلات متعدد و راه حل آنها نیز ممکن است بسیار باشد لذا در مرحله آخر مدیر مجبور به انتخاب یک راه حل میشود و باید تصمیم بگیرد. اگر اتخاذ تصمیم بدون مطالعه و مقدمات لازم، و فقط بر استنباط یا تجربه شخصی متکی باشد نتیجه آن تردیدآمیز خواهد بود. تصمیمی که براساس یک سلسله مقدمات و تکنیک ها گرفته شود منطقی و عقلانی بوده و نتیجه را بدین قابل توجهی موفقیت آمیز مینماید.

مدیر بعنوان تصمیم گیرنده

اتخاذ تصمیم در مدیریت چه سببی دارد؟ با قدری مسامحه میتوان «اتخاذ تصمیم» را با «اداره کردن» مترادف دانست. تصور ذهنی ما از تصمیم گیرنده چیست؟ آیا مرد متفکری است که گاهی از دریای تفکر بیرون آمده و دستوراتی بژر دستانش صادر میکند؟ آیا مرد بی خیالی است که با «شمیر یا خط کردن» راهی را انتخاب مینماید؟ آیا مرد مسئولی است که در هیئت مدیره یک دستگاه نشسته و

۱- ل. - فردرک. اریولد. اصول سازمان اداری.
ترجمه سیروس برهام، چاپخانه تهران مصور
۱۳۷۴ هـ ۱۳۸۸

دائماً بلی و خیر میگوید؟ یا مرد محترمی است که روی نامه ها خم شده و با قلش یک تکه کاغذ را خط خط میکند؟
تمام این تصورات دارای یک نکته مشترک و مهم است. در کلیه آنها، تصمیم گیرنده مردی است که در لحظه انتخاب قرار دارد و آماده است که در یکی از راههایی که در جلوی او وجود دارد، قدم گذارد. اما همگی این تصورات درازا و ابهام این راه و طرز شناختن و تجزیه و تحلیل آنرا ندیده میگیرند.

مراحل اخذ تصمیم

اخذ تصمیم سه مرحله اصلی دارد:
۱- پیدا کردن فرصت برای گرفتن یک تصمیم.
۲- یافتن راههای کار ممکن.
۳- انتخاب یکی از راههای کار.
هر یک از این سه فعالیت بطور متفاوت قسمتی از وقت مدیر را میگیرد. این معیارهای زمانی در هر موقع و در مورد هر مدیر کاملاً مختلف است ولی میتوان با مشاهدات اتفاقی تا حدودی قواعد کلی بدست آورد.

نخستین مرحله تصمیم گیری را یعنی پیدا کردن فرصت و محیط مناسبی که دارای شرایط لازم برای اخذ تصمیم باشد، فعالیت اطلاعاتی مینامیم. مرحله دوم که مستلزم ابداع، توسعه و تجزیه و تحلیل راههای کار ممکن میباشد، فعالیت طرح ریزی خوانده میشود. مرحله سوم یعنی انتخاب راه کار خاصی از میان راههای کار موجود را فعالیت انتخاب مینویسیم.

در زیر این مراحل سه گانه توضیح داده میشود:

د: سالهای اخیر بسیاری از سازمانها، حساب و سایر اطلاعات خود را طوری ترتیب دادند که بتوانند از کامپیوترهای الکترونیکی استفاده کنند. نخستین بار کامپیوتر در

لطفاً ورق بزنید



جلود سال ۱۹۵۰ وارد بازار شد و گسترش آن از ۱۹۵۵ آغاز گردید. پس از این که کلیه یوترها به یزان وسیعی برای محاسبات طراحی مورد استفاده قرار گرفتند رشته های بازرگانی از قبیل بیمه، حسابداری های بزرگ و بانکها که دارای حجم زیاد کارهای محاسباتی بودند بکار بردن آنها را بطور جدی مورد توجه قرار دادند. استفاده از این وسیله جدید تدریجا توام با پیشرفت مرحله اطلاعاتی و طرح ریزی اتفاق افتاد.

بطور کلی مرحله فعالیت اطلاعاتی قبل از مرحله طرح، و مرحله طرح پیش از مرحله انتخاب قرار دارد در واقع سیکل مراحل اخذ تصمیم بهراتب از این توالی که ذکر شد پیچیده تر است. حتی هر مرحله از یک تصمیم بخصوص، بخودی خود جریان پیچیده ایست. مثلا مرحله طرح ممکن است فعالیت های تازه اطلاعاتی را ایجاد کند یا مسائل فرعی دیگری بوجود آورد که آنها نیز به نوبه خود دارای مراحل اطلاعاتی، طرح ریزی و انتخاب هستند.

پیشرفت مهارتها برای اخذ تصمیم

آشکارا، مدیریت عبارتست از اخذ تصمیم بمنظور رسیدن به یک نتیجه. و مهارت عمده برای هر مدیر مهارت او برای اخذ تصمیم است. معمولا این عقیده وجود دارد که بعضی اشخاص که قادر به خوب تصمیم گرفتن هستند ذاتا چنین بدنی آمده اند.

اما همانطور که بسیاری از استعداد های طبیعی برائی مهارست رشد پیدا میکند، بوسیله آموختن، تمرین و تجربه خصائل مربوط به کسب اطلاعات، طرح ریزی و انتخاب قابل توسعه میباشند.

مسئولیت مدیر برای اخذ تصمیم

وظیفه مدیر تنها آن نیست که خودش تصمیم بگیرد بلکه وظیفه دارد که سازمان زیر دست خود را وادار به اخذ تصمیم نماید. بسیاری از فعالیت های اخذ تصمیم که مسئولیتی متوجه مدیر میباشد، فعالیت شخصی او نیست بلکه فعالیت زیردستانش میباشد. (۱)

حل مشکل

کلمه «مشکل» یا «مسئله» از نظر اشخاص ۱- همان مآخذ، صفحات ۴ و ۵

مختلف مفاهیم متفاوت دارد. وقتی کنفرانس برای حل مشکلی دایر میشود و به نتیجه نمیرسد دلایلی دارد که میتوان بشرح زیر آنها را خلاصه کرد:

شرکت کنندگان در کنفرانس از کارای که باید انجام دهند تصور روشن و مشترکی ندارند و مفهوم آن مسئله را نمیدانند و راه منطقی برای رسیدن به نتیجه در پیش نمیگیرند و بیشتر به جزئیات توجه دارند. همچنین راهی برای انتخاب مسائل مهم و تمرکز فکر روی آن انتخاب نکرده تلاشهایشان سازمان نیافته و غیر موثر است. ضمن مباحثه به سرعت از نکته ای به نکته دیگر میپردازند بعلمت نشناختن مشکل و قضایای مربوط به آن، وقت و پول زیادی صرف میشود. بطور کلی حل هیچ مسئله ای بدون شناختن علل بوجود آمدن آن مقدور نیست. در هر مشکل منحصر یک علت واقعی وجود دارد که ممکن است شامل یک واقعه ساده یا ترکیبی از وقایع باشد. باید برای حل هر مسئله روابط علت را تمیز داد و با توجه به حساب احتمالات آنها را اندازه گرفت.

حل مسئله عبارت از جریانی است که از یک توالی منطقی پیروی مینماید. این جریان از این قرار میباشد:

- ۱- تشخیص مسئله.
- ۲- تجزیه و تحلیل برای یافتن علت
- ۳- اخذ نتیجه بصورت تصمیم.

هر مرحله مبتنی بر نظریاتی است. یک نظریه مقایسه بین آنچه «بایستی» باشد و آنچه که واقعا «هست» میباشد. نظریه دیگر شناختن «انحرافی» است که عدم موازنه بین «بایستی» و «هست» بوجود می آورد. وقتی علت پیدایش یک مسئله روشن گردد یعنی انحرافات که واقعا مسئله را بوجود آورده اند کشف گردد میتوان برای انتخاب بهترین راه کار احتمالی تصمیم گرفت.

هنگامی ارزش چنین نظریاتی برای حل مشکل زیاد میشود که مدیر حقیقتا آنها را درک نموده و کاربرد آنها را بداند. چنانکه شکل (۱) مراحل اخذ تصمیم را مجسم مینماید، حل مسائل عبارت از محدود و تنگ نمودن مجموعه اطلاعات در تمام مدت جستجوی راه حل است. در هر مرحله اطلاعات غیر لازم کنار گذاشته میشود تا به مهمترین آن ها

محدود شود، سپس به علل احتمالی قضیه و بالاخره به محتملترین علت میرسیم. تعیین این علت اقدام موثر و مشخص برای حل مسئله میباشد. شکل (۲)

مشکل یا مسئله از انحراف حاصل بین آنچه «بایستی» اتفاق افتاد و آنچه «واقعا» اتفاق افتاده بوجود می آید. دانستن این انحراف بمنظور رفع آن، قابل اهمیت است. یک تفسیر پیش بینی نشده بجای نتایج دلخواه نتایج خواسته نشده را بوجود می آورد. (۲)

تجزیه و تحلیل مشکل

اقدام به تجزیه و تحلیل يك مسئله به این حقیقت اساسی بستگی دارد که ماده اولیه برای مدیر «اطلاعات» است. این اطلاعات درباره محیط، سازمان و طرح های آن، و نیز راجع به طرز کار قسمتی از سازمان که عهده دار اجرای آن طرحها میباشد و همچنین درباره مردم و اشیاء و سایر شرایط میباشد. مدیر باید راه استفاده از اطلاعات موجودو بدست آوردن اطلاعات تازه را بداند.

بمنظور بکار بردن يك روش منطقی تجزیه و تحلیل، مدیر باید بین تجزیه و تحلیل مسئله و اخذ تصمیم تمیز قائل شود و نیز باید در هر مرحله نظریاتی را ملاک عدل قرار دهد. مثلا دقت نظریه ای را که قبلا ذکر شده بشرح زیر مورد توجه قرار دهد:

نظریه اول آنکه هر مسئله، از انحراف کار های مورد انتظار از استاندارد معینی بوجود می آید. و نظریه دیگر آنکه بعضی تغییرات دلیل وجودی مسائل است.

دنبال کردن چنین نظریاتی مانند نقشه جغرافیائی است که نشان میدهد چه راهی را باید پیش گرفت و برای پیمودن آن چه کوششی لازم است. البته داشتن نظریه به تنهایی کافی نیست بلکه مدیر باید روش آگاهانه و منظمی برای طی مسیر خود انتخاب نماید.

این روش که بر نظریات مذکور مبتنی است به مدیر نشان میدهد «چه» باید بکند و «چه» وقت، باید انجام دهد و «چه اطلاعاتی» را باید مورد استفاده قرار دهد و «چطور» آنها را بکار برد. داشتن نظریات مربوط به تجزیه و

2 - Charles Kepner, Tregoe
The Rational Manager (MC
Graw Hill Book Company, New
York).

تحلیل واتخاذ روش سیستماتیک نتایج مهم زیر را بدست مدیر میدهد :

۱- در هر لحظه میدانند در کجای مسیر خود هست .

۲- بعلاّ آگاهی از جریان کار، چهارچوبی بعنوان راهنما برای استفاده از اطلاعات در اختیار خواهد داشت . با حصول این نتایج، مدیر میتواند خطاهای خود را تشخیص دهد و اقدامات خویش را تصحیح نماید.

بیشتر نویسندگان هفت مرحله برای تجزیه و تحلیل مسئله ، وهفت مرحله برای اخذ تصمیم قائل شده اند .

هفت مرحله تجزیه و تحلیل مسئله

۱- کسی که مسئله ای را تجزیه و تحلیل میکند «استاندارد» معینی در نظر دارد. این استاندارد چیزی است که بنظر او «بایستی» بوجود آید. کاری که واقعا انجام شده با این استاندارد قابل سنجش میباشد .

۲- باین ترتیب ، هر مسئله عبارتست از مقداری انحراف از استاندارد مذکور .

۳- این انحراف از استاندارد باید دقیقاً تشخیص و تعیین و توصیف گردد .

۴- همیشه بین چیزیکه تحت تاثیر علتی قرار دارد و چیزیکه تحت تاثیر آن علت قرار ندارد وجه تمایزی موجود است .

۵- علت پیدایش يك مسئله همیشه عبارتست از تغییراتی که در بعضی ترکیبها یا مکانیسم ها یا شرایط ، بوقوع پیوسته و آثار تازه و ناخواسته ای پدید آورده است.

۶- علت یا علل هر انحرافی از تغییرات خاصی ناشی میشود .

۷- محتملترین علت انحراف، علتی است که بطور دقیق و صریح کلیه حقایق وابسته به مسئله را بیان کند. شکل (۳) هفتمرحله بالا را روشن میکند. (۱)

از کجا باید شروع کرد ؟

باتوجه به تعریف مسئله بعنوان انحراف از استاندارد، برای مدیر در هر مورد استاندارد وجود دارد . استاندارد یعنی «بایستی» معمولاً باهر عملی که طرح آن تهیه شده مرتبط است.

بنابراین مدیر باید درباره میزان ونوع اعمالی که انتظار دارد آگاهی داشته باشد . امر فاقد چنین آگاهی باشد ذهن او درباره مسئله روشن نخواهد بود.

هنگام تجزیه و تحلیل مسئله مدیر باید از رابطه میان «بایستی» و «هدف» آگاه باشد لطفاً ورق بزنید

۱- همان ماخذ، فصل ۳

وضعیت

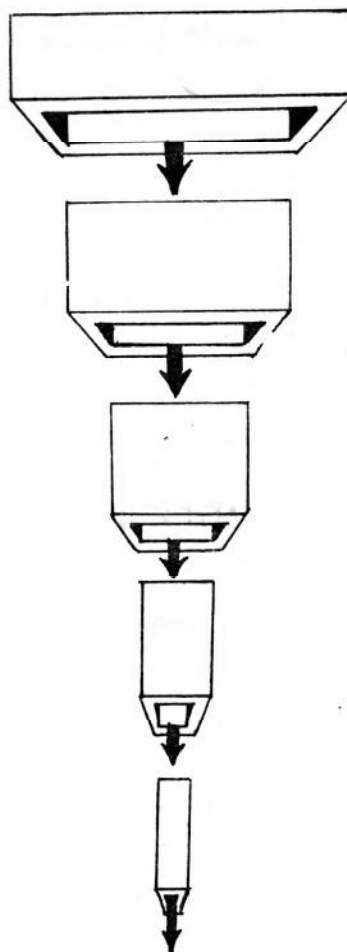
مسائل

مسئله دارای حق تقدم

علل ممکن

محتمل ترین علت

عمل دقیق



شکل ۱

تغییرات پیش بینی نشده

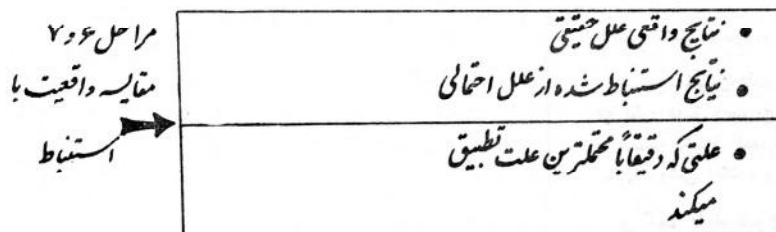
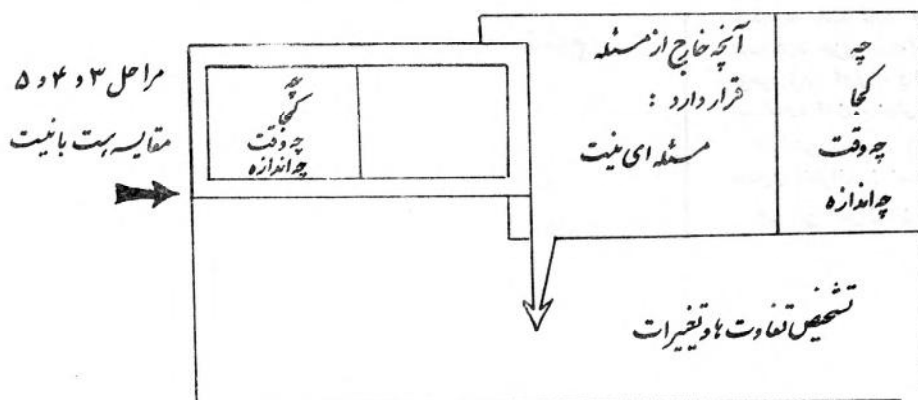
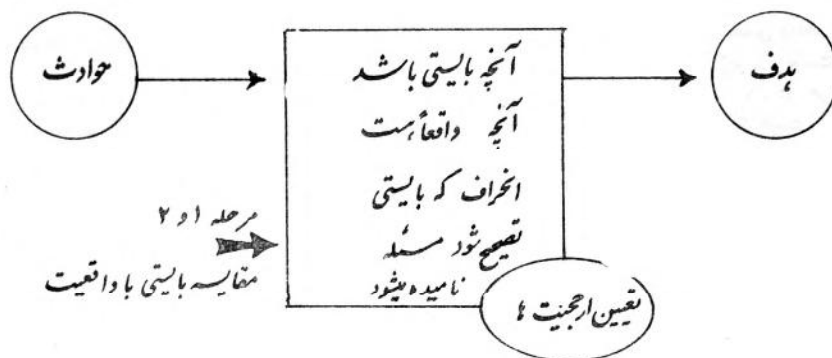


آنچه بایستی اتفاق می افتاد

مشکل = انحراف

آنچه واقعا اتفاق افتاده

شکل (۲) جریان وقایع و چگونگی پیدایش مشکل را نشان میدهد .



شکل ۳

نادرستی را کشف و تصحیح کند. این دوش شرط غالباً بهم مربوطند.

تجزیه و تحلیل مسئله از منابع اطلاعاتی درباره استاندارد های انتخاب شده و کار های واقعی مورد نظر مدیر آغاز میگردد. قدم بعدی مربوط است به آنچه به نادرستی انجام گرفته است و آنچه که بایستی انجام شود.

چون نمیتوان در عین حال مسائل متعددی را مورد بررسی قرارداد، مدیر باید سیستمی بقیه در صفحه ۸۳

نامطلوب تلقی میشود. معمولاً انحرافات تاحدودی مجاز شناخته میشوند زیرا در هیچ فعالیتی کار های انجام شده ثابت نیستند. بنابراین هر انحرافی که خارج از این حدود باشد بصورت مسئله جلوه گر میشود و باید علت آنرا یافت و تصحیح نمود.

از اینرو، پیش از طبقه بندی انحرافات باید دوش شرط وجود داشته باشد: نخست آنکه مدیر باید وجود يك انحراف نامطلوب را تشخیص دهد. دوم آنکه مدیر «بخواهد» علت

تأثیرات اعمال خود را با این استاندارد بسنجد آنچه «بایستی» بشود نتیجه ایست از تجربیات گذشته و انتظارات مدیر برای آینده. پس، مدیر «واقعیت» را با این «بایستی» مقایسه میکند تا اگر تفاوتی موجود باشد ظاهر شود. گاهی ممکن است وضع بهتر از آنچه مورد نظر است جریان داشته باشد در این صورت انحراف مثبت است یعنی اعمال جاری بالاتر از استاندارد میباشد. ولی معمولاً انحرافات منفی هستند یعنی در سطحی پایین تر از استاندارد قرار دارند و این حالت

مسئله تعادل قوا بین بلوک شرق و غرب

بحث ما در باره :

— پیدایش دومین قدرت آسمانی
و انفجار هسته‌ای «سین کیانگ»
— واشینگتن در برابر خطر
حملات اتمی که دول همجوار چین
را تهدید میکند .

— محاسبات مسیر پرتاب
موشک‌های قاره‌پیما در چین .

— اثرات سیاسی و نظامی انفجار
سین کیانگ و ارتباط مستقیم در
دامنه وسیع جنگ ویتنام .

— محاسبه تعادل قوا از نقطه
نظر هواپیماهای ضربتی اتمی
تاکتیکی و استراتژیکی .

— برنامه‌های وسیع دولت پکن
در ساخت سلاح هسته‌ای و
موشک‌های بالیستیکی حامل .

— مسئله اتمی نمودن توکیو و
دهلی نو و حمایت خارجی در
تشکیل نیروی ضربت اتمی
استراتژیکی .

— دیواره مستحکم دفاعی نیروی
ضربت اتمی اروپای باختری در
مقابل بلوک شرق .

پس از برگزاری نمایشگاه
بین‌المللی تکنولوژی و صنایع
فضائی در سال ۱۹۶۳ ، عوامنی
بوجود آمدند که سبب تغییرنسبت
قدرتهای شرق و غرب گردیدند .
باین ترتیب لزوم تعدیل سیاست
هواپیمائی نظامی برخی از کشورهای
جهان کاملاً محرز بنظر میرسد .

در همین هنگام تکنولوژی صنعت
هواپیمائی و فضائی بسرعت پیش
رفته و عوامل مثبتی را جهت اجرا
و ادامه برنامه‌های وسیع تسخیر
فضا در اختیار قدرتهای بزرگ قرار
میدهد . ولی بلوک شرق بطور ناگهانی
در ارزیابی این پیشرفتهای تکنولوژی
مسئله‌ای بوجود آورد . بعبارت
دیگر باید گفت که این عامل شوک
پیدایش یک قدرت بزرگ دیگر
بود ، و آنهم درآسیا . این نیروی
ظاهراً خفته که تعادل قوای شرق
و غرب را بیکباره دچار نگرانی
نمود ، با آزمایش انفجار اولین
بمب اتمی چین پدیدار و برای
قدرتهای بزرگ فوق‌العاده اهمیت
داشته و مسئله حساسی تلقی
گردید . زیرا در اینجا مسئله تنها
پرتاب یک موشک ساده نبود .

بزودی این نکته در ایالات متحده
امریکا و ژاپن مورد گفتگو قرار
گرفت و بعقیده آنها دانشمندان
چینی از همان آغاز آزمایشات اتمی
در آمریکا ، از تکنیک مدرن و کاملی
که عبارت میشد از بمباران هسته
اورانیوم تقویت شده ، استفاده
مینموده‌اند . و حال آنکه بموازات
تکامل برنامه اتمی چین ، دولتهای
شوروی ، انگلستان و فرانسه
هسته پلوتونیوم را بکار میبردند .

چین با آزمایش انفجار بمب
اتمی ، بهترین مقدمات را برای

ایجاد یک انبار عظیم تجهیزات اتمی
فراهم مینمود . باین ترتیب چین
میتوانست در فاصله زمانی بسیار
کمی با ایجاد کارخانه‌های وسیع
اتمی صنعت موشک‌سازی خود را
بپایه یک تقویت کلی برساند .

پیدایش دومین قدرت اتمی در
آسیا این نکته را مسلم نمود که
چین در توسعه علمی و صنعتی خود
قادر است مخارج سنگین و فعالیت
های عظیمی را بموازات آمریکا و
شوروی متحمل گشته و امکانات
و مقدرات یک دولت کاملاً توسعه
یافته را برای خود فراهم نماید .

اولین بمب اتمی آزمایشی چین
متعلق بکشوری میگردید که دول
بزرگ آنرا در جرگه کشور های
توسعه نیافته بشمار می‌آوردند .

بهرحال آزمایش هسته‌ای «سین-
کیانگ» (محلّی در چین که انفجار
اتمی در آن صورت گرفت) چه از
جنبه سیاسی و چه از نقطه نظر
نظامی مفهوم کامل خود را بجهان
نشان داد .

در این هنگام واشینگتن بمنظور
کاهش تأثیر سیاسی آزمایشات اتمی
چین و بی‌اهمیت نشان دادن آن
خاطر نشان میکند که پکن با اینکه
بخوبی ثابت نمود که قادر است
با شرایط فعلی خود اقدام بساختن

لطفاً ورق بزنید

تجهیزات اتمی نماید ، لیکن هنوز وسایل لازم برای حمل و پرتاب بمب اتمی به هدفهای احتمالی خود را ندارد .

البته در اینجا آمریکا گاملا حق دارد زیرا در مورد مسافت و برد موشک ها ، هنوز آمریکا تحت خطر مستقیم اتمی چین قرار نگرفته است ، ولی همین مطلب در سال ۱۹۵۰ در مورد خطر تهدید اتمی شوروی گفته میشد و حال آنکه امروزه تمام خاک ایالات متحده در تیررس موشکهای اتمی اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد. بعلاوه اگر آمریکا متوجه این خطر مستقیم نیست برعکس کشور های همجوار چین این خطر را کاملاً حس می نمایند . چه ، دول مذکور بجز اتحاد جماهیر شوروی مجهز به هیچ نوع وسیله اتمی برای تهدید متقابل نمیشدند ، ولذا چین قادر است در مواقع لزوم بدون ترس از يك حمله متقابل اتمی ، هرگونه التیما تومی برای انجام منظوره های سیاسی خود به دول همجوار بدهد. در واقع تهدید اتمی چین بمسافتی محدود میگردد که هواپیماهای نظامی این دولت در حال حاضر قادر به طی آن میباشند .

از طرف دیگر اتحاد جماهیر - شوروی قبلاً تعداد زیادی هواپیما از نوع «ایلو شین ۲۸» در اختیار دولت چین گذاشته که احتمالاً قادر خواهند بود در آینده بمبهای اتمی چین را در مسافتاتی کوتاه و با پرواز در ارتفاع کم (خارج از دید رادار) حمل نموده و از اصل غافل گیری دشمن بمفهوم واقعی استفاده نمایند . يك چنین نیروئی حتی با وجود مجهز نبودن به هواپیماهای سریعتر از صوت و حتی با استفاده از هواپیماهایی که طرح آنها مربوط به ۲۰ سال پیش میگردد قادر خواهد بود بمنزله يك

قدرت اتمی قابل توجه بشمار آید، و این موضوع با وجود قابلیت حمل محدود اتمی هواپیماهای نظامی فعلی چین اهمیت زیاد دارد .

قبلاً گفته شده بود که دولت پکن در حال حاضر با وجود اتمی نمودن تسلیحات خود هیچگونه پیش بینی برای امکان پرتاب موشکهای اتمی آینده خود بعمل نیاورده است و بنابر این نیروی تازه بدوران رسیده چین نه از لحاظ سیاسی و نه از جنبه نظامی نمیتواند بمنزله يك تهدید کلی محسوب شود . ولی باید متذکر شد که این موضوع با واقعیت کاملاً مبیانت دارد و حقیقت این است که چین مسئله محاسبات مسیر و حمل و پرتاب بمب اتمی را در مورد کلیه کشورهای مرزی خاک خود کاملاً حل کرده است .

انفجار اتمی سین کیانگ از لحاظ سیاسی نیز اثر عمیقی بوجود آورده است . این تأثیر سیاسی که بلافاصله دامنه وسیع جنگ ویتنام را گسترش داد ، دول همجوار چین را آگاه نمود که بایستی روشهای جدیدی در اعمال سیاست خارجی خود در پیش گیرند و متوجه این نکته باشند که نفوذ شوروی و ایالات متحده آمریکا در آسیای جنوب شرقی ناچار بایستی بانظرات سیاسی رهبران پکن هماهنگی کامل داشته باشد .

ولی جای هیچگونه انکار نیست که ایجاد تغییرات اساسی در سیاست دولتها سالیان دراز وقت لازم دارد و روی همین اصل قبل از اینکه نفوذ سیاسی چین در این کشورها دامنه بیشتری پیدانماید بهتر است اقدامات اساسی و متقابل از طرف دول ذینفع بعمل آید. جنگ ویتنام و مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین این کشور در شمال مدار ۱۷ درجه

این امکان را به چین داده که بعنوان پشتیبان دول کمونیست یا متعایل به کمونیسم آسیای جنوب شرقی جلوه نماید .

دولت پکن سالهاست که بخوبی واقف است که در وضعیت فعلی و شاید هم تا مدتی طولانی قادر نیست بموازات مسکو سرزمین ایالات متحده آمریکا را مورد تهدید خطر اتمی قرار دهد ، در واقع چین هنوز به وسیله پرتاب مؤثر یا هواپیما - های دور پرواز با قابلیت پرواز خارج از دید رادارها مجهز نیست. بهین ترتیب تعادل قوایی که اکنون دو سال است بین آمریکا و شوروی پدیدار گشته است باین زودیها بین آمریکا و چین بوجود نخواهد آمد البته این تعادل قوا بین مسکو و واشنگتن ناشی از موشکهای بالیستیکی است که در حال حاضر شوروی در اختیار دارد و بیاری آنها قادر است در سرزمین ایالات متحده آمریکا رخنه نماید. رهبران پکن بخوبی آگاهی دارند که جنگ اتمی هیچگونه وجه تشابهی با جنگ کلاسیک ندارد زیرا حالا دیگر تعداد اسلحه و کمیت مواد منفجره برتری مسلم کشوری نسبت بکشور دیگر محسوب نمیشود .

چین قطعاً متوجه شده بود که در واقعه کوبا شوروی تجهیزات هسته ای کافی برای دسترسی به سرزمین ایالات متحده آمریکا در اختیار نداشت و حال آنکه آمریکاهم در اروپا و هم در آسیا از کلیه وسایل حمل سلاح اتمی تاکتیکی و استراتژیکی برخوردار بود که بتوسط آنها بخوبی میتوانست به کلیه نقاط اتحاد جماهیر شوروی دست یابد . در اینجا برای چین جای حیرت و در عین حال شاید جای خوشحالی است که در این

زمان کم، شوروی موفق شده از لحاظ تجهیزات سلاح هسته‌ای سریعاً پیشرفت نماید تا جایی که عدم تعادل قوای بین شرق و غرب را برقرار کرده و بعنوان تنها رقیب ایالات متحده آمریکادر برابر این کشور خودنمایی کند.

محاسبه تعادل قوا

در اینجا مسئله تشکیل یک نیروی ضربت اتمی برای چین اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. دولت پکن از لحاظ تجهیزات سلاح هسته‌ای فعلاً به‌هیچوجه خود را قادر به برابری با قدرت آمریکا در آسیای جنوب شرقی نمی‌بیند. ولی چین برای رسیدن باین هدف حتی یک لحظه نیز بیکار نمی‌نشیند. این کشور از مدت‌ها پیش برنامه‌های وسیعی را در مورد ساختن هواپیماهای حامل بمب اتمی و موشکهای بالیستیکی آغاز نموده است. نظر چین از توسعه سریع برنامه‌های اتمی، برابری با ایالات متحده آمریکا نیست بلکه فقط می‌خواهد خود را مجهز به تعدادی موشک نماید که بتوسط آنها بتواند داخل سرحدات آمریکا را مورد تهدید قرار دهد و ایالات متحده را از تصمیمات استفاده احتمالی از سلاح هسته‌ای بر علیه چین بازدارد. زیرا بخوبی میدانیم تجهیزات اتمی ولو هر چقدر هم که ناچیز باشد باز میتواند بصورت یک نیروی وحشت آور حریف را مورد تهدید قرار دهد.

پکن بخوبی میداند که اگر از لحاظ قدرت سلاحهای نظامی صد برابر هم ضعیف تر از آمریکا باشد اقدام به تشکیل نیروی اتمی استراتژیکی نتایج رضایتبخشی برای او خواهد داشت. بعلاوه این تنها چین نیست که این قبیل تلاشها را انجام میدهد، بلکه توکیو

و دهلی‌نو نیز از موضوع تشکیل نیروی ضربت اتمی غافل نیستند. سیاست دول اخیر برای اینست که همان وضعی را برای رقبای خود فراهم نمایند که در صورت بروز یک جنگ اتمی در مورد خود آنها اعمال خواهد شد، بطوریکه هرگونه تصور استفاده از سلاح هسته‌ای را از افکار حریفان خود دور نمایند.

بدیهی است که هر دو این کشورها (یعنی ژاپن و هندوستان) تمایل فوق‌العاده‌ای دارند باینکه ایالات متحده آمریکا همان وضعی را برای آنها ایجاد نماید که در مورد اروپای باختری اعمال نموده است، بعبارت دیگر دو دولت مذکور از آمریکا می‌خواهند تا آنها را مجهز به سلاح هسته‌ای و وسایل لازم برای حمل و پرتاب آنها نماید. ولی آیا اتمی نمودن توکیو و دهلی‌نو مسئله و مشکل تازه‌ای را بوجود نخواهد آورد؟ در واقع این دو کشور برای دفاع از موجودیت خود چاره‌ای جز این ندارند که طرف مقابل را با همان اسلحه‌ای بوحشت بیندازند که در صورت بروز بحران تازه‌ای خودشان ناچار بتسلیم بتوسط آن هستند.

از هم اکنون میتوان پیش‌بینی نمود که در سالهای آینده تشکیل یک منبع پشتیبانی اتمی تنها وسیله اعمال قدرت نظامی دول مذکور بشمار میرود. ولی آنها بخوبی میدانند که برای تحمل هزینه تشکیل یک سازمان اتمی چاره‌ای جز تقاضای یک کمک مادی از طریق منابع خارجی ندارند و وقتی مسئله کمک خارجی مطرح میشود بایستی انتظار پیدایش مسئله حمایت متقابل را نیز داشت.

در اینجا بد نیست اشاره‌ای بیک مثال زنده در مورد اروپای غربی بنمائیم، زیرا در این قسمت از کره زمین کلیه محسنات و معایب حمایت خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. اگر دولت بریتانیای کبیر قسمتی از ارتش خود را در اطراف رودخانه رن مستقر نموده است تنها دلیلش اینست که مبادا روزی آلمان در مورد خرید تجهیزات نظامی خود، به صنایع انگلیسی پشت نماید. بهمین ترتیب اگر ایالات متحده آمریکا حمایت مستقیم خود را نسبت به آلمان فدرال نشان میدهد مشروط بر اینست که دولت اخیر وسایل و تجهیزات ارتشی خود را از آمریکا خریداری و برای ادامه مطالعات علمی، تحقیقات و کاوشهای نظامی از منبع دیگری بجز آمریکا استفاده ننمایند.

با وجود اینکه هنوز محدودیتهای زیاد و مسائل مشکلی در پیشرفت تکنیکی آلمان وجود دارد، معذالک صنعت و تجارت خارجی این کشور تحت حمایت مستقیم آمریکاباپای آن توسعه حیرت انگیزی نموده است.

با همه محسنات و معایبی که در اتمی نمودن اروپای باختری می‌توان ذکر نمود، نمیتوان این حسن بزرگ را نادیده گرفت که نیروی ضربت اتمی اروپای غربی دیواره دفاعی مستحکمی را در مقابل بلوک شرق و دول کمونیست بوجود آورده است.

بدیهی است در وضعیت فعلی، تشکیل یک پایگاه اتمی یک مسئله حیاتی امنیتی بشمار میرود و حالا که چین در توسعه تسلیحات هسته‌ای جلوه تازه‌ای نموده است چگونه بایستی طرح امنیتی در مقابله با آن را پیاده نمود؟

لطفاً ورق بزنید

باز برمیگردیم بمسئله انتخاب که در اینجا ایالات متحده آمریکا در کدام قسمت از آسیای جنوب شرقی بهتر است دیوار امنیت اتمی را بوجود آورد ، ژاپن یا دهلی نو ؟ کدامیک ؟ لازم بیادآوری نیست که علت اینکه یکی از این دو نقطه ممکن است برای تشکیل پایگاه اتمی آمریکا انتخاب شود اینست که دولتهای ذکر شده در حال حاضر در بهترین شرایط توسعه تکنیکی و صنعتی قرار گرفته و از حمایت آمریکا و بریتانیای کبیر برخوردارند. بطور قطع پیشرفت حیرت انگیز علمی و صنعت نظامی چین موجب گشته است تا امکان ایجاد دیواره امنیتی در ژاپن و یا دهلی نو یعنی دولی که بموازات توسعه صنعتی چین پیش میروند مورد بررسی قرار

گیرد با وجود این اتمی نمودن دو کشور مذکور خود مسئله بسیار دشوار و پیچیده ای را در سیاست امنیتی دول بزرگ بوجود می آورد. اعمال يك سیاست امنیتی مثبت در آسیای جنوب شرقی ایجاب مینمود که در وهله اول ، دولت هند نیروی دفاعی و ضربتی کلاسیک مجهزی را برای خود بوجود آورد . نیروئی که میبایستی تحت تقویت و پشتیبانی کامل متحدین این کشور قرار گیرد ، ولی متخصصین نظامی دولت هند بخوبی واقفند که سلاح کلاسیک در مقابل يك قدرت اتمی بهیچوجه ضربه قاطعی محسوب نمیگردد . ولی مسئله در اینجا است که دهلی نو که خودش سالها حامی خلع سلاح و پشتیبان کاهش دادن و انجام آزمایشات اتمی بوده و مسابقات

تسلیماتی را عامل مؤثر در عدم حفظ صلح و تهدید موجودیت دولتها دانسته است ، چگونه می تواند خواسته های دیرینه خود را بیکباره کنار گذاشته و اقدام به ساختن تجهیزات اتمی و وسایل حمل سلاح هسته ای نماید ؟ .

از طرف دیگر بمنظور اینکه بلوک کمونیست بموازات طرحهای سیاست امنیتی ایالات متحده و انگلستان بفکر تشکیل بیازمان اتمی در خاک متحدین خود نیفتند، دولت بریتانیای کبیر اعلان میکند که برای نشان دادن حسن نیت خود در مورد کاهش فعالیتهای تسلیحات هسته ای در صورت لزوم حاضر است پایگاه اتمی خود را در شرق کانال سوئز منحل نماید .

طرح ایجاد يك سیستم آذیر جهانی

هنوز هم پیش می آید که قطب نمای مغناطیسی هواپیماها و کشتیها مثلا در حوالی قطب شمال از کار می افتد و بعلمت پوشیدگی آسمان بهره برداری اژسارگان برای تعیین موقعیت وجهت یابی ممکن نمیشود. برای آنکه چنین کشتیها و هواپیماهایی دستخوش خطر نشوند، بخش علوم هوایی انستیتوی آلمانی ماکس پلانک عامل اطمینان سومی را در نظر گرفته و روی آن مشغول مطالعه و عدل است. این عامل اطمینان سوم برای جبات یابی، بهره برداری از اطلاعات ژئواستاتیک ماهواره های ویژه است. یکی از این ماهواره ها بنام «اتس-۳» هم اکنون در دیدگاه يك آنتن ماریچی مخصوص زیر نظر و مطالعه دانشمندان آلمانی قرار دارد. ماهواره نامبرده در ارتفاع سی و شش هزار کیلومتری در موقعیتی قرار میگیرد که سرعت هشت کیلومتری آن در ثانیه موازی با گردش زمین است. و باین وجود، تعیین موقعیت بوسیله امواج رادیویی کاملا دقیق نیست و مشکل در همین جاست. امواج رادیویی در حین طی طریق دچار انحرافات ناشی از آتمسفر میشوند این پاشیدگی و شکسته شدن امواج که بوسیله نود یاسایر عوامل بوجود می آید دارای تاثیر در تعیین موقعیت است .

اگر این انحرافات از راههای دویائی و هوائی ناچیز باشد، خطری نداشت. خواهد بود، زیرا مقررات بین المللی گرفتن فاصله های اطمینانی وسیعی را پیش بینی مینماید. اما در صورت انحرافات چند صدمتری یا چند صد کیلومتری ممکن است کشتی به صخره یا هواپیما با يك هواپیمای دیگر تصادم نماید . اکنون قرار بر این است که در شمال آلمان فدرال به مدت دو سال ماهواره «اتس-۳» مطالعه و کشف نمایند تا معلوم شود انحرافات امواجی نامبرده چگونه اثراتی را ببار می آورند. بر اساس این مطالعات ، ادوات جبات یابی اصلاح و تکمیل خواهند گردید. ضمنا دانشمندان انستیتوی ماکس-پلانک مشغول بررسی امکانات ایجاد يك سیستم آذیر جهانی هستند ، تا در مواردیکه آنتن ماریچی قادر به ضبط انحرافات بزرگ موقعیتی نباشد، بوسیله فرستنده های روی زمین هشدار لازم بسر اسر جهان مخابره شود. اغلب کشورها نسبت بطرح ایجاد سیستم جبات یابی ماهواره ای برای کشتیرانی و هواپیمائی، علاقه نشان میدهند. ولی برای پیشگیری از اشتباغات فاحش جبات یابی، ایجاد يك سیستم آذیر موثر، اجتناب ناپذیر خواهد بود .

مطبوعات جهان

مانده از صفحه ۷۸

برای برقراری ارجحیت مسائل نسبت بیکدیگر اتخاذ نموده تا با کمک آن بتواند تصمیم بگیرد که کدام انحراف باید نخست مطالعه شود. اینکار با مطالعه همه جانبه وضعیت و آگاهی بر آنچه واقعا اتفاق می افتد آغاز میگردد.

قدم بعدی عبارتست از مرور سریع تمام مسائلی که تشخیص داده و با آنها آشنائی دارد و حقایق و اطلاعاتی که درباره آنها در اختیار دارد. ممکن است يك انحراف ، ترکیبی از انحرافات کوچکتر باشد. در این صورت باید آنرا با جزاء خود تقسیم و هر يك را جداگانه تحت بررسی قرار داد. باین ترتیب حل مسئله سریعتر و روشن تر خواهد شد. برای تجزیه يك انحراف کلی و پیدا کردن راه حل نباید پرسید «مسئله چیست؟» بلکه باید پرسید «انحراف کدام است؟» باین ترتیب توجه به پیدا کردن اطلاعات دقیق تری معطوف میگردد.

گاهی بین علل سلسله مراتبی وجود دارد یعنی رشته ای از علت و معلول موجود است باین معنی که پس از یافتن علتی، خود آن معلول علت دیگری تشخیص داده میشود . تعیین رشته علل و معلول باید پس از تجزیه و تحلیل مسئله صورت گیرد نه پیش از آن.

وقتی که مدیر مطمئن گردد که مسئله را تشخیص داده است، آنگاه برای انتخاب انحرافات که باید روی آنها کار کند، آمادگی خواهد داشت. این انحرافات طبعاً بنظر او مهمترین انحرافات میباشند که باید آنها را بر حسب ارجحیت مرتب نماید. برای اینکار درباره هر کدام سه سؤال مطرح خواهد کرد :

سؤال اول: فوریت و اضطراری بودن انحرافات تا چه اندازه است ؟
سؤال دوم : تا چه حد انحراف جدی و سخت است ؟

سؤال سوم: سمت گرایش و توانائی رتد انحراف چگونه است ؟
ممکن است این سئوالات، پرسش های فرعی دیگری را ایجاد نماید.
هیچ ارجحیتی دائمی و تغییر ناپذیر

نمیشد. هر چه در مسائل و ارجحیت آنها بیشتر کاوش و دقت شود به اطلاعات تازه تر و برادرش تری میرسیم .

راه حل مسائل باید قابلیت انعطاف داشته باشد اما باید از تردید رای دوری جست. مدیر باید برای تغییر سمت آمادگی داشته باشد اما فقط موقعی از یک مسئله به مسئله دیگر روی می آورد که دلیل قانع کننده ای وجود داشته باشد .

بالاخره، مدیر باید همیشه برای خودش روشن کننده دادن ارجحیت بنظر خودش یا بنابه نظرتییس او خواهد بود. درایمورد باید بهدقت دستگاه و نظروسا نسبت بقضاوت خودش متکی باشد .

و قتی که مهمترین مسئله انتخاب شد آخرین پرسش پیش می آید: آیا علت مسئله معلوم است یا نه؟ اگر علت معلوم باشد، حقایق لازم برای تشخیص علت را در اختیار دارد و می تواند مسئله را تجزیه و تحلیل نموده راه مناسبی برای اتخاذ تصمیم و تصحیح مسئله خواهد یافت. (۱)

۱- همان مأخذ ، فصل ۴

نبرد علیه جنگ افزار های ضد تانک

مانده از صفحه ۲۰

تک به تک جلوی منطقه نبرد (لجمن) ، و در نبرد در عمق پدافند دشمن به انهدام و مسائل ضد تانک دشمن توجه مخصوص مبذول گردیده بود .

اجرای آتش از مواضع پوشیده و اجرای آتش مستقیم بوسیله توپخانه ها همکاری نیروی هوایی و سایر جنگ افزارها، مأموریت واگذاری را بانجام رسانیده و پیشروی موفقیت آمیز یگانهای تانک را که در مقابل جنگ افزارهای ضد تانک دشمن تلفات سبکی متحمل شدند تامین نمود و توانستند در پدافند خط اول عمیق و قوی دشمن که در عمق رده بندی شده بودند رخنه ایجاد کنند .

مداومت و بوقع بودن تک به مسائل ضد تانک دشمن وقتی میسر است که : در زمان مناسب ، تعداد لازم یگانهای توپخانه بکار برده شود. هدفهای کشف شده ضد تانک بموقع بین یگانهای توپخانه زیر دست تقسیم گردد درباره مأموریت ها بر علیه جنگ افزارهای ضد تانک و قتی که تانکها و نفربر های زرهی در برد موثر آتش آنها قرار میگیرند و این امر در عمق منطقه مأموریت واگذاری را به مرحله اجرا میرساند . طرح ریزی دقیق انجام گردد .

همکاری نزدیک و مداوم بین یگانهای توپخانه و زرهی به طور استثنائی مهم است ، و این همکاری در طول نبرد برای عملیات آفندی ایجاد شده، حفظ گردیده و سازمان داده میشود این همکاری پیش از هر چیز شامل تماس شخصی مداوم بین فرماندهان در مورد و مسائل شناسائی ، ارتباط و کنترل آتش میباشد . این امر با برقراری علائم و روشهای مشترک تعیین هدف و نیز تبادل اطلاعات معمولی درباره وضعیت اجرا و واگذاری بموقع مأموریت آتش برفع عملیات یگانهای تانک تامین میشود. نه تنها با توپخانه بلکه با کلیه نیروها و تمامی جنگ افزارها و با صرف نیروهای پیشرو می توان با جنگ افزارهای ضد تانک نبرد نمود. در این تلاش، موفقیت در اجرای مأموریت محوله تا حد زیادی به سطح آموزش یگانهای توپخانه بستگی دارد .

دائرة المعارف عظیم الکترونیکی

یکی از کارخانجات بزرگ دنیا پیروز بساختن يك فرهنگ لغت جامع الکترونیکی شده است که میتواند لغات چندین زبان را ضبط و بروی کارت های مغناطیسی ذخیره نماید.

هر يك از کارت های مغناطیسی دویست و هفتاد و چهار هزار حروف ضبط می نماید . تعداد مزبور موازی با شصت ثانیه تصد یک فرهنگ لغت جیبی میباشد. از آنجا که کمپیوتر نامبرده دارای چندین هزار کارت مغناطیسی است و آنها را به مجرد صدور فرمان قرائت میکند، در حقیقت، محتویات يك فرهنگ لغت الکترونیکی شامل محتویات چند دائرة المعارف مختلف میگردد. قرائت این کتاب ماشینی بسیار ساده است.

پرسش رامیتوان بوسیله ماشین تحریر الکترونیکی و یا تلکس به کمپیوتر داد و پاسخ را از همان طریق دریافت کرد. در مورد اصطلاحات مشکل فنی، فرهنگ الکترونیکی همچنین توضیحات و یا امثله مکمل به پاسخ اضافه میکند .

از کمپیوتر مزبور میتوان همچنین در دانشگاهها و کتابخانه ها برای تنظیم و چاپ فرهنگ لغت بیک یا چند زبان بهره برداری کرد.

پالعه میگوید کتاب «خشونت میهنها و انسانها» اثر برتراند راسل، فیلسوف بزرگ انگلیسی ، نشان میدهد ، موقعی که غذا و مجال وجود نداشته باشد اختلاف طبقاتی وحشیانه ای بوجود می آید . امروز چیزی که مایه وحشت شده است اینست که در برنامه های تفریحی سینما و تلویزیون و غیره : خشونت را بصورت عملیات قهرمانی جلوه گر میسازند. در مورد خشونتی که زائیده شرائط اجتماعی سخت در افریقا و آمریکاست نمیتوان آنرا محکوم نمود چون تنها راهیست که برای این مردم باقی مانده است.

لزوم تغییر قوانین موضوعه

مواد واحده تنظیم و به مجلسین تقدیم شده که جمیع آن مراد از قانون اولیه بیشتر شده است البته نباید تصور کرد که تنظیم کنندگان قانون تسامح و تغافل نموده اند بلکه نیازمندی های بعدی بوده که تنظیم ماده واحده بوجود آورده است وقتی که قانون منع کشت خشکاش به تصویب رسید تصور نمیرفت که احتیاجی به تعیین صلاحیت دادگاه نظامی باشد از اینرو قانون مربوطه در مجلسین تصویب و جهت اجرا بدولت ابلاغ گردید ولی گذشت زمان این نیاز را ثابت کرد که اگر اجرای قانون بدادگاه خاصی واگذار شود از نظر اجتماع مفید و سودبخش تر خواهد بود از اینرو مبادرت به تصویب ماده واحده مذکور گردید . البته مجموعه قوانین مصوبه پس از

گذشتن مدت زمانی باید مورد تجدید نظر قرار گرفته و با توجه به نیازمندی های روز تغییر و تبدیل یابند تا جوابگوی اجتماع باشند کمیسیونهای مامور رسیدگی بقوانین موجود اظهار نظر در تغییرات ضروری هر سازمانی وظائف خود را انجام داده و نظرات اصلاحی را به مقامات مسئول اعلام میدارند تا نسبت به بهبود قوانین موضوعه اقدام شود باید باین نکته توجه کرد که اگر نظر به اعتلای سازمان و بهبود وضع اجتماع باشد باید قوانین موضوعه را بطور ثابت و لایتغیر تلقی نکرد و هر قانونی که به تصویب قوه مقننه رسید و به سازمان مربوطه ابلاغ گردید از تاریخ اجرا بوسیله کمیته فنی مرکب از کارمندان و اشخاص بصیر و مطلع مورد بررسی قرار گرفته و بدون

توجه به تاریخ تصویب و مشکلات حاصله از تغییر قانون برای رفع نواقص بموقع اقدام نمایند تا نتیجه مطلوب از وضع قانون که پاسخ به احتیاجات ملت و رفع نیازمندی های اجتماع است حاصل شود کشور های مترقی وزنده دنیا باین اصل مهم توجه داشته و دائما در هر موردی با استفاده از فکر و نظر افراد شایسته اقدام به تنظیم لوایح قانونی ، آئین نامه ها و مقررات لازم می نمایند در کشور عزیز ما ایران نیز در این چندسال اخیر توجه باین نکته شده و اغلب از قوانین کیفری ، مدنی ، سیاسی ، کشاورزی ، اصلاحات ارضی و سایر قوانین در جریان بررسی و تنظیم لوایح جامع میباشد که امیدوار است نتیجه حاصله از این تلاش و کوشش ها سعادت ملت و اعتلای کشور ایران باشد .

تاثیر اکسیژن خالص بر روی بدن

هوایی که مانفس میکنیم ، اکسیژن خالص نیست ، بلکه مخلوطی است از اکسیژن و نیتروژن . اگر انسان لاینقطع اکسیژن خالص تنفس کند ، زندگی را در معرض خطر هلاکت قرار میدهد .

گرچه مدتهاست دانشمندان متوجه این واقعیت شده اند اما اکنون دانش پزشکی فضانوردی آنرا بر مبنای علمی دقیق استوار ساخته است . درکناره بین المللی علم خون شناسی که چندی پیش در مونیخ تشکیل گردید ، دکتر

فیشر دانشمند امریکائی اطلاعات جالبی را فاش کرد .

آزمایش خون فضانوردان امریکائی قبل ، و در حین و پس از پرواز به کره ماه نشان داده است که در شرایط کتونی تنفس در سفینه های فضائی ، اگر پرواز فضائی بیش از ۲۰ روز بطول انجامد فضانوردان هلاک خواهند شد . طبق دوش کتونی ، اکسیژن خالص بتدریج جانشین هوای تنفسی می شود و بالتجربه تولید گروه های سرخ خون فزونی میباشد و موجب مرگ میشود .

این بیماری راهمولیز می نامند و بدین ترتیب پس از بیست روز بحران همتولیک پدیدار میگردد و گروه های سرخ خون بکلی نابود میشوند . در چنین وضعی ، هیچ انسانی قادر به ادامه حیات نمیشود .

بنابراین ، برای امکان پروازهای فضائی که بیش از بیست روز بطول انجامد ، باید قبلا مسئله تجدید و تأمین هوای تنفسی بدون اینکه فقط از اکسیژن استفاده شود ، حل گردد .

جایزه های در دل جایزه نوبل

جایزه صلح نوبل که در سال ۱۹۶۵ به صندوق کودکان ملل متحد (یونسف) بغاظر خدمات ارزنده این سازمان جهانی برای رفاه و پیشرفت کودکان جهان اعطاء گردید خود سبب بوجود آمدن جایزه دیگری بنام جایزه موریس پاته گردیده است . هیئت اجرایی یونسف اخیرا طی یک جلسه ویژه تصمیم گرفت مبلغ جایزه نوبل را برای تأسیس صندوقی بیادبود موریس پاته اختصاص دهد . موریس پاته از سال ۱۹۴۶ که یونسف بوجود آمد تا تاریخ فوت وی یعنی ژانویه ۱۹۶۵ مدیر اجرایی یونسف بود .

هدف اعطاء جایزه موریس پاته اینست که کسانی که برای رفاه کودکان جهان خدمت میکنند تعلیم و تربیت بیشتری به بینند . یونسف به استفاده از این جایزه یا بورس تأسیس یک موسسه منطقه ای که قادر لازم را برای ایجاد رفاه و فرهنگ برای کودکان تربیت میکند توجه خاصی مبذول داشته تاکنون این جایزه به افرادی از آفریقا در زمینه بهداشت

عمومی ، آسیای شرقی در زمینه آموزش و پرورش و امریکای لاتین در زمینه تغذیه داده شده است .

کارخانه برق اتمی برای استکهلم

سازمان دولتی برق سوئد تقاضای پروانه برای ایجاد یک کارخانه برق اتمی در ۱۵۰ کیلومتری شمال استکهلم نموده است . این مولد برق اتمی دارای چهار رآکتور خواهد بود ولی در مورد انتخاب نوع رآکتور تصمیم نهائی اتخاذ نشده است و ممکن است از دونوع رآکتور - یکی رآکتور با فشار آب و دیگر رآکتوری که با جوش آمدن آب کار میکند استفاده شود .

پروانه لازم با توجه به مقررات استفاده از انرژی اتمی و حفظ محیط صادر میگردد و ساختمان این مولد برق در نیمه دوم سال ۱۹۷۱ آغاز میشود و در سال ۱۹۷۶ آماده بهره برداری خواهد بود .

مطبوعات جهان

تکمله

بهنگام تنظیم صفحات پیشین این مجموعه . متأسفانه این اشتباه روی داده است که نام چند سلسله از امرای ایرانی از قبیل ملوک شهابنکاره ، آتابکان یزد ، آتابکان لر کوچک و طغاتیوریان در جای خود ذکر نشد و بالنتیجه نقصی بزرگ در مجموعه حاضر بوجود آمده است که بناچار باید برفع آن مبادرت کرد . بدین رو در چند صفحه بذکر و معرفی سلسله های مزبور و امرای آن میسر داریم و برای آنکه موقعیت زمانی سلطنت آنها نیز با مقایسه با زمان پادشاهی سایر پادشاهان معلوم و مشخص گردد ، الزاماً کرونولوژی پادشاهان چند سلسله دیگر از سلسله های ایران را که همزمان با امرای از قلم افتاده بوده اند نیز مجدداً ذکر می کنیم ، و بهر حال امید است این اشتباه ، بهر دلیل و علت که بوده باشد مورد چشم پوشی و اغماض خوانندگان ارجمند ما قرار گیرد .

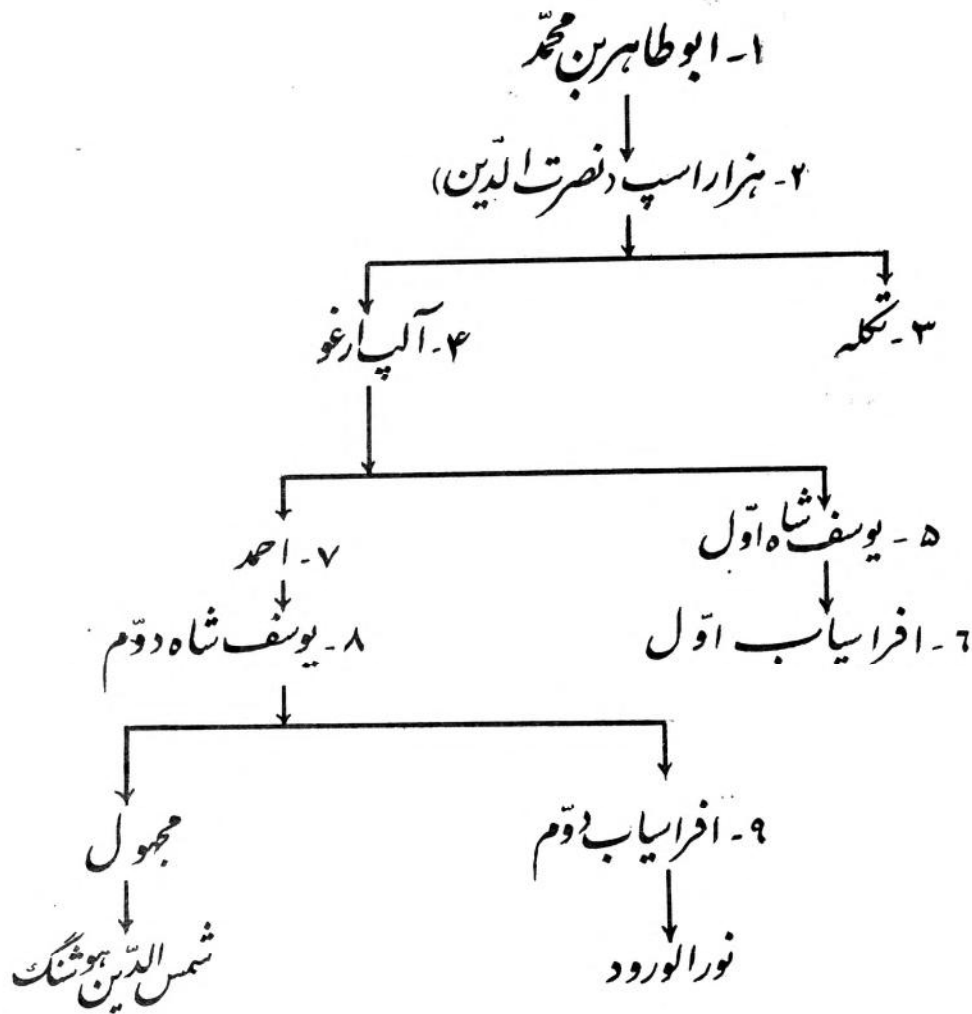
[illegible]

۱ ی ران							سال ۸۶۴ هجری	
هجرى	ميلادى	غزنويان	خوارزمشاهيان	ایلخانان	آتابکان یزد	ملوک شبنگاه	آتابکان لرینک	آتابکان لورکوه
۵۶۸	۱۱۷۲	تکش			علاء الدین بن سبک	بغیر امارت بر طبرستان محمد	نایب سید کرکوک
۵۷۶	۱۱۸۰	"			"	"	"	"
۵۸۰	۱۱۸۴	"			"	"	"	"
۵۸۰	۱۱۸۴	"			"	"	"	"
۵۸۲	۱۱۸۶	انقراض			"	"	"	"
۵۹۶	۱۱۹۹	علاء الدین محمد			"	"	نصرت الدین هزارا	"
۶۰۰	۱۲۰۳	"			"	"	"	"
۶۱۶	۱۲۱۹	"			"	"	"	"
۶۱۷	۱۲۲۰	جلال الدین منکیر فی			"	"	"	"
۶۲۱	۱۲۲۴	"			"	"	"	"
۶۲۴	۱۲۲۷	"			"	"	"	"
۶۲۵	۱۲۲۸	"			"	"	"	"
۶۲۸	۱۲۳۰	انقراض بدست معولان			"	"	"	"
۶۴۰	۱۲۴۲	"			"	"	"	"
۶۵۰	۱۲۵۲	هلاکوخان			"	"	"	"
۶۵۴	۱۲۵۶	"			"	"	"	"
۶۵۷	۱۲۵۹	"			"	"	"	"
۶۵۸	۱۲۶۰	"			"	"	"	"
۶۵۹	۱۲۶۱	"			"	"	"	"
۶۶۲	۱۲۶۴	"			"	"	"	"
۶۶۳	۱۲۶۵	اباقا خان			"	"	"	"
۶۶۴	۱۲۶۶	"			"	"	"	"
۶۷۲	۱۲۷۴	"			"	"	"	"
۶۷۷	۱۲۷۸	"			"	"	"	"
۶۸۰	۱۲۸۱	حمد			"	"	"	"
۶۸۱	۱۲۸۲	"			"	"	"	"
۶۸۳	۱۲۸۴	ارغون			"	"	"	"
۶۸۷	۱۲۸۸	"			"	"	"	"
۶۸۸	۱۲۸۹	"			"	"	"	"
۶۹۰	۱۲۹۱	گیخاتو			حاجی شاه	"	"	"
۶۹۲	۱۲۹۳	"			"	"	"	"
۶۹۳	۱۲۹۴	"			"	"	"	"
۶۹۴	۱۲۹۵	بایدوخان			"	"	"	"
۶۹۵	۱۲۹۶	غازان خان			"	"	"	"
۶۹۶	۱۲۹۷	"			"	"	"	"
۷۰۳	۱۳۰۳	المجانیو			"	"	"	"
۷۰۶	۱۳۰۶	ابو سعید			"	"	"	"
۷۱۶	۱۳۱۶	"			انقراض	"	"	"
۷۱۸	۱۳۱۸	"			"	"	"	"

هجری	میلادی	ایلیخانان	امانجای لر	امانجای لر	ملوک شایان	امراغی شایان	امراغی شایان	آل بایر	نیوریان	قراویونلو	آق قویونلو
۷۲۰	۱۳۲۰		شجاع الدین محمد		نصرت الدین ارجم						
۷۲۵	۱۳۲۵		"		"						
۷۳۳	۱۳۲۲		رکن الدین یوسف		"						
۷۳۵	۱۳۲۴		"		ملک کن الدین حسن						
۷۳۶	۱۳۲۵	آریا - موسی	"		"						
۷۳۶	۱۳۲۵	محمد خان	"		"						
۷۳۷	۱۳۲۶	"	"		"						
۷۳۸	۱۳۲۷	"	"		"						
۷۳۹	۱۳۲۸	طفا تیمور	"		"						
۷۳۹	۱۳۲۸	جهان تیمور	"		"						
۷۳۹	۱۳۲۸	ساقی شکیبائی	"		"						
۷۴۰	۱۳۲۹	سیمان	"		"						
۷۴۱	۱۳۳۰	پایان کل جهان تیمور	"		"						
۷۴۲	۱۳۳۱	طفا تیمور	"		"						
۷۴۳	۱۳۳۲	"	"		"						
۷۴۴	۱۳۳۳	پایان کل سیمان	"		"						
۷۴۵	۱۳۳۴	نور شیروان	"		"						
۷۴۶	۱۳۳۵	نور شیروان طفا تیمور	"		"						
۷۵۰	۱۳۳۹	"	"		"						
۷۵۲	۱۳۵۱	پایان کل طفا تیمور	"		"						
۷۵۴	۱۳۵۳	"	"		"						
۷۵۵	۱۳۵۴	پایان کل نور شیروان	"		"						
۷۵۶	۱۳۵۵	انقراض	شیر الدین محمد		انقراض						
۷۵۷	۱۳۵۶	"	"		"						
۷۵۸	۱۳۵۷	"	"		"						
۷۶۱	۱۳۶۰	"	"		"						
۷۷۷	۱۳۷۵	"	"		"						
۷۷۹	۱۳۷۷	"	"		"						
۷۸۰	۱۳۷۸	احمد	"		"						
۷۸۴	۱۳۸۲	"	"		"						
۷۸۶	۱۳۸۴	"	"		"						
۷۹۰	۱۳۸۸	"	"		"						
۸۰۴	۱۴۰۱	"	سیدی احمد		"						
۸۰۵	۱۴۰۲	"	"		"						
۸۰۷	۱۴۰۴	"	"		"						
۸۰۹	۱۴۰۶	"	"		"						
۸۱۰	۱۴۰۷	"	"		"						
۸۱۲	۱۴۰۹	"	"		"						

[illegible]

آتابکان لڑ بزرگ



وچهارتن دیگر با سامی احمد، ابوسعید، حسین و غیاث الدین کہ از سال ۷۸۰ تا ۸۲۷ ہجری
سلطنت کردہ اند۔

عناصر شورشی درآیند، منابع دولتی تقسیم گردد و عناصر حکومتی مجبور به واکنش غیر مؤثر در يك منطقه وسیعی بگردند. تدبیر ایجاد ارباب و وحشت، وقتی زمین یا وضعیت ایجاد نماید، اغلب جانشین جنگهای چریکی، میگردد. در مورد مشکلات موجود در مقابله با استراتژی ارباب و وحشت ژنرال فرانسوی ژان ژاک سروان شریبر Servan Schreiber که در آن هنگام ستوان بوده است نوشته است:

«بسیار خوب، من آنها را دستگیر کردم. بعد چه خواهد شد؟ وقتی جرم مشخص و دلیل محکمه پسندی بر مجرمیت آنها وجود نداشته باشند، آشوبگر پس از گذراندن يك دوره مطبوع در زندان یا اردوگاه آزاد میگردد. سپس چنین اشخاصی بعنوان ناجی؟ رنجیده انقلاب و با شخصیتی ده برابر وارد اجتماع میشوند.»

هم اکنون حکومت های بیشتر کشورهای جهان با عملیات ارباب و وحشت محدودی روبرو هستند. اقدامات تروریستی در کشورهای مختلف تنها از نظر شدت و وسعت با هم مشابه نیستند. عدم تشابه، وقتی گروههای متشکل بزرگی مانند «کزانسترا» فعال باشند کم است. حتی اجتماعات پیشرفته ای همچون ایالات متحده آمریکا نیز نتوانسته بگونه مؤثری اقدامات تروریستی و غیر انسانی را متوقف سازد. متأسفانه درباره ای موارد که اقدامات وحشت و ترور عناصر شورشی متوقف گشته است، اقدامات ضد متغیری بکار رفته که در پاره ای از آنها، تلاشهای ضد شورشی از محدوده دموکراسی خارج گشته است. بعنوان مثال ژنرال ژاک «ماسو»

ولشکر دهم چتر باز وی، در اواخر سال ۱۹۵۷ و اوایل سال ۱۹۵۸ با اقدام به توقیف های دسته جمعی، رخنه بهراکز زیر زمینی عناصر شورشی و پرورش های برق آسا موفق شد که تروریستی را متوقف سازد. بدون شك در نبرد الجزیره، جان هزاران نفر که میایستی در عملیات تروریستی از بین میرفتند نجات داده شد ولی آیا ارزش صدمه ای که بروحیه ملی و سیمای بین المللی فرانسه وارد ساخت داشت؟ حتی در جاهائی چون هالایا و کنیا که اصول دموکراسی رعایت گردید، حکومت ها مجبور گشته بودند که مقررات بسیار دقیق و سختی برای کنترل جمعیت و منابع وضع نمایند، دست بتوقیف بزنند، مجازاتهای سختی برای اقدامات شورشی قائل گردند و روشهای خشن پلیسی را بکار ببرند.

بطور خلاصه استراتژی ارباب و وحشت جنگهای شورشی انقلابی موقع بسیار پیچیده و مشکلی را بوجود آورده است. برای روبرو شدن با این استراتژی بایستی مقررات اضطراری که حقوق فردی را محدود مینمایند وضع گردد. تردید در استفاده از چنین مقرراتی، ترس، نابودی و مرگ را برای توده های مردم همراه خواهد داشت. اگر این مقررات هوشمندانه وضع و اجرا گردند و با سرعت پس از رفع بحران برداشته شوند، اکثریت مردم و کشورهای دیگر از آن پشتیبانی خواهند کرد.

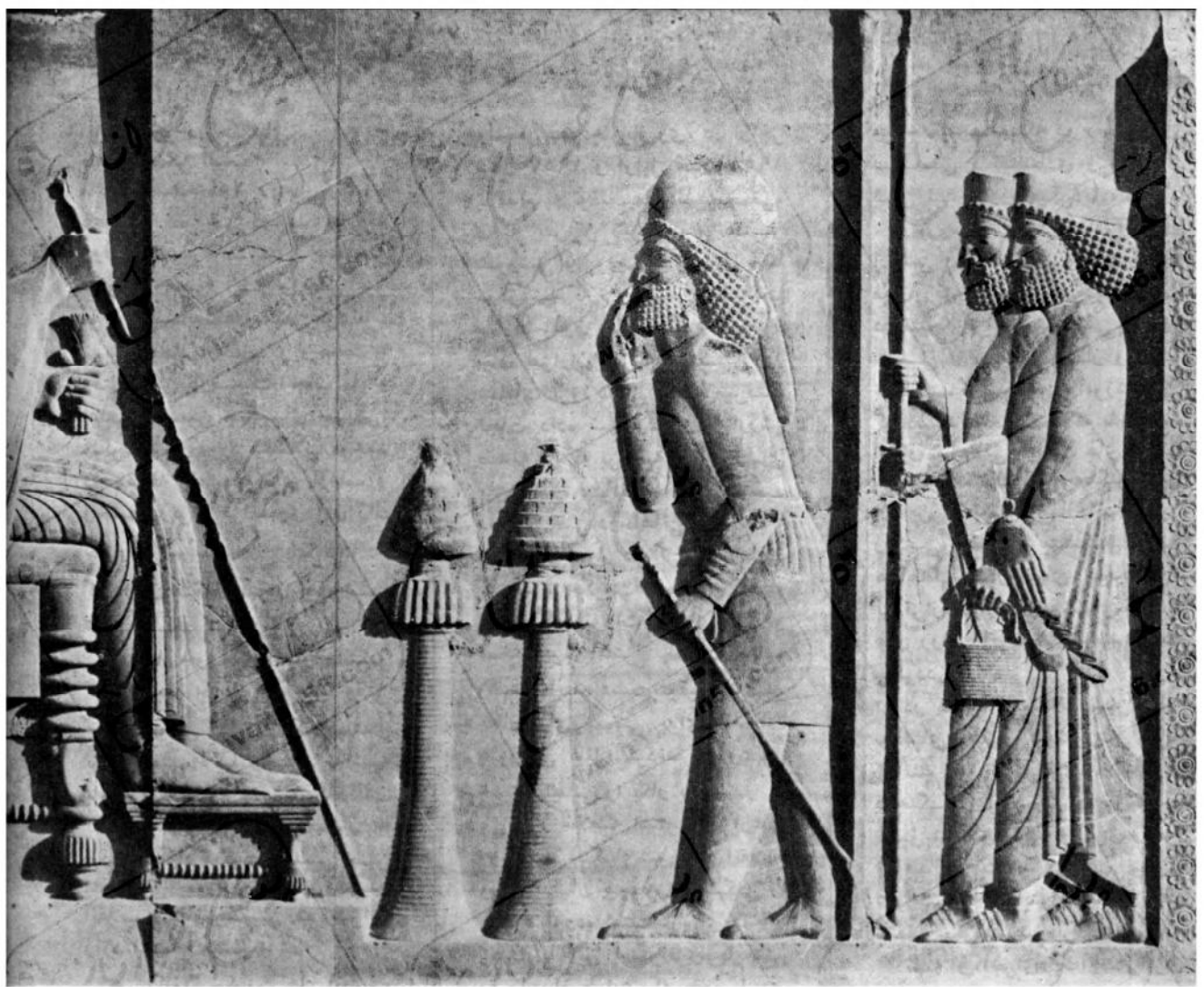
ژنرال جیاب در کتاب خود علاوه بر استفاده از وسایل ارتشی، بر روی وسایل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نیز تکیه مینماید و آنها را در شکست دشمن بسیار مؤثر میداند، او میگوید: «در شعار همه مردم با اسلحه» هر نفر يك سرباز، هر دهکده يك دژ، هر شعبه حزب يك کمیته، يك ستاد مقاومت درآمده بود. نه تنها مادر پهنه نبرد ارتشی

می جنگیدیم، بلکه در زمینه های سیاسی، اقتصادی و آداب و سنتن نیز مبارزه میکردیم.»

وجوه تمایزی سنتنی میان وظایف ارتشی و غیر ارتشی حالا دیگر از میان رفته و محو گردیده است در نتیجه هر فرد شورشی خود را جمعی از يك سرباز و يك سیاستمدار میداند. با آموزشهایی که مینماید آماده میشود که با سلاح، اوراق تبلیغاتی، بحث های تند و دهنه تراسیون و غیره بجنگد. بیش از این او توسط سازمانهای زیر زمینی منضبط و متشکل که هماهنگی سازمانهای پیچیده را برقرار مینمایند و روشهای جنگ های روانی را توسعه میدهند هدایت میگردد.

در نتیجه استراتژی سین های جنگهای انقلابی و شورشی می-توانند يك استراتژی ارتشی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تلفیق شده ای را طرح ریزی و اجرا نمایند که بتواند قدرت نیروی شورشی را افزایش دهد و از نقاط ضعف حکومت بهره برداری نماید. تهیه و اجرای يك استراتژی هماهنگ شده ارتشی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کار ساده ای نیست. اصل در حکومت های آزاد، تفکیک قوا است. یکی کردن ابزار سیاست، اقتصاد و ارتش بدون توجه بمقامات مقننه و قضائی مغایر با سیستم های حکومتی آزاد است. با وجود این برای روبرو شدن با يك استراتژی انقلابی یکی شده، چنین یکسان سازی در رده ملی لازم است.

مسئولیت تهیه دکنترین و استراتژی واحد و تصمیم گیری-های روزانه برای اجرای برنامه ملی و هدایت نبرد علیه عناصر شورشی و انقلابی بایستی بیک مقام واگذار گردد. در رده های اجرائی پائین نیز همین اصل باید رعایت شود. اعم از اینکه این مقام بقید در صفحه ۹۸



از : سروان مجید وهرام

پارسیها مردمی آریائی نژاد می باشند . که ابتدا در اطراف دریاچه رضائیه مسکن داشتند و بعد ها بجنوب ایران کوچ کرده اند و از ۷۳۰ قبل از میلاد حکومتی در پارس بوجود آورده اند و قریب به ۲۵ قرن مکرر فراز و نشیب هائی را در پشت سر گذاشته اند .

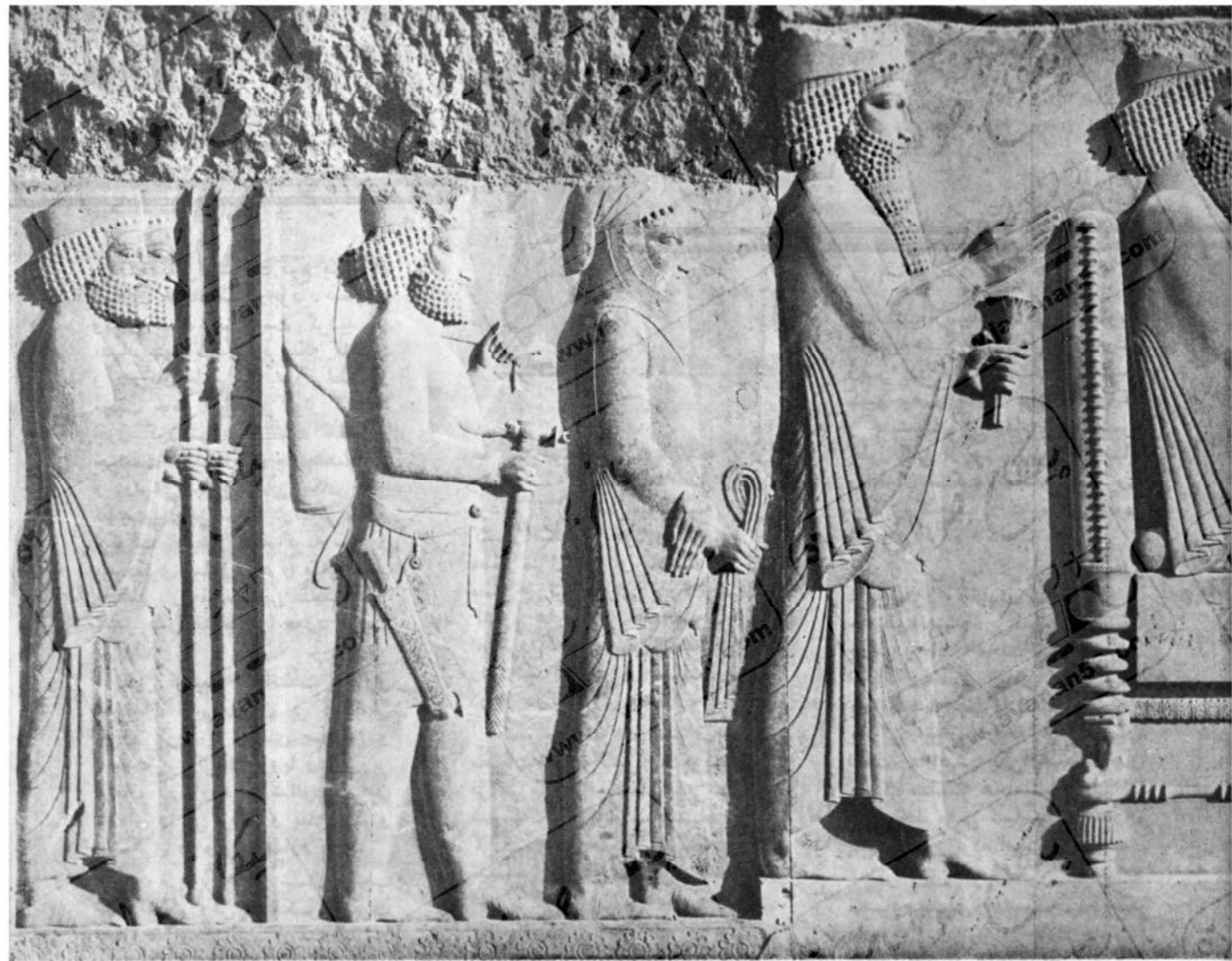
هرودوت گوید پارسیها از شش طایفه شهری و ده نشین و چهار طایفه چادر نشین تشکیل میشدند که عبارت بودند از پاسارگادیان مرفیان - ماسپیان - پانتالیان - دروسیپان - گرمانیان و چهار طایفه دائیها - مرد ها - درویکها و ساگارتیها که این اقوام در خارج از ایران بنام های پارس - فرس -

پاپرس و در ایران بنام پارسواش یا پارسی نامیده میشده اند که رئیس آنان هخامنش نام داشته است .

پادشاهان پیش از کوروش بزرگ عبارت بودند از چیش پش اول - کمبوجیه اول - کوروش اول - چیش پش دوم - کوروش دوم - کمبوجیه دوم که همه این پادشاهان از دست نشاندگان سلاطین ماد بشمار میرفتند تا اینکه کوروش بزرگ بر ماد ها قیام نمود و پارسیان را استقلال بخشید .

کوروش و پادشاهان بعدی هخامنشی بر بخش بزرگی از جهان کهن دادگرانه فرمانفرمائی کردند و از دوران شاهنشاهی آنان برگهای زرین تاریخی بنیادگار مانده است . کوروش بزرگ در سال ۵۵۸

پیش از میلاد بجای پدر که پادشاه ماد بود بسلطنت رسید در ابتدا با نبونید پادشاه بابل پیمان دوستی بست و چون نبونید در مقابل مادی ها احتیاج به تکیه گاهی داشت از در دوستی درآمد . کوروش در سال ۵۵۰ پیش از میلاد بر آئیده ها آخرین پادشاه ماد که پدر مادری وی خوانده شده است پیروز گشت همدان را گرفت و در اندک مدتی دامنه شاهنشاهی خود را گسترش داد و در ظرف سه سال توانست تمام ایالت ماد ، آشور ، ارمنستان ، کاپادوکیه و قباایل سرزمین های کوهستانی فلات ایران را ب زیر فرمان درآورد . کوروش بزرگ که در بین ملل



سیری در تاریخ باستان ایران

بوجود آمد و کوشش های نبونید پادشاه بابل هم بجائی نرسید . در بابل فرقه ای تشکیل شد که متمایل به سازش با ایرانیان بودند و یهودیان هم که در اسارت بسر میبردند وآرزوی نجات و آزادی داشتند و ایرانیان رانها گره گشای مشکل خویش میدانستند. در چنین زمانی سپاهیان کوروش وارد بابل شدند جنگ سختی در گرفت که منجر به پیروزی ایرانیان شد .

لطفا ورق بزنید

آماسیس پادشاه مصر از بیم قدرت دولت جوان پارسی با بابل و لیدی و یونان متحدشد . کوروش علی رغم کمک هائی که از طرف مصر و بابل به لیدی صورت می گرفت دفتاً در سال ۵۴۷ ق - م به لیدی حمله کرد و سارد پایتخت لیدی را تصرف نمود .

کوروش پادشاه لیدی را اسیر ساخت آنگاه بابل را در محاصره اقتصادی قرار داد بطوریکه در داخل بابل اوضاع و احوال آشفته ای

مختلف بنام های کورو، کوروش، کوروس و همچنین دررم به سیروس ملقب بوده است بسبب اخلاق و کردار نیک مورد علاقه مردم پارس واقع گردید و توانست در زمان کوتاهی نظر همگان را بخود جلب نماید و از گردآوری اقوام پارس و ماد نیروی عظیمی بوجود آورد و باصطلاح سپاه پرداخت و به پیروزی باصطلاح سپاه پرداخت و به پیروزی های چشم گیری نائل شد که مورد رشک پادشاهان کشورهای دیگر قرار گرفت .



فتح بابل بشارت قوم یهود از اسارت هفتاد ساله بود. معابد ویران شده آنها مرمت گردید نه تنها پیشوایان یهود بلکه کاهنان و بزرگان بابل نیز مورد لطف و محبت خاص کوروش قرار گرفتند چون کوروش میدانست حفظ و حراست ایران زمین جز به همکاری و دوستی قبایل محلی امکان پذیر نیست. باین سبب در تمامی قلمرو حکومت خویش با هر گونه ستم و بیدادگری مبارزه کرد و برای جنگ با مصریان با فلسطین متحد شد و شهر های فنیقیه را مورد عنایت قرارداد.

باین ترتیب توانست بیاری فرزندان دلیر ایران بر دشمنان پیروز گردد و آسیای صغیر و قسمت بزرگی از اروپا را به زیر فرمان در آورد و شالوده تمدن تازه ای را پی ریزی و بنای ظلم و ستمگری را ویران سازد.

هجوم بربر ها از شمال موجب شد که کوروش از فکر تصرف مصر صرف نظر کرد و به پارس مراجعت نمود و در راه حفظ و حراست مرز های ایران زمین در جنگ با بربر ها کشته شد.

پس از کوروش پسرش کمبوجیه در سال ۵۳۰ قبل از میلاد به سلطنت رسید طوایف وحشی را سرکوبی نمود و برادرش بردیارا که مدعی تاج و تخت بود مخفیانه بکشت و در سال ۵۲۶ قبل از میلاد عازم اجرای نقشه پدر یعنی فتح مصر گردید و در ممفیس بفرعون مصر پیروز گشت و امپراطوری بزرگی را بوجود آورد.

بزرگان مصر که با سیاست آماسیس مخالف بودند مقدم او را گرامی داشتند اودزاگورسنت Pdzaagoorcent در یادداشت خود چنین می نویسد: « هنگامی که پادشاه بزرگ سلطان همه کشور

به سلطنت رسید در اوایل جلوس خود با مشکلات زیادی مواجه شد زیرا در مدت چهار سال غیبت کمبوجیه و ظهور بردیای دروغی و جانشینان او زمام امور کشور بطور کلی از هم پاشید و اوضاع و احوال مملکت آشفته بود و نیروی مرکزی ضعیف و دشمنان مغلوب شورش کرده بودند.

داریوش پسختی بردشمنان خود غلبه نمود و بردیای دروغی و جانشینانش را برانداخت طوایف پارس و ماد را مجدداً متحد ساخت اسناد و مدارک زیادی از داریوش بجا مانده است که نشانه مجد و بزرگی ایران در دوران او بوده است. داریوش یکی از شاهنشاهان بزرگ سلسله هخامنشی و بنیان گذار خط مشی سیاسی و نامداران بعد از خود بوده است.

در زمان او کشور ایران به منتهای عظمت و وسعت خود رسید داریوش در تهیه و تدارک جنگ با یونان بود که مرد پس از وی پسرش خشایارشا در سال ۴۸۶ قبل از میلاد به سلطنت رسید.

شورش مصر را فرو نشاند و در جنگ بزرگ تیرموپیل بر یونانیان پیروز گردید و بسال ۴۶۹ قبل از میلاد بقتل رسید.

پس از خشایارشا پسرش اردشیر دراز دست جانشین او شد و تا ۳۳۰ قبل از میلاد که تاریخ انقراض سلسله هخامنشی می باشد به ترتیب خشایارشا دوم و برادرش سغدیان. داریوش دوم. اردشیر سوم و داریوش سوم به سلطنت رسیدند.

شاهنشاهان هخامنشی در مدت ۲۲۰ سال سلطنت خود در تحت قوانین مترقی و تمدن عالی توانستند

ها کمبوجیه وارد مصر شد بربر های همه کشور ها همراه وی بودند او در سراسر پهنه این کشور سلطنت کرد و آنان را در مصر منزل داد او پادشاه بزرگ مصر و فرمانروای بزرگ تمام کشور ها بود. اعلیحضرت بمن امر کرد که منصب بزرگ بزرگ را داشته باشم و بسمت رئیس دربار در کنار وی باشم.

کمبوجیه پس از تصرف مصر مقدمات لشکر کشی به نوبی را فراهم ساخت پادشاه نوبی متعهد شد که خراج گزار شاهنشاه ایران گردد در این هنگام خبر به تخت نشستن بردیای دروغی و شورش های مرکز ایران به مصر رسید و چون در این زمان اغتشاشاتی در مصر بروز کرده بود کمبوجیه پس از فرو نشاندن شورش در سال ۵۲۳ پیش از میلاد در راه بازگشت بایران در گذشت.

از کتیبه های داریوش و نوشته های هرودوت چنین بر می آید که کمبوجیه پس از کشتن برادر خود مگی را « پاتی زی تس » یعنی نگهبان قصر سلطنتی کرد این مغ برادری داشت بنام بردیا که شبیه برادر کمبوجیه بود از غیبت طولانی شاه استفاده کرد و برادر خود را بتخت نشاند و پادشاهی او هفت ماه طول کشید این مدت تا ظهور داریوش بزرگ دوره فترت بوده است.

داریوش بزرگ که نسبش به ویشناسب از نواده پیش پش دوم میرسد در سال ۵۲۲ قبل از میلاد



ایلامی و مصری و پارسی در حوالی کانال سوئز بدست آمده است هرودوت مورخ یونانی گوید: «داریوش پس از فتح سندگروهی دریانورد را بریاست اسکی لاس نام از اهالی شهر کاریاند که در آسیای صغیر بوده است مأموریت داد تا به کشفیات جغرافیائی بپردازد وی از دهانه رود سندوارد اقیانوس شد و از راه تنگه مندب دریای سرخ را طی نموده و از راه کانال سوئز فعلی وارد دریای مدیترانه شد و پس از طی سواحل شمالی آفریقا از تنگه جبل الطارق امروزی وارد اقیانوس اطلس شد و قاره آفریقا را دور زد و گزارش این سفر طولانی را بر عرض داریوش رساند .

گرچه محققین معاصر دور زدن قاره آفریقا را به مکتشفین اسپانیائی و پرتغالی نسبت می دهند ولی قریب به ۲۴۰۰ سال پیش اسکی لاس دریانورد ایرانی فرمان داریوش بزرگ این راه طی نموده است و ارسطو هم که سفرنامه اسکی لاس را دیده در کتاب خود از آن نامبرده است پس می توان کشف دماغه امیدنیک را باین ایرانی متهور نسبت داد .

هرودوت گوید :

خشایارشا هنگامیکه در یونان مشغول جنگ بود دستور داد تا کانال معروف آنوس را حفر نمایند آنوس نام کوهی در جنوب یونان است که بشکل شبه جزیره ای در دریای اژه پیش رفته است کشتیها ناچار بودند هنگام دریانوردی این شبه جزیره را دور بزنند ولی بقیه در صفحه ۱۰۱

کوروش اقدام به تربیت ارتشی نوین نمود و سواره نظام را بوجود آورد سپاهیان سواره نظام از افراد اصیل پارسی انتخاب میشدند و سپاهیان پیاده از ایرانیان و بابلیان و آشوریان تشکیل میگرفتند سپاهیان سواره نظام مجهز به سلاح سبک بودند و برای اولین بار در تاریخ از زرهی مخصوص برای اسبان استفاده می کردند و برای دفاع و حفظ و حراست کشور و برقراری نظم و امنیت اقدام به تشکیل سپاه دائمی نمودند .

داریوش بزرگ هم تعداد سپاه دائمی را به ۱۰ هزار نفر رسانید و بنام سپاه جاوید نامگذاری نمود و در مواقع ضروری اقدام به جمع آوری سپاه بیشتر می نمودند .

پادشاهان هخامنشی نه تنها درزم آوردی و جهان گشائی بی همتا بودند بلکه در امور علمی نیز گوی سبقت را از دیگر همزمانان خود ربوده اند . داریوش جمعی از محققین را برآن داشت تا پروژه کانالی را بین دریای سرخ و مدیترانه طرح ریزی نمایند .

این کانال در مسیر بستر یکی از شعب نیل حفر گردید تا کشتیها بتوانند در زمانی کوتاه فاصله بین دریای سرخ و دریای مدیترانه را طی نمایند و سفاین جنگی و کشتی های تجاری در حدود بندر اسکندریه فعلی وارد دریای مدیترانه میشدند و گواه تاریخ در این زمینه سنگ نبشته ای است که به سه زبان

حکومتی بوجود آورند که در دنیای آنروز بی سابقه بوده است .

هرودوت مورخ یونانی مینویسد داریوش بزرگ کشور را به بیست ساتراپ نشین تقسیم نمود و برای اداره امور کشوری بهریک حاکمی تعیین کرد که خشاتراپاؤن نامیده میشدند و اداره امور لشگری هر ساتراپ را بشخص دیگری محول نمود و وسای امور کشوری و لشگری حق مداخله در کار یکدیگر را نداشتند و پیرو حکومت مرکزی بودند . نیروهای نظامی ساتراپ نشین تابع فرماندهان و سران نظامی بودند و اینان در برابر ساتراپها استقلال داشتند و بدین طریق حکام کشوری و لشگری متقابلاً در امور یکدیگر نظارت میکردند .

خشاتراپاؤن و فرمانده ارتش ساتراپ مستقیماً و بلاواسطه گزارشات خود را بشاهنشاه تقدیم می نمودند . شاهنشاهان هخامنشی مامورانی بنام چشم و گوش خود برای بازرسی از ساتراپها اعزام می داشتند این ماموران همواره مترصد بجمع آوری اطلاعات مخصوصی بودند و مراقبت میکردند تا شورش و توطئه ای واقع نیاید و هر نوع ناامنی را گزارش می نمودند این طرز فکر در دنیای ۲۵۰۰ سال پیش بدون شك نشانه يك تمدن عالیست .

عزل و نصب سران سپاه در اختیار شاه بوده است زیرا هنگام لشکرکشی ایجاب می کرد که سپاهیان منطقه ای بدستور حکومت مرکزی بیاری هم بشتابند .

پادشاهان هخامنشی تا قبل از کوروش سپاه منظمی نداشتند

آخرین نبرد ایران و روم

مانده از صفحه ۵۴

خواهیم داد. کاراکالا بیدرنگ پیشنهاد اردوان را پذیرفت و با لژیون‌های رومیان ایران شد. اردوان پادشاه اشکانی نیز بولایات بین راه فرمان داد که مقدم امپراتور روم را گرامی شمارند و باتشریفات ویژه ای وی را پذیرا شوند.

هنگامیکه کاراکالا بنزدیکی تیسفون رسید اردوان بیاس بزرگداشت او با گروهی از بزرگان دولت اشکانی به پیشواز وی شتافت و این دلاورانی که هیچگاه کمانهای جاجی و شمشیرهای بران خود را از خویشتن دور نمی‌کردند، در آن روز که روز جشن و شادی بود از اسبهای خود فرود آمدند و رزم افزارهای خود را رها کردند و به اردوگاه روم در نزدیکی تیسفون گام نهادند.

در این بی‌خبری و بهنگام شورشادی رومیان بدستور کاراکالا، بر سر اردوان و همراهان او تاختند و بزرگان بی‌سلاح اشکانی مردانه پایداری کردند و گروهی از آنان بشهادت رسیدند ولی اردوان بارشادت بسیار جان خود را رهائی بخشید.

کاراکالا پس از این رفتار نابخردانه از راه آدیابن بازگشت و بر سر راه خود روستاها و شهرها را غارت نمود.

ایرانیان نیز از این اعمال ناجوانمردانه چنان خشمگین شدند که نه تنها از پارت بلکه از تمام نقاط کشور بخونخواهی و انتقام برخاستند.

اردوان در زمستان همان سال نیروئی بزرگ تجهیز کرد و بسوی دشمن تاخت.

در این هنگام کاراکالا در «ادس» کشته شد و «ماکرینوس» جانشین وی هرچه خواست از جنگ ببرهیزد میسر نشد و همه پیشنهادهای او در زمینه جبران کارهای ناهنجار امپراتور پیشین روم از سوی دولت ایران پذیرفته نشد.

نبرد نصیبین: سپاه ایران تانصیبین پیش راند و ماکرینوس خود را از نبرد ناگزیر دید.

قوای دو کشور در این محل با هم برخورد کردند و نبردی سخت در گرفت که بنا بر گفته تاریخ نویسان هیچیک از جنگهای پیشین میان دودولت اینسان خونین و دهشتناک نبوده است.

سپاه اردوان شامل سوار نظام سبک اسلحه تیرانداز و ستونهای جماز بود که دارای همان تجهیزات سوار نظام سنگین اسلحه معروف پارت بودند. اما سپاه ماکرینوس عبارت بود از لژیونهای رومی، رده های سبک اسلحه - قوای متحدین و سوارهای موریتانی یا مراکش. نبرد سهمناک نصیبین با شدتی بسیار بمدت سه

روز ادامه یافت و تلفات آن بسیار بود. در روز سوم نبرد، اردوان پادشاه اشکانی باتمام سوار نظام خود قوای روم را احاطه کرد و ماکرینوس برای جلوگیری از احاطه شدن سپاهیان جبهه خود را طوری آرایش داد که ستونها مامور احاطه نتوانند از جناحین حمله کنند.

در این هنگام بر اثر کشیدگی زیاد جبهه، صفهای پیاده نظام رومی بعلت از هم پاشیدگی تنک وضعیف شدند و سوار نظام ایران با استفاده از این پیش آمد از

چند نقطه توانست جبهه دشمن را بشکافد و قوای سوار را درهم بشکند.

ماکرینوس که پیش از سپاهیان از پهنه کارزار فرار کرده بود به اردوان پیشنهاد صلح داد و اردوان نیز باتحمیل شرایطی سنگین درخواست او را پذیرفت و قرارداد صلح بر طبق این شرایط میان دولتهای ایران و روم بسته شد.

۱- همه اسیرانی را که کاراکالا بخیان از ایران گرفته بود مسترد گردد.

۲- تمام غنیمتهایی که کاراکالا از شهرهای ایران بغارت برده بود بدولت اشکانی پس داده شود.

۳- از بابت خسارتهای جنگ و خرابیهای ناشی از سوی کاراکالا و سپاهیان، دولت روم باید مبلغ پنجاه میلیون دینار رومی بپردازد.

نتیجه - با گذشت سیصد سال رقابت و جنگهای پی در پی میان دولت اشکانی و امپراطوری روم بهنگامیکه سلسله اشکانی نزدیک به انقراض بود، سرار نظام ایران چنان ضربتی به رومیان وارد ساخت که آن دولت ناگزیر به بستن قرارداد صلح و پرداخت میلیونها پول گردید.

از آنچه تاکنون گفته شد چنین نتیجه گرفته میشود که آخرین نبرد دولت اشکانی و امپراطوری روم باز هم بافتخار و نیک نامی ایران پایان پذیرفت ولی پس دادن برخی از نواحی بین النهرین شمالی که از پیش در تصرف دولت روم بود بعلت انقراض دولت اشکانی در آن هنگام میسر نشد پس از چندی این کار بدست شاهنشاهان ساسانی انجام پذیرفت.

واینک بشرح مختصری پیرامون ارتش اشکانی میپردازیم.

با آنکه از تشکیلات ارتش اشکانی مدارک کاملی در دست نیست ولی بنا بر شرحی که تاریخ نویسان باختر، بویژه رومیان از دلاوری، رشادت، و چابکی سوار نظام پارت و مهارت آنان در تیراندازی و نیزه زنی نوشته اند و همچنین مطابق آنچه که از رویدادهای جنگی دو دولت برمی آید میتوان گفت که پیروزیهای چشمگیر دولت اشکانی در نتیجه تلاشها و دلاوریهای رسته سوار نظام پارتی بوده است، و از اینرو است که رسته اصلی ارتش ایران در دوره اشکانی رسته سوار بوده و اطلاعاتی را هم که نویسندگان غربی داده اند بیشتر درباره سوار نظام است.

برخی از ترادادها و آداب لشکری:

چنانکه از نوشته های تاریخ نویسان برمی آید بجز قوای ساخلو پایتخت و برخی از شهرهای مهم و بزرگی که در فصلهای مختلف سال اقامتگاه سلطنتی بوده و همچنین نگهبانان و پاسداران بعضی از دژها و دربند های مهم نظامی، سپاهیان پارت بصورت يك ارتش همیشگی و دائمی در مراکز معین جمع نبوده و فقط بهنگام جنگ احضار میگرددند و بشکل چریک اداره میشدند.

ترتیب احضار سپاهیان نیز بدینسان بوده است که بهنگام لزوم پیکهای سواره از سوی دولت بتمام نقاط کشور روانه میشدند و از بزرگان، امراء و نجبای پارت

وحکام ولایات میخواستند که هر یک قوای اسب و اسلحه و تجهیزات، مجهز کنند و مراکز تعیین شده اعزام دارند.

بیشتر افراد ارتش از سوی نجبا و بزرگان پارت فرستاده میشد و خودشان نیز در نبرد ها شرکت میجستند، چنانکه «ژوستن» میگوید در جنگ پارتیها با کراسوس، چهارصد تن از بزرگان پارت حضور داشتند.

سواران برخی از بزرگان بچند هزار نفر میرسیده، چنانکه پلوتارک بهنگام تعریف از سورنا نوشته است، او بتنهائی ده هزار تن مرد رزم آور داشته است. پس میتوان گفت که قسمتهای اصلی ارتش دولت اشکانی را پارتیها و نیروهای کمکی افراد رزمنده سرزمینهای تابعه تشکیل میداده اند. زندگی سربازان پارت بسیار ساده بوده و تحمل آنان در برابر ناگواریها و سختی های جنگ و گرما و تشنگی مایه شگفتی رومیان بوده است.

پارتیها از نبرد های شبانه دوری میجستند و بهنگام تاریک شدن هوا دست از کارزار میکشیدند و دور از دشمن اردو میزدند تا خود و اسبهای خویش را با استراحتی کامل برای پیکار بعدی آماده کنند.

از ارا به های جنگی و گردونه های داسدار دوره هخامنشیان در ارتش پارت اثری دیده نمیشود. ولی برای ترابری بار و بنه و وسائل اردو و بویژه حمل جنگ افزار هزاران شتر و ارا به بکار میبردند، بطوریکه رومیان گفته اند سواران پارت در هیچ یک از نبردها از حیث جنگ افزار و مهبات در مضیقه نمانده اند. سواران پارت بهنگام حمله بدشمن به صدای بلند رجز خوانی و هیاهو میکردند و طبلهای کوچکی را که جلوی زین اسبانشان می آویختند به صدا درمی آوردند و بطوریکه از نوشته های پلوتارک برمیآید این صداها در تزلزل روحیه رومیان تأثیر زیادی داشته.

سوار نظام اشکانی :

سوار نظام ایران در دوره اشکانیان شامل سوار نظام سبک اسلحه و سوار نظام سنگین اسلحه بود.

سوار نظام سبک اسلحه عامل حرکت و مانور بود و جنگ افزار آنان منحصر به تیروکمان و بیشتر برای حرکات سریع سواره، عملیات تاخیری، دستبرد، اکتشاف و پوشش بکار میرفته. زبردستی و مهارت سواران سبک اسلحه در تیراندازی به اندازه ای بود که بهنگام تاخت به چابکی روی زین برمیگشتند و در جهت های مختلف تیراندازی میکردند که باین روش تیرشان کمتر به خطا میرفت. در آغاز نبرد دسته های سوار سبک اسلحه از هر سو به دشمن حمله ور میشدند و بشدت قوای او را تیر باران میکردند. چنانچه دشمن دست به حمله میزد از در آویختن و پیکار تن به تن دوری میجستند و بایک مانور عقب نشینی میکردند ولی دست از تیراندازی و آزار دشمن برنمیداشتند. عقب نشینی سوار نظام سبک اسلحه پارت در جنگ بارومیان چون در ظاهر به فرار همانند بود، سواران رومی به تعقیب آنان میپرداختند ولی به آنان نمی رسیدند زیرا سرعت و چابکی پارت شگفت انگیز بود و به این ترتیب نظم صفوف قوای روم بهم میخورد و افراد پراکنده و فرسوده میشدند. پارتها در این هنگام بابرگشت ناگهانی خود رومیان را به

باران تیر میگرفتند و با حمله های نامنظم خویش آنان را عاجز و زبون می ساختند سپس از جلوی دشمن پراکنده میشدند و جای خود را به سوار نظام سنگین اسلحه میدادند و آنها نیز با وارد ساختن ضربت های شدید قوای دشمن را درهم می شکستند، که برای نمونه میتوان جنگ سورنا با کراسوس و نبرد فرهاد با آنتوان را نام برد.

سوار نظام سنگین اسلحه :

کار این رسته ضربت و جنگ نزدیک بود. این سواران سراپا پوشیده از آهن و پولاد میشدند و جنگ افزار پدافندی آنان شامل جوشن چرمی بلندی بود که تا زانو میرسید و بر روی آن قطعاتی از آهن و پولاد میدوختند.

کلاه خود فلزی آنها تا پشت گردن و بخشی از صورت را محفوظ میداشت و شلوار چرمی آنان نیز تا روی پا میرسید. آنان اسب های خود را با برگستوانی از چرم شتر می پوشاندند که روی آنها قطعاتی از آهن و پولاد صیقلی و براق بشکل پر مرغ دوخته شده بود. اما راجع به اینکه این سواران سپر هم داشته اند یا نه تنها پلوتارک نامی از سپرهای پوست برده است.

جنگ افزار آفندی این سواران عبارت بود از نیزه های محکم بطول دو متر و قدرت بازوی سوار درنیزه زنی باندازه ای بود که غالباً با یک ضربت دونفر را بهم میدوخت. بعلاوه یک شمشیر کوتاه دو دمه یا یک کارد بکمر می آویختند که در پیکار تن به تن بکار می آمد. برخی از سواران سنگین اسلحه تیروکمان نیز با خود داشتند.

پیاده نظام :

در ارتش پارت، پیاده نظام اهمیت چندانی نداشت و تعداد نفرات این رسته نسبت به سوار نظام بسیار کم بود و فقط برای حفاظت و پاسداری اردوگاهها و نگهداری دژها و خدمات اردویی از آنان استفاده میشد.

رده های جماز :

همانگونه که در نبرد اردوان پنجم با سپاهیان روم دیده میشود پارتها رده های جماز هم داشته اند. ولی از نوشته ها چنین برمی آید که قسمت های جماز فقط در اواخر سلطنت اشکانیان بوجود آمده و در حقیقت جانشین سوار نظام سنگین اسلحه بوده است. بهر حال در این نبرد گلوله های کوچک و خارداری بر پهنه نبرد پاشیدند و پای شتران آسیب دید و باین ترتیب از سرعت حرکتشان کاسته شد. از این رو در دوره های بعدی از قسمت جماز در ارتش ایران نشانی دیده نمیشود.

برای آگاهی از چگونگی دلاوری و رشادت پارتها در پایان این مطلب به قسمتی از نوشته ژوستن مورخ رومی می پردازیم که مینویسد. «باید باشگفتی و تحسین» به دلاوری پارتها نگریست. پارتها در نتیجه رشادت خود مردمی را که در نیرومندی با آنان برابری داشتند تابع خویش ساختند، حتی دولت روم در زمانی که به اوج قدرت خود رسیده بود سه بار با بهترین سردارانش به آنان حمله برد ولی دریافت پارتها یگانه مردمی هستند که نه تنها با رومیان برابرند بلکه فاتح رومیها محسوب میشدند.»

پایان

آیا پیروزی در جنگهای نامنظم ممکن است

مانده از صفحه ۹۱

ارتشی یا غیرارتشی باشد باید خصوصیات شخصی او در همه مراحل تبرد مورد توجه و ملاحظه قرار بگیرد.

وقتی مقامات غیر ارتشی کنترل عملیات را از دست دادند بایستی مناطق هدف زیر کنترل عوامل ارتشی در آیند. خطر بزرگ در موردی امنیت ملی را تهدید مینماید که اختیارات روشن نباشد. در چنین موردی، وحدت تلاش عناصر شورشی بدون شك از این شكاف بهره برداری مینماید.

در سال ۱۹۴۱، کمیته مرکزی حزب کمونیست ویت نام استراتژی جبهه های متشکل را با ایجاد جبهه ویت مین ارائه نمود. «بمنظور انجام هدف ها، نیروهای همه هندوچین باید متمرکز گردند، آنها که میهن خود را دوست دارند، در داخل يك جبهه متحد شوند و بانبروی تازه به جنگ ادامه بدهند، کلمه جبهه در میان واژه های جنبش های انقلابی، آنچنان عادی و معمولی شده است که نزدیک است اهمیت اصلی آن فراموش شود.

در الجزیره، ویت نام و ونزوئلا، جبهه های آزادی بخش ملی تشکیل گردید.

در تعریف واژه جبهه میتوان گفت که جبهه عبارتست از يك گروه احزاب و سازمانهای مشابه سیاسی مجزا و منفرد که بمنظور رسیدن بیک هدف واحد بطور موقت باهم متحد گشته اند، عناصر شورشی تشکیل جبهه را از آن نظر با ارزش میدانند که در مراحل نخست تنها هستند و از پشتیبانی همگان برخوردار نیستند. از آنجا که هدفهای دوربرد آنها معمولا مغایر آماجهای آنها است که به پشتیبانی آنها احتیاج دارند، موقتا هدفهای خود را تا حد لازم تعدیل

مینمایند تا بتوانند از پشتیبانی دیگران برخوردار شوند. بدین ترتیب با پوشش هدفهای غائی خود، عناصر شورشی همه شکل سازمانهای مخالف دولت را بدور خود بوجود آورند. این عناصر، در عین حال با حفظ سازمان حزبی منضبط خود در جوار جبهه تازه تشکیل یافته در حالیکه بظاهر از هدفهای نزدیک برد جبهه پشتیبانی مینمایند در قفا هدفهای دور برد خود را دنبال مینمایند. و همزمان، بارخنه در دیگر سازمانها، کنترل اصلی جبهه را در دست میگیرند. درسوی دیگر، حکومت آزاد مخالف، درمی یابد که جبهه مسائل و مشکلات مختلفی را بوجود آورده است.

دولت نمیتواند بفهمد که چه نیروی داخلی یا خارجی از شورشیان پشتیبانی مینماید و هدفهای واقعی آنها را نمیتواند تشخیص دهد. هم از نظر سیاسی و هم از نظر ارتشی، دولت درمی یابد که بایک دشمن مخفی در جنگ هست، با دشمنی درستیز است که نمیتواند از مقدرات سیاسی و دیپلماسی خود بر علیه آن استفاده نماید. در نتیجه، حکومت پشتیبانی چشم گیری را از دست میدهد. دستورها و فرامین او مبهم و گنگ خواهد بود، و این همان چیزی است که شورشیان میخواهند. چگونه میتوان با استراتژی جبهه روبرو شد؟ بهترین شیوه روبرو شدن با این استراتژی این است که همه تلاشها بعمل آید تا از تشکیل قانونی این جبهه جلوگیری شود و سعی گردد که از گرایش آن بمخالفت مسلحانه جلوگیری شود و در عوض خود بتشکیل جبهه مبادرت نماید، از نیات واقعی شورشیان آگاه شود و از سازمانها و فعالیتهای پنهانی آنها با خبر بشود و سازمانهای آنها را از هم بپاشد و تخم نفاق در میان عناصر

متشکله جبهه بکار دو بجلب پشتیبانی مردم بپردازد.

اثر استراتژیهای انقلابی را بروی حکومت میتوان به اثر کوه یخ شناور تشبیه ساخت. استراتژی های طولانی نمودن جنگ، جنگ مردم، ارعاب و وحشت، وحدت تلاش و جبهه متشکل نه تنها اثر قاطعی در عرصه آشکار نبرد دارد، بلکه بطور زیرزمینی در میان مردم وجائیکه پشتیبانی مردم را از حکومت سلب مینماید نیز پنهان گشته است.

استراتژی طولانی نمودن نبرد در حالیکه در آغاز بی اهمیت جلوه مینماید و در آخر به تخریب روحیه و نگرانی مردم منتهی میشود به آرامی مقاومت را دامن میزند.

استراتژی جنگ مردم در پنهانی مردم را سازمان میدهد و از آنها بهره برداری مینماید و همزمان، پاسخگوئی مناسب دولت را کاهش میدهد. استراتژی ارعاب و وحشت، مردم را ترس و مطیع میسازد و دولت را بدون استفاده از مقررات سخت کنترلی و جزائی از اجرای اقدامات ضد ارعاب و وحشت باز میدارد. وحدت ضروری وسایل سیاسی، فرهنگی و نظامی در جنگهای شورشی مغایر با سیستم حکومتی آزاد میباشد. سرانجام، استراتژی جبهه متشکل، هویت و هدفهای واقعی جنبش های شورشی را پنهان میدارد. در نتیجه حکومتها بدرگیر شدن با قسمت بیرونی و آشکار کوه یخ دلخوش و راضی میشوند و از دست زدن به اقداماتی که لازم برای درهم کوبیدن قسمت پنهانی کوه یخ است، بخاطر اینکه مغایر سیستم حکومتی آزاد آنها است خودداری میکنند. به همین سبب می بینیم که در طول تاریخ، حکومت ها با این جنبش ها جنگیده اند ولی همواره جنگ را باخته اند.

آیا امکان پیروزی در جنگهای انقلابی وجود دارد؟ پاسخ بدین

در پیرامون دکترین زرهی ارتش شوروی

مانده از صفحه ۱۸

وسرعت درهم شکستن «دفاعی تاکتیکی» دشمن، عوامل مهمی بوده که زمان در دست گرفتن ابتکار عملیات تعاقب را بوسیله یگانهای زرهی معین میکرد.

عملیات تعاقب بطور معمول پس از درهم شکستن یگانهای احتیاط محلی و از هم گسیختن دفاعهای تاکتیکی دشمن در سراسر عمق جبهه آغاز میشد.

در بازپسین مرحله نبرد از تاخیر در شروع عملیات «تعاقب» بطور مداوم کاسته میشد و گاهی این عملیات در همان غروب نخستین روز نبرد بوقوع می پیوست.

از اینرو طرح ریزی کلی عملیات، طرح مقدماتی عملیات «تعاقب» و رانیز در دست که دست کم شامل تعیین جلودارها و مأموریتهای آزمایشی و احتمالی و همچنین تخمین زمانی بود که فرماندهان یگان های زرهی توانستند عقب نشینی دشمن را پیش بینی کنند.

طرح ریزی کامل عملیات پس از آغاز عقب نشینی انجام میشد و شامل موارد زیر بود:

– تجدید نظر در مأموریتهای پیشین و تعیین هدفهای عمیق تر.
– تجدید گروه بندی و اعمال درگونیهای مورد نیاز در «سازمان برای رزم».

– اعزام و تقویت یگانهای شناسائی – پهلودار و جلودار.

– روشن کردن مسائل هم آهنگی با یگانهای همجوار و پشتیبانی هوایی.

سپاه تانک با تغییر آرایش خود بشکل ستونهای راه پیمائی و اعزام یگانهای شناسائی اضافی و در مرحله «تعاقب» میشد و بطور معمول در این مرحله در دورد، بادوتیب تانک در رده یکم و یک تیپ پیاده مکانیزه در رده دوم آرایش می یافت.

سومین تیپ تانک تشکیل جلودار

را میداد که بوسیله یک هنگ توپخانه خودکشی، یک گردان پیاده موتوویژه یک گردان توپخانه کشتی و یک گروهان مهندس تقویت میشد.

بدین ترتیب یگان جلودار می توانست تا مسافت ۲۵ مایلی در جلوی عمده قوا به عملیات پردازد. بطور تعجیلی از رودخانه ها بگذرد و پلها و تقاطع راههای حیاتی را تصرف کرده تا هنگام فرارسیدن عمده قوا نگهدارد. هنگام «تعاقب» عمده قوای پیاده تانک در امتداد ۳ تا ۴ مسیر راه پیمائی بیش میرفت. سپاه درجبهه های به پهنای ۱۰ تا ۶ مایل و ارتش تانک در منطقه ای به ژرفای ۲۰ تا ۳۰ مایل در عملیات تعاقب گسترش می یافت و فاصله بین سپاهها نزدیک به ۶ تا ۷ مایل میرسید.

با چنین گسترشی سپاه و یارانش تانک می توانست در مسیرهای موازی با مسیرهای عقب نشینی دشمن به اجرای عملیات «تعاقب» پردازد و بدینسان نقاط مقاومت و ضربت رادر پهلوها و عقب دشمن دورزند.

یکی از ویژگیهای برجسته جلودار زرهی ارتش شوروی امکان عبور از آبهای عمیق حتی تا ژرفای ۴ متر بود که با کمک تجهیزات ویژه عبور از آب بوسیله تانکها انجام میشد و گذشته از این نیروی جلودار میکوشید بیشترین استفاده را از منابع محلی موجود بکند.

عبور تعجیلی از رودخانه «دنپتر» نزدیک «کیف» در پایان سال ۱۹۴۳ که در بیش از ۱۰ نقطه انجام شده از مثالهای کلاسیک توانائی ارتش سرخ در این زمینه بشمار می آید.

درشش ماه آخر جنگ جلو دار یگانهای زرهی با گردانهای پل شناور گردانهای وسائط آب خاکی و گردان هجومی مهندس (برای از میان برداشتن سریع موانع) تقویت میشد.

ژرفای پیشروی

همچنانکه جنگ به مرحله پایان خود نزدیک میشد بر سرعت پیشروی در تعاقب نیز افزوده میگشت و هنگامیکه در عملیات «ویستول – ادر» سپاه تانک ارتش چهارم سه روزه ۱۲۵

مایل پیش راند، تعاقب باوج خود رسید. این سپاه در دورد آرایش یافته بود اما هر یک از سه تیپ آن در هر ۴۰ تا ۶۰ مایل بنوبت مأموریت جلوداری را بعهده میگرفتند.

بر پایه دکترین زرهی ارتش شوروی تعاقب در روز و شب بشدت دنبال میشد و حتی کوشش میشد که لشار بدشمن در شب بیشتر نگذاشته شود.

در عملیات تعاقب ثابت شد که موثرترین وسیله پشتیبانی آتش برای ارتش و سپاه تانک، توپخانه خودکشی و همچنین نیروهای موشکی است که بوسیله خودروهای حامل سکوی پرتاب حمل میشد.

اما توپخانه کشتی گاهی چنان بکندی پیش میرفت که خارج از برد موثر خود قرار میگرفت.

یک یادوسپاه هوایی با ۳۰۰ تا ۵۰۰ هواپیما در پشتیبانی مستقیم هوایی ارتش تانک در عملیات تعاقب قرار داشت. یگانهای هوایی گذشته از اجرای حملات زمینی، مأموریت های شناسائی مسیرهای عقب نشینی دشمن، تشخیص هدفها و پشتیبانی جلودار را نیز برعهده داشتند.

نارسانیه ها

نارسانیه بزرگی که نیروهای زرهی ارتش شوروی رادر مأموریت عملیات «تعاقب» بویژه در بازپسین مرحله نبرده مخاطره می افکند گاهی ناتوانی یگانهای هوایی در دربرداشتن بانروی عملیاتی احتیاط ارتش آلمان و اجرای عملیات موثر و همچنین نداشتن وسایل پل زنی سازمانی و کمبود خودروهای چرخدار در سپاه تانک بود.

نارسانیه اخیرگاه بگاه سبب میشد که یگانهای پیاده مکانیزه از یگانهای زرهی پاک عقب می ماندند و سپاه تانک بیش از اندازه گسترش می یافت. اما این وضع همچنانکه جنگ به ماههای آخر خود نزدیک میشد همراه با پاره ای اقدامات اصلاحی و باتوجه به عملیات عبور از رودخانه روبه بهبود نهاد.

از عوامل مهمی که جلوگیری از تعاقب عمیق تر و سریع تر میشد مسئله تجدید تدارکات سوخت و روغن بود. پشتیبانی لجستیک برای یگانهای زرهی تا آخرین مرحله نبرد با آلمان همواره بصورت یک دشواری باقی ماند.

فرماندهی و کنترل

فرماندهی و کنترل در نخستین مرحله هر عملیات که یگانهای بزرگ زرهی در آن شرکت می جستند در بیشتر موارد و در تمام رده ها بوسیله تماس شخصی بین فرماندهان یگان های زرهی با یگانهای همپارا انجام میشد. دستورهای کتبی تنها بهنگام نیاز و زمانیکه ضرورتی ازام آور داشت فرستاده میشد.

در مرحله «رخنه» فرمانده ارتش تانک پاسگاه فرماندهی خود را در نزدیکی پاسگاه فرماندهی ارتش مرکب و در منطقه ای برپا میکرد که ارتش تانک باید درگیر عملیات شود. یگانهای پشتیبانی هوایی چند افسر رابط به قرارگاه ارتش تانک میفرستادند.

رویه هر فته یگانهای تانک تا هنگام آغاز پیشروی در سکوت رادیویی بسر می بردند.

عوامل سه گانه

قرارگاه ارتش تانک هنگام درگیری عملیات «استفاده از موقعیت» و «تعاقب» به سه بخش یا عامل تقسیم میشد. نخستین عامل شامل فرماندهان یگان های پشتیبانی (توپخانه، هوایی، مهندس و مخابرات) و گروه عملیاتی کوچکی از استاد ارتش بود.

این گروه فرماندهی بدون فاصله بدنبال یگانهای رده یکم که تلاش اصلی را بعهده داشتند پیش میرفت. دومین عامل، پاسگاه فرماندهی ارتش (رده یکم) را تشکیل میداد. این بخش شامل قسمتهای عملیاتی اطلاعاتی و مخابراتی قرارگاه ارتش تانک و افسرانی از ستادهای فرماندهی یگانهای پشتیبانی بود این گروه همراه بارده دوم سپاه پیشرو حرکت میکرد. لطفا ورق بزنید

سومین عامل شامل عقبه ارتش یکم بود که از تمام قسمتهای ستادی که بطور مستقیم با عملیات رزمی بستگی نداشتند، تشکیل میشد، این گروهها بدنبال عوامل پیشرو ارتش مرکب جابجا میشد.

عملیات نگهداری

دکترین نگهداری ارتش شوروی برپایه سه سطح عملیات نگهداری (جاری-متوسط و سنگین) تنظیم شده بود. هر یک از این سطوح بستگی به دوره های زمانی و وضعیت جغرافیای داشت. دسته های نگهداری سازمانی هنگها، و تیپها برای اجرای عملیات نگهداری جاری (که بسختی میتوان آنرا با نگهداری رده ۲ در ارتش آمریکا سنجید) و کمک به خدمه برای سرویس خودروها سازمان داده شده بود.

از کارهای نگهداری این دسته ها می توان تعمیر و تعویض قطعات آسیب دیده و عملیات جوشکاری و تراشکاری سبک را نام برد. تعمیر و تعویض قطعات در محلی که خودرو از کار باز مانده بود انجام میشد.

این دسته ها بویژه هنگامی که وضعیت به حرکت سریع نیاز داشت کمتر می توانستند زمان درازی را بکجا بمانند مگر آنکه خطر جلا ماندن از یگانهای خود را بپذیرند.

عملیات نگهداری متوسط

«گردان های متحرک تعمیر تانک» سپاه برای اجرای عملیات نگهداری متوسط یا صحرایی سازمان داده شده بود. تعمیر و تعویض قطعات بزرگ فرسوده شده، سوار کردن و تنظیم سلاحهای اصلی و عملیات جوشکاری سنگین و مانند آن از کارهای نگهداری این گردانها بشمار می آید.

این گردانها همچنین بخشی از عملیات نگهداری جاری یگانهای نگهداری رده پائین تر را انجام میدادند و بدینسان از سنگینی بار آنان کاسته میشد.

یگانهای نگهداری تانک قاعدتاً در

مرحله مقدماتی هر عملیات گسترش نمی یافتند بلکه به همراه گروهانهای تخلیه تانک عملیات سرویس فنی را برای یگانهای در حال راهپیمایی اجرا میکردند.

سپس که شدت عملیات رزمی روبهزونی می نهاد گردانهای تعمیر تانک ارتش به تعمیر تانکهای می برداختند که بعملیات نگهداری متوسط نیاز داشت و بوسیله دو گروهان تخلیه تانک به نقطه جمع آوری خودروهای آسیب دیده ارتش تخلیه شده بود.

گردان تعمیر تانک و گروهانهای تخلیه بیشتر در تقویت عوامل نگهداری سپاهها و تیپها بکار می رفتند، بویژه هنگامیکه یگانهای تانک درگیر نبرد سختی بودند و اندازه پیشروی آنها بسیار ناچیز بود.

وقتیکه ارتش تانک عملیات «تعاقب» را آغاز میکرد قسمتهای نگهداری بسختی میکوشیدند که بایگانهای سازمانی خود همراه باشند اما این کار تنها هنگامی امکان پذیر بود که پیشروی ارتش از ۱۲ مایل در روز نمی گذشت و یگانهای نگهداری صحرایی می توانستند تمام عملیات نگهداری جاری و تا ۵۰ درصد عملیات نگهداری متوسط را انجام دهند.

زمانیکه پیشروی روزانه از ۱۲ مایل می گذشت یگانهای نگهداری تانک در این زمان همواره در جستجوی یافتن روشهای تازه ای برای انجام عملیات نگهداری بودند.

نظارت ارتش در کار نگهداری

یکی از دگرگونیهای که در این دزم پدید آمد آن بود که فرماندهان ارتش نظارت بر عملیات یگانهای نگهداری سپاهها و تیپ ها را خود بر عهده گرفتند.

منابع نگهداری ارتش بیشتر مصروف اجرای عملیات نگهداری متوسط و حتی بخشی از عملیات نگهداری جاری میشد و یگانهای نگهداری رده پائین تر توجه خود را بسوی تعمیرات جزئی و اجرای سرویسها معطوف میداشتند.

آمار های ارتش شوروی نشان میدهد که در تمام مدت جنگ ۳۰ تا ۳۵ درصد خودروهای زرهی در ارتش های تانک که در یک عملیات بکارهای نگهداری جاری نیاز داشت، میبایست به تاسیسات ثابت از نوع «دپو» تخلیه میشد. همچنین نزدیک به ۵۰ درصد خودروهای که در یک عملیات رزمی بکارهای نگهداری متوسط نیاز داشت باز میبایست به تاسیسات ثابت تخلیه میشد.

دکترین زرهی کنونی ارتش شوروی

آیا از بررسی و تفسیر دکترین زرهی ارتش شوروی در جنگ جهانی دوم می توان نتایجی برای آینده بدست آورد ؟

مارشال پاول. آ. روتمیسترو سخمگویی دکترین زرهی در سخنرانی خود در ماه دسامبر ۱۹۶۷ آگاهیهای سودمندی در این زمینه بدست میدهد. در اینجا نکات برجسته سخنان او را می آوریم:

«پارهای از گرایشهای اساسی که در مدت جنگ در زمینه کاربرد زرهی آشکار شد عبارت بود از افزایش پیوسته نیروی یگانهای متحرک، تمرکز قطعی روی «معمورتلاش اصلی» و افزایش عمق «سازمان برای رزم» بمنظور تسریع هر چه بیشتر در کار پیشروی.

درگیری «گروههای متحرک» جلو بدنبال گروههای «ایجاد رخنه» یک پدیده نو بود.

این ابتکار بر تاثیر عملیات در عمق جبهه دشمن بسیار می افزود، زیرا نیروهای «گروه متحرک» بدین ترتیب قدرت ضربت خود را دست نخورده نگاه میداشتند.

هر چه درگیری نیرو های متحرک بمنظور تکمیل «رنه» در خط اصلی مقاومت و دومین خطوط دفاعی دشمن از قدرت ضربات این نیروها بهنگام عملیات در عمق جبهه می کاست اما از سوی دیگر به از هم گسیختگی دفاعی تاکتیکی دشمن و تبدیل موقعیت های محلی به موقعیت های

عملیاتی در زمانی کوتاه کمک بسیار میکرد.

این نبرد نشان داد که یگان های تانک بویژه هنگامیکه از سازمان اصلی خود جدا مانده اند برای عبور سریع از رودخانه ها باید وسایل عبور از آب مورد نیاز را در سازمان خود بطور سازمانی داشته باشند.

عبور از آبهای عمیق بوسیله تانکها نیز مورد توجه بسیار واقع شد.

دیگر از آزمونهای که در این نبرد بدست آمد و در خور اهمیت فراوان است، کاربرد هواپیماهای باربری بمنظور تجدید تدارکات سوخت و روغن و مهمات برای یگانهای تانک بود که بسیار دور از عمده قوا به عملیات می پرداختند.

همچنین در این نبرد از اهمیت کاربرد نیروهای زرهی در جلورده یک با مأموریت «رنه» در دفاع ضعیف دشمن و «استفاده سریع از موفقیت» در دفع جبهه، چیزی کاسته نشده.

بدینسان آزمونهاییکه در این نبرد در کار برد نیرو های زرهی بدست آمد.... بویژه نایل شدن به پیشروی به میزانهای زیاد، اهمیت خود را در زمان حاضر نیز حفظ کرده است...

سخنان مارشال روتمیسترو این نکته را بخوبی روشن میکند که دکترین کنونی زرهی ارتش شوروی با آگاهی کامل از رسانی ها و از رسانیهای کاربرد یگانهای زرهی در جنگ دوم جهانی تدوین شده است.

ما باید بپذیریم که دکترین کنونی از یکسو به آزمونهای جنگ گذشته متکی است و از سوی دیگر با مقتضیات تازه سازگار شده است زیرا بر مبنای این موضوع دلیل های بسیار در دست است.

امروز لشکر تانک با سه هنگ تانک (بجای سه تیپ تانک پیشین) و یک تیپ پیاده موتوریزه (بجای تیپ مکانیزه پیشین) جایگزین سپاه تانک زمان جنگ شده است.

بقیه در صفحه ۱۰۶

باحفر کانال آنوس کشتیها برای رسیدن به سواحل جنوبی یونان از طریق این کانال باطی مسافت کمتر زود تر بمقصد می رسیدند مهندس این کانال (آرتاجه) پسر عموی خشایارشا بوده است که پل روی تنگه داردانل که در آن زمان هل اسپونت نامیده میشد و برای عبور سپاهیان ایران از آسیا به اروپا زیر نظر او ساخته شده بود. امور مالی کشور در مرکز مورد بررسی قرار می گرفت و میزان مالیات هر ساتراپ بدقت از روی درآمد کشاورزی و دامپروری و تجارت آن ناحیه تعیین میگردید و برحسب احتیاجات حکومت مرکزی بصورت نقدی یا جنسی دریافت میشد.

داریوش برای سهولت امر تجارت و مبادله کالا فرمان داد که سکه طلا ضرب نمایند. از این زمان مسكوك طلا در بازارهای داخل و خارج مداول گردید برای اولین مرتبه گامی برای پیشرفت اقتصادی کشور برداشته شد زیرا تاآن روز معاملات بصورت مبادلات جنسی انجام می گرفت پل شاهی سکه طلا بوده و در طرف چندین قرن در ایران و کشور های مجاور بنام داریکه رایج بود برحسب درآمد محلی ساتراپها اجازه داده شده بود که سکه نقره یا مسی ضرب نمایند و باین صورت بود که رشد و نمو اقتصاد پولی در کشور موجب توسعه بازرگانی گشت.

داریوش بزرگ برای بالابردن نیروی اقتصادی و سهولت لشکر کشی و برقراری ارتباط ساتراپها اقدام به احداث شبکه ارتباطی نمود که مراکز ساتراپها را بیکدیگر وصل مینمود.

مثلا شاهراهی بطول تقریبی ۱۵۰۰ میل از سارد بشوش در زمان وی احداث گردید که ادامه آن به پاسارگاد منتهی میشد.

برای اولین بار سیستم پست بوسیله چاپار در ایران بوجود آمد در طول راههای ساخته شده بفاصله هر ۲۵ کیلومتر يك چاپار خانه

بعنوان منزلگاه برای استراحت مسافرین و تعویض مامورین و پستها بوجود آورده شد.

وجود این چاپارخانه ها بود که فرامین شاهی و گزارشات ساتراپها در کوتاهترین مدت ممکن به مراکز فرستاده میشد.

هرودوت گوید: هنگامیکه خشایارشا آتن را فتح نمود خبر پیروزی ایرانیان از همین راه در مدتی کمتر از يك شبانه روز به شوش واصل گردید.

وهم او گوید که ایرانیان برای رسانیدن خبر از منطقه ای بمنطقه دیگر با افروختن آتش بر بالای برجهای مخصوص اخبار ناحیه ای را بمنطقه دیگر مخابره میکردند این راهها نه تنها شایانهای اجتماعی و اقتصادی محسوب میشدند بلکه در امور سوق الجیشی نیز اهمیت بسزائی داشتند. فرهنگ زمان هخامنشی ترکیبی بود از فرهنگ ملل زیرا محترم شمردن عادات نیکو و رسوم پسندیده از اخلاق و خوی ایرانیان بویژه شاهان بوده زیرا آنان بهترین وسیله تحکیم مودت و دوستی را درهم آمیختن آداب و رسوم ملل مغلوب میدانستند و بدین ترتیب مغلوبان را مورد لطف و عنایت قرار میدادند که بدینوسیله سبب بسط فرهنگ و هنر بین مردم عصر خود میشدند اوضاع زمان و تدابیر پادشاهان هخامنشی در ساتراپهای جدید خود که بصورت ایالات متحده در آمده بود ایجاب میکرد تا این آمیزش هرچه بیشتر توسعه یابد. این اقدام باعث شد که فرهنگ و هنری در ایران بوجود آید که امتزاجی بود از فرهنگ یونانیان و آشوریان و ایلامیان و ایرانیان اسناد تاریخی که اذدل خاك بیرون آمده اند شاهد این ایده پادشاهان هخامنشی اند.

در دنیائیکه پادشاهان ستمگر آشور پس از اینکه سرزمین را اشغال مینمودند تمام مردان منطقه اشغالی را از دم تیغ می گذراندند و فرزندان و زنان آنها را بصورت برده می فروختند و بآن افتخار می ورزیدند.

مثلا در سنك نبشته ای که از

آشور بآنی پال پادشاه آشور در شوش بدست آمده اینطور نوشته است پس از آنکه بر سرزمین خوزستان دست یافته تنها اجازه داده ام ماران و موران و جانوران بیابان در اینجا زندگی کنند.» در برابر اقدامات وحشیانه آن زمان کوروش و دیگر شاهان هخامنشی این سنت ستم کارانه را بر اساس ایده ثلوثی های ایرانی برهم زدند و ملل مغلوب را آزادی می دادند و اسیران را از قید و بند رهایی میکردند.

بی جهت نیست که در کتاب مقدس تورات کوروش را شبان خدا و بصورت پیغمبری ستوده اند و بجرأت میتوان گفت که کهنترین منشور آزادی بشر همان فرمانی است که کوروش پس از فتح بابل صادر نمود و در آن حقوق و آزادی ملل مغلوب را تأیید کرده است. شهریاران هخامنشی پس از استوار ساختن بنیاد شاهنشاهی خود چنان به بسط عدل و دادگری که اساس هر پیشرفت و ترقی است اهمیت می دادند و بحفظ قانون پابند بودند که این جمله « مگر قانون پارسی است که لایتغیر باشد » در میان یونانیان ضرب المثل شده بود.

چنانکه در تاریخ ها آمده است کمیوجیه پسر کوروش يك قاضی را که رشوه گرفته بود دستور اعدام او را صادر نمود و فرمان داد تا از پوست او زیراندازی ساختند که قضات هنگام قضاوت بر روی آن می نشستند از این فرمان چنین استنباط میگردد که قضات آگاه باشند که سرنوشت قاضی رشوه خوار چیست و هنگام قضا جز حق و عدالت رأی ندهند و هیچ عاملی نتواند در رأی آنها موثر باشد با بررسی تاریخ مختصر پادشاهان بزرگ هخامنشی چنین استنباط میشود که پیروزی های درخشان آنان متکی بر جهانداری و نحوه رفتار آنان باملل مغلوب بوده است که توانسته اند هزاران سال پیش حکومتی را بنیان گزارند که باوجود فراز و نشیبهای زیاد هنوز هم الواح بجا مانده از آنها اوراق زرین تاریخی اند که چون خورشید فروزان پرتوافکن میباشند.

مسلسل

ترجمه : سروان مخابرات ایرج آذرین

وسیر تکاملی آن



کولاس انجام میگرفت و سرعت تیراندازی بستگی به خدمه مسلسل داشت .

«اولین مسلسلی که میتوان اسم آنرا مسلسل گذاشت»
در سال ۱۸۸۳ آقای (هرمان ماکسیم) در امریکا مسلسلی بنام تفنک ماکسیم ساخت ، که عمل تغذیه آن بوسیله عقب رفتن کلنگدن و توسط يك فنر صورت میگرفت و در هر دقیقه ۱۰۰ گلوله تیراندازی میکرد و عمل تغذیه و مسلح شدن بطور خودکار و اتوماتیک صورت میگرفت .

البته تا آن زمان مسلسل ماکسیم در نوع خود نمونه و بی نظیر بود ، اصول تکنیک آن تا با امروز بقوت خودباقی مانده و ارزش خودرا از دست نداده است .

آقای ماکسیم در سال ۱۸۸۷ در جنوب Kensington مسلسل ساخته شده خود را بمعرض نمایش و آزمایش قرار داد و عمل خودکار این سلاح برای مردم تعجب آور و يك عمل خارق العاده بشمار میرفت و همچنین سرعت تیراندازی آن واقعاً چشمگیر بود .

بعد از اختراع مسلسل توسط ماکسیم - اشخاص دیگری مانند هوچکس ، شوارتس لوزه ، کلت ، برونیک ، برگمان ، مادزن ، دریزه و سکودار تا سال ۱۸۹۰ در این زمینه فعالیت های زیادی نمودند ، که اهم مسلسل های سه نفر از آنها بشرح زیر ساخته شده و تا اندازه ای موفقیت آمیز بود .

۱- ماکسیم - عمل تغذیه مسلسل توسط عقب رفتن کلنگدن .

۲- هوچکس - عمل تغذیه توسط گاز صورت میگرفت .

۳- شوارتس لوزه - لوله مسلسل ثابت مانند ژ-۳ و عمل تغذیه بکمک عقب و جلورفتن کلنگدن .

اولین خریدار مسلسل ماکسیم کشور سوئیس بود ، که تعداد زیادی جهت سوار نظام خود خریداری

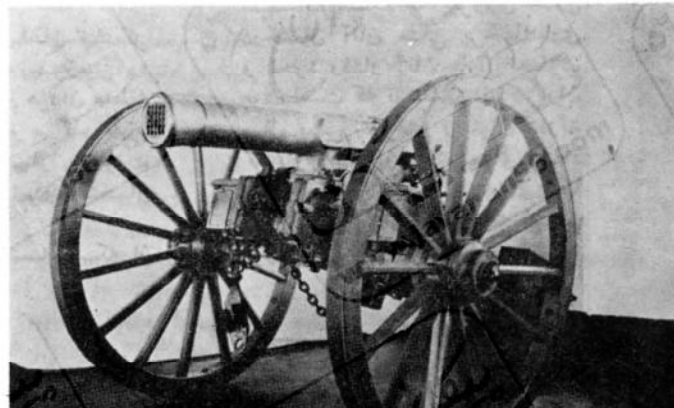
صبحه های نبرد در قرن نوزدهم گسترش امروز را نداشت . وسعت و دامنه عملیات یگان های شرکت کننده در رزم محدود و منحصر بیک یا چند جبهه بیشتر نبود و غالب اوقات جنگ ها بصورت محلی و پراکنده در بین مردم دیده میشد ، ولی در حال حاضر کشورهای دنیا سعی دارند که در زمینه سیاسی و رزمی با هم همکاری نزدیک داشته باشند . قبل از اختراع مسلسل توپ مهم ترین سلاح رزمی بود و فقط انسان میکوشید که سرعت و قدرت آتش آنرا زیاد نماید و برای توپ فقط دو راه پیشرفت و توسعه فنی وجود داشت .

۱- تیراندازی از چند لوله متعلق به يك توپ بطور هم زمان .

۲- افزایش گلوله های يك توپ بمنظور افزایش قدرت آتش .

در سال ۱۶۰۴ اولین توپ با ۶۴ لوله که پهلوی یکدیگر طبق شکل (ب) قرار گرفته بودند ، ساخته شد . بنیان گذار و سازنده مسلسل را میتوان Canon, à balles فرانسوی نامید . این مسلسل شباهت کاملی بتوپ داشت و لوله آن از ۲۵ لوله فرعی با کالیبر ۱۳ میلیمتر درست شده بود .

۲۵ لوله فرعی تماماً دارای يك کولاس بودند و فشنگ گذاری هر لوله با گردانیدن دستگیره عقب





کرد. در همین اثنا کشورهای فرانسه، روسیه، پروس و اطریش در این زمینه فعالیت‌های زیادی نمودند و اکثر با مشکلات زیادی روبرو شدند.

در سال ۱۸۹۴ ارتش آلمان (پروس) در جلوی ویلهلم دوم نمایشی با مسلسل نمونه ماکسیم داد، و همین امر باعث شد که کارخانجات آلمان تا سال ۱۸۹۵ از این نوع مسلسل بسازند و دستور ساختن آن به اکثر کارخانجات اسلحه سازی آلمان داده شد.

اولین استفاده رزمی از مسلسل.

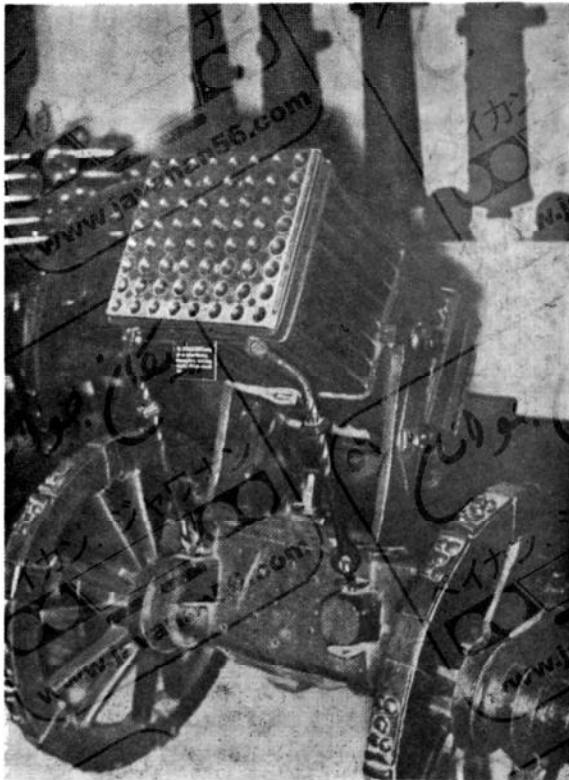
اسلحه نوظهور یعنی مسلسل برای اولین مرتبه در جنگهای مستعمراتی مورد استفاده قرار گرفت، سال ۱۸۹۳ در جنوب آفریقا (زامبیا) یکده ۵۰ نفری از سربازان انگلیسی با در دست داشتن ۴ قبضه مسلسل در مقابل ۵۰۰ سکنه آنجا جنگیدند - حادثه دیگری در سال ۱۸۹۵ در افغانستان روی داد، که مجدداً ۳۸ سرباز انگلیسی با در دست داشتن ۲۰ قبضه مسلسل ۱۲۰۰۰ نفر از اهالی آنجا را کشته و ۱۶۰۰۰ نفر را زخمی کردند. از این اسلحه خطرناک در سالهای ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲ در Burenkrieg (آفریقای جنوبی)

نیز استفاده شد و در صحنه‌های نبرد منچوری بین روسیه و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ از مسلسل برعلیه یکدیگر استفاده گردید و تلفات سهمگینی بطرفین وارد شد.

اولین مسلسل در خدمت ارتش آلمان.

ظهور این اسلحه و آشکار شدن ارزش آن در میدان های رزم، دولت های نیرومند اروپائی را برآن داشت، که ارتش های خود را با آن تجهیز نمایند. در آن زمان هر هنگ پیاده ۶ قبضه مسلسل در اختیار داشت و دولت انگلستان تا سال ۱۸۹۸ هرگردان پیاده و هنگ سوار خود را با یک دسته مسلسل که شامل دو قبضه بود سازمان داد که وسیله حیوانات حمل می شد.

در اکتبر ۱۹۰۱ کشور آلمان اولین مسلسل



شکل (ب)

ماکسیم نمونه ۰۱ که قسمت اعظم آن از برنز و تقریباً ۶۵ کیلو وزن داشت در سازمان یکان های آلمانی قرار داد و مسلسل سری ۰۳ که قسمت اعظم آن را آهن تشکیل میداد، دارای ۷۵ کیلوگرم وزن بود. از سال ۱۹۰۷ گروهان های پیاده با مسلسل سری ۰۸ مجهز شدند که ۵۳ کیلوگرم وزن داشت. در سال ۱۹۱۳ بهر یک از هنگهای آلمان تعدادی از این مسلسل تحویل داده شد و گردان های سوار هر کدام دارای یک گروهان مسلسل بودند.

در جنگ جهانی اول کشور فرانسه تعداد ۵۱۰۰ قبضه و کشور آلمان ۳۵۰۰ قبضه مسلسل در اختیار داشت. لطفاً ورق بزنید





مسلسل در جنگ جهانی اول

در جنگ جهانی اول هنوز سربازان پیاده بطور دستجمعی با فواصل خیلی کم از یکدیگر می‌جنگیدند و آتش گروهان پیاده توسط فرمانده گروهان هدایت می‌شد و در این موقع مسلسل تنها اسلحه‌ای بود که با آن می‌شد عده زیادی از افراد پیاده را بایک رگبار از پای درآورد.

بالاخره ظهور موفقیت آمیز مسلسل در صفوف پیاده نظام درخشیدن گرفت، ارزش این اسلحه نه تنها از نظر دفاع قابل اهمیت بود، بلکه بمنظور حمله و درهم شکستن صفوف دشمن ارزش زیادی داشت.

برای فرماندهان یگان‌های بزرگ مسلم گردید، که قدرت آتش یک گروهان با بودن یک مسلسل دوچندان می‌شود و همیشه مسلسل‌ها را در نقاط بسیار حساس و بر اهمیت مستقر می‌نمودند.

اثبات این اصل در هفته‌های اول جنگ کاملاً بحقیقت پیوست و در هر دو طرف جبهه از آن بعنوان آتش اصلی بر علیه دشمن استفاده می‌کردند. مثلاً در جنگ واترلو یک مسلسل موفق شد با آتش دائم خود یک هنگ سوار بلژیک را از صحنه‌های نبرد خارج نماید (۱۶ اوت ۱۹۱۴).

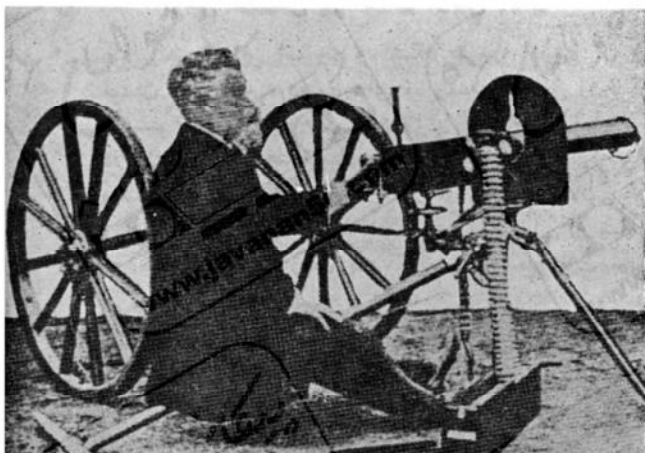


همچنین باید حمله ۱۰ نوامبر ۱۹۱۴ ارتش آلمان در لاگن مارک را بخاطر آورد. باتمام این توضیحات باید اذعان نمود که رگبارهای مسلسل توانست انسان‌ها را از صحنه‌های نبرد با آتش خود درون نماید. وقتی در جبهه غرب پائیز ۱۹۱۵ قوای انگلیسی در مواضع آلمانی‌ها شکافی بوجود آوردند، فقط چند مسلسل توانست از ادامه نفوذ آنها جلوگیری نماید. از آن زمان بعد استقرار چند مسلسل در صفوف مقدم جبهه بمنظور جلوگیری از نفوذ دشمن و سد کردن راه آن (با استتار کامل) در درجه اول اهمیت قرار داشت.

مسلسل در خدمت نیروی زمینی، دریایی، هوایی

با آغاز جنگ جهانی اول تمام ارتش‌ها سعی کردند تا برای امکان پشتیبانی مؤثر و داشتن قدرت آتش بیشتر از مسلسل استفاده نمایند. در سال ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ هر گردان آلمانی طبق طرح قبلی که دارای ۵ گروهان بود یک گروهان را تخصیص بمسلسل داد. هنگامی سوار دارای یک اسکادران مسلسل بود و علاوه بر این ۸۶ قسمت مسلسل بطور مستقل وجود داشت.

در همین اثنا هواپیماهای شکاری و جنگی مجهز به مسلسل MG-08 گردیدند که بعداً مسلسل سبکتری از همان سری بنام MG-81۵ را که در تمام جهات قادر بتیراندازی بود مورد استفاده قرار دادند



مغز الکترونیکی در پژوهشهای دانش پزشکی

هنوز داروی معجزه‌آسای ضد بیماری سرطان در دسترس نیست . شاختن علت پیدایش این بیماری فقط از طریق پژوهشهای طاقت فرسای بیولوژی مولکولی و بیوشیمی ممکن خواهد بود .

خوشبختانه امروزه مدلها و سیستمهای دقیق‌تری برای تجزیه علل پیدایش سرطان در دسترس است . در این زمینه دانشمندان آلمانی نیز نقش مهمی ایفا نموده و نتایج شایان توجهی بدست آورده اند . از آن جمله در مرکز تحقیقات سرطانی هایدلبرگ پیوسته کمیوتورهای نوینی در خدمت دیاگنوستیک قرار داده میشوند . همچنین در زمینه ترموگرافی که تشعشعات حرارت سراسر بدن را اندازه‌گیری میکند ، امکانات نوینی در اختیار تجزیه علل بیماری سرطان قرار گرفته است .

مشکل تحقیقات سرطانی در این مسئله نهفته است که يك غده سرطانی هنگامی بوجود می آید که نمیتوان آنرا حتی با میکروسکوپ الکترونی تشخیص داد . آنچه را که سالها قبل مظاهر اولیه سرطان میدانستند امروزه آغاز واقعی بیماری مزبور تلقی نمیگردد . از این رو محققان بیولوژی مولکولی و بیوشیمی در سراسر جهان میکوشند مرحله صامت ماکروسکوپی سرطان را از نظر بیولوژی روشن سازند .

اما برای این منظور تعداد زیادی پزشک لازمست که فعلا در دسترس نیستند . مثلا در آلمان فدرال برای انجام این امر تحقیقاتی احتیاج به ۳۰۰۰ پزشک متخصص دارند ، در حالیکه اکنون فقط ۳۰۰ نفر در دسترس میباشند .

چون نمیتوان این خلاء را سرعت و بسپولت پر کرد ، مرکز تحقیقات سرطانی هایدلبرگ کمپیوتور را جانشین پزشک متخصص ساخته و پیوسته از تعداد بیشتری کمپیوتور بهره برداری میکند .

تنها در پرتو تجزیه ها و آمارگیری سیستماتیک از بیمارهای سرطانی ، با توجه بشرایط جغرافیایی و زندگانی اجتماعی ، سن ، حرفه و جنسیت ، خواهند توانست اطلاعات ارزنده ای را برای مبارزه با سرطان بدست آورند .

مطبوعات جهان

وبهمین ترتیب در نیروی دریائی هم استعمال مسلسل در مرحله عمل درآمد و همه ارتش های دنیا سعی میکردند که از لحاظ تجهیزات گان های خود با مسلسل نسبت به ارتشهای سایر کشور ها سبقت جویند .

توسعه و پیشرفت در ساختمان مسلسل

مسلسل (MG - 08) که برد آن ۳ هزار متر و ۵۳ کیلوگرم وزن داشت مسلسل استاندارد یگان ها بشمار میرفت . بعد از مدتی در سال ۱۹۱۸ مسلسل دیگری بنام MG - 08118 که با هوا خنک میشد ساخته شد و وزن آن ۱۲٫۵ کیلوگرم یعنی تا اندازه سنگین بود و بانقر حمل میشد و با آن تقریبا مانند تفنگ باقرار دادن در گودی شانه تیر اندازی میکردند . در سال ۱۹۳۱ مسلسل دیگری بنام ۱۳ - MG ساخته شد که دارای دو پایه بمنظور استقرار در روی زمین بود و خشاب آن ۲۰ فشنگی و کالیبر آن ۷٫۹ میلیمتر و وزنش ۱۳ کیلوگرم بود .

مسلسل ۳۴ - MG

بعد از مدتی مسلسل جدید دیگری بنام ۳۴ - MG بخدمت نیروهای نظام درآمد که کاملا جدید و تقریبا کامل بود . این مسلسل با هوا خنک میشد و با دو پایه ۱۲ کیلوگرمی و با سه پایه عقبی ۳۲ کیلوگرم وزن داشت . این مسلسل قادر بود در هر دقیقه ۱۰۰۰ گلوله تیر اندازی نماید و برای سالها این مسلسل در ارتش ها مسلسل استاندارد بود .

در شروع جنگ جهانی دوم ارتش آلمان دارای ۱۲۷۰۰۰ قبضه از این نوع مسلسل بود و هر هنگ پیاده ۱۰۸ مسلسل داشت که می توانست تا مسافت ۳۵۰۰ متر تیر اندازی نماید .

مسلسل ۴۲ - MG

یکی دیگر از انواع جدید مسلسل که در خدمت ارتش قرار گرفت ۴۲ - MG از سری مسلسل ۳۴ - MG بود . این مسلسل سبکتر از مسلسل قبلی ، خوش دست ، قابل حمل و نقل و بی نیاز به روغن کاری بوده ضمنا ارزانتر از مسلسل قبلی تهیه میشد . بالاخره مسلسل ۱ - MG که مدرنترین مسلسل موجود در ارتش آلمان میباشد و در اغلب کشورهای نیرومند دنیا از آن استفاده میکنند دارای ۸ کیلوگرم وزن است و نحوه کار و ارزش رزمی خود را در جنگ جهانی دوم بخوبی نشان داده است و امروز با مسلسل های موجود دنیا برابری می نماید .

پیرامون دکتربین زدهی ارتش شوروی

مانده از صفحه ۱۰۰

در این سازمان لشکر تانک نزدیک به ۳۰۰ تانک و تانک‌هاک دانسته شده دارای یگانهای زیر است:
موشک تاکتیکی سازمانی-توپخانه-
دفاع هوایی متحرک - موشک‌انداز -
های چند لوله‌ای و پل شناور .
لشکر پیاده موتوریزه جدید
جایگزین سپاه مکانیزه زمان جنگ
شده و ارتش شوروی بارها دعوی
کرده است که این لشکر تازه نسبت
به سپاه مکانیزه پیشین دارای قدرت
آتش و تحرک بیشتری است .

باید دانست که دکتربین زدهی
کنونی ارتش شوروی میزان های
پیشروی بیش از ۳۰ مایل در روز را
ممکن میدانند کوتاه سخن ،
این دکتربین بر پایه آزمونهای جنگ
جهانی دوم و اعتماد به امکانات لشکر
و ارتش تانک جدید استوار است .
پایان

بزرگ منشی ایرانیان

مانده از صفحه ۵۳

راه وعقیده را اظهار کرد . من نمی‌توانم باور کنم که او
بدخواه ما باشد ، اشخاصی که رشته‌های با صفای
همه‌انوازی آنها را نسبت بیکدیگر پیوند داده است
خیرخواه‌ترین اشخاص نسبت بهم خواهند بود .

از تو می‌خواهم از این بعد از بدگوئی نسبت بدمارت
بپرهیزی که این خلاف میل باطنی من است .

دمارت چون چنین دید در برابر شاهنشاه ایران
سرکرفش و تعظیم فرود آورد و گفت شهریار من این
خواست خداوند بزرگ است که پارس را بزرگ و
سرافراز گرداند زیرا بشاهنشاه آن چنین قلبی پاک و
روشن و بزرگوارانه داده که خادمین را بخوبی میشناسد
ودشمن شجاع را مداوا میکند و می‌ستاید از خدایان
خواستارم بمن آن توفیق را بدهد که خود را شایسته
اینهمه کرامت و بزرگواری شاهنشاه ایران بسازم .

درود بر چنین نیاکان با ارج و بزرگواری که از یاد
نام و کارهای آنان خون در رگهای فرزندانشان پس از
قرنها بجوش می‌آید و از غرور سر بآسمان می‌سایند .

پایان

سرافرازیهای شکوهمند تاریخ ایران

مانده از صفحه ۵۷

همچنین اگر کسی با دشمن من از در سازش درآید
بکشتن او فرمان میدهم آنگاه بیمناک و سرافکنده
نگران آخرین سخن کورش ماند . کورش گفت :
داوری کردار ترا بخودت واگذار میکنم ابکار
بگناهان خود اعتراف کرد و سپس افزود : گواهی میدهم
که ارمیستان استانی از ایران است و مردم آن به نژاد
بایران از یک ریشه‌اند . اینک تو شاهنشاهی و من
فرمانبردار تو آنگاه کورش ابکار را بپاداش
راستگویی و اقرار بگناه بخشید و همراهان وی و
زنانشان را که دستگیر کرده بود آزاد کرد و روانه
خانمان خودشان ساخت .

کورش پرسید در اینصورت بچه سبب از پرداخت
مالیات و فرستادن ارتش خودداری کردی . و از این بدتر
آنکه برای ستیزه با آستیاك چند دژ ساختی ؟
ابکارگفت - من میخواستم آزاد باشم و بكام خود
درمسند قدرت و فرمانروائی بنشینم و آنرا پس از خود
برای فرزندانم بارث بگذارم ... کورش گفت ... بدون
شك آزادی نعمتی است بزرگ . اما اگر ماموری نسبت
به فرمانده خود خیانت کند و پیمان بشکند و بدشمنی
با او برخیزد تو او را پاداش میدهی یا بکیفر میرسانی ؟
ابکارگفت - بی گفتگو او را بکیفر میرسانم و

تلاش برای فراگیری بیشتر

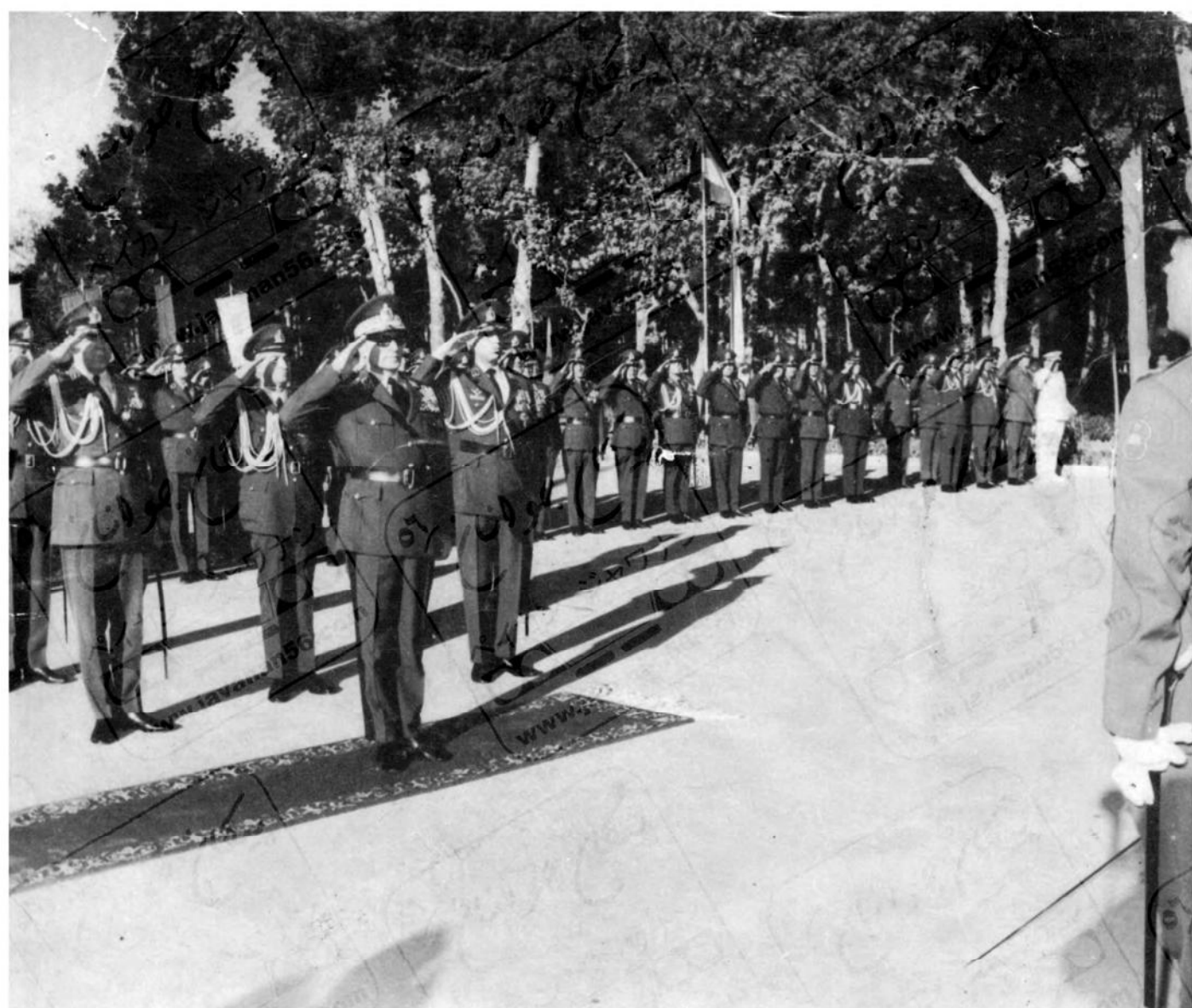
کشورهای پیشرفته صنعتی اکنون توجه
یافته‌اند که تحصیلات دانشگاهی یاحرفه‌ای
برای همه عمر کفایت نمی‌کند. پیشرفت
سریع و گسترده علوم و دانش ایجاب می-
نماید که انسانهای بیدار و هوشیار هم‌چنان
به تکمیل معلومات خود ادامه دهند. درحقیقت
اندروز دبیرین ایرانی ، زگهواره تاگوردانش
بجوی دراین جمله باختر زمین خلاصه شده
است ، همه عمر بیاموز .

بدنبال چنین تشخیصی صنایع و موسسات
بزرگ درآلمان دست بکار گسترش وسایل

در حقیقت کارخانجات و کارگاههای عضو
موسسه انتشارات آلمان سالانه مبلغی بین
پنجاه تا پانصد دویچه مارک برای آموزش
تکمیلی هر یک کارگر یا کارمندشان ، به
موسسه نامبرده می‌پردازند. اعتبارات مذکور
با اطلاع و تصویب موسسات غصبه مصرف
چاپ و انتشار کتب و رساله ها و استفاده از
وسایل مدرن تدریس سمعی و بصری میرسد
تا طبق برنامه های مشخص همه کارگران و
کارمندان فرصت و امکان ادامه تحصیل را
بانطباق پیشرویهای سریع و گسترده دنیای
کنونی داشته باشند .

مطبوعات جهان

وروشهای نوین آموزشی برای کارمندان و
کارگران شده‌اند مجموع این کتب و وسایل
که تحت عنوان ازکارگرتا مدیریت درنمایشگاه
تعلیماتی اروپا «دیداکنا» که چندی پیش
عرضه گردید توجه همه کشورهای پیشرفته
را جلب نموده است .
تعداد چهل و سه کارخانه و موسسه بزرگ
آلمانی عضویت در موسسه انتشارات آلمان
را پذیرفته‌اند و هر یک از آنها اعتبارات اضافی
درحدود دو تا چهار درصد ازجمع مبلغ حقوق
و دستمزدها را بامر تعلیمات تکمیلی آموزشی
و حرفه‌ای کارگران و کارمندان اختصاص داده‌اند.



در تشریف‌فرمائی خدایگان شاهنشاه آریامهر
بزرگ ارتشتاران بدانشکده افسری، فرمانده دانشکده
گزارش نظامی بعرض میرساند.



ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره روابط عمومی

مهناء ارتش شانهشاهی

۱۳۴۹ - ۱۳۰۰

شماره ۷ مهرماه ۱۳۴۹

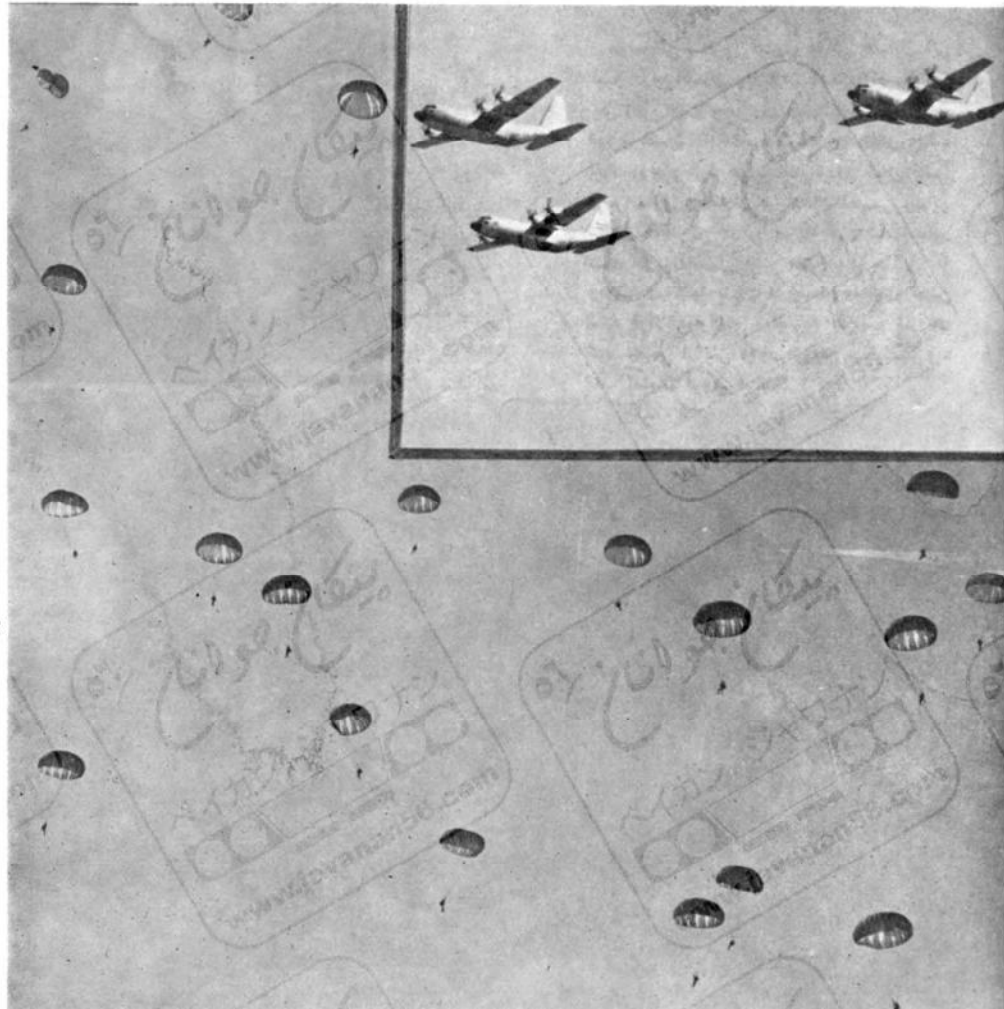
عکس روی جلد از کانون خبرنگاران عکاس
چاپ جلد از چاپخانه بیست و پنجم شهريور

صفحات

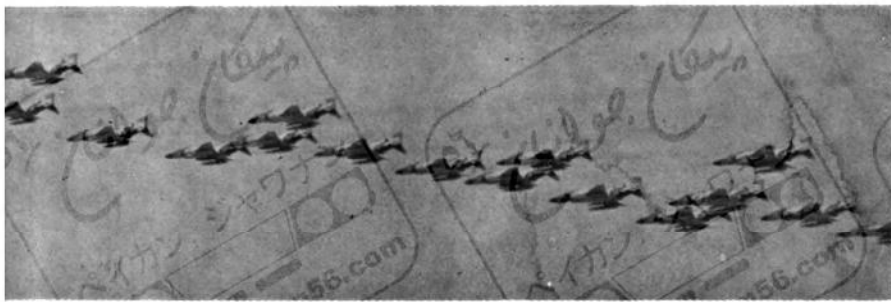
صمیمه



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران و والاحضرت
رضا پهلوی ولایتعهد ایران بادقتی خاص ازعملیات مردان شجاع نیروی
هوایی و پاسداران آسمان ایران دیدن میفرمایند.



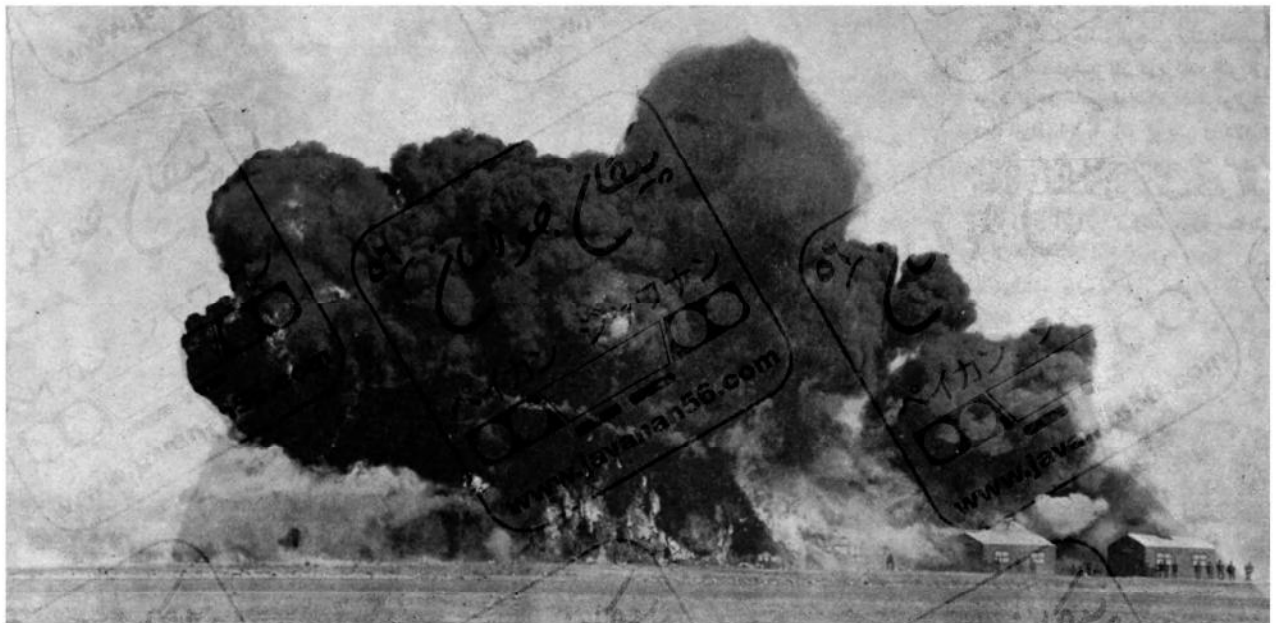
رژه هواپیماها - پرش صدها چتر باز
و فرود آنان ، به آسمان نمایش
منظره بسیار جالب توجهی بخشیده بود.
شرکت دوشیزگان دوبرنامه چتر بازی
مورد توجه خاص تماشاگران قرار گرفت
و با ابراز احساسات لیاقت و دلاوری
بانوان ایران و پیشرفت های تازه
انقلاب سفید شاه و مردم درسالهای اخیر
بهره زنان ایرانی گردیده مورد ستایش
قرار دادند.

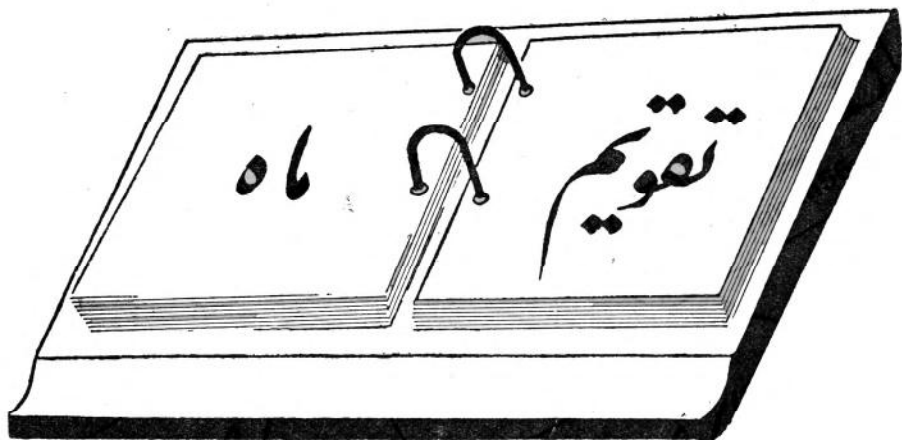


نمایش هوایی سالروز نیروی هوایی شاهنشاهی بارزه نمونه-
هانی از انواع هواپیماهای تاکتیکی این نیرو آغاز گردید، عکس
بالا رژه نمونه هواپیماهای نوع فانتوم را نشان میدهد.

در نمایش هوایی سالروز نیروی هوایی گروهی از چتربازان
ورزیده نیروهای ویژه هواپرد پرش سقوط آزاد ماهرانه‌ای انجام
دادند مسیر چترها که پارچه رنگین زیبایی داشتند بیاری
دود رنگی بچشم میخورد. فرود این عده چترباز که هر کدام میکوشید
درست در نقطه معین واقع در جلوی پایگاه فرودآید همچنان زیادی
را بوجود آورده بود و خوشبختانه اکثراً این چتربازان با ابراز
مهارت به هدفشان رسیدند و در میان تحسین تماشاگران در
نقطه تعیین شده فرودآمدند.

در نمایش سالروز نیروی هوایی خلبانان این
نیرو در تیراندازی و بمباران هدفهای مستقر در
روی زمین دقت و مهارت فوق‌العاده و تحسین-
آمیزی نشان دادند، عملیات پانداژهای جالب
بود که با وجود غرش هواپیماها و صدای شدید ناشی
از تیراندازی و بمباران فریادهای تحسین و غریو
شادی حاضرین در پی هریک از عملیات بطور
اشکار در پهنه آسمان طنین افکن بود. همه تیرها
و بمبها و راکتها با دقت در وسط هدفهای تعیین
شده قرار میگرفتند و با ضربه هر بمب یا راکت
کوه عظیمی از آتش و دود از زمین میجوشید و به
قلب آسمان فرو میرفت.





تهیه و تنظیم از: ستوان یکم ایرج یزدانی

متعهد قرار است امروز در لوزاکا پایتخت کشور افریقائی زامبیا گشایش یابد .

۱۸ شهریور

از جانب شاهنشاه آریامهر بمناسبت سالروز آزادی بلغارستان تلگرام شادباشی برای حضرت گئورگی ترایکوف صدر هیئت رئیسه مجلس ملی جمهوری بلغارستان به صوفیه مخابره شد .

دولت زامبیا نه تن ازشانزده روزنامه نگار خارجی را که در جریان افتتاح کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد بازداشت شده بودند آزاد کرد . این روزنامه نگاران باتهام روش سوء و مفایر با اصول روزنامه نگاری بازداشت شده بودند .

رهبان کشورهای غیر متعهد جهان خروج نیروهای اسرائیل را از سرزمینهای اشغال شده اعراب خواستار شدند .

دزدخوردیکه در آرژانتین میان نیرو های امنیتی این کشور و دسته ای از تروریستها روی داد دوتروریست کشته شدند گفته میشود که این دوتن از جمله ربانندگان رئیس جمهوری پیشین آرژانتین بودند .

۱۹ شهریور

حضرت حاکم فجیره امروز در ملاقاتیکه آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه از ایشان بعمل آورد هدفهای ایران و فجیره را مشترک خواندند . لطفا ورق بزنید

۱۷ شهریور

از جانب شاهنشاه آریامهر بمناسبت حادثه انفجار معدن در نزدیکی کوبته پاکستان تلگرامی دایر بر همدردی برای حضرت ژنرال آقا محمد یحیی خان رئیس جمهوری اسلامی پاکستان به اسلام آباد مخابره شد .

در مسکو روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی نوشت جمهوری متحده عرب ضمن یادداشتی با ولت امریکا اطلاع داده است که نیروهای جمهوری متحده عرب پس از اعلام آتش بس در منطقه کانال سوئز تأسیسات موشکی تازه ای در این منطقه احداث نکرده اند .

در بن اعلام شده که دولت آلمان غربی تصمیم گرفته است برای رهائی مسافران دوهواپیمای رپوده شده بوسیله کماندوهای فلسطین سه کماندورا که در آلمان غربی زندانی شده اند آزاد کند و آنها را به امان بفرستد .

بانو گلدا مایر نخست وزیر اسرائیل ضمن نطقی که از تلویزیون لندن پخش شد گفت: چنانچه دولت آمریکا اجازه دهد که اسرائیل به سبب فقدان وسائل و تدارکات دفاعی دچار شکست شود دیگر هیچگونه تضمینی برای نجات جهان آزاد در برابر تجاوز وجود نخواهد داشت .

سومین کنفرانس سران کشورهای غیر

۱۶ شهریور

از جانب شاهنشاه آریامهر بمناسبت سالروز اعلام استقلال برزیل تلگرام تبریکی به حضرت ژنرال امیلیو گاراستازو مدیچی رئیس جمهوری برزیل به برازیلیا مخابره شده .

مقامات نظامی در سایگون اخبار کردند که در صورت ادامه حملات نظامی سربازان ویتنام شمالی ویت کنگ علیه مواضع متحده در ویتنام جنوبی نیرو های امریکائی ممکن است علیه آنها دست به عملیات انتقامی شدیدی بزنند .

خبرگزاری رویتر به نقل از منابع چریکهای فلسطین گزارش داد که چتربازان اسرائیلی در سته اربید واقع در شمال اردن پیاده شده اند و هم زن مشغول زدو خورد با سربازان اردنی و چریکهای فلسطینی هستند .

یک جت مسافر پر پان امریکن از نوع جمبو جت بوئینگ ۷۴۷ که با صد و هفتاد مسافر و سرنشین بوسیله هفت کماندوی فلسطینی بر فراز اروپا رپوده شده بود ساعت ۲۱۰۴ دقیقه امروز بوقت قاهره در فرودگاه این شهر بر زمین نشست ولی پس از آنکه همه مسافران این هواپیما پیاده شدند کماندوهای فلسطینی آنها را منفجر ساختند .

دولت اردن اعلام کرده که کماندو های فلسطینی بمنزل چند تن از افسران ارتش اردن حمله کرده و آنها را رپوده اند .

خبرگزاری آسوشیتد پرس امروز از قول مقامات عالی‌رتبه دولت آمریکا گزارش داد که در شرایط حاضر تقریباً به هیچوجه امکان مداخله مسلحانه آمریکا برای آزاد کردن مسافران هواپیماهای ربوده شده وجود ندارد.

درواشنگتن با وجود سکوت مقامات رسمی محافل آگاه امروز تأیید کردند که دولت آمریکا تصمیم گرفته است هیجده فروند هواپیمای شکاری مافوق صوت از نوع فانتوم های اف - ۴ به اسرائیل تحویل دهد.

نبرد ویست ویک ایتالیایی دیگر از لیبی به ایتالیا بازگشتند. تاکنون هفت هزار ایتالیایی لیبی را تخلیه کرده‌اند. هنوز هزاران ایتالیایی در لیبی بسر می‌برند.

روزنامه دیلی اکسپرس چاپ لندن امروز در یک مقاله اساسی اظهار کرد که اگر آمریکا و انگلستان در برابر ارااده کماندوهای فلسطینی تسلیم شوند این امر به معنای تسلیم دنیای متعادل در برابر راهزنان هوایی خواهد بود.

۲۰ شهریور

خبرگزاری رویتر از آدانا واقع در ترکیه گزارش داد که ۲۵ فروند از هواپیماهای جنگنده فانتوم امریکائی وارد پایگاه نیروی هوایی آمریکا در ترکیه شده‌اند.

منابع رسمی اردن اعلام کردند که در جریان زد و خورد های اخیر کماندو های فلسطین با نیروهای اردن یکصد و پنجاه نفر درامان و برخی دیگر از شهرهای اردن کشته و پانصد نفر دیگر زخمی شده‌اند.

دولت اردن امروز با صدور یک بیانیه کارمندان و کارگران این کشور را دعوت کرد که کار و فعالیت عادی خود را از سر بگیرند.

وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که یک کارمند سرویس اطلاعات و مطبوعات آمریکا در اردن نیز بوسیله چریکهای فلسطین ربوده شده است.

۲۱ شهریور

شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو باتفاق والاحضرت ولایتعهد عصر امروز از تاسیسات جدید موسسه اطلاعات دیدن کردند.

در بیروت سفارت امریکا این شایعه را که ناوگان ششم امریکا برای مداخله مسلحانه علیه کماندوهای عرب بسواحل لبنان و اسرائیل نزدیک میشود تکذیب کرد.

نیروی دریائی امریکا اعلام کرد که انفجاری در ناوشکن امریکائی (لویس توماس) در آبهای ویتنام جنوبی روی داده است که در نتیجه آن سه ملوان کشته و چند تن دیگر زخمی شدند.

در مکزیکوستی اعلام شد که الکساندر فیلیپوف و گیناوی واستریکوف دو تن از هنرمندان گروه باله موسه‌یف از مکزیک درخواست پناهندگی کرده‌اند.

شصت و دو تن از مسافران سه هواپیمای ربوده شده از جمله ۳۷ امریکائی با یک هواپیمای اردنی وارد قبرس شدند این عده دیروز از طرف کماندو های فلسطین آزاد شده بودند.

دولت سوئیس اعلام کرد که کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان غربی، اسرائیل و سوئیس که در مسئله هواپیما دزدی اخیر کماندو های فلسطین ذینفع هستند به‌کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اطلاع داده‌اند که به کماندوهای فلسطین اطمینان دهده که در اردن مداخله نظامی نخواهند کرد.

۲۲ شهریور

حضرت شیخ محمد بن حمد الشریقی حاکم فجیره نیم ساعت بعد از ظهر امروز باتفاق آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در کاخ سعد آباد به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدند و ناهار را نیز در حضور معظم‌له صرف کردند.

دراورشلم اعلام شد که نیروهای اسرائیل چهارصد و پنجاه تن از اعراب ساکن ساحل

غربی رود اردن و نوار غزه را که در اشغال اسرائیل است دستگیر کرده‌اند.

مانیکا واسالام وزیر کار مالزی که بعنوان نماینده این کشور در کنفرانس سران کشور های غیر متعهد در لوزاکا شرکت داشت امروز اظهار نظر کرد که خروج یک جانبه نیروهای امریکا از ویتنام جنوبی برای امنیت تمام کشورهای حوزه هند و چین خطرناک است.

چین کمونیست شوروی را از این که با آلمان غربی پیمان عدم توسل بزور امضاء کرده است مورد انتقاد قرار داد چین کمونیست ادعا کرده است که پیمان عدم توسل بزور آلمان غربی و شوروی کوششهای شوروی را برای همکاری با آلمان غربی و آمریکا در اروپا آشکار میکند.

دولت انگلستان ضمن انتشار بیانیه‌ای خاطر نشان کرد که انگلستان حاضر است لایا خالد را بعنوان قسمتی از یک راه حل رضایت بخش مسئله بازداشت مسافران و کارکنان سه هواپیمای ربوده شده به یک دولت عربی تسلیم کند.

ویلیام راجرز وزیر امور خارجه آمریکا گفت که دولت امریکا سرگرم مطالعه است که کمکهای اقتصادی جدیدی به اسرائیل بدهد. راجرز مبلغ کمک را ذکر نکرد ولی منابع مطلع در واشنگتن اظهار عقیده میکنند که ممکن است امریکا بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار در اختیار اسرائیل بگذارد. راجرز تأکید کرد که اقتصاد اسرائیل بر اثر جنگ سال ۱۹۶۷ و حالت آماده باش سه سال اخیر صدمه زیاد دیده است.

۲۳ شهریور

خبرگزاری ژاپنی کیودو گزارش داد که ژاپن و شوروی در مورد همکاریهای پر دامنه برای توسعه بنادر سیبری توافق کرده‌اند. بموجب توافق دوطرفه راین برای احداث یک بندر جدید در بندرهای در اختیار دولت شوروی میباشد.

دولت مصر هواپیما - رُدی را سخت مورد سرزنش قرار داد و یادآور شد که: «بودن هواپیما های مسافر بر هدف انقلاب فلسطینی هائیده است و این امر باعث مداخله بیگانگان و - امارات تلافی جویانه اسرائیل علیه اعراب میشود -»

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه رئیس جمهوری تونس به وزیر امور خارجه این کشور که گزارش ماموریت خود در کنفرانس لوزاکار با اطلاع وی می رساند اظهار داشت: تونس به حمایت از برادران فلسطینی ادامه خواهد داد.

رادیو امان اعلام کرد که در ناحیه اربید واقع در شمال اردن کشمکش و تیراندازی میان نیرو های این کشور و کماندو های فلسطینی از سر گرفته شده است. طبق گزارش رادیو امان سربازان اردنی در زد و خورد های منطقه اربید با چریکهای ارتش آزادیبخش فلسطین درگیر شده اند.

کاروان بزرگی از نیروهای دولتی کامبوج در شاهراهی که شهر شمالی کومپونکتوم را به پنوم پن متصل میکند مورد حمله یکدسته پانصد نفری از چریکهای ویتکنک و ویتنام شمالی قرار گرفتند.

۲۴ شهریور

سختگوی کاخ سفید واشینگتن از تأیید این خبر که آمریکا باردیگر تحویل سلاحهای سنگین به یونان را از سر گرفته است خودداری کرد.

مذاکرات سران سه کشور اسلامی شمال غربی افریقا - مغرب - الجزایر و موریتانی از دیشب در پایتخت موریتانی بمنظور اتخاذ رویه در قبال صحرای اسپانیا آغاز شد. ناظران سیاسی برای این اجتماع که تاکنون سابقه نداشته است اهمیت خاصی قائلند اسپانیا در ناحیه صحرای که ذخایر فسفات آن در جهان شهرت دارد ۲۵ هزار سرباز مستقر ساخته است.

مذاکرات آمریکا و ژاپن درباره سرنوشت

پایگاه های نظامی آمریکا در ژاپن پایان یافت.

پلیس اسرائیل اعلام کرد که سه انفجار پی در پی در منطقه ساحلی نتانیا واقع در ۳۲ کیلومتری شمال تل آویو روی داد. سختگوی پلیس اسرائیل گفت در این منطقه تلفات جانی و یا زیان مالی وارد نشده است.

منابع مطلع در لندن گفتند که دولت انگلستان بطور غیر مستقیم اسرائیل را تحت فشار گذاشته است تا عدهای از زندانیان فلسطینی را آزاد کند زیرا عقیده دارد که این اقدام به آزادی گروهانهای اسیر کمک خواهد کرد.

۲۵ شهریور

امروز از جانب شاهنشاه آریامهر به مناسبت سالروز اعلام استقلال مکزیک تلگرام تبریکی بعنوان حضرت (گوستاو و دیاز) از رئیس جمهوری مکزیک به مکزیکوسیتی مخابره شد.

از جانب شاهنشاه آریا مهر به مناسبت وقوع سیل در هند که موجب تلفات جانی و خسارات مالی فراوان شده است تلگرام تسلیتی بعنوان حضرت (وی وی گیری) رئیس جمهوری هند به دلی نو مخابره شد.

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که تا پایان سال جاری کلیه گازهای شیمیایی این کشور از جزیره اوکیناوا خارج خواهد شد. سختگوی وزارت دفاع آمریکا گفت این گاز ها که بعنوان سلاح جنگی شناخته شده اند به یکی دیگر از جزایر اقیانوس آرام منتقل خواهند شد.

رئیس بانک ملی اسرائیل اعلام کرد که ذخایر ارزی این کشور بر اثر واردات روز افزون اسلحه بیش از پیش کاهش یافته است بنابه گزارش رئیس بانک ملی اسرائیل این کشور در حال حاضر معادل چهار صد میلیون دلار آمریکایی ارزش خارجی دارد.

در لندن منابع نزدیک بدولت انگلستان گفتند که با توجه به راهزنی های هوایی به تمام وزیران انگلستان دستور داده شده است

که در سفرهای مخصوص از هواپیما های اختصاصی استفاده کنند.

در زرقاء شهری که در بیست و چهار کیلو متری شمال شرقی پایتخت اردن واقع است باردیگر زد و خورد هایی میان کماندو های فلسطین و واحدهای ارتش اردن روی داد و دوطرف مواضع یکدیگر را با خمپاره و توپخانه زیر آتش گرفتند.

۲۶ شهریور

شاهنشاه آریامهر ظهر امروز آقای نوراحمد خان اعتمادی صدر اعظم افغانستان را در کاخ سعدآباد بحضور پذیرفتند.

سختگوی ارتش کمبوج اظهار داشت سربازان ویتنام شمالی و افراد ویتکنک باعداد امروز ضمن انفجار دوپل دیگر در نزدیکی پنوم پن چهار هزار سرباز دولتی را بدم انداختند و رابطه آنها را با مرکز فرماندهی قطع کردند.

نورالدین آناسی رئیس جمهوری سوریه امروز سفیران جمهوری متحد عرب - لیبی - الجزایر و سودان را در دمشق احضار کرد و خواستار دخالت فوری و مشترک این دولتها و سوریه برای متوقف کردن حملات ارتش اردن علیه کماندوهای فلسطینی شد.

روزنامه نیویورک تایمز در سرمقاله امروز خود نوشته است آمریکا بدون تردید باندازه کافی منافع حیاتی در اردن دارد که بغاطر دفاع از آن حق داشته باشد درصدد حفظ یک رژیم اعتدالی درامان برآید.

۲۷ شهریور

از جانب شاهنشاه آریا مهر به مناسبت سالروز اعلام استقلال شیلی تلگرام تبریکی برای حضرت ادوارد و فری رئیس جمهوری شیلی به سانتیاگو مخابره شد.

یونایتد پرس گزارش داد که وزارت امور خارجه آمریکا حاضر نشد امکان مداخله نظامی آمریکا در اردن را رسماً تکذیب کند.

لطفا ورق بزنید

در سایگون اعلام شد که بمب افکنهای آمریکائی مواضع نیروهای ویتنام شمالی را در نواحی شمالی ویتنام جنوبی بمباران کردند.

۲۸ شهریور

ساعت یازده امروز آقای ویلیام لوس فرستاده ویژه وزیر امور خارجه انگلستان به منطقه خلیج فارس در کاخ سعدآباد بحضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد.

در نیکوزیا سخنگوی نیروهای مسلح انگلستان در فبرس اعلام کرد که پنج هزار نفر تفتگردان دریائی انگلستان از سنگاپور وارد فبرس شده‌اند اما این امر با چنگ داخلی اردن ارتباط ندارد.

در امان ارتشبد مجالی باردیگر به کماندوها اخطار کرد که ارتش اردن اکنون کنترل اوضاع را در دست دارد و میتواند ده برابر بر قدرت آتش خود بیفزاید منتهی برای جلوگیری از تلف شدن افراد غیر نظامی از حمله وسیع خودداری میکند.

روزنامه امریکائی هرازد میامی امروز از قول ریچارد نیکسون رئیس جمهوری امریکا گزارش داد که ایالات متحده یا اسرائیل ممکن است حتی بدون آنکه عراق و سوریه در اردن مداخله کنند برای حفظ رژیم ملک حسین پادشاه اردن علیه کماندهای عرب وارد گاززار شوند.

ناظران مطلع در واشینگتن پیش بینی میکنند که دخالت نظامی احتمالی امریکا در اردن هدف محدودی خواهد داشت و منظور از آن تنها حمایت از ایمنی جان و مال اتباع امریکا در اردن خواهد بود.

۲۹ شهریور

عصر امروز در حضور شاهنشاه آریامهر آئین جشن پایان تحصیلی دومین دوره مدیریت امنیت ملی و نهمین دوره دانشکده ستاد نیروهای مسلح شاهنشاهی در محل دانشگاه پدافند ملی برگزار شد.

گلدامیر نخست وزیر اسرائیل در يك مصاحبه تلویزیونی که در امریکا پخش شد

گفت هرگاه ایالات متحده کمکهای نظامی و اقتصادی بیشتری به اسرائیل ندهد این کشور ناچار خواهد شد بمواقع موشکی جمهوری متحده عرب در منطقه کانال سوئز حمله کند.

اوضاع اردن همچنان بحرانی است زد و خورد در نقاط مختلف این کشور ادامه دارد و هنوز گزارشی از رعایت آتش پس گه فرماندار نظامی اردن دیشب اعلام کرده بود نرسیده است.

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده است که امریکا بطور کامل ارسال اسلحه به یونان را از سر گرفته است.

مقامات پلیس تایلند گزارش دادند که تروریستهای کمونیست در ایالت شمالی پچایون در تایلند از مخفیگاه خود يك واحد کوچک گشتی ارتش تایلند را مورد حمله قرار دادند و پنج سرباز تایلندی را کشتند.

۳۰ شهریور

از جانب شاهنشاه آریا مهر بمناسبت جلوس پادشاه جدید مائزی تلگرام تبریکی بعنوان اعلیحضرت عبدالعلیم معظم شاه به کوالالامپور مخابره شد.

دولت کویت رسماً اعلام کرد که کمک مالی خود را به اردن که سالانه بالغ بر ۴۸ میلیون دلار میشود قطع کرده است این تصمیم در جلسه فوق العاده کابینه کویت اتخاذ شد لیبی نیز کمک مالی خود را به اردن متوقف کرده است.

رادیو امان گزارش داد که تیپ چهارم زدهی ارتش اردن در یک نبرد نابرابر با واحدهای نیرومند تانک ارتش سوریه در اربد درگیر شده است اما شجاعانه در برابر نیروی مهاجم پایداری میکند.

جریکهای کمونیست تایلند سه تن از مقامات عالیتریه دولت و ارتش این کشور را در استان شمالی چیانگ رای کشتند.

۳۱ شهریور

شاهنشاه آریامهر امروز پرواز کیهانی

موفقیت آمیز (لونا - ۱۶) شوروی را طی تلگرامی بحضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبریک گفتند.

با اینکه پادشاه اردن به نیروهای آنکشور دستور داد که از ساعت ۴ و ۱۸ دقیقه دیروز بوقت تهران در امان از تیراندازی دست بردارند هنوز گزارشی درباره قطع زد و خورد های امان نرسیده است.

نیروهای کامبوج دیکی از پیردانه ترین عملیات تعرضی خود از آغاز چنگ شهری را که در ۸۳ کیلومتری شمال پنوم پن پایتخت کامبوج قرارداد تصرف کردند.

دولت جمهوری متحده عرب رسماً با امریکا اخطار کرد که هرگونه مداخله در اردن يك اقدام خصمانه علیه تمام اعراب تلقی خواهد شد.

منابع نزدیک بدولت انگلستان همچنین اطلاع دادند که این دولت درخواستی از جانب پادشاه اردن دریافت کرده است. منابع لندن گفتند که درخواست پادشاه اردن جنبه کلی داشته و در آن مداخله نظامی مطرح نشده است.

۱ مهر

شاهنشاه آریامهر سالروز جشن ملی عربستان سعودی را طی تلگرامی با اعلیحضرت ملک فیصل پادشاه آن کشور شادباش گفتند.

دولتهای عربی برای پایان دادن به زد و خوردهای اردن که همچنان ادامه دارد يك هیئت عالی چهار نفری به امان فرستادند. ریاست این هیئت را ژنرال جعفر نمیری رئیس کشور سودان برعهده دارد.

دولت امریکا رسماً اعلام کرد که دستور منع ارسال اسلحه سنگین به یونان را لغو کرده.

جبرازان ارتش کامبوج امروز دهکده ای را که در ۹۲ کیلومتری شمال پنوم پن قرار دارد مورد حمله قرار دادند تا چند گردان از

يك كوشش نافرجام برای ربودن يك هواپیمای مسافری شرکت کرده بود ادامه خواهد داد.

۴ مهر

شاهنشاه آریامهر امروز در کاخ سعدآباد آقای اسکاجکف رئیس (کمیته دولتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی برای روابط اقتصاد با کشورهای خارج) را بحضور پذیرفتند.

سختگوی نظامی امریکا در سایگون اظهار داشت واحدهای توپخانه ویتنام شمالی که در خاک ویتنام جنوبی سنگر گرفته‌اند در ۲۴ ساعت گذشته چهار هلیکوپتر امریکائی را سرنگون کرده‌اند.

ملك حسين پادشاه اردن در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه لوموند چاپ پاریس گفت که دستگاه اطلاعات وضد جاسوسی اردن حقایق اوضاع اردن را آنطوریکه باید و شاید بوی گزارش نکرده بود.

دیوید پاکارد معاون وزارت دفاع امریکا در مصاحبه ای اعلام کرد که دولت امریکا در نظر دارد بجای اسلحه و تجهیزات که اردن در جنگهای نه روز اخیر از دست داده است سلاحهای جدیدی باین کشور تحویل دهد.

مفسر نظامی رادیو اسرائیل ضمن تفسیر وقایع اردن گفت که هرگاه دولت لبنان برای سرکوب کردن چریکهای فلسطین اقدام نکند، آنچه در اردن روی داد در لبنان نیز تکرار خواهد شد.

رادیو امان اعلام کرد که در اردن دولت جدیدی بریاست احمد طوقان تشکیل شده است نخست وزیر جدید اردن يك غير نظامی فلسطینی است ولی در کابینه جدید پستیهای مهم وزارت دفاع و وزارت کشور و چند پست دیگر به نظامیان سپرده شده‌است. رویه‌رفته شش تن از افسرانی که در دولت نظامی قبلی عضویت داشتند در دولت جدید باقی مانده‌اند. سرتیپ محمد داود نخست وزیر دولت نظامی پنجاهشنبه گذشته استعفا کرد و از دولت لیبی پناهنده‌گی سیاسی خواست.

لطفاً ورق بزنید

۳ مهر

ژنرال محمد داود رئیس دولت نظامی اردن که اینک در قاهره بسر میبرد اذسعت خود استعفا کرد ژنرال داود در استعفانامه‌اش نوشته است من میخواهم استعفا کنم تا راه برای تشکیل يك دولت وحدت ملی در اردن باز شود.

ژنرال موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل در يك مصاحبه تلویزیونی در تل آویو گفت امینوار است که ملك حسين در جنگ فدیلی اردن پیروز شود.

نخست وزیر کره جنوبی که اینک از ویتنام جنوبی دیدن میکند امروز تمام اوقات خود را در میان افسران و سربازان کره جنوبی که در جنگ ویتنام شرکت دارند گذراند وی در اجتماع افسران کره جنوبی پیامی را که از طرف رئیس جمهوری ویتنام جنوبی فرستاده شده بود قرائت کرد.

وزیر امور خارجه بولیوی که اینک در نیویورک بسر میبرد گفت سازمان ملل متحد باید نمایندگان هر دو چین را بپذیرد.

روزنامه نیویورک تایمز در شماره امروز خود به بحث پیرامون منطقه عربی خاور میانه پرداخته و نوشته است رفتار شوروی و جمهوری متحده عرب در توسعه پایگاههای موشکی در ساحل کانال سوئز هیچگونه کمکی به استقرار صلح در منطقه عربی خاور میانه نخواهد کرد.

رادیو امان گزارش داد که نیروهای مسلح اردن موفق شده‌اند ۱۵ تن از مسافران سه هواپیمای غربی را که به اسارت چریکهای عرب درآمده بودند آزاد کنند.

در لندن سختگوی وزارت امور خارجه انگلستان اظهار داشت که سفیر بریتانیا در امان گزارش مربوط به آزادی گروهی از مسافران هواپیماهای ربوده شده را تأیید کرده است.

با اینحال سختگوی وزارت امور خارجه انگلستان گفت این دولت همچنان به بازداشت لیلا خالد دختر چریک عرب که در

نیروهای دولتی کامبوج را از محاصره جنگجویان ویت کنگ و ویتنام شمالی نجات دهند.

ستاد فرماندهی نیروهای امریکاندر سایگون اعلام کرده که در يك کشتی باری امریکائی از بنادر ویتنام جنوبی انفجار شدیدی رویداد که گمان میرود بدست چریکهای ویت کنگ پدید آمده باشد.

۲ مهر

شاهنشاه آریامهر در کاخ سعدآباد مارشال عبدالرحیم خان فرمانده نیروی هوائی پاکستان را بحضور پذیرفتند.

روزنامه اسرائیلی هآرتز ضمن بحث درباره اوضاع اردن نوشته است آنچه که دیروز در این کشور صورت گرفت پایان يك مرحله از جنگ داخلی است زیرا هیچکس بدستی نمیداند نیروهای سوریه به چه سبب از اردن بیرون رفته اند.

يك کاروان از اتومبیلهای صلیب سرخ تلاش نمیدانهای بخرج دادند تا برای نجات زخمی شدگان به اردوگاه آوارگان فلسطین معروف به اردوگاه وحدت نزدیک شوند. اما تیراندازی چریکها از این اردوگاه پیشروی کاروان مذکور را غیرممکن ساخت.

مارشال چالرم مسئول امور هواپیمائی کشور تایلند اعلام کرده که از این پس عدهای از افراد مسلح و تعلیم دیده که میتوانند در زدو خورد تن به تن بر حریف پیروز شوند در هر يك از هواپیماهای مسافری گماشته خواهند شد تا امنیت هواپیما و مسافران را تضمین کنند.

گلدن مایر نخست وزیر اسرائیل در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت که ارتش اسرائیل هرگز به مرزهای قبل از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ عقب نشینی نخواهد کرد.

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه بنقل از خبرگزاری لیبی سرهنگ قذافی رئیس کشور لیبی تقاضای ژنرال محمد داود نخست وزیر دولت نظامی اردن را مبنی بر ملاقات با یکدیگر رد کرده است.

۵ مهر

منابع نظامی اسرائیل گزارش دادند واحد های گشتی ارتش لبنان در مرز اسرائیل بمیزان بیسابقه ای افزایش یافته اند این منابع اضافه کردند که اقدامات ارتش لبنان نشان میدهد که این کشور خود را برای روبرو شدن با حوادثی نظیر حوادث اردن آماده کرده است .

وزارت امور خارجه الجزایر ضمن بیانیه ای نیروهای مسلح اردن را به حمله بسفارت الجزایر در امان متهم کرد در این بیانیه همچنین گفته شده است که نظامیان اردن کاردار سفارت الجزایر را زندانی کرده اند.

یک مقام کاخ سفید واشینگتن امروز اظهار داشت که مسافرت ریچارد نیکسون رئیس جمهوری امریکا به اروپا ارتباطی بحوادث اردن ندارد .

پلیس لندن ۱۱ نفر از کسانی که در لندن به پشتیبانی سازمانهای فلسطین مقابل سفارت اردن دست بتظاهرات زده بودند بازداشت کرد .

۶ مهر

بدنبال آزاد شدن کلیه مسافران هواپیما های روبروده شده بوسیله کماندوهای فلسطین منابع غربی اعلام کردند که ظرف ۴۸ ساعت آینده هفت کماندو زندانی در آلمان غربی - انگلستان - سوئیس آزاد خواهند شد .

کمیسون عربی مامور مراقبت بر اجرای آتش بس اردن دیشب در اعلامیه ای که از رادیو امان پخش شد از سربازان اردن و کماندوهای فلسطین خواست تا آتش بس را کاملا رعایت کنند .

مدیرکل وزارت امور خارجه اسرائیل در یک مصاحبه مطبوعاتی در اورشلیم گفت موافقتنامه ای که در قاهره میان پادشاه اردن و رهبر سازمان فلسطین امضاء شد ضربه دیگری بر طرح صلح امریکا وارد کرده است.

جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عرب برائریک حمله قلبی درگذشت و مرگ

او بوسیله معاونش انور سادات رسماً از رادیو قاهره اعلام شد .

۷ مهر

بمناسبت عیدسعیتبعث حضرت رسول اکرم صلیاله علیهواله وسلم طبق معمول همه ساله مجلس پذیرائی باشکوهی از طرف دربار شاهنشاهی ترتیب یافت .

بمناسبت عیدبعث حضرت ختمی مرتبت محمدبن عبدالله صلیاله علیه واله وسلم پیامبر بزرگ اسلام ازطرف شرکت کنندگان درکنگره انجمنهای استان و شهرستان تلگرام تبریکی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر مخابره شد .

ازساعت نه بامداد امروز مراسم سلام عید سعید مبعث حضرت رسول اکرم در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در کاخ گلستان آغاز شد و این مراسم تا ساعت ۱۲ وربع ادامه یافت .

از جانب شاهنشاه آریا مهر بمناسبت درگذشت حضرت جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عرب تلگرام تسلیتی بقاهره مخابره شد .

بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نظر به عوالم مودت بین دوکشوردوست و همکیش ایران و مصر دربار شاهنشاهی بمناسبت درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عربی بمدت سه روز عزادار ودراین مدت درفش شاهنشاهی وپرچمهای دولتی نیمه افراشته خواهد بود .

بمناسبت درگذشت ناصر درشهر اورشلیم که تحت اشغال اسرائیل است ۱۰۰۰ تن از اعراب ساکن این شهر تظاهراتی برپا کردند. این تظاهرات بدون آنکه واقعه مهمی رخ دهد پس از مدتی پایان یافت وتظاهر کنندگان آن پراکنده شدند .

ریچارد نیکسون رئیس جمهوری امریکا که اینک از ناوگان ششم این کشور دین می کنند درناو فرماندهی ناوگان ششم اظهار داشت - قدرت نظامی ونفوذ سیاسی ایالات

متحده هرگز مانند امروز خوب وموتر مورد استفاده قرار نگرفته است .

۸ مهر

عصر امروز درپیشگاه شاهنشاه آریامهر آئین پایان آموزش بیست وسومین دوره دانشکده فرماندهی وستاد برگزار شد .

پیش ازظهر امروز در پیشگاه علیاحضرت شهبانو جلسه کمیته سال بین المللی تعلیم وترتیب در کاخ سعدآباد تشکیل شد .

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست کمیته ملی المپیک ایران عصر امروز جواز تیراندازان گارد شاهنشاهی را که در مسابقه های سازمان همکاریهای عمران منطقه ای به پیروزیهای درخشانی رسیده اند به آنان اعطاء کردند.

آقای هویدا نخست وزیر بعد از ظهر امروز در راس یک هیئت مهم سیاسی ومطبوعاتی برای شرکت در مراسم تشییع جنازه عبدالناصر رهبر فقید جمهوری متحده عرب وارد قاهره شدند .

در سایگون اعلام شد که ارتش امریکا امروز شانزده هلیکوپتر بزرگ حمل و نقل از نوع چینوک به نیروی هوائی ویتنام جنوبی تحویل داد این نخستین بار است که نیروی هوائی ویتنام جنوبی باینگونه هلیکوپترها مجهز میشوند .

مقامات واشینگتن گفتند که گزارشهای مربوط به احداث یک پایگاه زیر دریائی اتمی در کوبا بوسیله شوروی موجب نگرانی دولت امریکا شده است .

۹ مهر

بمناسبت چهل و هفتمین سالروز تولد والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی از بامداد امروز دفتری در کاخ ایشان بازبوده عده زیادی از شخصیتهای داخلی وخارجی آنرا امضاء کردند .

که نیروهای دولت لانوس خود را برای دست زدن به عملیات نظامی پرداخته داری آماده کرده اند .

سرد فرمادهای نیروهای آمریکا در سایگون اعلام کرد که بر اثر سقوط یک هلیکوپتر آمریکایی در مشرق سایگون هفت نفر کشته شدند و یک نفر زخمی شد .

در خیابانهای قاهره هزاران نفر از مردم این شهر تظاهراتی برپا کردند . تظاهر کنندگان شعارهایی در پشتیبانی از آزاد کردن سرزمینهای اشغال شده عرب بوسیله اسرائیل میدادند .

۱۲ مهر

برنامه تهرین عملیات تیپ نیروهای ویژه هوا بر دنیروی زمینی شاهنشاهی ساعت ده امروز در پیشگاه شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشداران در منطقه علی آباد قم برگزار شد .

دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو بهانه ظهر امروز اعلام داشت که هیچان واستقبال مردم برای کمک به ستمدیدگان جنگهای داخلی اردن و پاسخ بدعوتی که بانوی اول مملکت در این زمینه بعمل آورده اند قابل ملاحظه و بیسابقه است .

هفته سرطان از امروز آغاز شد و شهبانوی ایران عصر امروز ضمن شرکت در مراسمی که به همین مناسبت در محل شهبانه روزی شماره پنج جمعیت خیریه فرح پهلوی برگزار شد بیاناتی ایراد فرمودند .

والا حضرت همایون ولایتعهد پس از فراغت از دبستان ساعت شانزده و پانزده دقیقه امروز باتفاق والا حضرت شاهدخت فرحناز والاحضرت شاهپور علیرضا پهلوی در سر پل تجریش حضور یافتند و چهارده قلم مواد مختلف خوراکی که شامل آرد ، جای ، غسل ، کمپوت و سایر مواد خوراکی بود به جادر مخصوص جمع آوری اعانات برای کمک به ستمدیدگان جنگهای داخلی اردن هاشمی مرحمت گردنورسید دریافت داشتند .

لطفا ورق بنزید

وینتام شمالی و ویتکنک نیاز غیر قابل انکار دارد .

واحد های هوا بر د آمریکا امروز در استان بین دین واقع در مرکز وینتام جنوبی یکی از بزرگترین مراکز تجمع جنگجویان وینتام شمالی حمله کردند و در نزدیکه نزدیکه سه ساعت طول کشید بیست و سه نفر از آنها را کشتند .

۱۱ مهر

از جانب شاهنشاه آریامهر در پاسخ عریضه تبریک آقای حسن زاهدی وزیر کشور و رئیس نخستین کنگره اعضای انجمنهای شهرستان و استان دستخط همایونی شرفصدور یافت .

هیئت امنای گردآوری آغانه برای آسیب دیدگان اردن هاشمی بامداد امروز در محل دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو تشکیل شد و در مورد چگونگی گردآوری اعانات مردم تصمیم هائی گرفت .

نه پزشک فرانسوی که برای شرکت در کنگره بین المللی مامانی دانشگاه اصفهان بایران آمده اند عصر امروز بحضور شهبانو رسیدند .

آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر امشب از سفر قاهره بتهران بازگشتند .

آقای هویدا نخست وزیر امروز پیش از ترک قاهره در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در پایتخت مصر اظهار داشتند که رهبران جمهوری متحده عرب در ملاقاتهای ۴۸ ساعت اخیر خود با ایشان احساسات و احترام عمیق خود را نسبت بشاهنشاه آریامهر و ملت ایران ابراز داشتند و از تجدید روابط ایران و جمهوری متحده عرب اظهار خوشوقتی کردند .

تزارش رسیده از هنگکنگ حاکیست که کونیستهای پاتن لائو آمریکا و دولت لانوس را به توسعه دادن دامنه جنگ در لانوس متهم کردند در بنیانه پاتن لائو ادعا شده است

دو هزار و چهار صد هفتاد و سه عضو نخستین کنگره بزرگ انجمنهای شهرستان و استان عصر امروز در پایان کار کنگره خود در کاخ مرمر اجتماع کردند و طی مراسم با شکوهی لوحه زرین یادبود را برای تقدیم بحضور شاهنشاه درموزه پهلوی قرار دادند .

بمناسبت در گذشت جمال عبدالناصر . امروز دولت شوروی دستور داد که در سراسر این کشور پرچمها بحال نیمه افراشته در آید .

پیش از ظهر امروز در قاهره مراسم تشییع جنازه عبدالناصر رهبر فقید جمهوری متحده عرب برگزار شد .

۱۰ مهر

شاهنشاه آریامهر در پاسخ تلگرام تبریک شهردار پایتخت بمناسبت عید مبعث صحن ابرار خرسندی مقرر داشتند توجیهات و عنایات خاصه معظمه به عموم ساکنان پایتخت ابلاغ شود .

آقای انور سادات کفیل ریاست جمهوری متحده عرب ضمن ملاقاتی با آقای هویدا نخست وزیر در قاهره از ایشان درخواست کرد که مراتب سپاس و حق شناسی دولت و ملت مصر را بخاطر همدردیهای محبت آمیز شاهنشاه ایران در ضایعه درگذشت رهبر فقید جمهوری متحده عرب بهمعظمه معروض دارند .

کنگره آمریکا یک اعتبار نوزده میلیارد و نهصد میلیون دلاری را برای وزارت دفاع این کشور تصویب کرد که به موجب این لایحه یوزارت دفاع آمریکا اجازه داده شده است که سلاحهای مورد نیاز ارتش اسرائیل را با قسط باین کشور بفروشد .

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که چهار ناوشکن دیگر به ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه پیوسته اند .

کونون ویک وزیر امور خارجه کامبوج امروز اعلام کرد که کشور وی به حمایت نیروی هوایی آمریکا در جنگ بر ضد نیروهای

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای شرکت در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مراسم بیست و پنجمین سال تاسیس این سازمان وارد نیویورک شدند.

ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در سایگون اعلام کرده فعالیت رزمی نیروهای ویتنام شمالی و ویتکنک در نواحی شمالی ویتنام جنوبی افزایش یافته و در نبرد های این نواحی پنج آمریکایی کشته و هشت تن زخمی شده اند.

وزیر اطلاعات اردن در یک کنفرانس مطبوعاتی در امان گفت که تلفات زدوخوردهای ده روزه در امان و زرقا از هفتصد کشته و هزار و سیصد زخمی بیشتر نیست.

معاون نخست وزیر مالزی امروز گفت این کشور باید با چین کهونیست روابط سیاسی برقرار کند.

۱۳ مهر

سالروز میلاد باسعادت حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام عصر امروز از طرف امور اجتماعی دربار شاهنشاهی بطور با شکوهی جشن گرفته شد.

شاهنشاه آریامهر ساعت ۱۷ امروز آقای محمد امان وزیر دارائی افغانستان را در کاخ سعد آباد بحضور پذیرفتند در این شرفیابی آقای سردار اسدالله سراج سفیر افغانستان در دربار شاهنشاهی نیز حضور داشت.

مراحم و عنایات شاهنشاه آریامهر عصر امروز در تبریز به بازماندگان شهید راه وطن ابلاغ شد.

علیا حضرت شهبانو پیش از ظهر امروز شیرخوارگاه نوین یادسازمان تربیتی شهرداری تهران را گشودند.

بدنبال موافقت کماندوهای فلسطین با دولت اردن برای اجرای آتش بس در نواحی

شمالی این کشور اقدامات غیر نظامی اقدامات خود را برای بازگرداندن اوضاع نواحی مذکور بحال عادی آغاز کردند.

مجلس ملی و سنای کامبوج در یک جلسه مشترک باتفاق آراء تصویب کردند که در کامبوج جمهوری اعلام شود.

۱۴ مهر

پیش از ظهر امروز چهارمین اجلاسیه دوره پنجم قانونگزاری سنابویست و دومین دوره قانونگزاری مجلس شورایی در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو گشایش یافت.

هیئت امنای گردآوری اعانات برای آسیب دیدگان اردن هاشمی امشب اعلام کرد که استقبال مردم سراسر کشور از دعوت شهبانو برای کمک به برادران و خواهران جنگ زده اردن کاملاً بی سابقه بود.

کمیته اجرایی حزب اتحادیه سوسیالیست عرب در جلسه خود انور سادات کفیل ریاست جمهوری متحده عرب را بعنوان نامزد این حزب جهت تصدی مقام ریاست جمهوری متحده عرب تعیین کرد.

ساعت چهارده و سی دقیقه امروز بوقت تهران ژنرال پمپینو رئیس جمهوری فرانسه برای یک دیدار رسمی از شوروی وارد مسکو شد.

ویتکنگها مرکز استان گومپونگ چانانک را در شمال کامبوج آماج حملات سخت توپخانه قرار دادند و در یکی دیگر از نواحی شمال کامبوج قسمتی از یک واحد بزرگ ضربتی ارتش این کشور را محاصره کردند.

مارشال تیتو رئیس جمهوری یوگسلاوی بمنظور دیدار رسمی از بلژیک - بلگراد را بسوی بروکسل ترک گفت دیدار مارشال تیتو از بلژیک بدعوت اعلیحضرت بودوئن پادشاه این کشور صورت میگیرد این دیدار سه روز بطول خواهد انجامید.

ژنرال آلفرد اوواندو رئیس جمهوری بولیوی سرانجام در مقابل فشار نظامیانیکه برضد او شورش کرده بودند تسلیم شد و از سمت ریاست جمهوری استعفا کرد.

۱۵ مهر

عصر امروز در پیشگاه شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران مراسم پایان تحصیلی دانشجویان دانشکده افسری و ژندارمری کل کشور - نیروی هوائی شاهنشاهی و دانشگاه پلیس و آئین سوگند و اعطاء سردوشی دانشجویان دانشکده افسری برگزار شد.

علیا حضرت شهبانو ساعت هفده و ۱۵ دقیقه امروز هیئت مدیره جدید انجمن آرشیستک های ایران را در کاخ سعدآباد بحضور پذیرفتند.

ژنرال دوگل رئیس جمهوری سابق فرانسه در جلد اول خاطراتش که امروز در پاریس انتشار یافت از شاهنشاه آریامهر بعنوان رهبری واقع بین و دوراندیش ستایش کرد.

وزارت امور خارجه اعلام کرد که والاحضرت گرانوگ لوگزامبورگ ریاست عالیته کمیته برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران را در کشور خویش بعهده گرفتند.

منابع مطلع در بیروت گفتند کماندوهای فلسطین هنوز از پایتخت اردن خارج نشده اند باین ترتیب دولت اردن و همچنین کمیته نظارت بر آتش بس نتوانسته اند موافقت نامه ای را که در قاهره امضاء شد بطور کامل بموقع اجرا بگذارند.

کوشش عده ای از افسران محافظه کار ارتش بولیوی برای بدست گرفتن قدرت در این کشور با شکست مواجه شد و نیروهای ژنرال خوزه تورس که یک ژنرال دست چپی معرفی شده است کاخ ریاست جمهوری را تصرف کردند.
